تاریخ ارمنستان

جلد دوم

دکتر ک.س. خداوردیان

پرفسور ک.خ. سارکسیان

پرفسور ت.خ. هاکوبیان

پرفسور آ.ک. آبراهامیان

آکادمیسین پرفسور س. ت. یرمیان

آکادمیسین پرفسور م.ک. نرسیسیان

ترجمهٔ ا. گرمانیک

تاریخ ارمنستان

جلد دوم

از آغاز سده نوردهم تا سال ۱۹۷۱

پرفسور ک.خ. سارکسیان — آکادمیسین پرفسور س. ت. یرمیان
پرفسور ت.خ. هاکوپیان — آکادمیسین پرفسور م.ک. نرسیسیان
پرفسور آ.ک. آبراهامیان — دکتر ک.س. خداوردیان

ترجمه ا.گرمانیک

تهران ۱۳۶۰

فهرست مطالب

بخش سوم ـ ارمنستان در دوران کاپیتالیسم

فصل شانزدهم ـ الحاق ارمنستان شرقی به روسیه ۳۰۷

۱ـ ارمنستان در اوایل قرن ۱۹ ۳۰۷

۲ـ رهایی ارمنستان از یوغ خانها ۳۱۶

۳ـ شرکت دکابریستها و داوطلبین ارمنی در آزادسازی ارمنستان ۳۲۷

۴ـ مرحله جدیدی در تاریخ خلق ارمنی ۳۳۳

فصل هفدهم ـ اوضاع ارامنه غرب در نیمه دوم سده ۱۹ ۳۳۷

۱ــ تشدید ستم ملی ۳۳۷
۲ــ جنبشهای رهایی‌بخش درسالهای ۱۸۷۰ــ۱۸۶۰ ۳۳۹
۳ــ منشاء مسئله ارامنه ۳۴۶
۴ــ کشتار ارامنه غرب در طول سالهای ۱۸۹۰ ۳۵۳

فصل هجدهم ــ فرهنگ در قرن نوزدهم ۳۵۹
۱ــ سالهای اوجگیری فرهنگی ۳۵۹
۲ــ ادبیات ، هنر ۳۶۱
۳ــ جرائد ، نقادی ۳۷۱
۴ــ مدرسه ، علوم ۳۷۶

فصل نوزدهم ــ ارمنستان در آغاز قرن بیستم ۳۸۱
۱ــ زندگی اقتصادی و اجتماعی ــ سیاسی در ارمنستان شرقی ۳۸۱
۲ــ جنبش انقلابی در سالهای ۱۹۰۷ــ۱۹۰۵ ۳۹۱
۳ــ اوضاع ارمنستان غربی ، مسئله ارامنه در سالهای ۱۹۱۴ــ۱۹۱۲ ۳۹۵

فصل بیستم ــ ارمنستان در سالهای جنگ جهانی اول ۴۰۱
۱ــ عملیات جنگی جبهه قفقاز در سالهای ۱۹۱۶ ــ۱۹۱۴ ۴۰۱
۲ــ کشتارهای جمعی ارامنه غرب در سالهای ۱۹۱۵ــ۱۹۱۴ ۴۰۶
۳ــ ارمنستان در دوران انقلاب فوریه ۴۱۴

بخش چهارم ــ ارمنستان بعنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی

فصل بیست و یکم ــ انقلاب اکتبر و برقراری حکومت شوروی در ارمنستان ۴۱۷

۱ــ پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر:
اوضاع ماوراء قفقاز ۴۱۷
۲ــ ارمنستان در سالهای ۱۹۲۰ــ۱۹۱۸ ۴۲۳
۳ــ جنبش انقلابی در سالهای ۱۹۲۰ــ۱۹۱۹ ۴۲۸
۴ــ استقرار حکومت شوروی در ارمنستان ۴۳۱
۵ــ اولین گامهای حکومت شوروی ۴۳۷

فصل بیست و دوم ــ دوران سازندگی سوسیالیستی ۴۴۷
۱ــ دوران سازندگی سوسیالیستی ۴۴۷
۲ــ تجدید بنای سوسیالیستی اقتصاد مردمی ــ
پیروزی سوسیالیسم ۴۵۲
۳ــ ترقی فرهنگی ارامنه شوروی ۴۶۲

فصل بیست و سوم ــ سالهای جنگ کبیر میهنی ۴۷۳
۱ــ در جبهه‌های جنگ ۴۷۴
۲ــ تلاشهای فداکارانه در پشت جبهه‌ها ۴۸۷
۳ــ نیروهای مترقی ارامنه خارج در مبارزه
علیه فاشیسم ۴۹۱

فصل بیست وچهارم ــ ارمنستان شوروی امروز ۴۹۵
۱ــ سالهای پس از جنگ (۱۹۵۸ــ۱۹۴۶) ۴۹۵
۲ــ در مسیر سازندگی کمونیستی (۱۹۷۰ــ۱۹۵۹) ۵۰۰
۳ــ موفقیتهای جدید فرهنگ ارمنی شوروی ۵۰۸
۴ــ دورنماهای نو ۵۲۵

جدول وقایع مهم بترتیب تاریخ وقوع ۵۳۲

بخش سوم

ارمنستان در دوران کاپیتالیسم

فصل شانزدهم

الحاق ارمنستان به روسیه

۱ـ ارمنستان در اوایل قرن نوزدهم

در آغاز قرن ۱۹ ، مانند سه قرن پیش ، ارمنستان بین دو حکومت مستبد شرق نزدیک یعنی ترکیه عثمانی و ایران شاهی تقسیم شده بود .

ارمنستان شرقی (نواحی شمال شرقی ارمنستان ـ زانگزور ، شیراک ، دریاچه سوان ، لوری ـ پامباک و غیره ـ) تحت سلطه ایران قرار داشت . در این بخش از ارمنستان و در آذربایجان و گرجستان همسایه ، در اواخر سده هجدهم چندین حکومت فئودالی وجود داشت ، نظیر خان نشین‌های ایروان ، نخجوان ، قره باغ ، گنجه (گانزاک) و باکو ، سلطنت‌های نیمه‌مستقل در گرجستان ، حکومتهای کوچک شیراک ، غازان و پامباک .

مرکز و قسمت اعظم ارمنستان شرقی جزو خان‌نشین ایروان بودند و به نسبت بزرگی و نزدیکی به مرز،سردارنشین (مرزبانی) و خان آن سردار نیز نامیده می‌شد . خان‌نشین ایروان به ۱۵ محل (ناحیه) تقسیم شده بود که زانگیباسار ، و دیباسار ، سورمالو ، سردارآباد ، تالین ، آپاران ، داراچیچاک ،

گیوگچا و غیره از جمله آنها بودند . از شهرها و دهات قابل ذکر ، ایروان ، اجمیادزین ، سردارآباد ، آشتاراک ، کاربین و باش ـ آپاران را می‌توان نام برد .

در راس اداری این قلمرو ، خان قرار داشت که از طرف شاه منصوب می‌گردید و حکومت وی عملاً" بدون محدودیت بوده ، تمام کارها راخودسرانه انجام می‌داد . محلها بوسیله میربلوک‌ها ، اشخاص اشرافی منتخب خان ، اما دهات توسط رؤسای ده ـ که نام کیوخوا یا کدخدا را داشتند ـ اداره‌می‌شدند. اداره کنندگان شهرها ـ کلانتر ، مامورین امنیت شهر ـ فراش و سپاهیان ـ سرباز نامیده می‌شدند . برای اداره کارهای خان مقامهای متعددی وجود داشتند ، نظیر خزانه‌دار (رئیس امور مالی) ، صندوقدار ـ آغاسی (مامور خرج) ، انباردار ـ آغاسی (رئیس انبارها) ، محاسب ـ بیگ (مالیاتچی) ، قلعه ـ بیگ (رئیس قلعه‌ها) و غیره .

ارمنستان غربی (نواحی جنوب شرقی ارمنستان ـ واسپوراگان ، تارون ، ساسون ، دشتهای آلاشگرد و خاربرد ، جلگه‌های کارس ، کارین و غیره) تحت سلطه ترکها قرار داشت و ـ همچون تمام قلمرو امپراتوری عثمانی ـ ازنظر اداری به پاشانشین‌ها تقسیم می‌گردید . در ارمنستان غربی پاشا نشین‌های وان ، سواز (سباستیا) ، بایزید ، ارض روم (کارین) ، کارس و دیار بکر وجود داشت ، که اینها نیز به نوبه خود به سانجاک‌ها (نواحی) و آنها نیز به دهات تقسیم شده بودند . پاشا ، پاشانشین و سانجاک ـ بیگ ، سانجاک را اداره می‌کرد . پاشاها ـ که تام‌الاختیار بودند ـ از طرف سلطان ، سانجاک بیگ‌ها توسط پاشاها و کدخداها بوسیله سانجاک ـ بیگها منصوب می‌شدند .

پاشانشین‌ها در واقع حکومتهای فئودالی محدود و نیمه مستقل بودند . آنها اغلب از اطاعت دولت سلطان سرباز می‌زدند و او نیز بادشواری این نیروهای جدایی طلب را مطیع می‌ساخت .

چه در ارمنستان غربی و چه شرقی ، زندگی اقتصادی در اوضاع شدید عقب ماندگی بسر می‌برد . اشتغال اساسی مردم ، کشاورزی بود که در وضعیت

ابتدایی قرار داشت. در زراعت از گاو آهن، داس، خرمن کوب و سایر وسایل عهد عتیق استفاده می‌شد. زمینهای وسیع بدون کشت باقی می‌ماند. بی‌محصولی و قحطی ناشی از آن، متناوبا" تکرار می‌شد. در نواحی کوهستانی و نزدیک آن به دامداری اشتغال داشتند.

اکثریت جمعیت در دهات که در وضعیت نابسامانی قرار داشتند، زندگی می‌کرد. یک شاهد عینی دراین باره چنین نوشته است: " چاله‌های پوشیده‌از خاک، که بدون هیچ نظمی واقع هستند توسط تل‌های متعفن آشغال و یا با مردابهای کثیفتر، از هم جدا می‌شوند. راه‌های تنگی در اطراف چاله‌هایی که بعنوان خانه از آنها استفاده می‌شود و یا از روی بامهها می گذرد وجود دارد. این است منظره کلی این دهات. داخل خانه‌ها نیز به تناسب ظاهر آنهاست. بهترین اطاق پذیرایی، طویله می‌باشد و میهمانان را به آنجا می‌برند. این کار در زمستان پرفایده است، زیر طویله‌ها گرم‌تر از قسمتهای باز و در معرض باد، است. خود ساکنین و خانواده‌هایشان در قسمتهای مختلف زندگی می‌کنند، جایی که در وسط کف اتاق آتشی سوخته و دود آن تمام اتاق را پرمی‌کند و سپس از باجه روی بام خارج می‌شود. در اینجا بچه‌ها با گوسفندان، گوساله‌ها، مرغها و خروسها شب را سرمی‌کنند".

از حرفه‌ها بیشتر نجاری، آهنگری، کفاشی، رنگرزی، پارچه‌بافی، سلاح سازی، زرگری و غیره متداول بودند. تمام اینها در وضعیت عقب مانده‌ای قرار داشتند. تولیدات بوسیله کار دست انجام شده و وسایل ضروری وجود نداشت، درنتیجه زحمت و کوشش زیادی انجام می‌گردید ولی تولیدات کم و غیرمرغوب بدست می‌آمد.

پیشه‌وران در اتحادیه‌های صنفی ـ که در ارمنستان شرقی همکاری ولی در ارمنستان غربی اصناف خوانده می‌شدند ـ شرکت داشتند. این اتحادیه‌ها که شامل پیشه‌ورانی با یک حرفه خاص می‌شدند، سازمانهایی تقریبا" نیمه خودگردان بودند. آنها خودشان مسایل و امور اقتصادی و سایرمسایل داخلی را حل و فصل می‌کردند و شوراها، اجتماعات و جشنهایی‌راترتیب‌می‌دادند.

همکاری‌ها پرچمها و مهرهای مخصوص و نیز امکانات پولی برای کمک متقابل دراختیار داشتند. اوستاباشی ــ یکی از استادکارهای مشهور ــ در راس همکاری بود.

ایروان، قارص، ارض روم، وان، بایزید، باغش و غیره از شهرهای ارمنستان بودند. اینها مشخصات قرون وسطایی خود را حفظ نموده و در وضعیت عقب مانده‌ای بسر می‌بردند. ساکنین کم بودند و تولیداتی نداشتند. مثلا" در مورد ایروان، آمارگر تزاری، ای. شوپن می‌نویسد: " ظاهرآن یکنواخت و حزن‌آور است ... کوچه‌ها تنگ و آنقدر پیچ در پیچ می‌باشند، که یکدیگر را بازوایای غیرقائم قطع می‌کنند. این کوچه‌ها از دو دیوار کم‌ارتفاع و بدقواره تشکیل شده‌اند، و قسمتی از آنها از خشتهای شکننده ساخته شده‌اند ولی بیشتر آنها گلی می‌باشند. این دیوارهای بسیار زشت گاهی با درهای کم ارتفاع خانه‌ها ــ که همیشه بسته‌هستند ــ قطع می‌شوند. از کوچه‌های عمده رودباری روان است که آب را به باغها می‌رساند. این آب با شستن دیوارهای سر راهش، چاله‌های خطرناکی را ایجاد می‌کند که در تابستانها تبدیل به باتلاقهای متعفن می‌گردند. جوی‌ها در زمستان یخ می‌بندند، آب با بیرون آمدن از جوی‌ها در کوچه‌ها روان می‌شود و سطح آنها یخ می‌بندد و گاهی رفت و آمد را کاملا" مختل می‌سازد ".

در کشور، تجارت توسعه زیادی به همراه نداشت، ولی در شهرها حمل و نقل کالاها وضعیت بارونقی داشت و این مسئله به اوضاع جاده‌های تجارتی که از ارمنستان عبور می‌نمود کمک می‌کرد. بدین سان، یکی از آنها که قسطنطنیه را به تبریز وصل می‌نمود، از سباستیا، ارض روم، بایزد و خوی عبور می‌کرد و دیگری تفلیس را به ارض روم مرتبط می‌ساخت و از قره‌کلیسا و گیومری عبور می‌کرد. ایروان به تفلیس، تبریز و ارض روم، اما وان به تبریز و ارض روم راه داشت.

در ارمنستان ــ همچون تمام ترکیه و ایران ــ روابط فئودالی حاکم بود. روستائیان و کارگران ــ طبقه اصلی تولید کننده ــ را قشرهای دیگر مورد

استثمار و ستم قرار می‌دادند . توده‌های مردم تابع استثمار و خودکامگی‌های خانها ، بیگ‌ها ، پاشاها ، دره‌بیگ‌ها ، ملیکهای ارمنی و نمایندگان سایر قشرهای اشرافی بودند .

استثمار و اجحاف توده‌های زحمتکش اساساً" توسط مالیات‌ها صورت می‌گرفت . مالیاتها که متعدد و زیاد بودند ، برحسب زمین ، آب ، استفاده از چراگاه‌ها کسب می‌شدند . برای کسب اجازه عروسی نیز مالیات درنظر گرفته شده بود . افراد ذکور ۱۵ ساله به بالا مالیات سرانه و خانواده‌ها نیز مالیات خانواده پرداخت می‌کردند . تعداد مالیات‌هاو خراجها تا ۴۰ می‌رسید . به کمک این سیستم مالیاتی ، قسمت عظیمی از درآمد روستایی از وی غصب می‌شد . پیشه‌وران و تجار نیز مالیاتهای سنگینی پرداخت می‌کردند . این‌هااز روستائیان بیشتر بصورت محصول ولی از پیشه‌وران و تجار بصورت پول دریافت می‌شدند .

دریافت‌ها با قهر و زور همراه بود . در خان‌نشین ایروان ، مالیاتها توسط مقامهای مخصوص خان ــ که سرکار نامیده می‌شدند ــ جمع‌آوری‌می‌گردید. دراین زمینه ، نویسنده و روشنگر بزرگ ارمنی ، خاچاتور آبوویان چنین‌تعریف می‌کند " تابستان هرسال ، سرکار به ده ما می‌آمد تا مالیات غلات را برای خان وصول کند . . . او ۴ـ۳ ماه در ده می‌ماند . دراین فاصله ، بهترین خانه ده به او داده می‌شد . سرکار در قبال خدمتکارها و اسبهایش سلوک دلسوزانه‌ای داشته برای آنها غدای خوب می‌طلبید . هر روز بهترین غذاها ــ مرغ ، تخم مرغ ، روغن ، گوشت و غیره ــ را برای سرکار می‌بردند . پادوی کدخدا هرروز ازخانه به خانه‌ای می‌رفت و درخواستهای سرکار را می‌طلبید . معمولاً" خدمتکار سرکار ، با شلاقش ، همراه او بود تا هنگام تعلل و سستی پادوی کدخدا وی را تنبیه کند . او (خدمتکار سرکار) پادوی کدخدا را کتک زده شدیداً" به وی ناسزا می‌گفت . وقتی که صاحبخانه‌ای تمام درخواستها را بلافاصله انجام نمی‌داد ، خدمتکار سرکار با خشم حیوانی وارد خانه می‌شد ، همه چیز را درهم شکسته همه را بدون درنظر گرفتن سن و جنس کتک می‌زد .

اگر خدمتکار این بود ، پس می‌توان نتیجه گرفت که اربابش چه می‌بایست‌بوده باشد " .

مالیات‌ها بدون تغییر نبود . هرمسئله‌ای به خود کامگی خانها ، پاشاها و بیگها وابسته بود ، همیشه مالیاتهای حدیدی تعیین می‌شد و قبلی‌ها افزایش می‌یافت . وقتی که روستائیان نمی‌توانستند درخواستهای آنها را انجام دهند ، سرکارها زنان و بچه‌های آنها را می‌بردند . مسروپ تاغیادیان ، یکی از نویسندگان نامی ارمنی در قرن ۱۹ ، در مورد مالیاتهای حسین‌خان ایروان چنین می‌نویسد : " . . . به نحو وحشیانه‌ای ظلم می‌کرد ، غارت می‌کرد ، هر وسیله‌ای که در خانه آنها (روستائیان) پیدا می‌نمود غصب می‌نمود و در صورت نبودن چیزی ، زنان و فرزندانشان را تصاحب می‌کرد . . . بسیار اتفاق می‌افتاد که با راضی نشدن به تمام اینها ، به کتک متوسل شده از آنها طلا می‌گرفت و از رنجهای زجردیدگان خون جمع می‌کردو می‌نوشید . تمام کشور با غارت ازبین می‌رفت . با عرق مردم در قزوین عمارت می‌ساخت و خزانه خود را غنی‌تر می‌نمود " .

ستمهایی نظیر اینها و بلکه شدیدتر ، برارمنستان غربی نیز روا می‌شد . جمع‌آوری مالیاتها در اینجا اغلب بصورت مقاطعه به تجار و نزولخواران‌واگذار می‌شد . آنها با استفاده از اختیارات وسیع خود ، تمام دارایی روستایی را غصب می‌کردند . این مقاطعه‌کاران مصیبت واقعی برای مردم بودند .

لیکن استثمار اجتماعی ـ طبقاتی توده‌های زحمتکش به مالیاتها و خراجها محدود نمی‌شد . روستائیان برای قشر حاکم کارهای اجباری و بیگاری نیز انجام می‌دادند ، قلعه‌ها ، خانه‌ها ، انبارها و راهها ساخته می‌شد ، زمینها کشت می‌گردید و غیره . هرساله چند روزی تمام جماعت روستایی با همه امکانات و وسایلش در اراضی خانها ، پاشاها و سایر حکام کار می‌کردند . این وظیفه‌های فئودالی در ارمنستان شرقی عوارض نامیده می‌شد . دربرخی نواحی ، نظیر بایزید ، موش و دیاربکر کارهای خانگی فئودال را ، زنان و دختران روستایی انجام می‌دادند . در این مناطق روستائیان بصورت برده

زندگی می‌کردند. با ناآگاهی از عاقبت استثمار، مردم در اشد فقر گذران زندگی می‌نمودند.

وضعیت حقوقی مردم نیز وخیم بود. رژیم ظالم خانها و پاشاها تمام حقوق سیاسی و مدنی ارامنه را لگد مال کرده بود. در اختلاف با ساکنین مسلمان، خلق ارمنی، رعیت، یعنی محروم از حقوق یا قشر پست، نامیده می‌شد. ارمنی بعنوان یک مسیحی، شهروند متساوی الحقوق نبود، وی از حقوقی که یک مسلمان داشت محروم بود. شهادت او در دادگاه ارزشی نداشت، او حق سوار شدن براسب و حمل اسلحه نداشت، او در مقابل یک مسلمان سرتعظیم فرود می‌آورد و باید از حیث لباس با آنها تفاوت می‌داشت، کلاه و کفشهای متفاوتی می‌پوشید و جز آن. وی بخاطرملیت و مذهب خود، می‌بایست مالیات جداگانه می‌پرداخت که عمده‌ترین آنها خراج نامیده‌می‌شد. برای حرمسراهای شاه، خانها، بیگها، دختران و زنان را از ساکنین بزورجدا می‌کردند. بفرمان سلطان بچه‌ها را بزور از ساکنین مسیحی می‌گرفتند و باآنها سپاه مخصوصی به نام ینی‌چری تشکیل می‌دادند. آبوویان درزمینه وضعیت روستایی ارمنی محروم از حقوق چنین نوشته است: " دختر را غصب‌می‌کردند، پسر را می‌بردند و بسیاری از مواقع آنها را تُرک می‌کردند، از مذهب خود دور می‌ساختند و بسیاری از مواقع نیز، سرشان را بریده آتش زده به قتل می‌رساندند. نه خانه‌اش مال خودش بود و نه مالش، نه وسایلش، نه جانش، نه زن و بچه‌اش".

برخلق ارمنی ضربات سنگین معنوی وارد می‌شد، حیثیت و احساسات گرانمایه‌اش لگدمال می‌گردید. حکام، فئودالها و روحانیون، به نحوی از انحاء نابرابری‌های ملی را حفظ و بذر آن را می‌پاشیدند. سنگینی این ستمهای ملی ــ مذهبی در درجه اول متوجه زحمتکشان بود.

اوضاع مردم از این نظر وخیم‌تر می‌گردید که ارمنستان شرقی و بخصوص ارمنستان غربی، تقریبا" همیشه دچار آشوب و هرج و مرج بود. پاشاها و خانها ــ که با حکومت مرکزی ارتباط ضعیفی داشتند ــ با اعلام استقلال خود

گاه با خودشان و گاه برعلیه حکومت اعلام جنگ می‌کردند . بخصوص پاشاها ، شیخ‌ها و بیگ‌های بایزید ، والی و دیاربکر جنگهای مداوم و پرمصیبتی را انجام می‌دادند . اقوام گوناگون کوچ نشین نیز ، اغلب حملات و تهاجمات خود را انجام می‌دادند . در جریان این جنگها و حملات ، کشور ویران و غارت می‌شد ، ساکنین یا اسیر یا نابود می‌گردیدند . مردم دربحران‌همیشگی زندگی می‌کردند . امنیت جان و مال وجود نداشت . شرایط لازم برای کار توام با آرامش وجود نداشت . یک نفر مسافر اروپائی که در سال ۱۸۰۵ از ارمنستان غربی عبور می‌کرد ، در مورد اوضاع پاشانشین بازید چنین نوشته است : " این سرزمین تحت هجوم و حمله قرار دارد . زارع بیهوده به کاشت بذر می‌پردازد . کشت هنوز خوب نرسیده است که روستایی همراه با خانواده‌و گله‌هایش برای رهایی از استثمار پاشای حاکم و غضب غارتگران و اوباش ، مجبور به فرار و ترک دشت‌ها می‌شود . دراین سرزمین بدبخت نه وطنی وجود دارد ، نه امنیتی و نه آرامشی " .

در اوایل قرن ۱۹ ، بخش قابل توجهی از خلق ارمنی در خارج از ارمنستان در کشورهای همسایه و دور زندگی می‌کرد . قرنهای متمادی در شرایط اسفناک حاکم ، تهاجمات و کشتار ملی غارتگران بیگانه مردم بسیاری را به ترک وطن و اقامت گزیدن در سایر کشورها مجبور ساخت . تعداد مناطق مهاجرت ارامنه نسبتا" زیاد بود . مناطق مهاجرت ارامنه در قرن ۱۹ عبارت بودند از مسکو ، تفلیس ، قفقاز شمالی (نخجوان نو ، موزدک ، قزلار) ، آستراخان ، کریمه ، قسطنطنیه ، ازمیر ، هندوستان ، ایران ، مصر ، بلغارستان‌و سایر نواحی.

اکثر مهاجرنشین‌های ارمنی روابطشان را با مام وطن ، با ارمنستان ، قطع نکردند . با قرارداشتن در شرایط سیاسی و اقتصادی بهتر ، آنها نقش عمده‌ای در کار ترقی و رونق فرهنگ ارمنی و زندگی اجتماعی ایفا نمودند . از این حیث بویژه مهاجرنشین‌های ارمنی در مسکو ، تفلیس ، نخجوان نو و

قسطنطنیه به چشم می‌خورند.

مهاجرنشین ارمنی مسکو در نیمه‌های قرن هجدهم تشکیل شده است، و اساساً از تجار ارمنی مهاجر از ایران تشکیل می‌شد و در بین آنها بویژه خانواده لازاریان به چشم می‌خورد. لازاریان‌ها ثروت زیادی جمع کرده و در دربار تزار مقامهای بزرگی بدست آوردند. مهاجرنشین ارمنی مسکو، پرجمعیت نبود، ولی نقش مهمی در زمینه ترقی فرهنگ ارمنی ایفا نمود.

ساکنین ارمنی تفلیس و بطور کلی گرجستان، جمعیت انبوهی را تشکیل می‌دادند. در اوایل قرن نوزدهم شمار فقط ارامنه ساکن در شهر تفلیس به حدود ۱۸ ۰۰۰ می‌رسید. ساکنین ارمنی شهرهای گرجستان عمدتاً به‌صناعت و تجارت اشتغال می‌ورزیدند. در سده نوزدهم مهاجرنشین ارمنی تفلیس ــ که در زمانهای قدیم تشکیل شده بود ــ در کار ترقی و رونق فرهنگ ارمنی و احیای زندگی معنوی نقش عظیمی ایفا کرد.

نخجوان‌نو (در حوالی دونی رستف)، که کلاً یک شهر ارمنی نشین است، در سال ۱۷۸۰ بنا گردید. ساکنین آن در سال ۱۷۷۸ از کریمه‌مهاجرت کرده بودند. در اوایل قرن در نخجوان نو و ۵ ده ارمنی نشین اطراف آن، حدود ۱۲ ۰۰۰ ارمنی زندگی می‌کردند. جامعه ارمنی نخجوان‌نو در امور داخلی‌اش خودمختار بود، دادگاه جداگانه داشت، مسایل فرهنگی ــ آموزشی و از این قبیل، در داخل جامعه حل و فصل می‌شد.

ساکنین ارمنی قسطنطنیه در اول قرن نوزدهم، ۲۰۰ ۰۰۰ نفر بودند. ارامنه اساساً از ارمنستان غربی به‌آنجا مهاجرت نموده بودند. مقر پاتریارک، رهبر روحانی ارامنه غرب در قسطنطنیه قرار داشت.

خلق ارمنی تحت استثمار و فشار ظالمانه، در اوایل قرن ۱۹، درموقعیتی نبود که بدون کمک خارجی، سلطه سنگین خانها و پاشاها را از بین ببرد و به کمک احتیاج داشت و در آن شرایط تاریخی چنین مساعدتی را می‌توانست از روسیه دریافت کند. دولت تزار با درنظر گرفتن منافع اقتصادی و سیاسی

خود ، قدمهای جدی درجهت الحاق ماوراء قفقاز به روسیه برمی‌داشت . خلق ارمنی تمایل داشت که به کمک سپاه در حال حرکت روسیه بطرف ماوراءقفقاز ، یوغ سنگین خانها ، پاشاها ، شیوخ و بیگها را واژگون ساخته ، تحت حمایت روسیه قرار گیرد . در آن برهه از زمان تنها چاره همین بود . توده‌های وسیع مردم به روسیه‌تمایل داشتند . شخصیتهای نهضت رهایی‌بخش ارمنی ، نظیر گذشتگان خود ، با دربار روسیه‌تماس حاصل کردند و سعی نمودند تا به ورود قوای روسیه به ماوراء قفقاز تسریع بخشند . دولت روسیه نیز بنوبه خود با رهبران ارمنی ارتباط برقرار نمود و از آنها در جهت الحاق ارمنستان به روسیه سود جست .

در اوایل قرن ۱۹ ، به ویژه اسقف اعظم نرسس آشتاراکی (۱۸۵۷ – ۱۷۷۰) – از شخصیت‌های نامدار سیاسی – که بعدها کاتولیکوس گردید ، فعالیت وسیعی نمود ، او در جهت آزادی ارمنستان از زیر یوغ سنگین خانهاو بیگ‌ها کوشش فراوانی کرد .

۲– رهائی ارمنستان از یوغ خانها

آلکساندر اول ، تزار روسیه در سال ۱۸۰۱ ، با فرمان مخصوصی ،گرجستان را به روسیه ملحق ساخت (گرجستان غربی در سالهای ۱۸۱۰–۱۸۰۳ ملحق شد) . با این کار ، ولایات لوری – پامباک ، شامشادین وغازاخ نیز – که در این دوران تابع گرجستان بودند – به روسیه پیوستند .

دولت تزار ، در عین حال اقدامات جدی انجام داد تا بخش‌های دیگر ماوراء قفقاز – آذربایجان و تمام ارمنستان شرقی – را نیز تحت تسلط امپراتوری خود قرار دهد . لیکن انجام این کار نسبتا" مشکل بود ، زیرا خانهای حاکم برارمنستان شرقی و آذربایجان و دربار ایران برای حفظ مسلحانه سلطه خود آماده می‌شدند . اوضاع بغرنج‌تر می‌گشت ، به این علت که انگلستان و فرانسه مطابق سیاست تجاوزکارانه خود ، به هرنحوی خانهای

ایرانی و پاشاهای ترک را کمک می‌کردند تا از انجام برنامه‌های دولت تزار جلوگیری نمایند.

در سال ۱۸۰۴ بین روسیه و ایران جنگ آغاز شد و با برخی توقف‌ها تا سال ۱۸۱۳ بطول انجامید. ارتش روسیه به کمک ساکنین محلی ضربات سنگینی برقشون ایران وارد ساخت. در سال ۱۸۰۴ سپاهیان روس، به فرماندهی کل ژنرال سیسیانوف، پس از یک رشته نبردها و حملات قلعه‌گنجه را تصرف‌کردند.

یکسال بعد در ۱۸۰۵ یک لشکر به فرماندهی سرهنگ نسوتایف، باعقب راندن سپاه خان ایروان، شیراک را متصرف گردید. بدین ترتیب قسمت شرقی شیراک ــ ساحل چپ رود آرپاچای (آخوریان) ــ نیز به روسیه ملحق شد. در همین سال، خان نشین‌های قره‌باغ، شاکی (نوخی) و شیروان (شاماخی) توسط مذاکرات صلح، اطاعت از روسیه را قبول نمودند. در سال ۱۸۰۶ ژنرال گودوویچ حاکم جدید قفقاز، موفق به الحاق خان نشین‌های دربند، باکو و قوبا به روسیه گردید.

نبردهای سرنوشت سازی در سال ۱۸۱۲ بوقوع پیوست. در بیستم اکتبر، در ساحل رود ارس و نزدیکی شهر شوشی و در ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی دشت اصلان دوز، لشکر ژنرال کوتلیاروسکی شکست سنگینی به قشون عباس میرزا وارد ساخت. پس از دو ماه، کوتلیاروسکی بعد از جنگهای خونین، لنکوران را تصرف نمود و بدین وسیله خان تالیش نیز تابع روسیه گردید. در همین دوره قشون دلیر روسیه، ارتش نیم میلیونی ناپلئون اول را ــ که به روسیه رخنه نموده بود ــ بکلی درهم شکست. این پیروزی درخشان روسیه در همه جا من‌جمله در ایران انعکاس وسیعی بجای گذاشت. دولت شاه پیشنهاد صلح داد. در ۱۳ اکتبر ۱۸۱۳ در قلعه گلستان قره‌باغ پیمان صلح امضاء شد. که براساس آن گرجستان شرقی، خان‌نشین‌های گنجه، قره‌باغ، شاکی، شیروان، باکو، قوبا، تالیش و دربند و نیز شیراک، لوری، غازاخ، شامشادین، زانگزور و برخی نواحی دیگر جزو قلمرو امپراتوری روسیه شناخته شدند.

در زمان جنگهای ۱۸۱۳-۱۸۰۴ بین روسیه و ایران، ارتش روس برای تصرف خان‌نشین ایروان دو مرتبه سعی کرد. اولین کوشش در سال ۱۸۰۴ بوقوع پیوست. در ماه ژوئن یک لشکر روس متشکل از ۴۵۰۰ نفر بفرماندهی ژنرال سیسیانوف، وارد دشت آرارت شد و در ۱۵ ژوئیه ضربه نهائی را بر قشون فتحعلی شاه وارد ساخت. پس از آن سیسیانوف سعی در تصرف ایروان نمود.

قلعه ایروان مشرف برسرحدات جنوبی شهر ــ ساحل مرتفع و پر صخره رود هرازدان (زانگو) ــ قرار داشت. از سه طرف توسط حصارهای دو لایه محصور بود. حصار داخلی که از آجر و سنگ ساخته شده بود، به حد کافی بلند و مستحکم و دارای ۱۷ برج بود. در حدود ۴۰-۳۲ متری آن، حصار خارجی قرار داشت که از رس و سنگ ساخته شده و نسبتاً باریک و کم ارتفاع بود. در اطراف قلعه چاله‌های عمیق و پهن کنده شده و برخی از آنها نیز از آب پرگردیده بود. قلعه دارای ۶۰ توپ و ۲ خمپاره انداز و پادگان آن ۷۰۰۰ نفر سرباز داشت.

محاصره ایروان از ۲۴ ژوئیه تا ۴ سپتامبر بطول انجامید. سیسیانوف دست به چند حمله زد ولی موفق نشد. کمبود آذوقه و مخصوصاً وسایل جنگی دشواری جدی برای لشکر روس بوجود آورد. سیسیانوف ایروان را ترک کرده به گرجستان برگشت.

دومین محاصره ایروان در پائیز ۱۸۰۸ بوقوع پیوست. این مرتبه لشکر ۷۷۰۰ نفری روسیه بفرماندهی ژنرال گودوویچ بطرف ایروان حرکت نمود ودر ۸ اکتبر باغات و حومه شهر را تصرف کرد. قلعه ایروان در حلقه تنگی قرار گرفت. در ۱۷ نوامبر گودوویچ دست به حمله شدید زد، لیکن صرف نظر از کوششهای قهرمانانه جنگجویان روس این اقدام بدون نتیجه ماند. مشکلات تهیه مواد ضروری و زمستان، گودوویچ را به خاتمه محاصره ایروان مجبور نمود.

تصرف ایروان از سوی قشون روس بعدها در زمان جنگهای ۱۸۲۸-۱۸۲۶

میان روسیه و ایران بوقوع پیوست .

حدود ۱۳ سال پس از انعقاد پیمان گلستان در سال ۱۸۲۶ ، ایران با تشویق دولت انگلستان جنگ جدیدی برعلیه روسیه آغاز نمود . در ۱۶ ژوئیه، قشون سردار حسین خان ایروان ، با حمله ناگهانی به مرزهای شیراک وپامباک رخنه کرد ، اما سپاه اصلی ۰۰۰ ۶۰ نفری ایران بفرماندهی ولیعهد عباس میرزا بطرف قره باغ حرکت نمود .

برای قشون قلیل روس ــ که در بخشهای مختلف ماوراء قفقاز پراکنده بود ــ وضعیت وخیم بوجود آمد . دشمن در ابتدا موفقیتهای قابل توجهی کسب کرد . دسته‌جات اوباش حسین‌خان با شکست دادن مقاومت قهرمانانه روستائیان ارمنی ، ولایات شیراک و پامباک را فتح کردند . سپاه عباس میرزا در ۲۵ ژوئیه قلعه شوشی را ــ که سپاهیان قلیل روس به همراه ساکنین ارمنی در آنجا می‌جنگیدند ــ محاصره کرد . در طول ماه اوت تحت فشار نیروهای برتر دشمن ، قشون روس از تالیش و نوخی عقب نشینی کرد . گنجه (الیزابت پول) نیز فتح شد . عباس میرزای سرمست ازاین موفقیتها آماده لشکرکشی به تفلیس می‌شد .

لیکن این موفقیتهای قشون شاه موقتی بود . یرمولوف ژنرال نامدار و فرمانده کل ارتش روسیه در قفقاز ، با دریافت نیروهای کمکی به ضد حمله پرداخت . در سوم سپتامبر یک دسته روسی بفرماندهی ژنرال نامدار ارمنی ، مددف ، سپاه پیش قراول دشمن را درحوالی شاماخی کلا" درهم شکست . ده روز بعد ، در ۱۳ سپتامبر ، ارتش اصلی ایران در حوالی گنجه شکست سنگینی متحمل گردیده مجبور به فرار شد . عباس میرزا مجبور شد از ارس عبور نموده بطرف تبریز فرار کند .

در ماه سپتامبر ، پامباک و شیراک از قشون ایران پاکسازی شد . این امر را ، پارتیزان نامدار جنگ میهنی ۱۸۱۲ ، دنیس داویدف شاعر ، جامه عمل پوشاند . در اوایل سپتامبر ۱۸۲۶ او بعنوان فرمانده سپاه در حال جنگ

روس برعلیه حسین‌خان، سردار ایروان و برادرش حسن‌خان، انتخاب شد. در ۲۱ سپتامبر در حوالی ده‌میراک، داویدف قشون خانها را شکست داده، روز بعد وارد خان‌نشین ایروان شد. لیکن داویدف بفرمان یرمولوف پیشروی سپاه را متوقف ساخت و به جلال اقلی (استپاناوان فعلی) برگشت، زیرا حمله به ایروان تا بهار سال بعد، یعنی ۱۸۲۶، به تعویق افتاد.

در ماه مارس ۱۸۲۷، ژنرال پاسکویچ به جای یرمولوف بعنوان فرمانده کل قوا و حاکم قفقاز منصوب گردید، و به فرماندهی او نیز عملیات جنگی از سرگرفته شد. در دوم آوریل، سپاه روس بطرف ایروان حرکت نمود و در سیزدهم همان ماه بدون هیچگونه مقاومتی اجمیادزین را تصرف کرد. سپاه اصلی روس بفرماندهی پاسکویچ در اوایل ژوئن وارد دشت آرارات گردید. خان نخجوان در ۲۶ ژوئن تسلیم شد و قلعه عباس‌آباد نیز واقع در نزدیکی نخجوان در هفتم ژوئین تصرف گردید.

بعلت گرمای شدید تابستان، قشون روس موقتاً عملیات جنگی‌رامتوقف ساخت و در کوههای آرازانی و قره‌باغ به استراحت پرداخت. فقط در ۱۷اوت بود که در حوالی ده اُشاگان، بین قشون قلیل ژنرال کراسوسکی و سپاه عباس میرزا که ده مرتبه برتری داشت، جنگ شدیدی درگرفت. سربازان روس و داوطلبان ارمنی و گرجی شجاعت فوق‌العاده‌ای از خود نشان دادند و به قیمت خون قربانیان زیاد، اجمیادزین را از تصرف و ویرانی توسط دشمن، نجات دادند.

عملیات آکتیو جنگی در ماه سپتامبر دوباره آغاز شد. پاسکویچ تصمیم به تصرف سردارآباد و ایروان گرفت. در نهم سپتامبر، قشون روس بطرف سردارآباد حرکت نمود.

قلعه سردارآباد را حسین‌خان، سردار ایروان، به کمک مهندسین فرانسوی در سالهای ۱۸۱۷–۱۸۱۵ ساخته بود. قلعه مربع شکل بود و حصارهای آن دوبل و مرتفع، برجها و دروازه‌ها بزرگ و محکم بودند. پادگانش از ۲۰۰۰ نفر تشکیل می‌شد. حسن‌خان کار حفاظت از قلعه را بعهده

داشت .

در ۱۳ سپتامبر ، قشون روس سردار آباد را محاصره نمود . در ۱۸ برج توپهای محاصره به کار افتاد . روز بعد ، شب هنگام ، حسن‌خان مخفیانه از قلعه فرار کرد . ساکنین ارمنی قلعه در ۱۹ سپتامبر دروازه‌ها را باز کردند . ۱۳ توپ ، ذخیره فراوان‌نان و جز آن ، بدست ارتش روس افتاد . ارامنه و گرجی‌های بیشماری ــ که توسط خان به اسارت گرفته شده بودند ــ آزاد گردیدند .

پس از این پیروزی بزرگ،قشون روس بطرف ایروان حرکت نمود ، که حفاظت از آنجا نیز در دست حسن‌خان فراری از سردار آباد قرار داشت . بفرمان خان ، حدود ۱۸ ۰۰۰ نفر که اکثرا" از شهر ایروان‌و ساکنین ارمنی دهات اطراف بودند در قلعه جمع شده بودند . نرسس آشتاراکی که دائما" در ارتش روس بسر می‌برد با تماس با آنها سعی نمود به هرترتیبی تصرف شهر را تسهیل بخشد .

قلعه ایروان زیر آتش شدید توپ‌ها قرار گرفت . در۲۸ــام ماه ، ۱۴توپ سنگین محاصره کار نمودند ، اما تمام شب ۳۰ــام ۴۰ توپ آتش کردند . فقط‌آن شب بیش از ۱۰۰۰ گلوله‌توپ روی شهر ریخت و در نتیجه قسمت اعظم خانه‌ها آتش گرفته و ویران گردید . خاچاتور آبوویان درکتاب "جراحات ارمنستان" در این باره می‌نویسد : " . . . قلعه ایروان در دود گم شد . ۵ روز و ۵ شب کوه و دره می‌غرید . مثل اینکه آتش سدوم و عموره[1] از بالا می‌بارید. قلعه ایروان گاهی مثل چراغ روغن نورانی می‌شد و سپس خاموش می‌گردید . آنقدر گلوله توپ به سر و قلبش خورده بود که جانش به لبش رسیده‌بود " .

در بامداد روز اول اکتبر یک دسته از سپاه روس برج شمال شرقی قلعه را تصرف نمود و یک فوج دیگر بانزدیک شدن به دروازه شمالی و با ازبین بردن آن وارد قلعه شد . قلعه معروف ایروان تصرف گردید . پادگان خان که

1- Sodom & Gomorrah

که از ۴۰۰۰ سرباز تشکیل می‌شد ، تسلیم گردید . حسن خان و ۲۰۵ مقام بلند پایه اسیر شدند ، حدود ۱۰۰ توپ و غنایم جنگی دیگر بدست آمد . در اول اکتبر ۱۸۲۷ پرچم روسیه بر قلعه ایروان به اهتزاز درآمد .

این عمل تاریخی در بین تمام قشرهای خلق ارمنی ایجاد شور و شوق نمود . خاچاتور آبوویان با تشریح خوشحالی و هیجان ساکنین ارمنی ایروان در آن روزها ، می‌نویسد : " وقتی که ستون سالدات‌ها وارد قلعه گردید ، گریه و زاری ، از هزارها و هزار پنجره نمی‌گذاشت تا انسان دهانش را باز کند . ولی کسی که قلب شجاعی داشت بخوبی می‌دید؛ آن دستها ، آن چشمان که بطرف آسمان خشک شده بودند ، بدون سخن هم می‌گفتند که ویران شدن جهنم برای گناهکار چنین ارزشی نمی‌داشت که تصرف قلعه ایروان برای ارامنه داشت . . . از وقتی که ارمنستان شکوهش را از دست داده بود ، و از وقتی که ارامنه سرشان را زیر گیوتین دشمن گذاشته بودند این روز ، این خوشحالی را ندیده و از آن لذت نبرده بودند".

پس از تصرف ایروان ، قشون روس موفقیت‌های دیگری را نیز بدست آورد . با تعقیب دشمن ، آنها در ۱۳ اکتبر ابتدا تبریز و سپس خوی ، سلماس، اما در ماه‌های زمستان شهرهای مراغه ، اردبیل و ارومیه را به تصرف خود در آوردند .

شاه ایران پیشنهاد صلح داد که از طرف دولت تزار مورد قبول واقع گردید . در دهم فوریه ۱۸۲۸ در قریه ترکمنچای واقع برسر راه تبریز– تهران، پیمانی منعقد گردید ، که به مناسبت این قریه ، پیمان ترکمنچای نامیده شد .

با پیمان ترکمنچای ، خان نشین‌های ایروان و نخجوان به روسیه ملحق گردید . قصد و هدف دیرینه دولت تزار یعنی الحاق ارمنستان شرقی به‌روسیه جامه عمل پوشید .

جنگ روس – ایران تازه تمام شده بود که جنگ روسیه و ترکیه (۱۸۲۹–۱۸۲۸) در دو جبهه بالکان و قفقاز آغاز گردید . عملیات جنگی بخصوص در

جبهه قفقاز ــ در ارمنستان و گرجستان ــ قرین موفقیت بود.

ارتش روسیه در قفقاز به فرماندهی پاسکویچ در ۱۴ ژوئن از قریه گیومری (لنیناکان فعلی) خارج شده از رودخانه آرپاچای (آخوریان) عبور نموده وارد مرزهای پاشانشین قارص گردید. در ۱۹ ژوئن، قشون روس ضربات سنگینی برسواره‌نظام ترک وارد ساخت و سپس قلعه معروف قارص را ــ که محمد امین پاشای قارص در آنجا سنگر گرفته بود ــ تصرف نمود.

قلعه قارص بسیار محکم بوده، یکی از مجهزترین قلعه‌های زمان خود بود و شکل چند ضلعی نامنظم داشت و توسط حصارهای دوبل ساخته شده از سنگهای بزرگ و به ارتفاع ۸ـ۴ متر حفاظت می‌شد و برجهای آن برای شلیک مسافتهای دور توسط توپ مجهز بودند. حصارهای جنوبی و شرقی قلعه، کنگره‌ای شکل بودند و قسمت اعظم توپها در آنها قرار داشت. در داخل قلعه، در گوشه شمال غربی، قلعه میانی غیرقابل تسخیر در بالای صخره ها قرار گرفته بود. و انبارهای باروت، گلوله توپ و سایر مهمات جنگی در آنجا نگهداری می‌شدند. راه زیرزمینی قلعه ــ که ۳۰۰ پله داشت ــ بطرف رودخانه قارص می‌رفت.

محاصره قارص سه روز بطول انجامید. در ۲۳ ژوئن، پس از بمباران طولانی و جنگ سخت، قشون روسیه قلعه را تصرف نمود. ۱۵۱ توپ و ۳۳ پرچم بدست آنها افتاد. شمار اسرای جنگی به ۱۳۵۰ رسید که خود محمد امین پاشا نیز در جمع آنها قرار داشت.

در جنگهای قارص، سکنه ارمنی شهر به قشون روسیه مساعدت بسیاری نمودند. آنها از حیث مواد غذایی و تمام وسایل ممکن روسها را یاری می‌دادند.

پس از پاکسازی قارص از وجود پاشاها، لشکر پاسکویچ آخالکالاک را در ۲۳ ژوئیه و آخالسخارا پس از بمباران شدید و حملات پیاپی در ۱۵ اوت به تصرف خود درآورد.

یک لشکر دیگر روس به فرماندهی ژنرال چاوچاوادزه، بایزید را در ۲۸

اوت و آلاشگرد را در ۱۲ سپتامبر تصرف نمود . در این روزها ، گروه رزمی داوطلب ارمنی در صفوف قشون روسیه ، دیادین را آزاد ساخت . بدین‌ترتیب، قشون روس پاشانشین بایزید را نیز به تصرف خود درآورد .

عملیات جنگی با شدت بیشتری در بهار ۱۸۲۹ آغاز گردید . پس از یکرشته نبردهای سرنوشت ساز ، ارتش روسیه ارض روم را در ماه ژوئن و بابرد (بایبورت) و خنوس را در ژوئیه اشغال کرد .

در روزهای تصرف ارض روم ، آ . پوشکین شاعر پرآوازه روس به سپاه پاسکوبیچ آمد . پس از چند روز اقامت ، وی با دوستان و آشنایان خودملاقات نمود ، عملیات جنگی را از نزدیک مشاهده کرد ، به شهر ارض روم رفت‌وسپس از راه قارص ـ گیومری ـ تفلیس به روسیه برگشت . خاطرات و انعکاس ها ی این سفر پوشکین دراثر معروف " مسافرت به ارض روم " به رشته تحریر درآمده‌اند .

در ماههای بهار و تابستان سال ۱۸۲۹ ، قشون ترک در جبهه اصلی بالکان متحمل شکست‌های سنگینی شد . سپاه روس قلعه مشهور سیلیستریا را در ماه ژوئن ، اما شهر آدریاناپول را در اول اوت بتصرف خود درآوردوپیمان صلح نیز در دوم سپتامبر در همانجا منعقد گردید .

براساس پیمان آدریاناپول ، روسیه دهانه رود دانوب را در بالکان تصاحب نمود ، اما در قفقاز ، آناپان ، پوتی ، آخالسخاو آخالکالاک را بدست آورد . لیکن مطابق قرارداد ، قشون روسیه از ارمنستان غربی عقب نشینی کرده بایزید ، قارص و ارض روم به ترکیه برگردانده شد . این مناطق و سایر نواحی ارمنستان غربی تحت سلطه دولت سلطان و پاشاهای ظالمش باقی ماندند . بدین ترتیب ، گرچه ارمنستان شرقی در اواخر سالهای ۱۸۲۰ از تسلط خانهای ایران خارج شد و به روسیه ملحق گردید ، ولی اوضاع ارمنستان غربی لایتغیر باقی ماند .

در آغاز قرن ۱۹ ، قسمت چشمگیری از دهات و شهرهای ارمنستان‌شرقی

و بخصوص دشت آرارات ، نیمه ویران و خالی از سکنه بود . در اثر جنگهای مداوم میان بیگ‌ها و خانهای حاکم برارمنستان ، قسمتی از سکنه نابود شده یا به کشورهای دیگر مهاجرت کرده بود . منافع دولت تزار ، افزایش سکنه ارمنی ارمنستان شرقی ملحق شده به روسیه را ایجاب می‌نمود . این مسئله اجتناب ناپذیر بود زیرا اولا" برای استقرار زندگی اقتصادی کشور و متعاقبا" کسب منافع مادی و سپس داشتن سکنه مطمئنی چون‌ارامنه در این سرزمین مرزی ، ضرورت داشت . براساس همین اهداف ، دولت تزار کوشید تا قسمتی‌از ارامنه ساکن در نواحی‌تحت تسلط ایران و ترکیه را به ارمنستان شرقی کوچ دهد . برای انجام چنین هدفی ، به درخواست روسیه چه در پیمان‌ترکمنچای و چه آدریاناپول موادی پیش بینی شد که براساس‌آن‌ها مهاجرت ارامنه بطرف مرزهای روسیه ، ارمنستان شرقی و ماوراء قفقاز مجاز شناخته شد .

برای انجام مهاجرت پیش بینی شده ، شورای مخصوصی تشکیل گردید . نرسس‌آشتاراکی ، سرهنگ غازار لازاریان ، کاراپت اسقف اعظم ارض روم و سایر شخصیتها بکار دعوت شدند . به همت پاسکویچ کارهای مقدماتی انجام شد.

ارامنه باقی مانده تحت تسلط حکومتهای ایران و ترکیه ، پیشنهاد مهاجرت به ماوراءقفقاز را با خوشحالی پذیرفتند . خانها و پاشاها سعی نمودند تا از انجام مهاجرت جلوگیری کنند . زیرا محروم شدن از دستهای زحمتکش ، برایشان صرف نداشت . لیکن با این وجود ، مهاجرت وسعت‌زیادی پیدا کرد .

اولین مهاجرین ، ارامنه ایران بودند . با آغاز فصل گرم بهار۱۸۲۸ ، سکنه ارمنی تبریز ، ماکو ، خوی ، سلماس ، ارومیه و سایر مناطق براه افتادند . مهاجرت سرعت بیشتری می‌یافت . بسیاری از آنها حتی دارایی منقول خود را نیز به جای می‌گذاشتند و بطرف مرزهای روسیه می‌شتافتند . شمارمهاجرین ارمنی ایران به حدود ۴۰ ۰۰۰ نفر رسید .

پس از اتمام جنگ روسیه و ترکیه ، مهاجرت ارامنه غرب نیزآغاز شد .

اولین گروه‌ها در زمستان ۱۸۳۰–۱۸۲۹ براه افتادند . ولی از بهار ۱۸۳۰ جریان مهاجرت سرعت بیشتری یافت . عمدتا" ارامنه ساکن در پاشانشین‌های ارض روم ، قارص و بایزید مهاجرت نمودند . از ارمنستان غربی بیش از ۹۰ ۰۰۰ نفر کوچ کردند .

بدین ترتیب در طول سالهای ۱۸۳۰–۱۸۲۸ حدود ۱۳۰ ۰۰۰ نفر مهاجر ارمنی به ماوراء قفقاز آمدند . لیکن این ، قسمت کوچکی از ارامنه ایران و غرب بود . بخش عظیم آنها که بعلل مختلف امکان مهاجرت را بدست نیاورد ، تحت سلطه حکومتهای ایران و ترکیه باقی ماند .

ارامنه کوچ نموده به ماوراء قفقاز ، بیشتر در مناطق مرزی و نواحی خالی از سکنه سکنی گزیدند . ارامنه ایران در نواحی ایروان ، زانگروز و قره باغ و از ارامنه غرب ، ارض رومی‌ها در آخالکالاک و آخالسخا ، اهالی قارص در گیومری ، آپاران و تالین ، اما اهالی بایزید در سواحل جنوب غربی دریاچه سوان ساکن گردیدند . گروه اخیر که بخش عظیمی از مهاجرین ارمنی غرب را تشکیل می‌داد ، شهر بایزیدنو را تاسیس نمود . مهاجرین همچنین در ایروان سکنی گزیدند .

این مهاجرت ارامنه ایران‌و غرب در شرایط سختی انجام شد . مهاجرین وسایل ضروری حمل و نقل ، غذا و لباس کافی دراختیار نداشتند . آنها محرومیت‌های بسیاری کشیدند و نه تنها در جریان انتقال بلکه‌پس از استقرار در مساکن جدید نیز در وضع فلاکت باری بسر بردند . دولت تزاری مبالغ استقراضی ناچیزی برای آنها درنظر گرفته بود . بخش عظیمی از مهاجرین با عدم دریافت کمک دچار قحطی و بیماری گردید . به ویژه مهاجرین ارمنی ایران در وضعیت وخیمی قرار گرفتند .

دکابریست[۲] مشهور آلکساندر مالینسکی ــ که در این سالها در ارمنستان بسر می‌برد ــ راجع به‌وضعیت وخیم مهاجرین ارمنی ایران می‌نویسد : " قول

۲ــ دکابریست‌ها : اعضاء قیام انقلابی گروهی اشرافی در ۱۴ دسامبر ۱۸۲۵ در روسیه برعلیه نظام برده‌داری و استبدادی ــ م .

کوههای طلایی را دادند و آنها حرکت نمودند . . . آمدند و حتی دانـــه‌ای گندم ، جایی برای گذاشتن سرخود ، کلبه‌ای برای حفظ جانشان پیدانکردند . هیچ چیزی آماده نکرده بودند . آب و هوای مرگبار ، زمین لم یزرع نصیبشان شد و به‌همراه آن کمک مالی ناچیز ، به قسمتی از ایشان داده شد " .

لیکن ، بطور کلی مهاجرت ۱۸۳۰–۱۸۲۸ اهمیت‌مثبتی برای خلق‌ارمنی داشت . دراثر مهاجرت ، وضع اسفناک اقتصادی در ارمنستان شرقی بهبود و جمعیت ارامنه فزونی یافت . موجودیت خلق ارمنی که بدست اشغالگران‌خارجی در معرض خطر قرار گرفته بود ، استقرار و استحکام دوباره پیدا نمود .

بلافاصله پس از پیمان ترکمنچای ، دولت تزار نظام خانخانـــی را در ارمنستان شرقی ملغی نمود و نظام اداری روسی را جایگزین آن نمود . درسال ۱۸۲۸ مرز (سرزمین) ارامنه تشکیل شد که شامل ولایات ایروان و نخجوان و اردوباد می‌شد . در سال ۱۸۴۹ پس از یکرشته اصلاحات اداری ، استان‌ایروان شامل ولایات ایروان ، نخجوان ، آلکساندراپول ، بایزیدنو و اردوباد تشکیـل گردید . سایر نواحی ارمنستان شرقی جزو استان‌های تفلیس و الیزابتپــول (گنجه) درآمد . این نظام اداری اساسا" تا سال ۱۹۱۷ حفظ گردید .

۳ـ شرکت دکابریستها و داوطلبین ارمنی در آزادسازی ارمنستان

چنانکه دیدیم در جریان جنگ ۱۸۲۸–۱۸۲۶ بین ایـران و روس ، ارمنستان شرقی از زیر یوغ خانها و بیگ‌ها آزاد شده به روسیه ملحق گردید . در این جنگ سرنوشت ساز برای خلق ارمنی ، دکابریست‌های بسیاری ـ کـه‌از انقلابیون مشهور روس در زمان خود بودند ـ و هزاران داوطلب و غیرنظامـی ارمنی شرکت داشتند .

پس از شکست قیام انقلابیون اشرافی روس، در سال ۱۸۲۸ بفرمان تزار نیکلای اول ، حدود ۷۰ رهبر ـ افسر ـ و بیش از ۲۸۰۰ سرباز به قفقاز تبعید گردیدند . ایشان کـــــــه در صفوف ارتش روس در قفقاز بودند ،تقریبا"

همه آنها در ارمنستان بسر بردند و در عملیات جنگی شرکت فعالانه‌نمودند .

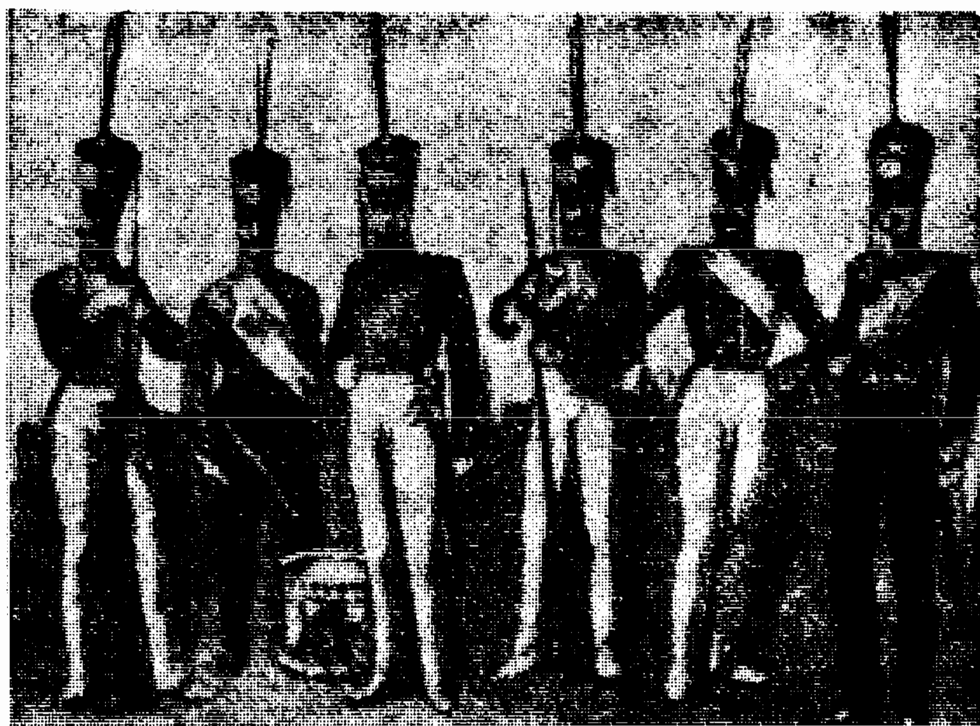
از جمله دکابریستهای تبعیدی به قفقاز و نیز افراد " هم تقصیر " باآنها می‌توان ، ی .ی .لاچینف ، م .ای .پوشچین ، ن .ن .دپررادویچ ، آ .آ .گانگبلوف، ن .ن .سمیچف ، ف .گ .ویشنوسکی ، آ .آ .دوبرینسکی ، د .آ .ایسکریسکی ، آ .ی .رنیکویچ ، ن .ن .ارژیسکی ، ن .رن‌سبریکف و سایرین را نام برد . همه آنها بخصوص در جنگهای ارمنستان شرقی شرکت داشتند .

بعنوان مثال یودوکیم یملیانویچ لاچینف ، در نبرد ۲۷ اوت ۱۸۲۷ در دشت اوشاکان و در تصرف سردارآباد و ایروان شرکت نموده بخاطر شجاعت خود درجه استواری‌بدست آورد . میخائیل ایوانویچ پوشچین که فرمانده جوخه تبرداران بود ، کار محاصره یک رشته قلعه‌ها و بخصوص قلعه ایروان را با موفقیت انجام داد . در مورد نیکلای نیکلایویچ دپررادویچ ، فرمانده‌ش‌نوشته است که او " درزمان محاصره قلعه‌های سردار آباد و ایروان شجاعت فوق‌العاده‌ای از خود نشان داد " . در ورقه خدمتی فئودورگاوریلویچ ویشنوسکی نوشته شده است که بخاطر شجاعت وی در تصرف سردار آباد به نشان نظامی گئورگی نایل شده ، اما بخاطر تصرف ایروان درجه استواری بدست‌آورده‌است . آلکساندر یفریمویچ رنیکویچ درنبردهای متعددی شرکت نمود . در مورد وی ، پاسکویچ در اکتبر سال ۱۸۲۷ به تزار گزارش داده است : " پرایورشچیک رینکویچ در جنگ علیه دشمن خود را بعنوان جنگجوی دلیر شناساند " . سایر دکابریست‌ها شجاعانه در ارتش قفقاز می‌جنگیدند .

سربازان شرکت کننده در شورش دکابریست‌ها ، در عملیات جنگی‌شرکت داشتند و از آنها هنگ مخصوص لیپ ـ گواردیا تشکیل یافته بود . این هنگ نقش بزرگی در آزادی ایروان از زیر یوغ خانهای ایران بازی نمود . دکابریست‌های سرباز در جریان محاصره قلعه در صفوف اول قوای محاصره کننده قرار داشتند . در اول اکتبر ۱۸۲۷ ، روز تصرف قلعه ایروان گروه‌های هنگ با آغاز حمله اولین دسته‌جاتی بودند که وارد قلعه شدند . جنگجویان هنگ شجاعت و شهامت فوق‌العاده‌ای از خود به نمایش گذاشتند و به‌دریافت

نشانهایی نایل آمدند .

دکابریست‌های شرکت کننده در دسته‌جات مختلف ارتش روس درقفقاز ، در جنگهای ۱۸۲۹-۱۸۲۸ روسیه و ترکیه نیز شرکت‌نمودند . در زمان تصرف قارص ، آخالسخا ، ارض روم ، بابرد و سایر شهرها ، آنها جنگ جسورانه‌ای را برعلیه قشون ترک انجام دادند . به جز پوشچین ، لاچینف ، گانگبلوف ــ که از آنها یاد شد ــ بویژه ای .گ .بورسف (در ژوئیه ۱۸۲۹ در جنگ شهربابرد کشته شد) ، پ .پ .کونونیسین ، آ .بستوژف ــ مالرینسکی و نیز سایرین در جنگ بچشم خوردند . اکثر دکابریست‌های سرباز و بخصوص ۸۰۰ سربازهنگ چرنیگوف نیز ــ که در شورش ضدتزاری اوکرائین شرکت نموده و سپس به‌قفقاز تبعید گردیدند ــ مانند جنگ ۱۸۲۸-۱۸۲۶ روس و ایران ، در جنگ ۱۸۲۹-۱۸۲۸ روس و ترکیه نیز فعالانه شرکت نمودند .



گروهی از سربازان دکابریست شرکت کننده در آزادسازی ایروان

برخلاف ژنرالها و چینونیک‌های[3] تزار، دکابریست‌های تبعیدی به‌قفقاز رفتار صمیمانه‌ای نسبت به خلق ارمنی داشتند. انقلابیون روس ــ که برعلیه استبداد تزار سلاح بدست گرفته و ایده آزادی خلق‌ها برایشان آشنا تر بود ــ با شجاعت و روحیه فوق‌العاده‌ای برعلیه خانها و پاشاها می‌جنگیدند. دکابریست‌های تبعیدی قفقاز که در جنگ ۱۸۲۸-۱۸۲۶ روس و ایران شرکت داشتند (و متعاقب آن ارمنستان شرقی به روسیه ملحق گردید) از کوشش‌خود درجهت ایجاد یک زندگی جدید برای‌ارامنه شرق[4] مضایقه نکردند.

خلق ارمنی در جنگ روسیه با ایران و ترکیه شرکت فعالانه داشت. با امید بستن به پیروزی مسلحانه روسها در جهت آزادی از یوغ خانها وپاشاها، او از هیچ خدمتی برای حفظ این پیروزی مضایقه نکرد. ساکنین تا آنجائی که برایشان مقدور بود از حیث آذوقه، اطلاعات ضروری و خدمات و توصیه‌های متعدد دیگر و نیز مبارزه مسلحانه قشون روس را یاری دادند. درزمان عملیات جنگی، روستائیان اغلب برای آزادی از خان‌ها و پاشاهای استثمارگر به سلاح متوسل می‌شدند. داوطلبان و چریکهای ارمنی بسیاری، با شجاعت در صفوف قشون روس می‌جنگیدند.

جوخه‌های داوطلبان ارمنی برای اولین مرتبه در قرن ۱۸ در ارتش روسیه ظهور کردند. لیکن نهضت داوطلبان به ویژه در زمان جنگهای ۱۸۲۸ ــ۱۸۲۶ روس ــ ایران و ۱۸۲۹ــ۱۸۲۸ روس ــ ترکیه وسعت و گسترش زیادی پیدا نمود. در تابستان ۱۸۲۶ــ وقتی که جنگ روس ــ ایران تازه آغازگردیده بود ــ به رهبری گریگور مانوچاریان روحانی در شامشادین یک جوخه از داوطلبان تشکیل شد که در مدت کوتاهی مشتمل بر ۵۰۰ نفر سوار رزمنده گردید. او با راهنمایی سرفرماندهی ارتش روس در قفقاز، عملیاتی را برعلیه

۳ــ درجه دار، مقام دولتی ــ م.

۴ــ منظور از ارامنه شرق، ارامنه ساکن در ارمنستان شرقی و یا افرادی است که از این مناطق مهاجرت کرده‌اند و به همین ترتیب ارامنه غرب می‌باشند منتهی با درنظر گرفتن ارمنستان غربی ــ م.

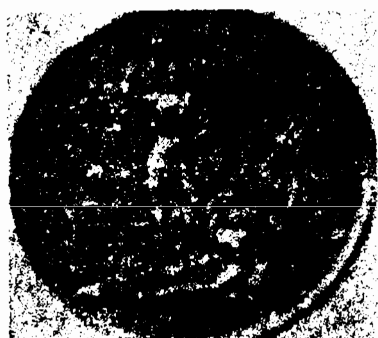
سردار ایروان ــ که حملاتی را به شامشادین و لوری ــ پامباک ترتیب داده بود ــ انجام داده خدمات چشمگیری به قشون روس نمود . در پائیز ۱۸۲۶ به همت ژنرال مددف ، از ارامنه قره‌باغ ، جوخه داوطلب تشکیل شد . او باجنگ شجاعانه در صفوف روس ، یک رشته موفقیت‌هایی کسب نمود .



پرچم یکی از گروههای داوطلب ارمنی شرکت کننده در جنگ سالهای ۲۸ ــ ۱۸۲۶ میان ایران و روسیه

در ماه مارس ۱۸۲۷ به رهبری نرسس آشتاراکی ، هاروتیون آلامداریان شاعر و ژنرال سیپیاگین استاندار تفلیس ، هنگ پیاده‌ای از داوطلبان ارمنی در تفلیس تشکیل شد . بعدها این هنگ به ایروان منتقل گردید و در جمع لشکرهای پیش قراول در عملیات جنگی شرکت کرد . کلیه ارامنه مذکور ۱۸ تا ۳۰ ساله می‌توانستند به هنگ ملحق شوند . ثبت نام شدگان ، از اهالی تفلیس ، قره‌باغ ، قارص ، ارض روم ، بایزید ، ایروان ، خوی و سایر نواحی بودند . در مورد این هنگ داوطلبان ارمنی و رزمندگانش ، یکی از معاصرین بنام ژنرال ن . ن . موراویوف روس چنین می‌نویسد : " در تفلیس به هنگ

ارامنه پرچمی داده شد . هنگ باکمال میل و روحیه فوق‌العاده وارد کارزار گردید که از روح سرباز جوان برخوردار بود . . . گرچه این هنگ باتفنگهای بدی مجهز بود ، ولی شکل سپاه منظم را داشته از فرماندهی اطاعت می‌کرد، در صف می‌ایستاد و در دفاتر یادداشت می‌گردید . . . آنها چنانکه شایسته سربازها بود ، در جنگ ظاهر می‌شدند و چنان که می‌توان انتظار داشت ، می‌جنگیدند . این سپاه جدید ، پیام‌آور بهترین امیدها بود ، تا بتوان از رزمندگان محلی یک ارتش بسیار عالی ترتیب داد . . . این اولین هنگ با الحاق به ما ، تدریجا" با سکنه خان‌نشین ایروان تقویت می‌گردید . همه قسم به خدمت وفادار خورده‌بودندوباما در تمام حملات شرکت می‌کردند " .


مدالی به مناسبت تصرف ایروان

در تابستان ۱۸۲۸ ، وقتی که جنگ روسیه و ترکها آغاز گردید ، جوخه‌های جدید داوطلبان ارمنی تشکیل گردید . در ماه‌های اول نبرد ، از سکنه ارمنی دشت آرارات و اطراف و اکناف آن ، چندین هزار داوطلب سواره‌و پیاده جمع شدند . آنها یونیفورم مخصوصی داشتند و کلاه قرمز بسر گذاشته ، یونیفورم ماهوتی سبز و آبی و کفشهای زرد می‌پوشیدند . در جریان جنگ روسیه با ترکیه داوطلب‌هادرقشون پیش قراول بودند و فعالانه در جنگ شرکت می‌کردند . وقتی که عملیات‌جنگی در ارمنستان غربی گسترش یافت ، گروههای جدید داوطلبان از بین سکنه ارمنی محل تشکیل شدند ، که اینها در ماه‌های بهار و تابستان ۱۸۲۹ در مناطق بایزید ، قارص و ارض روم فعالیت نمودند . شمار داوطلبین بایزید به ۲۰۰۰ رسید . در قارص پیاده نظام و هنگ ۸۰۰ نفری سواره تشکیل گردید . بخصوص داوطلبین ارمنی بایزید شجاعت و دلاوری بزرگی از خود نشان دادند . آنها به همراه سپاه قلیل روس ، شجاعانه قلعه بایزید را حفظ نموده حملات سهمگین قشون عظیم پاشای وان را دفع کردند .

جوخه‌های داوطلبین ارمنی در تمام جریان عملیات جنگی فعالیت نمودند . بسیاری از داوطلبین بخاطر شجاعتشان ، نشان‌ها و مدالهای افتخار دریافت نمودند .

۴ــ مرحله جدیدی در تاریخ خلق ارمنی

آزادی ارمنستان شرقی از یوغ خانها و الحاق آن به روسیه در محافل وسیع خلق ارمنی ایجاد شور و هیجان نمود . این موضوع همه جا بعنوان آزادی ملی ارامنه شرق تلقی گردید . پرواضح است که شخصیتهای بارزسیاسی و فرهنگی ارمنی معاصر منجمله نویسنده مشهور هاروتیون آلامداریان ، روشنگر و دمکرات بزرگ ارمنی خاچاتور آبوویان و مسروپ تاغیادیان با گرمی و هیجان تمام ، این عمل تاریخی را لبیک گفتند .

ارامنه شرق با آزادی از یوغ خانهای ایران و قرار گرفتن در زیر سلطه روسیه تزاری ، البته از ستم‌های ملی و استثمار اجتماعی رهایی‌نیافتند . دولت تزار ، یوغ جدید و اشکال و روشهای جدید استثمار و اجحاف به همراه آورد . و بعنوان ارگان دولتی زمینداران ، چه در قبال خلق روس و چه خلقهای دیگر که به امپراتوری روسیه پیوسته بودند منجمله خلق ارمنی ، استثمار زحمتکشان را جامه عمل می‌پوشاند . تزاریسم ، سیاست استعماری و ستم ملی‌را دنبال می‌کرد که سنگینی آن متوجه خلق ارمنی نیز می‌گردید . توده‌های زحمتکش ارمنی برعلیه تزاریسم فقط یکبار سلاح برنداشتند . بدین ترتیب در اواخر سالهای ۱۸۳۰ ، همچنین در ۱۸۵۰ــ۱۸۴۰ و سالهای ۱۸۷۰ ، شورشهای دهقانی در مناطق مختلف ارمنستان بوقوع پیوستند . در سال ۱۸۸۵ ــ وقتی که ساتراپ‌های تزار ، اکثر مدارس‌ارمنی را بزور گرفتند ــ زد و خوردهای مسلحانه بین سکنه ارمنی و پلیس درگرفت . لیکن صرف نظر از تمام آنها ، الحاق ارمنستان به روسیه در آن شرایط تنها چاره برای ایجاد امکاناتی در زمینه ترقی زندگی اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی بود .

متعاقب این واقعه معروف ، خلق ارمنی قبل از هرچیز ، از نابودی فیزیکی رهایی جست و افزایش شماری و موجودیت جمعی آن حفظ گردید . در نتیجه ستم ملی ، تعقیب و کشتارهای خان‌های ایران و پاشاهای ترک ، و نیز متعاقب جنگهای بین فئودالی و گروههای راهزن دیگر ، کشور از هم پاشیده و ویران گردیده بود . تعداد جمعیت به مرور زمان تنزل می‌یافت و موجودیت فیزیکی مردم در معرض خطر قرار داشت . این خطر پس از الحاق ، منتفی شد . خلق ارمنی در امپراتوری روسیه ، آن کشتارها و ستم های ملی ـ مذهبی را که در زمان تسلط خانها و پاشاها انجام می‌شد ، متحمل نمی‌گردید ، از جنگهای ویران کننده بین فئودالی نیز خبری نبود . در این شرایط جریان مهاجرت ارامنه بطرف ارمنستان شرقی آغاز گردید و در آنجا تعدادشان بسرعت افزایش یافت . مشخص است که مثلاً در سالهای ۱۸۴۰ شمار جمعیت ارمنستان شرقی ــ در مقایسه با شمار جمعیت در اوایل قرن ۱۹ ــ دوبرابر شده بود . این مطلب بدین معنی است که موجودیت کلی و فیزیکی خلق ارمنی در ارمنستان شرقی زیر سلطه روسیه حفظ می‌شد .

الحاق ارمنستان به روسیه اهمیت مترقیانه‌ای در پیشرفت اقتصادی کشور نیز داشت . ارمنستان شرقی در زمان تسلط امپراتوری روسیه امکانات جدید اقتصادی بدست آورد . اقتصاد کشور در دوران تسلط خانهای ایران و پاشاهای ترک ، بی‌تحرک و درحال اضمحلال بود . روسیه با زندگی اقتصادی مترقی‌تر خود نسبت به ایران و ترکیه ، باعث تحرکی در زندگی اقتصادی ارمنستان گردید . شرایط مناسبی ایجاد شد . صرف‌نظر از سیاست استعماری تزاریسم ، در ارمنستان شرقی و تمام ماوراء قفقاز هنوز در نیمه‌های قرن ۱۹ ، جنب و جوشی در پیشرفت زندگی اقتصادی پدید آمده بود . اقتصاد طبیعی از هم پاشیده و روابط پول ــ کالایی رونق می‌یابد ، که اصلاحات روستایی سالهای ۱۸۷۱ــ۱۸۶۴ و نیز راه‌سازی در ماوراء قفقاز به این کار کمک شایانی می‌کنند . در سالهای ۱۸۷۰ــ۱۸۶۰ راه‌های شوسه تفلیس ـ قره کلیسا ـ ایروان ، ایروان ــ جلفا ، آلکساندراپول ــ کوغب ــ نخجوان ــ گوریس مرمت

یا ساخته شدند . در سال ۱۸۸۳ ساختمان راه آهن باکو ــ باتوم و در سال ۱۸۹۹ راه‌آهن تفلیس ــ آلکساندراپول ــ قارص اتمام یافتند .

در نیمه دوم قرن ۱۹ مراکز استخراج مس در آلاوردی و زانگزور ، اما در اواخر قرن کارگاههای تولیدی در زمینه پنبه ، پوست ، پارچه ، شراب و کنیاک تاسیس شدند . هم تجارت داخلی و هم تجارت خارجی توسعه یافت . جمعیت شهری افزایش نمود . در سال ۱۸۶۵ ایروان ۰۰۰ ۱۴ اما در ۱۸۹۷ ، ۰۰۰ ۲۹ نفر جمعیت داشت . در سال ۱۸۶۵ آلکساندراپول ۰۰۰ ۱۶ اما در ۱۸۹۷ دارای ۰۰۰ ۳۲ نفر جمعیت بود .

نقش پیشرو روسیه در توسعه زندگی اقتصادی ارمنستان شرقی واضح می‌باشد . ف . انگلس در یکی از نامه‌هایش به ک . مارکس در سال ۱۸۵۱ می‌نویسد " روسیه واقعا" نقش پیشرو در قبال شرق بازی می‌کند " .

الحاق ارمنستان شرقی به روسیه در ترقی فرهنگ ارمنی اهمیت فراوانی دارد . فرهنگ غنی و پیشرو خلق روس به شکوفایی ادبیات ، هنر و علوم ارمنی کمک نمود . مثلا" نویسندگان بزرگی چون خاچاتور آبوویان ، گابریل سوندوکیان ، هوانس هوانسیان ، هوانس تومانیان و سایرین تحت تاثیر ادبیات کلاسیک روس قرار گرفتند . هوانس تومانیان با سخن در این باره ، نوشته است : " با عشق و احترام در برابر ادبیات شکوهمند ملت بزرگ روس درمقابل ادبیات پوشکین ، لرمونتف ، گوگول ، داستایوسکی ، تورگنیف ، چخوف تولستوی و وارثین گران‌قدرشان که اکثر نویسندگان و متفکرین ما باآن تحصیل نموده‌اند ــ سرتعظیم فرود می‌آورم " .

به لطف این مطلب که ارمنستان به روسیه ملحق گردید ، توده‌های زحمتکش ارمنی امیدشان را به خلق بزرگ روس و مبارزه آزادیبخش آن بستند . هنوز در سالهای ۱۸۶۰ ، دمکرات و انقلابی مشهور ، میکایل نالباندیان با انقلابیون نامدار روس ــ گرسن ، اگاریف و همرزمانشان ارتباط برقرار نموده بود . از اواخر قرن ۱۹ ، جنبش‌های کارگری و دهقانی ارمنی در جنبش عظیم انقلابی روسیه ــ جنبشی که بعدها آزادی واقعی را چه برای خلق روس و چه

خلق ارمنی به همراه آورد ـ قرار گرفت .

بدین ترتیب الحاق ارمنستان شرقی به روسیه واقعه‌ای عظیم‌ونقطه‌عطفی برای خلق ارمنی بود . از سال ۱۸۲۸ به بعد برای بخش عظیمی از مـــردم ، زندگی با اساس و پایه نوینی جریان یافت . برای رونق اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ، شرایطی مناسب و دورنمایی پرامید بوجود آمد . مرحله جدیدی در تاریخ چندین قرنی خلق ارمنی آغاز گردید .

فصل هفدهم

اوضاع ارامنه غرب درنیمه دوم سده ۱۹

۱ــ تشدید ستم ملی

در نیمه دوم قرن ۱۹ ، وقتی که ارمنستان شرقی دیگر در زیر سلطــــه امپراطوری روسیه قرار داشت ، ارمنستان غربی همچنان تحت سیطره تــرکهــا بود . شمار جمعیت ارامنه ساکن در ارمنستان غربی و در شهرها و قراء مختلف ترکیه عثمانی ، در این زمان حدود سه میلیون نفر را تشکیل می‌داد .

دولت ترکیه (باب عالی) یک رشته کوششها درجهت انجام اصلاحات انجام داد . برای جلوگیری از انقراض حکومت سلطان‌عبدالمجید و خــــارج نمودن کشور از عقب‌ماندگی شدید ، در سال ۱۸۳۹ فرمانی دال بــرانجــام اصلاحات در امپراتوری صادر شد . فرمانی‌نیز با همین محتوا در ســال ۱۸۵۹ صادر گردید . این رفرم‌های اعلام شده که نام کلی تنظیمات را داشتنــد ، امنیت زندگی ، دارایی و شرف ، برابری حقوق مسلمین و مسیحیان ، اصلاحاتی در نظام اداری و غیره وعده می‌دادند . ولی تنظیمات تا حد بسیار کمی‌جامه عمل پوشید . برخی تغییرات نظامی و اداری انجام شد لیکن ایده‌های اصلی

اصلاحات موعود عملی نشد . تنظیمات هیچگونه نتیجه مثبتی به همراه نداشت . ترکیه همچنان " در پست‌ترین و وحشیانه‌ترین درجه فئودالیسم " باقی ماند (ک . مارکس و ف . انگلس) .

تنظیمات بخصوص در ارمنستان غربی در حیطه اجرا قرار نگرفت . پاشاها ، شیخ‌ها و بیگهای حاکم در آنجا ، حتی نخواستند در مورد اصلاحات سخنی بشنوند ، مردم در شرایط سخت باقی ماندند . بعلاوه ، از نیمه‌های قرن ۱۹ به بعد ، استثمار و ستم ملی تدریجاً تقویت گردید .

در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۰ موج جدیدی از جنبش رهایی بخش ملی در امپراتوری عثمانی بوجود آمد . شورشهایی برعلیه سلطه ترکها در چرنوگوریا ، هرسگونیا و بلغارستان بوقوع پیوستند . نهضتهایی نیز در بخش آسیایی امپراتوری ، در بین اعراب و اکراد بوجود آمد .

دولت سلطان با اعتقاد به موجودیتش ، این جنبش‌ها را با بی‌رحمی تمام سرکوب نمود و برای مدتی به اعمال قاطعانه پرداخت تا اینکه از شیوع و گسترش چنین شورشهایی در بین سایر ملل جلوگیری بعمل آورد . ارامنه غرب و ارمنستان غربی نیز از نظر باب عالی پنهان نماندند ، زیرا در آنجا نیز افکار مبارزه رهایی بخش زمینه مناسبی پیدا کرده بود .

دولت عثمانی با کوشش درجهت ممانعت از جنبش‌های ارامنه غرب ، به هرعملی دست زد تا موجودیت جمعی ارامنه غرب را در معرض خطر قرار دهد . کوششهایی برای ازمیان برداشتن وضعیت نیمه مستقل یک رشته از ولایات ارمنی ، بخصوص زیتون و ساسون ، بعمل آمد ، حکومت روابط ارامنه با کردها و سایر خلقهای مسلمان را تیره‌و تلخ‌تر می‌نمود . تعقیب شدید جراید ، ادبیات ، انجمنهای فرهنگی ــ تعلیمی آغاز شد ، کشتارها و تغییر اجباری مذهب ترتیب داده می‌شد .

دولت مرکزی ، حکومتهای محلی ، شیخ‌ها و بیگ‌ها و سایر فئودالها ، بی‌مضایقه دهقانان بی سلاح را ــ که به کار پرآرامشی اشتغال داشتند ــ غارت و استثمار می‌کردند . بی‌عدالتی و خودکامگی حکام حد و حصری نداشت .

ژنرال لیخوتین که در طول جنگهای کریمه (۱۸۵۶–۱۸۵۳) در ارمنستان غربی بسرمی‌برد ، می‌نویسد که ارامنه متحمل ظلمهای سهمگینی می‌شدند و همیشه در وضعیت بحرانی بسر می‌بردند . محقق نامدار گارگین سروانزدیان اوضاع ساکنین ارمنی ولایت موش را در سال ۱۸۶۴ بشرح زیر بیان کرده‌است : " رگبار گلوله ، جریان خون ، غارت ، تجاوز به خانواده‌ها ، غارت کلیسا ، زیر پا گذاشتن قانون ، کشتار . . . " .

شاهدی عینی در مورد ساکنین ارمنی ولایت کغی در سال ۱۸۶۹ چنین تعریف می‌کند : " این مردم اخلاقاً و از حیث فیزیکی در معرض نابودی قرار دارند ، هرروز کشته می‌شوند ، زخمی می‌گردند ، غارت می‌شوند ، استثمار می‌گردند " .

در همان سال ۱۸۶۹ ، سفیر روسیه در قسطنطنیه گزارش داده است که باب عالی فرمانی سری در جهت تخریب بناهای تاریخی ارمنی برای حکومتهای محلی فرستاده است تا آنها گذشته ارمنستان را بیاد نیاورند و ایده استقلال ملی را درمیان خلق ارمنی دوباره احیاء نکنند .

در دسامبر ۱۸۷۶ مقامات ترک در شهر وان خانه‌ها و بناهای متعدد ارامنه را به آتش کشیدند ، عده کثیری کشته یا زندانی شدند و کوششهایی به منظور کشتار سکنه ارمنی به عمل آمد . بعدها ام .دیلون ، نویسنده انگلیسی نوشت که در استانهای ارمنی ارمنستان غربی چنان سیستم اداری سبوعانه‌ای برقرار بود که به مراتب از نظام برده‌داری بدتر است .

۲ــ جنبشهای رهایی بخش در سالهای ۱۸۷۰ــ۱۸۶۰

سیاست ظالمانه دولت سلطان ارامنه را نیز به قیام واداشت . بعنوان پاسخی به ستم‌ها و استثمارها ، قیامهای مسلحانه‌ای بوقوع پیوست . ارامنه غرب برای حفظ حیات ، موجودیت و شرف خود کوششهایی در جهت آزادی‌از یوغ استبدادترکها انجام دادند .

ساکنین ارمنی شهروان در فوریه ۱۸۶۲ برعلیه حکومت ترک قیام نمودند. جنگ میان ارامنه و پلیس ترک وسعت زیادی پیدا کرد. ساکنین ارمنی و کرد دهات اطراف به کمک قیام شتافتند. شورشیان قلعه وان را تصرف نموده و در آن سنگر گرفتند. پس از یک رشته زد و خورد و دخالت ارتش، شورشیان اسلحه‌هایشان را به زمین نهادند.

در تابستان ۱۸۶۲ شورش بزرگی در زیتون حادث شد و یکی از مراکز عمده نهضت رهایی بخش ارمنی در نیمه دوم قرن ۱۹ گردید.

زیتون ــ یکی از نواحی کیلیکیه کوهستانی ــ در نزدیکی سرچشمه‌های رود جاهان (پیورامیس) واقع در شمال غربی ماراش واقع است. تمام ولایت و نیز دهستان مرکزی آن زیتون نامیده می‌شد. این ولایت ــ که در قدیم اولنیا نامیده می‌شد ــ دارای دره‌ها و گذرگاههای صعب‌العبور بود و اینها به همراه کوهها موضع تسخیرناپذیری به آن می‌بخشیدند.

ارامنه از قدیم‌الایام در این ولایت کوهستانی ساکن شده‌اند، و در دوران موجودیت پادشاهی ارمنی کیلیکیه (قرون ۱۴ــ۱۲) نیز جمعیت نسبتاً زیادی درآنجا مستقر شدند. شمار جمعیت در اواسط قرن ۱۹ حدود ۴۰ ــ ۳۵ هزار نفر بود که ۱۷ هزار نفر آنها در دهستان زیتون و بقیه در دهات نه‌چندان دور در اطراف آن زندگی می‌کردند.

زندگی اقتصادی ولایت ماهیت بسته و طبیعی داشت. قشربندی اجتماعی ــ طبقاتی روستائیان هنوز ضعیف بود و شیوه اداری تحت تاثیر نظام پدر سالاری ــ خانوادگی قرار داشت. لیکن صرف نظر از تمام اینها، در زیتون و نیز قصبه‌های همسایه، روابط فئودالی حاکم بود. روستائیان زحمتکش از طرف قشر مرفه استثمار می‌شدند، تضادهای اجتماعی وجود داشت. اداره دهات در دست کدخدا قرار داشت. زیتون اصلی به چهار بخش تقسیم می‌گردید و هر بخش رئیس خود را داشت که دارای لقب " ایشخان" بود. تمام مسایل مربوط به ولایت در شورایی بررسی می‌شد که کدخداهای دهات، چهار رئیس بخش زیتون، ایشخانها و نمایندگان کلیسا در آن شرکت‌می‌نمودند.

زیتون از نظر حقوقی تحت تسلط ترکیه سلطانی قرار داشت ، ولی عملاً" وضعیت نیمه‌مستقلی داشت . امور اداری ، قضایی ،مذهبی و سایر کارها مستقلاً" حل و فصل می‌شد . اهالی زیتون اغلب به سلطانها مالیات‌پرداخت نمی‌کردند .

در نیمه اول قرن ۱۹ اهالی زیتون چندین مرتبه با قشون ترک زد و خورد مسلحانه داشتند . گروه اخیر مثلاً" در سالهای ۱۸۰۸ ، ۱۸۱۶ ، ۱۸۲۹، ۱۸۳۵ به ولایت نیمه مستقل لشکرکشی نمود . اهالی زیتون ـ که جنگجویان کارکشته و دلیر بودند ـ قهرمانانه از خود دفاع نموده دشمن را عقب می‌راندند . دلیل اصلی جنگها این بود که کوهنشینان ارمنی بعضی مواقع از پرداخت مالیات به مقامات ترک سرباز می‌زدند .

باب عالی در اواسط قرن ۱۹ توجه خاصی به زیتون مبذول داشت . با ترس از اینکه این ولایت می‌توانست به یکی از مراکز جنبش رهایی بخش‌ارمنی تبدیل گردد ، دولت سلطان تصمیم به ازبین بردن وضعیت نیمه مستقل و به اطاعت درآوردن کامل آن گرفت . در تابستان ۱۸۶۰ ، به فرمان خورشیدپاشا، حاکم ماراش، یک لشکر برعلیه اهالی زیتون فرستاده شد ولی اینها باضدحمله موفقیت‌آمیز خود ، پاشا را مجبور به فرار نمودند . این مسئله دولت ترکیه را بیشتر ناراحت کرد و آنهم تصمیم گرفت به هر ترتیبی منطقه کوهستانی را تصرف نموده ، ساکنین ارمنی را متفرق و از دم تیغ بگذراند .

بدستور سلطان ، حاکم جدید ماراش، عزیز پاشا ، قشونی تدارک دید و در ژوئیه ۱۸۶۲ زیتون را محاصره نمود . تمام ساکنین زیتون قیام نمودند و همه اعم از جوانان ، سالمندان ، زنان و پیرها اسلحه برداشتند . عزیز پاشا در ابتدا موفقیت‌هایی کسب نمود . او چندین ده را تصرف و آنها را ویران و غارت و مورد کشتار قرار داد . یکی از شهود عینی در مورد کشتار ده آلاباش چنین می‌نویسد : " . . . مردان و زنان و پسران ، همه از دم تیغ گذشتند ، خانه‌ها غارت شده تمام ده به‌آتش کشیده شد . خون‌درکوچه‌ها جاری گردید و دود آتش سوزی دهات اطراف را نیز هراسان نمود . پاشا دستور داد درهای وانک ارمنی در نزدیکی ده را درهم شکستندو این مردان

تشنه به خون در برابر چشمان حاکم و بفرمان او کشیش و راهب را سربریدند".

لیکن موفقیت‌های پاشا طولانی نبود . در دوم اوت ۱۸۶۲ اهالی زیتون به حمله قاطعانه دست زدند و شکست بزرگی برقشون سلطان وارد ساختند . دشمن به‌فرار متوسل شد . عزیزپاشا شکست مفتضحانه‌ای خورد . فاتحین سلاح‌ها و مهمات جنگی بسیاری بدست آوردند . دشمن حدود ۲۰۰۰ جسد در دشت بجای گذاشت . اهالی زیتون در این جنگها یک مرتبه دیگر شجاعت حیرت آور و فنون عالی جنگی را به نمایش گذاشتند .

در مقاله یکی از معاصرین ، نوشته شده‌در دسامبر ۱۸۶۲ ، راجع به این نبرد قهرمانانه چنین آمده است : " روز دوم اوت ، صبح زود ، عزیز پاشا فرمان حمله به زیتون را داد . در پیشاپیش ارتش بیگانه هنگی متشکل از ۱۵۰ ملا و شیخ ــ که مفتی بزرگشان در راس آنان قرار داشت ــ حرکت می‌نمود . نیم ساعت قبل از رسیدن به زیتون آنها در یک دشت مرتفع اجتماع نموده و نماز گزاردند و برای زیتون دعای کفر و لعنت خواندند . . . ارتش اجنبی پس از نیم ساعت نماز ، به زیتون حمله کرد ، که اهالی آنجا در پشت سنگها و صخره‌های جلوی زیتون بفرماندهی چهار نفر رئیسشان سنگر گرفته بودند ..."

نویسنده مقاله با صحبت در مورد وحشیگری‌هایی که ارتش ترک در دهات متصرفی انجام می‌داد ، ادامه می‌دهد : " . . . نبرد در همه‌جا پُر تاب بود ، صدای زنگهای زیتون فرمان برداشتن سلاح را صادر کرده بود . جنگ شدت تمام یافت . ارامنه با برخورداری از سنگرهای مستحکم به اجانب‌شکست خوبی وارد ساختند و آنها را عقب رانده تا اردوگاه عزیز پاشا رسیدند که او هم بزحمت توانست جان سالم بدر برده‌و فرار کند . هنگ اجانب در حوالی وانک آسدوازازین نیز متحمل کشتار شدید گردید . اهالی زیتون با استقراردر گردنه‌ها و گذرگاه‌های تنگ ، خسارت زیادی برارتش بیگانه وارد ساختند جنگ از صبح تا ظهر طول کشید و قشون عزیزپاشا درحالی که متفرق شده بود ، مجبور به فرار شد . زیتونی‌ها تا عصر آنها را تعقیب کردند و بسیاری از آنان را کشتند . قسمتی از این قشون ، که در هنگام فرارش‌کشته‌های



نمای عمومی زیتون

زیادی داده بود جاده ماراش را گرفته بود، بزحمت توانست شب هنگام به آنجا برسد. قسمتی دیگر برای فرار به یک راه نزدیکتر متوسل شده، مسیرخود را در سمت‌چپ و راست زیتون تعیین کرده بود . اما بخش عظیمی از آنها در کوهها، گذرگاهها و دره‌ها کشته شدند، بخش بزرگی نیز در رودخانه‌غرق شدند. بدین ترتیب ۶ تا ۸ هزار نفر و ۲۸ بیگ و فرمانده هنگ از اجانب کشته شدند. روز بعد، در سوم اوت، اهالی زیتون مشغول دفن اجساد بیگانگان بودند. افراد سواره نظام زیادی در بین قشون عزیزپاشا دیده می‌شدند. شمار کشته شدگان اهالی زیتون به ۱۵۰-۱۰۰ نفر بالغ می‌شد".

حکومت عثمانی برای سرکوب شورشیان تدارک دیگری دید. عزیز پاشا فراخوانده شده و به جایش عشیرپاشا بعنوان حاکم ماراش تعیین گردید. به او دستور لشکرکشی جدیدی با ارتشی بزرگتر داده شد. شورشیان آماده مقابله با دشمن شدند، لیکن حوادث بزودی صورت دیگری یافت. مذاکره میان طرفین آغاز گردید و براساس آن باب عالی از لشکرکشی طرح ریزی شده چشم‌پوشی نمود، اما شورشیان به پرداخت مالیات و قبول قائم مقام (رئیس بخش) انتصابی از طرف حکومت، متعهد گردیدند.

قرارداد منعقده تغییرات جدیدی در زندگی اهالی زیتون ایجادننمود. هدف دولت سلطان ـ تصاحب زیتون و تفرق و یا نابودی سکنه ـ جامه عمل نپوشید. این ولایت در واقع در همان وضعیت قبلی باقی ماند. قائم مقام که در سال ۱۸۶۵ به زیتون وارد شد، به کسب مالیات می‌پرداخت ولی مقام وی تشریفاتی بود و اهالی زیتون در کارهای خود همچنان نیمه‌مستقل باقی ماندند.

نبرد قهرمانانه سال ۱۸۶۲ زیتون، انعکاس وسیعی دربین ارامنه‌یافت. نمایندگانی از متفکرین ارمنی غرب با ایجاد رابطه با شورشیان سعی نمودند، سلاح و مهمات برایشان ارسال دارند. نویسندگان متعددی نظیر م. بشیکتاشلیان و س. شاهازیز مبارزه رهائی بخش زیتون را سوژه آثار خود قرار دادند. ارامنه ساکن در استامبول بخصوص اقشار دمکرات آن، با دقت

فراوان مسائل و حوادث را زیرنظر داشتند و به هرنحوی سعی در کمک مالی به هم‌میهنان بپاخاسته خود داشتند. بدین منظور اعاناتی در تفلیس، مسکو، و سایر شهرها، از میان ارامنه جمع‌آوری شد. مقالاتی به مناسبت نبرد قهرمانانه زیتون در جراید ارمنی بچاپ رسید. بخصوص در "پاریس"، "درنای سرزمین ارامنه[1]"، "گل[2]"، "ماسیس" و غیره. جنبش انعکاس خود را نیز در جرائد اروپائی پیدا نمود.

بدین ترتیب اهمیت و آوازه شورش کوه‌نشینان ارمنی در تاورس از مرزهای ولایتی خارج گردید. این نبرد مشهور و قهرمانانه در اختلاف با شورشهای دوران‌های قبلی، ماهیت عمومی پیدا نمود. این قیام برای‌توده‌ها و بخش‌های دیگر ارمنی به مثابه سرمشقی واقع گردید و در جنبش رهایی‌بخش ارامنه در سالهای آینده تاثیر بسزائی نهاد.

یکسال پس از شورش زیتون در سال ۱۸۶۳، شورشهایی دربین‌روستائیان ارمنی ولایت موش و در سال ۱۸۶۵ در چارساجاک بوجود آمد. روستائیان به پاخاسته برعلیه حکومتهای محلی، اقدام به فرستادن نمایندگانی به‌استانبول می‌نمایند، به امید اینکه بواسطه باب عالی وضعیت خود را بهبود بخشند. لیکن‌نمایندگان، دستگیر شده‌و قیامها سرکوب گردیدند و پس از آن صدها خانواده به سرحدات روسیه و قفقاز رفتند.

یک رشته انجمنهای مخفی ارمنی درجهت پیشبرد جنبش رهایی بخش تاسیس یافتند. مثلاً در سال ۱۸۷۲ گروه مخفی "اتحادیه رستگاری[3]" در شهر وان بوجود آمد. چه اهالی شهر و چه ساکنین دهات اطراف ــ معلمین، پیشه‌وران، تجار، دهقانان و روحانیون ــ در این سازمان عضویت یافتند. اتحادیه می‌کوشید به کمک روسیه، ساکنین ارمنی ولایت را از یوغ ترکها برهاند.

1- Krunk Hayots Ashkharhi 2- Dzaghik
3- Miutyun-i-Perkutyun

بدین جهت ، فعالیت گسترده‌ای نموده اعلامیه‌هایی در بین مردم منتشر کردو افراد برای کسب کمک مخصوص به تفلیس گسیل داد . در یکی از اعلامیه‌های اتحادیه نوشته شده است : " شرف ما از بین رفت ، کلیسای ما موردبیحرمتی قرار گرفت ، عروسها و جوانهای ما مورد سرقت واقع شدند ، بوضوح حقوق ما را پایمال می‌کنند و سعی در نابودی ملت ما دارند . به این جهت ، یا باید مُرد و این وضعیت خوفناک را ندید و یا در مام وطن رستگاری یافت . دیگر برای چه صبر می‌کنیم . . .یک دل و یک زبان قسم یاد نهیم . . . و دنبال وسیله‌ای برای آزادی بگردیم . . . " .

لیکن اتحادیه حیات طولانی نداشت . پس از دو سال از فعالیت باز ایستاد .

جنبش رهایی بخش ارمنی برعلیه سلطه ترکها در ارمنستان غربی ، در دهه‌های آینده ادامه یافت .

۳ــ منشاء مسئله ارامنه

در تابستان ۱۸۷۵ شورشهایی برعلیه سلطه ترکها در بُسنیا و هِرْسِگونیا بوجود آمد . در ۱۸۷۶ خلق بلغار به اسلحه متوسل شد . در همان سال صربستان و چرنوگوریا به ترکیه اعلام جنگ دادند زیرا قصد داشتند به استقلال کامل برسند . سلطان عبدالحمید که مستبدی مرتجع به تمام معنی بوده‌ودر سال ۱۸۷۶ به تخت نشسته بود ، به شیوه‌های خشن متوسل گردید . گروه‌های اوباش سلطان‌بویژه جنبش‌رهایی بخش خلق را در خون خفه کردند و به وحشیگری‌های بی‌نظیری دست زدند . مبارزه قهرمانانه خلقهای اسلاو و ظلمهای باب عالی جنبشی را در روسیه ایجاد کرد . قشرهای وسیع اجتماع خواستار مساعدت به خلقهای برادر وآزادی آنان از دست رژیم وحشی سلطان بودند . دولت تزار از اوضاع موجود سودجست و به منظور اجرای طرحهای سیاست خارجی خود ، به حمایت از شورشیان پرداخت . سلطان

ترک یک سری از خواسته‌های تزار آلکساندر دوم را رد کرد. ترکیه در سال ۱۸۷۷ به روسیه اعلام جنگ داد.

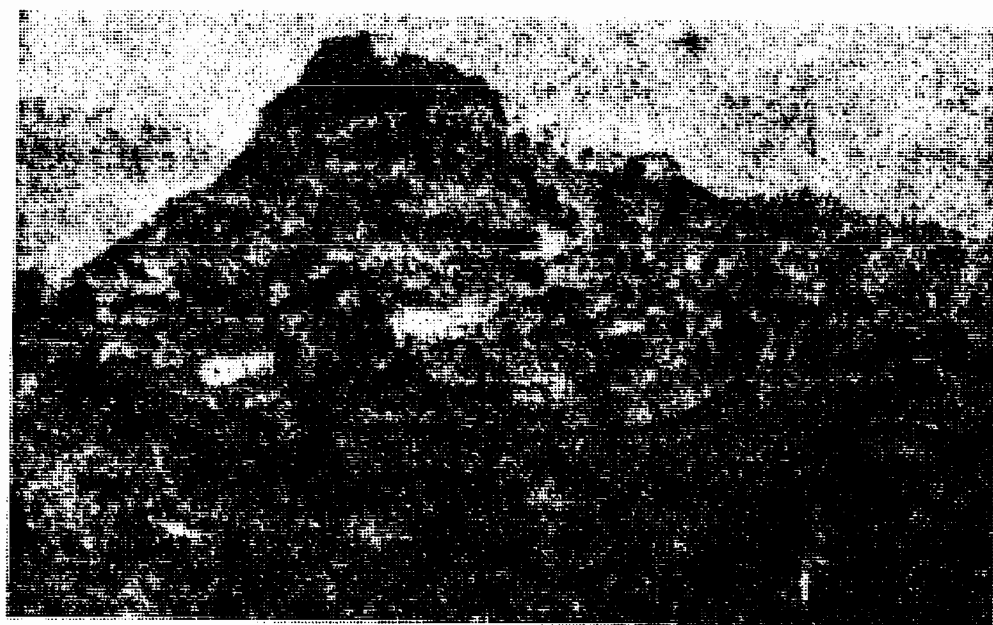
عملیات جنگی در بالکان تبدیل به‌عرصه عمده‌کارزار گردید و در قفقاز و عمدتاً ارمنستان غربی وسعت یافت. لشکر روسیه در قفقاز ــ که فرمانده آن ژنرال لوریس ملیکوف (ارمنی الاصل) بود ــ در سال ۱۸۷۷ شهر قارص ــ "بخش بسیار غنی و آباد ارمنستان" (ک. مارکس) ــ آرداهان، اولتی، آلاشگرد، بایزید، باتوم و برخی مراکز دیگر ارمنستان غربی و گرجستان غربی را متصرف خود درآورد. در ۸ فوریه ۱۸۷۸ قشون روس شهر ارض‌روم را ــ که دارای اهمیت‌فوق‌العاده اقتصادی و سوق‌الجیشی بود ــ اشغال کرد.

خلق ارمنی در عملیات جنگی ارمنستان غربی شرکت فعالانه نمود. اقشار وسیع ارامنه غرب ــ که برای آزادی از رژیم سفاک سلطان امیدهای خود را به روسیه بسته بودند ــ با تمام امکاناتشان به قشون روس کمک می‌نمودند. سکنه ارمنی مواد غذایی در اختیار ارتش روسیه قرار می‌داد، از زخمی‌ها مواظبت می‌کرد. اطلاعات مهم نظامی به فرماندهی ارتش می‌داد، نیروهای مسلح پیاده و سواره بطور داوطلبانه دراختیارشان می‌گذاشت و جز آن بسیاری از داوطلبان ارمنی فداکاری و شجاعتشان را به نمایش گذاشتند. توجه کنیم که دلاوری‌های یکی از آنها بنام سامسون در بوغوسیان است که توسط نویسنده نامدار ارمنی یعنی رافی در شخصیت "جنت[۴]" متجلی گردیده است. ژنرالهای ارمنی ارتش روسیه یعنی تِر غوکاسف، لازارف، شلکونیکف، آلخازوف، کیشمیشوف در پیروزی‌های جبهه قفقاز نقش بزرگی ایفا نمودند.

لشکرهای روسیه در بالکان به پیروزی‌های قطعی دست یافتند. آنها با شکستن مقاومت دشمن، شهرها و قلعه‌های متعدد و مستحکم را متصرف درآوردند. در ۱۸۷۸ به آدریانا پول وارد گردیدند که در ۳۵ کیلومتری استانبول واقع

۴ــ به معنی دیوانه. جریان از این قرار است که این شخص با تظاهر به دیوانگی از میان روستاها و ارتش ترک عبور نموده و از ارتش روسیه برای مساعدت به ارامنه محاصره شده کمک می‌طلبد ــ م.

بود . شکست ترکیه قطعی شد .



قلعه قارص

خلقهای اسلاو تحت ستم سلطان و نیز ارامنه غرب پیروزی نظامی روسیه را با شور و هیجان لبیک گفتند . شکست ترکیه آزادی خلق‌ها را دگربار به مسئله‌روز تبدیل نمود . امیدها و انتظارات تازه‌ای بوجود آمد . ارامنه غرب ــ که مبارزه رهایی بخش برعلیه یوغ سنگین سلطان را ادامه می‌داد ــ رای خود را متوجه روسیه نمود . محافل رهبری جنبش آزادی بخش ارمنی تقاضانامه‌های رسمی جهت دولت تزار ارسال داشتند . آنها تقاضا می‌کردندتا ارامنه غرب را از استثمار مستبدانه ترکها رهانیده و به ارمنستان غربی خودمختاری اداری ــ سیاسی داده شود . دربار روسیه ــ که منافعش تاحدودی با تمایلات ارامنه غرب سازگاری داشت ــ تقاضاهای دریافتی را قبول و قول به جریان انداختن آنها را داد .

ترکیه شکست خورده تقاضای صلح نمود . مذاکرات آغاز شد در ۱۹ فوریه ۱۸۷۸ (سوم مارس) در سان ــ استفانو در حوالی استانبول قرارداد اولیه صلح منعقد گردید ، که براساس آن دولت سلطان ، استقلال چرنوگوریا

صربستان و رومانی‌را برسمیت شناخت . به‌بلغارستان خودمختاری اعطاء می شد، اصلاحاتی بایست در بوسنیا و هرسگوئیا انجام می‌گردید ، بخشی از بسارابیا باید به روسیه ملحق می‌شد و جز آن . قراردادسان‌استفانو الحاق باتـوم ، آرداهان،قارص، بایزید و جلگه آلاشگرد را به روسیه پیش بینی می‌کرد .

یک ماده قرار داد سان ــ استفانو به ارمنستان غربی مربوط می‌شد و آن،ماده ۱۶ بود که به خواست روسیه مورد قبول واقع گردید . دولت تزار به منظور وابسته نمودن سیاسی ارامنه غرب به خود و بطور کلی برای انجـام طرح‌های سیاست خارجی از دولت سلطان خواست تا اصلاحاتی در ارمنستان غربی یعنی ولایات وان ، بیتلیس(باغِش) ، ارض روم ، سباستیا (سیواس) ، خاربرد (معمورة العزیز) ، دیاربکر (تیگراناگرد) عملی سازد و امنیت‌ساکنین ارمنی را در قبال گروههای اوباش کُرد و چِرکِز تامین کند . در ماده ۱۶ قرار‑داد سان‌استفانو نوشته شده است : " از آنجائی‌که خروج ارتش روسیـه از سرزمینهای متصرفی ارمنستان که بایـد به ترکیه برگردانده شوند ، احتمالاً موجب بلوا و خشونت خواهد بود ــ که در نتیجه آن روابط حسنه دو کشـور (ترکیه و روسیه) متضرر می‌شود ــ لذا باب عالی مجبور است بدون درنـگ اصلاحات‌وتامین نیازهای استانهای ارمنی‌نشین را عملی ساخته ، امنیت آنها (ارامنه) را در برابر کردها و چرکزها تامین کند "

لیکن قرارداد سان ــ استفانو ، بلااجرا باقی ماند و پس از چندی لغـو گردید . برخی از دول اروپایی و در وهله‌اول ، انگلیس و اطریش نظرخصمانـه درقبال قرارداد داشتند . موفقیت‌های روسیه ، تقویت نفوذ آن در بالکـان و آسیای صغیر ، با سیاستهای فتوحات ــ اشغالگرانه این دول در تضـاد بـود . نمایندگان انگلستان و اطریش قاطعانه برعلیه قرارداد سان ــ استفـانـــو ایستادند و خواستار تجدید نظر درآن شدند . دولت تزار در قبال این‌مسئله عقب‌نشینی کرد . در اول ژوئن ۱۸۷۸ در برلین کنگره‌ای تشکیل گردید کـه شش دولت اروپا ــ انگلستان ، روسیه ، اطریش ، آلمان ، فرانسه و ایتالیا ــ در آن شرکت داشتند . در این کنگره پس از یک ماه مذاکره ، در اول ژوئیـــــه

(سیزدهم) به جای قرارداد سان ـ استفانو منعقده میان روسیه و ترکیه ، قرارداد برلین جایگزین شد که براساس آن روسیه تخفیفات چشمگیری داد . بلغارستان تقسیم و تبدیل به حکومت وایالتی گردید . بوسنیا و هرسگوینا از جانب اطریش اشغال گردید ، ارض روم ، بایزید و جلگه آلاشگرد به ترکیه بازگردانده شد و جزآن .



قلعه بایزید

در برلین هنگام تجدید نظر در قرارداد سان ـ استفانو ، مسئله ارمنستان غربی نیز دگربار بررسی شد . ارامنه غرب به منظور حل عادلانه مسئله خود نمایندگان ویژه‌ای به برلین گسیل داشتند . هیئتی که مگردیچ خریمیان [۵] (۱۸۲۰–۱۹۰۷) رهبری آن را بعهده داشت ، درخواستهائی به دولتهای شرکت‌کننده در کنگره ارائه داد ، درجهت اینکه بتوانند آزادی ارامنه غرب را از یوغ سلطان فریبی موفقیت سازد . لیکن این درخواستها بی‌نتیجه ماند کنگره به جای ماده ۱۶ قرارداد سان ـ استفانو ، ماده ۶۱ را در پیمان برلین تصویب کرد که در آن آمده است : " باب عالی متعهد می‌شود تا در استانهای

۵ــ یا خریمیان هایریک ــم .

ارمنی نشین ، بلادرنگ اصلاحات و نیازهای محلی را عملی ساخته ، امنیت آنها (ارامنه) را در برابر کردها و چرکزها تامین نماید . در مورد اقدامات انجام شده باید هرچند موقع یکبار به دولتها گزارش دهد و اینها می‌بایست آنها را تحت نظارت خود درآورند " .

بدین ترتیب ، اگر در سان ـ استفانو ، مسئله ارمنستان غربی میان دو حکومت روسیه و ترکیه بررسی می‌شد ، در برلین مبدل به موضوع مورد بحث شش حکومت اروپائی انگلستان ، روسیه ، فرانسه ، آلمان ، اطریش ـ هنگری ، ایتالیاو نیز موضوع روابط سیاسی ـ دیپلماتیک مذاکرات رسمی ترکیه گردید ، و تبدیل به مسئله بین‌المللی شد . در جریان مذاکرات و روابط دیپلماتیک حاصل در سان ـ استفانو و برلین نیز موضوع اصلاح و بهبود وضع ارمنستان غربی و ساکنین ارمنی آن به مسئله ارامنه اشتهار یافت و یکی از مسایل پر اضطراب برای قشرهای وسیع مردم و یکی از مطالب مهم تاریخ جدید ارمنستان شد . مسئله ارامنه با رابطه عمیق خود با مسئله شرق ، بدفعات در کنگره‌های بین‌المللی دول بزرگ بررسی شده ، وسیله بازی دیپلماتیک آنها گردید .

باید توجه نمود که به منظور انجام اصلاحات در ارمنستان غربی ، در قرارداد سان ـ استفانو ضمانت‌ها و اقدامات واقعی‌تری پیش بینی شده بود تا در قرارداد برلین . براساس ماده ۱۶ قرارداد سان ـ استفانو دولت ترکیه می‌بایست اصلاحاتی با نظارت روسیه انجام می‌داد . قشون روس آنقدر باید در ارمنستان غربی باقی می‌ماندند تا باب عالی رفرمهای پیش بینی شده را انجام دهد . مسئله بسیار واضح بود و سلطان مجبور بود تا مفاد قرارداد را به مرحله اجرا درآورد . لیکن در کنگره برلین اوضاع تغییر نمود . براساس ماده ۶۱ پیمان برلین نظارت براجرای اصلاحات به شش حکومت مذکور سپرده می‌شد که منافع و سیاست‌های گوناگونی داشتند . بعلاوه بخشی از آنها (انگلستان ، اطریش ، آلمان) با حل مسئله ارامنه موافق نبودند . در این شرایط نظارت توام آنها بصورت تشریفاتی فریبنده و غیرواقعی درمی‌آمد . دولت سلطانی با استفاده از تضاد موجود بین حکومتها ، امکان می‌یافت از

انجام اصلاحات سرباز زند . عملاً مسئله ارمنی براساس ماده ۶۱ پیمان برلین، بازیچه خودکامگی‌ها می‌شد . آن محافل ارمنی که به کنگره برلین چشم امید دوخته بودند ، با یأس عمیقی روبرو گردیدند .

سالهای پس از کنگره برلین ، نشان داد که سلطان عبدالحمید با زیر پا گذاشتن تعهدات خود ، هیچ اقدامی در جهت عملی ساختن اصلاحات انجام نداد . افزون براین ، دولت سلطان بااستفاده از این موضوع که دول بزرگ اهمیتی برای مسئله ارامنه قائل نبودند به تعقیب و کشتارهای جدیدی دست می‌زد . در سالهای ۱۸۸۰ بفرمان عبدالحمید بسیاری از مدارس و روزنامه‌های ارمنی تعطیل شدند . بازداشتهای متعددی صورت گرفت ، فشار واستثمار روستائیان ارمنی شدت یافت . با حمایت باب عالی و حکومتهای محلی و نیز با تحریک جمعی از گروههای راهزن کرد ، دهات بسیاری ویران و غارت شدند ، کشتار سکنه ارمنی ترتیب داده شد . محافل رهبری ترک صریحاً اظهار می‌کردند که مسئله ارمنی را با نابودی آنها می‌توان حل کرد .

در شرایط ایجاد شده ، جنبش رهایی بخش ارامنه غرب روح تازه‌ای بدست آورده ، تبلیغات مکتبی آن شدت یافت . دراین کار نویسنده نامدار رافی ، شاعر مشهور راپائل پاتکانیان و متفکر معروف گریگور آرزرونی نقش بزرگی ایفا نمودند . یکرشته گروه‌ها و سازمانهای مخفی تشکیل شد که در قیام توده‌های مردمی ارامنه غرب نقش بزرگی داشت . در سال ۱۸۸۱ در ارض روم سازمان مخفی " حامیان وطن[6] " تشکیل شد که هدفش قیام مسلحانه برعلیه سلطان ترکها بود . بدین جهت در سال ۱۸۸۲ " انجمن میهن دوستان[7] " توسط دانشجویان ارمنی در مسکو بوجود آمد . لیکن این انجمن و نظایر آن حیات طولانی نداشته و نتوانستند فعالیت گسترده‌ای داشته‌باشند .

بعد از اینها ، احزاب سیاسی تشکیل شدند که هدف اصلی آنها حل مسئله ارامنه بود . در سال ۱۸۸۷ حزب هونچاک (همنام نشریه " هونچاک ")

6- Bashtban Hayreniats 7-Hayrenaserneri Miutyun

در ۱۸۹۰ حزب داشناکسوتیون (عنوان رسمی آن " فدراسیون انقلابیون ارمنی ") تاسیس شدند . لیکن چه حزب هونچاک که به قشرهای درونی مردم وابستگی داشته‌وبرنامه‌های دمکراتیک پیشنهاد می‌کرد و چه حزب بورژوا ـ ملی داشناکسوتیون دارای فعالیتهایی با خط مشی اشتباه بودند . داشناک‌ها مخصوصا" به ترور ، اقدامات ماجراجویانه معتقد بوده امیدهای خود را به حکومتهای امپریالیستی بسته بودند و جز آن . این احزاب سیاسی از عهده حل مسئله ارامنه برنیامدند .

۴ـ کشتار ارامنه غرب در طول سالهای ۱۸۹۰

در دهه آخر قرن ۱۹ ، وضع ارامنه در تحت سلطه ترکها وخیم‌ترگردید . سلطان عبدالحمید برنامه‌هایی در جهت کشتار ارامنه تدارک می‌دید بفرمان او در سالهای ۱۸۹۲ـ۱۸۹۰ سواره نظام مخصوصی بوجود آمد که هدف اصلی آن شرکت در کشتار ارامنه بود . این لشکر به مناسبت تشکیل دهنده خود حمیدیه‌نامیده شد .

دولت سلطان در وهله اول تصمیم به تصفیه حساب با ساسون را گرفت ، که یکی از مراکز اصلی جنبش رهایی بخش ارمنی بود . اقوام کُرد به تحریک و با برنامه از پیش تدوین شده حکومتهای محلی ترک در سال ۱۸۹۳ به ساسون حمله‌ور شدند . ولی با رویارویی با مقاومت اهالی ، عقب رانده شدند . لیکن حملات ادامه یافتند . در تابستان ۱۸۹۴ لشکر چهارم ترک بفرماندهی زکی پاشا به طرف ساسون حرکت نمود . قوای کرد نیز به قشون ترک پیوست . شمار حمله کنندگان به ۴۰ ۰۰۰ نفر رسید . در ماه اوت دشمن وارد ساسون شد .

این بار نیز چون همیشه ، سکنه ارمنی ساسون جنگ‌های قهرمانانه‌ای کردند . روستائیان ارمنی مسلح به ابزار ساده ، با شجاعت و فداکاری‌جنگیدند . ولی نیروها نابرابر بودند . دشمن پیروز شد . ساسون دچار غارت گردید ، و ساکنین آن متحمل کشتار غیرقابل وصفی گردیدند . ده‌ها روستا بکلی ویران

شده بیش از ۱۰۰۰۰ نفر از دم تیغ گذشتند .

کشتار ساسون در کشورهای متعدد با اعتراض و خشم عمومی روبرو شد . افکار عمومی بر علیه سلطان خون آشام اعتراض کرد و خواستار اقدام جدیدی در این زمینه شد . در اثر خشم و اعتراض افکار عمومی دول انگلیس، فرانسه و روسیه به مسئله کشتار ارامنه ساسون پرداختند . کمیسیون تحقیقی تشکیل شد که در ژانویه ۱۸۹۵ بفعالیت پرداخت . کمیسیون پس از شش ماه فعالیت تصدیق نمود که کشتارهای وحشتناکی صورت گرفته است و اینکه ساکنین ارمنی ساسون بدون درنظر گرفتن جنس و سن بقتل رسیده‌اند . درعین حال مسئله ارامنه و موضوع انجام اصلاحات در ارمنستان غربی دگربار مطرح گردید . مسئله را سفرای انگلستان، فرانسه و روسیه در استامبول بررسی نموده و برنامه‌های رفرم ارمنستان غربی را تهیه و به باب عالی ارائه دادند تا آنها را به مرحله اجرا درآورد. این طرح در مه ۱۸۹۵ به سلطان داده شد و به این مناسبت عنوان " رفرمهای مه " را برخود گرفت .

طرح رفرمهای مه از ۴۰ ماده تشکیل شده بود و شامل اصلاحات اداری بوده و خودمختاری محلی پیش‌بینی می‌نمود . اصلاحات می‌بایست درولایتهای وان، ارض روم، بیتلیس، خاربرد، دیاربکر و سباستیا به حیطه اجرادرمی‌آمد.

دولت سلطانی در ابتدا از قبول طرح رفرمهای پیشنهادی سرباز زد، و سپس با بهانه‌های متعدد، بررسی آن را برای مدت طولانی به تعویق انداخت . در پائیز ۱۸۹۵ سفرای انگلیس، فرانسه و روسیه با تجدید نظر و تغییرات جزئی در طرح ماه مه، آن را مجدداً به سلطان عبدالحمید ارائه کردند و او نیز آنرا امضاء نمود . لیکن پس از آن نیز اوضاع ارمنستان غربی بدون تغییر باقی ماند . سلطان با درک سیاست فریبنده و مزورانه این حکومتها، در زمینه مسئله ارامنه، طرح اصلاحات را ظاهراً قبول نمود . او عملاً اقداماتی در جهتی کاملاً مخالف انجام داد .

در آن زمان، وقتی که سفرای دول انگلستان، فرانسه و تزاردراستامبول مشغول طرح رفرمهای مه بودند عبدالحمید مخفیانه سرگرم تدارک کشتار

جمعی بود. وی برای آغاز کار شوم خود، دنبال موقعیت مناسبی می‌گشت. در سپتامبر ۱۸۹۵، هونچاک‌ها در میدان باب عالی استامبول تظاهرات ضدسلطانی انجام دادند. تظاهرکنندگان خواستار قبول طرح رفرمهای سه دولت از جانب حکومت سلطان و اجرای آنها بودند. پلیس ترک، اجتماع تظاهرکنندگان را بزور اسلحه به هم می‌زند وکشتار ساکنین ارمنی استامبول آغاز می‌گردد. این کشتارها به مثابه زنگ خطری بود. کشتارهایی نظیر آنچه که در استامبول اتفاق افتاده بود در مناطق ارمنی نشین ترکیه و بسیاری از بخش‌های ارمنستان غربی صورت گرفت. در اواخر سپتامبر۱۸۹۵کشتارهایی در ترابوزان، و در اکتبر در برزنکا و موش و سپس در سباستیا، ارض‌روم، وان، بایزید، خاربرد، تیگراناگرد و سایر مناطق ارمنی نشین انجام شد.

کشتارها هم بوسیله قوای انتظامی و هم گروه‌های راهزن انجام می‌شد. کشتارکنندگان، ظلم‌ها و وحشیگری‌های غیرقابل وصفی انجام می‌دادند. بدون درنظر گرفتن جنس و سن، مردها، افراد پیر، بچه‌ها و زنان را می‌کشتند. مال و منال مردم را غارت و چپاول می‌کردند.

این کشتارهای جمعی که از پائیز ۱۸۹۵ آغاز شده بود، در سال بعد نیز ادامه یافتند. صدها روستا و شهر ویران شدند. مناطق متعددی خالی از سکنه گردیدند.

در تابستان ۱۸۹۶، کشتارهای جدیدی در استامبول صورت گرفت که پیش‌آمدهای زیر در نتیجه آن بوجود آمد. در ۱۴ اوت یک گروه جوان مسلح وابسته به حزب داشناکسوتیون، بانک عثمانی یعنی بانک مرکزی پایتخت را بطور ناگهانی بتصرف خود درآورده خواستارتوقف کشتارهای ارامنه، قول انجام اصلاحات در ارمنستان غربی شده، درغیراینصورت بانک را منفجر و تمام ثروت‌های موجود در آن را از بین خواهند برد. سلطان مردد می‌شود، در شهر ایجاد بلوا و شلوغی می‌گردد. سفرای دول اروپائی در کار دخالت می‌کنند و قول توجه به مسئله و بررسی آنرامی‌دهند و تروریست‌ها را تانع و از بانک خارج نموده و از ترکیه دور می‌سازند.

عبدالحمید با دستاویز قراردادن این حادثه، کشتارهای جدیدی‌دراستامبول آغاز نمود. قشون دولتی و گروههای متعدد راهزن به ساکنین ارمنی حمله کردند. خانه‌های متعددی را ویران و چپاول نمودند.



کشتارهای ارامنه، ترابوزان ۱۸۹۵ (تابلو از هوانس‌آیوازوسکی)

در زمان کشتارهای دهه ۹۰ قرن نوزدهم، اقشار مختلف جامعه ارمنی تقاضاهایی از دول بزرگ نموده خواستار کمک و دخالت آنها شدند. لیکن این درخواستها بی‌نتیجه ماند، هیچ دولتی اقدام جدی در جهت‌ممانعت و یا توقف کشتارها انجام نداد. برعکس، برخی از دولتها، در قبال ترکیه سیاست حمایتی در پیش گرفتند.

کشتارهای ارامنه، وحشیگری‌های دولت سلطان، در بسیاری‌ازکشورها، ارگانهای مختلف جرائد، متفکرین طراز اول دنیا ایجاد خشم و غضب نمود. تظاهرات و میتینگ‌هایی انجام و عبدالحمید، " کشتارگر " و " خون آشام " نامیده شد. نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی مشهور به محکوم ساختن عبدالحمید و پشتیبانی از ارامنه غرب پرداختند. لیکن افکار عمومی ازعهده ممانعت از سیاست کشتار ترکیه عثمانی برنیامد.

در سالهای کشتار، برخی از ارامنه غرب مسلح شده و به جنگهای تدافعی پرداختند که عمل بعضی از آنها قرین موفقیت بود. بویژه دفاع ارامنه زیتون در خور توجه می‌باشد. در سپتامبر ۱۸۹۵ وقتی که قشون سلطان به قصد ترتیب دادن کشتار به زیتون نزدیک شد، ساکنین مسلح شهر با حمله به دستجات ترک آنها را به فرار واداشتند. بفرمان سلطان، قشون جدیدی برعلیه شورشیان فرستاده شد. جنگ شدیدی درگرفت و قشون ترک خسارات و کشته‌های فراوانی متحمل شد و نتوانست مقاومت کوه‌نشینان را درهم شکند.

خبر جنگ تدافعی زیتون که ماه‌ها طول کشید، در بسیاری از ممالک منتشر شد. نمایندگان دول بزرگ تحت فشار افکار عمومی دخالت کردند. بین اهالی زیتون و دولت سلطان مذاکره شروع گردیده سازش دوجانبه صورت گرفت. براساس قرارداد منعقده، قشون ترک از مرزهای زیتون عقب‌نشینی‌کرد.

ساکنین ارمنی وان نیز در سال ۱۸۹۶ به دفاع مسلحانه ازخودپرداختند. آنها قهرمانانه در برابر گروههای سرکش و راهزن ترک مقاومت کردند ولی عاقبت الامر شکست خوردند زیرا نیروها نامساوی بودند.

قسمت زیادی از جنگهای تدافعی توام با عدم موفقیت بودند. در جریان کشتارهای جمعی سالهای ۱۸۹۶-۱۸۹۴ حدود ۳۰۰ ۰۰۰ نفر قربانی شدند.

فصل هجدهم

فرهنگ در قرن ۱۹

۱ـ سالهای اوجگیری فرهنگی

فرهنگ ارمنی در قرن ۱۹ با پیشرفت چشمگیری قرین بود . مدارس ، جراید و علوم موفقیت‌های محسوسی بدست آوردند ، ادبیات و هنر ترقی نمود . لیکن در این دوران نیز مانند چند قرن پیش از آن ، اکثر مراکز فرهنگی در خارج از ارمنستان ، در مهاجرنشین‌های ارمنی واقع بود.

فرهنگ در نیمه اول قرن نسبتاً" با جریان کندی پیشرفت می‌نمود . اوضاع در سالهای ۱۸۶۰ـ۱۸۵۰ ، وقتی که در زندگی اقتصادی ، اجتماعی ـ سیاسی و فرهنگی تحولات مهمی بوقوع پیوست ، تغییر کرد . در طول این سالها ، روابط تجاری ـ تبادلی شکافهایی در اقتصاد بسته و طبیعی کشور ایجاد کرده ، راه را برای ترقی سرمایه‌داری هموار نمود . زندگی اجتماعی ، با خارج شدن از محیط بسته خود ، با کشورهای دیگر بخصوص با جنبش سیاسی و فرهنگی روسیه در ارتباط قرار گرفت . نزدیکی ایدئولوژیکی بین ارامنه غرب و شرق تقویت گردید و تحکیم اتحاد ملی اساساً" به پروسه تشکل ملی خلق

ارمنی انجامید. متفکرین دمکرات ارمنی با مسلح شدن به‌وطن دوستی و پیشرفته‌ترین ایدئولوژی‌های زمان پا به عرصه گذاشتند، جنبش رهایی‌بخش ملی محتوا و مرحله جدیدی را بدست آورد.

در همان دوران، زبان ادبی آشخارابار - ادبیات جدید - متشکل گردیده اصلاحاتی در مدارس انجام شد. یک رشته انجمنهای فرهنگی - علمی تاسیس یافتند، جرائد، سخنوری و هنر ترقی کردند.

در عین حال، مبارزه طبقاتی در بین اقشار مختلف اجتماعی، شدت یافت، سه جریان اساسی اجتماعی - سیاسی تشکیل شد. ۱- دینی - فئودالی ۲- لیبرال - بورژوا و ۳- انقلابی - دمکرات. نمایندگان جریان اول (میر میریان، گابریل آیوازوسکی، هوانس چامورجیان - دِرویِنس و سایرین) نظامها و روابط قدیمی را حفظ می‌کردند و ضرورت تحول و اصلاحات را قبول نداشتند، برعلیه افکار روشنگرانه و دمکراتیک مبارزه می‌کردند، سعی در حفظ مواضع حاکمیت کلیسا و کتابت قدیمی ارمنی یعنی گرابار داشتند. نمایندگان جریان لیبرال - بورژوا (استپانوس نازاریان، گریگور اُدیان، ناهابت روسینیان و سایرین) طرفدار اصلاحات، ترقی تدریجی اجتماعی بودند و افکار روشنگرانه اشاعه می‌دادند ولی در عین حال راه مبارزه سیاسی - انقلابی و جنبش رهایی بخش ملی را رد می‌نمودند. جریان انقلابی - دمکراتیک (میکائیل نالباندیان، هاروتیون سواچیان و سایرین) امیال و منافع توده‌های زحمتکش را بیان می‌کرد و هدف آن آزادی مردم از استثمار اجتماعی و ستم‌های ملی، توسط مبارزه انقلابی و جنبش رهایی بخش ملی بود و پیشروترین افکار زمان را توسعه می‌داد و سعی در پیشرفت فرهنگ مردمی و دمکراتیک داشت و جز آن.

بدین ترتیب سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۰ بصورت دوران اوجگیری چه برای زندگی اجتماعی - سیاسی و چه در کار پیشرفت فرهنگی خلق ارمنی درآمدند. در نیمه دوم قرن ۱۹، فرهنگ ملی، صرف نظر از موانع متعدد و شرایط نامناسب، پیشرفت نسبی به همراه داشت.

باید توجه نمود که از سالهای ۱۸۵۰–۱۸۴۰ ، جنبش‌های انقلابی و سیاسی اروپا ، به ویژه روسیه ، فرانسه و ایتالیا ، تاثیر بسزایی بر زندگی اجتماعی – سیاسی خلق ارمنی داشتند . همان مسئله در زمینه فرهنگی نیز اتفاق افتاد . مخصوصاً" فرهنگ غنی و پیشرو روس برروی ترقی فرهنگ ارامنه شرق و فرهنگ فرانسه بر فرهنگ ارامنه غرب تاثیر محسوسی گذاشتند .

۲– ادبیات ، هنر

در دهه‌های اول قرن ۱۹ ، هنوز تاثیر اسکولاستیک قرون وسطایی برروی ادبیات هنری ارمنی قوی بود . مسیر حاکم ادبی ، در حقیقت کلاسیسیسم ارمنی ، گرچه مانند نمونه‌های سوابق تاریخی و مخصوصاً" مدیحه‌سرایی‌های شخصیت‌های مختلف و مشهور ، پادشاهان و سرداران ، شامل ستایش‌شجاعت‌ها، فداکاری‌ها و میهن‌دوستی ، می‌شد ، باوجود این حاوی افکار دینی – الهی و از مردم و مسایلشان منفک بود . زبان ادبی گرابار برای اقشار وسیع مردم غیرقابل درک بود . لیکن در ادبیات نیز بتدریج تحولاتی ایجاد گردید .

کلاسیسیسم جای خود را به جریانات جدید ادبی – به رومانتیسم و رئالیسم داد . مردم با تمام گرفتاری‌هایشان ، انسان معاصر با جهان افکار و اضطراب و احساساتش تم اصلی ادبیات گردید . ایده‌های دمکراتیک تشکیل شد ، مسایل اجتماعی نیز جای خود را در سوژه‌های ادبی پیدا نمود ، در ادبیات آشخارابار جانشین گرابار گردید . بدین ترتیب در سالهای ۶۰–۱۸۴۰ ادبیات جدید ارمنی متشکل شد .

درجهت ایجاد ادبیات جدید ، **هاروتیون *آلا*مداریان** شاعر (۱۸۳۴–۱۷۹۵) و **مسروپ *تاغیادیان*** (۱۸۵۸–۱۸۰۳) نویسنده و سخنور قدمهایی برداشتند . لیکن دراین کار خاچاتور آبوویان ، روشنگر – دمکرات ، نویسنده و معلم بزرگ ، نقش قاطعانه‌ای داشت . او بنیانگذار ادبیات جدید ارمنی گردید .

خاچاتور آبوویان (۱۸۴۸-۱۸۰۹) در قصبه کاناک در حوالی شهر ایروان متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در وانک اجمیادزین و سپس در مدرسه جدیدالتاسیس نرسیسیان تفلیس کسب نمود. حدود ۵ سال (۱۸۳۶-۱۸۳۰) در دانشگاه دورپات تحصیل کرد و در همانجا جهان‌بینی روشنگر - دمکراتیک وی بوجود آمد. وی با مراجعت به وطن به‌کارتدریس می‌پردازد.



خاچاتور آبوویان

آبوویان اشعار و آثار منثور، مطالب درسی، مقالات علمی و سخن‌سنجله‌نوشته است. شاهکار او رمان تاریخی "جراحات ارمنستان" است که در آن اوضاع خلق ارمنی در اوایل قرن ۱۹، آرزوهای رهایی و مبارزه برعلیه استثمارگران تشریح شده‌اند. در عمق رمان و آثار دیگر او ایده‌های میهن دوستانه، بشر دوستانه و دوستی خلقها به چشم می‌خورد.

آبوویان مبارزه سختی برعلیه نیروهای ارتجاعی زمان خود نمود. او برای آشخارابار ارزش مدنی‌قایل گردید و اصلاحاتی در کار تدریس مدارس انجام داد و نقاب از چهره نمایندگان بوروکراسی و روحانیت مرتجع تزاری برداشت. روشنگر بزرگ نقش عظیمی در نهضت جدید ادبی، پیشرفت فرهنگ نو، اشاعه افکار روشنگر-دمکراتیک ایفا نمود.

در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۰، ادبیات جدید ارمنی - که از گیر موانع اسکولاستیک و کلاسیسیسم رهایی می‌یافت - یک رشته نویسندگان وچهره‌های نامدار اجتماعی - سیاسی به عرصه آورد. درخشان‌ترین چهره عصر میکائل

نالباندیان بود .

میکائل نالباندیان (۱۸۶۶-۱۸۲۹) در نخجوان نو (در ناحیـــــه دونی روستف) متولد گردید . تحصیلات مقدماتی را در محل کسب نموده و سپس در دانشگاههای مسکو و پتربورگ به تحصیل مشغول شده است . وی اشعار ، آثار منثور ، کتابها و مقالات علمی ـ انتقادی و سخن سنجانه نوشته و ترجمه‌هایی از آثار پوشکین ، لرمونتف ، برانژه و هاینه انجام داده است . بهترین اشعارش ، " سرودآزادی " ، " ایام کودکی " ، " سرود دخترایتالیائی " ، را با هنری عالی و میهن دوستی و روح والای انقلابی نوشته است . نالباندیان دمکرات انقلابی بود . شاعر بافصاحت گفته است :

من باید روانه میدان شوم
بی‌چنگ ولی با سخنان با قدرت ،
باید فریاد کشم و اعتراض کنم
باید مبارزه کنم برعلیه ظلمت .

در چنین روزها چنگ برای چیست ؟
دستهای رزمندگان شمشیر می‌خواهد ،
خون و آتش نصیب دشمنان ما شود .
این باید شعار زندگی گردد .

نالباندیان می‌کوشید مبارزه اجتماعی و رهایی‌بخش ملی خلق ارمنی را با جنبش انقلابی روسیه متحد سازد و بدین منظور با انقلابیون مشهور روس چون گرسن ، اوگاریف ، باکونین و سایر چهره‌ها تماس گرفت . گرسن در مورد نالباندیان نوشته است : " او مرد فوق‌العاده نجیبی است . . . ما او را درخاطر داشته و دوستش می‌داریم " .

نالباندیان بخاطر فعالیت سیاسی توسط پلیس تزار زندانی گردید و در سال ۱۸۶۶ در تبعیدگاهش یعنی شهر کامیشین در استان ساراتوف بدرود حیات گفت

در سالهای ۱۸۵۰–۱۸۴۰ و دهه ۵۰، **غِوُندآلیشان** (۱۹۰۱–۱۸۲۰)، یکی از موسسین شعر میهن‌دوستانه جدید ارمنی به خلق آثار پرداخت.

در سالهای ۱۸۶۰–۱۸۵۰ و دهه ۶۰، ادبایی چون شاعرنامدار **سمبات شاهازیز** (۱۹۰۷–۱۸۴۰)، **مگردیچ بشیکتاشلیان** (۱۸۶۸ – ۱۸۲۸)، یکی از نمایندگان مشهور شعر جدید ارمنی غرب و **پتروس دوریان** (۱۸۷۲–۱۸۵۲) چهره درخشان ادبیات ارمنی غرب، مکان باارزش خود را در ادبیات ارمنی یافتند.



میکائل نالباندیان

ادبیات ارمنی در نیمه دوم قرن ۱۹ پیشرفت محسوسی نمود. به موازات شعر و نثر، درام و طنز نویسی نیز ترقی نمود. مکتب رئالیسم در ادبیات نضج بیشتری گرفت و رمانتیسم تبدیل به سلاح مقتدر ایدئولوژیکی برای نهضت میهن دوستانه و رهایی بخش ملی گردید. چهره‌های درخشان ادبیات هنری ارمنی در این دوران، راپائل پاتکانیان شاعر، رافی رومان نویس، گابریل سوندوکیان درام نویس، هاکوپ بارونیان طنز نویس می‌باشند.

موتیو اصلی آثار **راپائل پاتکانیان** (گامار کاتیپا، ۱۸۹۲–۱۸۳۰) میهن دوستی و ایده‌رهایی ارامنه غرب از سلطه ترکها می‌باشد. شاعر عشق به وطن و مبارزه برای آزادی و استقلال را تاکید می‌نماید. برای رهایی از استثمار و چپاول باید به سلاح متوسل شد:

گاو آهن ارمنی، گاو آهنی ارمنی برای که می‌کوشی،

چه کسی از تو می‌رنجد ، کدامیک را سیر می‌کنی . . .
بس است ، ای گاو آهن ، برصبر و رنج ما پایانی هست ،
تو دیدی‌که دشمن‌بیشرم و احمق و بیرحم است ،
بیا تا خرد کنم تیغه‌ات را و بدهم به آهنگر خم کند ،
تیغ و شمشیر درست کنیم و برعلیه دشمن‌بجنگیم .

شاعر با خطاب قراردادن بورژوازی ارمنی که در قبال جنبش رهایی بخش ارامنه غرب بی‌تفاوت بود ، با ناراحتی می‌نویسد :

تو ، تاجر عاقل و با حسابی ،
می‌گویی که ملک و پول و کالا ، بسیار داری ،
وقتی که ارمنستان نصیبی ندارد از پولت ،
تف باید انداخت هم برتو هم مالت .



راپائل پاتکانیان

از آثار میهن‌پرستانه پاتکانیان بخصوص بایست از اشعار " اشکهای ارس " ، " آواز مادر آقاسی " ، منظومه " مرگ وارتان مامیکنیان دلیر " ــ که در بین‌عموم از محبوبیت زیادی برخوردار می‌باشند ــ باید نام برد .
درزمان حیات پاتکانیان ، اشعار طنز آمیز " جوان تحصیل کرده‌ارمنی در پایتخت " ، " دوشیزه تحصیل کرده‌ارمنی در پایتخت " با استقبال شایان‌توجهی روبرو شدند که مولف در آنها اولاد تن پرور و بی‌تفاوت اشرافیان ارمنی را به باد تمسخر گرفته‌است . پاتکانیان از فولکلور مردمی ارمنی استفاده نموده و مسایل حاد روز را به زبان ساده و قابل درک ، در آثار خود گنجانده است .
شعر میهن دوستانه پاتکانیان تاثیر عمیقی برنسل جوان گذاشت .

رافی (هاکوپ ملیک ـ هاکوپیان ۱۸۸۸-۱۸۳۵) از استادان مسلم ادبیات هنری و بزرگترین نماینده رمان نویسی ارمنی بشمار می‌رود. وی رمان‌ها (" احمق [1] " ، " جرقه‌ها [2] " ، " داویت بیگ " ، " سامول " و غیره) و اشعاری سروده و نوشته است.



رافی

نوولیست نامدار با هنر عالی و زبان فصیح و غنی به خلق آثار پرداخته است. رمان‌های وی با کنجکاوی و عشق خاص خوانده می‌شوند. شاهکار او ـ رمان تاریخی " سامول " ـ یکی از آثار بسیار عالی ادبیات ارمنی می‌باشد.

آثار رافی با میهن دوستی ، آزادی ، عقاید مبارزه رهائی بخش ملی عجین شده‌اند. رمان‌ها و نوشته‌های او بخصوص " جرقه‌ها " ، " احمق " و " صدای .... دریاچه " انعکاس وسیعی در بین توده‌های عظیم مردمی یافت و در زمان خود تا اندازهٔ محسوسی به توسعه جنبش رهائی بخش ملی ارمنی کمک کرد.

رافی همچنین آثاری (چون " خاطرات ... " ، " خروس طلائی " و سایر رمانها و حکایات) خلق کرده است که در آنها نقاب از صورت نـزول ـ خواران سرمایه‌دار برداشته و نظام ارتجاعی فئودالیسم و پدیده‌های مخصوص اجتماعی آن را شدیداً مورد انتقاد قرار داده است.

ادبیات ارمنی در نیمه دوم قرن ۱۹ در زمینه آثار دراماتیک نیز غنی گردید. درامهای جدیدی خلق شد که گابریل سوندوکیان (۱۹۱۲-۱۸۲۵) نماینده بزرگ و موسس آن گردید.

1- Khent 2- Kaydzer


گابریل سوندوکیان

طنزهای "صبر شب خیرات" ، "خانا بالا" ، "بازهم یک قربانی" ، "اجاق کنده شده" و جز آن به قلم سوندوکیان تعلق دارند . بهترین اثر وی ، کمدی "پپو" می‌باشد که در سال ۱۸۷۰ نوشته شده و یکسال پس از آن برای اولین مرتبه در تفلیس به روی صحنه آمد . این اثر عمیقاً رئالیستی است . درآن ، واقعیت‌های زمان ، زندگی قشرهای مختلف اجتماعی ، جامعه ، چینوونیک‌های نزولخوار و بوروکرات با صمیمیت خاص تشریح شده‌اند "پپو" مرحله جدیدی در تاریخ تئاتر ارمنی بوجود آورد .

سوندوکیان بعنوان حامی محرومین زحمتکش و بعنوان تیغ برنده‌ای بر علیه استثمار و چپاولهای بورژوا ــ نزولخواری و اعمال منفور آنها ظاهر گردید . هنر وی عالی ، جذاب و موثر بود .

طنز نویسی نیز ترقی و رونق یافت که درخشانترین چهره آن **هاکوپ بارونیان** (۱۸۹۱ــ۱۸۴۲) می‌باشد . وی آثار متعددی چون "زعمای قسیوم" ، "گداهای عالی شأن" ، "دفترچه هوشهوش" ، "برادر باغداسار" ، "دندان پزشک شرقی" ، "مضرات شهرنشینی" ، "گردش در محله‌های استامبول" و غیره خلق نموده ، مقالات ، نگرشها ، فیلیتون‌ها و پارودیاهای متعددی هم نوشته است .

بارونیان ، نیروهای ارتجاعی را مورد تمسخر قرار داده ، از جنبه‌های اسفناک وقایع زمان خود انتقاد کرده است و جهالت و بیگانه‌پرستی ثروتمندان ارمنی ، استعمار سلطه ترکها را تشریح و اهداف استعماری حکومتهای اروپائی را افشاء نموده است . آثار او عمیقاً رئالیستی بوده ، قلمش رک و گویا

می‌باشد . بارونیان با هنر والایش با طنز نویسان کلاسیک جهان رقابت می‌کند .


هاکوپ بارونیان

در ادبیات ارمنی نیمه دوم قرن ۱۹ ، نویسندگانی با عقاید دمکراتیک و هنر رئالیستی خود نظیر **پرچ پروشیان** نولیست (۱۹۰۷–۱۸۳۲) و ***غازاروس آقایان*** (۱۹۱۱–۱۸۴۰) شاعر ، نثر نویس و نویسنده آثار کودکان در عرصه ادبیات ظاهر گردیدند .

در دو دهه آخر قرن ، **شیروانزاده** (آلکساندر مُوسیسیان ۱۹۳۵–۱۸۵۸) ، نوولیست و درام نویس مشهور ارمنی ، **هوانس هوانیسیان** (۱۹۲۹–۱۸۶۴) شاعر و غزلسرای نامدار و **هوانس تومانیان** (۱۹۲۳–۱۸۶۹) شاعر نابغه به خلق آثار ادبی پرداخته‌اند . درسالهای ۱۸۹۰ شاعر بزرگ ، ***آوتیک ایساهاکیان*** (۱۹۵۷–۱۸۷۵) خلق آثارش را آغاز کرد .

تحولات چشمگیری نیز در زمینه هنرهای تئاتر ، موسیقی و نقاشی بوجود آمد . اگر تاسالهای ۱۸۵۰ ، نمایش تئاترهای ارمنی حالت اتفاقی داشته گاهگاهی ارائه می‌شد و گروههای پایدار بازیگران موجود نبودند ، لیکن در نیمه دوم قرن نمایش تئاتر سیستماتیک شد و گروههای جدید و پردوام‌تر هنرپیشگان تشکیل گردید ، بازیگران و گروههای تئاتر حرفه‌ای بوجود آمد ، هنرپیشگان زن در صحنه ظاهر گردیدند و غیره . در سالهای ۱۸۶۰–۱۸۵۰ یک رشته درام‌های تاریخی و کمدی ، در مسکو ، تفلیس ، استامبول ، ایروان ، آلکساندراپول و سایر جاها به نمایش درآمد . در دهه آتی ، سطح حرفه‌ای هنر تئاتر ترقی نمود . توام با درام نویسی ملی ، پیس‌های کلاسیکهای جهانی نیز به صحنه رفت . یک‌نسل کامل از بازیگران پرقریحه (مهرداد

آمریکیان ، گورگ چِمشکیان ، سیرانویش و سایربن) تشکیل شد . بویژه **پترروس آدامیان** (۱۸۹۱–۱۸۴۹) ـ نقطه اوج هنر بازیگری ارمنی ـ شهرت بسیاری کسب نمود . او در تئاترهای ترکیه ، قفقاز و سپس در مسکو ، پطربورگ ، خارکف و کیِف به‌ارائه نمایش پرداخت و در همه جا ایجاد حیرت و شگفتی نمود . آدامیان ـ که اکثر اوقات در نقش قهرمانان شکسپیر بویژه هاملت ظاهر می‌شد ـ مکان مخصوص خود را در بین **بازیگران برقریحه بدست آورده است .**



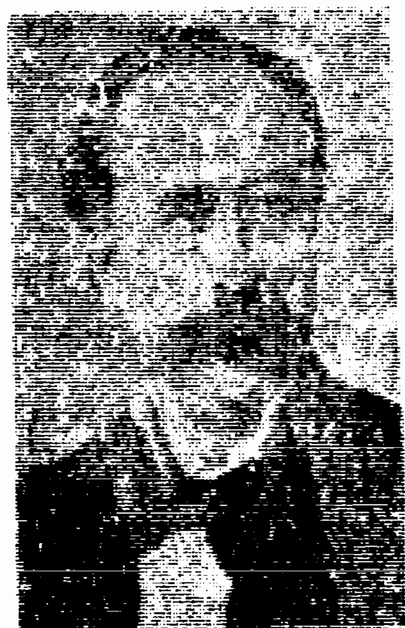
پتروس آدامیان

در نیمه اول قرن ۱۹ ، **موسیقی** کلیسائی و عاشقی برموسیقی ارمنی حاکم بود . سالهای ۱۸۶۰–۱۸۵۰ در این زمینه از فرهنگ نیز بصورت نقطه عطفی درآمد . بسیاری از متفکرین دمکرات و میهن دوست به مسایل موسیقی پرداختند و به تالیف مجموعه سرودها و تشکیل گروههای آواز همت گماشتند . کار جمع‌آوری و تنظیم آوازهای مردمی آغاز و موسیقی جدید ارمنی بنیان نهاده شد .

تیگران چوخاجیان (۱۸۹۸ – ۱۸۳۷) موسیقیدان مشهور ارمنی غرب ، نقش فوق‌العاده‌ای در کارتوسعه و ترقی موسیقی ارمنی ایفا نمود . وی در استامبول متولد شده تحصیلات تخصصی موسیقی را در شهر میلان ایتالیا کسب نموده بود . در سال ۱۸۶۷ موسیقی‌دان پرقریحه ، اپرای " آرشاک دوم " را تصنیف نمود و با این کار نیز اپرای ارمنی را بنیان گذاشت . چوخاجیان همچنین اپرت‌هایی نوشته است که از آنها " لِبْلِبیجین " (" کارینه ") مشهور می‌باشد . آوازهای سولو ، قطعه‌هایی برای پیانو و گروه نوازندگان ، آوازها و غیره تصنیف کرده است . آثار چوخاجیان ـ که در زمان خود موفقیت بزرگی‌دربین‌ارامنه و در اروپا کسب

کردند ـ حتی امروزه نیز از مقبولیت وسیع مردم برخوردار هستند.

از موسیقیدانان مشهور دیگـــر باید **ماکار یکمالیان** (۱۹۰۵–۱۸۵۶) و **کریستاپور کارا ـ مورزا** (۱۹۰۲–۱۸۵۳) را نام برد. یکمالیان توام با خلق‌آثار به نوت نویسی و تبدیل آوازهای متعدد مردمی ارمنی به کوارتت اشتغال ورزیده است. کارا‌مورزا باتشکیل گروههای آواز، کنسرتهایی در شهرهای مختلف قفقاز و روسیه ارائه داده درعین حـال صدها آواز نوت‌نویسی نمود و آثـــار مخصوص به خود نیز خلق کرد.



تیگران چوخاجیان

در اواخر قرن ۱۹، **کومیتـــاس** (سوقوسون سوقومونیان) (۱۹۳۵–۱۸۶۹) موسیقیدان بزرگ ارمنی به فعالیت وسیع در زمینه موسیقی پرداخته است.

در زمینه هنرهای تصویری، **هاکوپ هوناتانیان** (۱۸۸۱–۱۸۰۶) نقاش، **استپان نرسیسیان** موسس نقاشی سوژه‌ای ارمنی (۱۸۸۴–۱۸۲۰)، **گـــــورگ باشینجاقیان** (۱۹۲۵–۱۸۵۷) نقاش طبیعت، **وارتگس سورنیان** (۱۹۲۱–۱۸۶۰) نقاش سوژه‌ای تاریخی، **هاروتیون شامشینیان** (۱۹۰۸–۱۸۵۷) نقاش دریائی و سایرین به خلق آثار پرداختند.

ه.آیوازوسکی (۱۹۰۰–۱۸۱۷) نقاش نابغه دریائی تاثیر عمیق خود را برهنر نقاشی ارمنی گذاشته است. وی ارمنی‌الاصل بوده، روابط نزدیکی بـــا گروهی از نمایندگان فرهنگ ارمنی داشتـــه. آیوازوسکی تابلوهایی نیز بـا سوژه‌های ارمنی دارد، نظیر "دریاچه سوان"، "کشتار ارامنه در طرابـوزان ۱۸۹۵"، "حریمیان هایریک"، "آرارات" و غیره.

۳ـ جرائد ، نقادی

اولین جریده هفتگی ارمنی یعنی " آزدارار " در سالهای ۱۷۹۶-۱۷۹۴ در یکی از مهاجرنشین‌های ارمنی ، در شهر مدرس هندوستان منتشر گردید . سردبیر آن *هاروتیون شماونیان* بود که دارای احساسات میهن دوستانه و عقاید روشنگرانه عصر خود بود .

در " آزدارار " اخبار تجاری ، اقتصادی و سیاسی ، مطالبی در مورد مسایل تاریخی ، مقالات مختلف و غیره به چاپ می‌رسید . هدف اصلی هفته نامه اشاعه افکار میهن دوستانه در بین مردم بود .

در نیمه اول قرن ۱۹ ، حدود ۳۰ نشریه منتشر می‌شد ، که ۶ تاازآنها در استامبول ، ۵ تا در ونیز و ۳ تا در تفلیس و غیره بودند . لیکن این روزنامه‌ها و ماهنامه‌ها ، توسعه وسیع و حیات طولانی نداشتند . در بین آنها نشریه‌های " بغناک بیوزاندیان " ، " دیداک بیوزاندیان " ، " آرشالویس آراراتیان " ، " بازماوپ " و " آزگاسِر " نسبتاً حیات طولانی و محتوایی جامع داشتند .

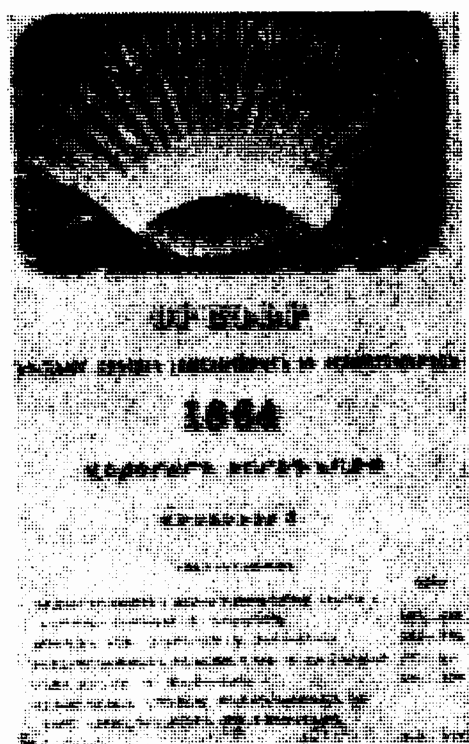
" بغناک بیوزاندیان " ـ که توسط مخیتاریان ونیز در سالهای ۱۸۲۰-۱۸۰۳ منتشر می‌گردید ـ شامل اخبار سیاسی ، علمی ، تجاری بوده ، در آن مقالاتی در زمینه مسایل فرهنگی ، آثار هنری و غیره بچاپ می‌رسید . زبان آن آشخارابار غربی ارمنی بود .

نشریه " دیداک بیوزاندیان " هم در ونیز در سالهای ۱۸۱۶-۱۸۱۲ و به زبان آشخارابار منتشر می شد . در اینجا اطلاعات وسیعی در زمینه حوادث تاریخی و سیاسی عصر و بخصوص جنگ‌های ناپلئون اول داده شده است . مقالات ، ترجمه‌ها و سایر مطالب نیز در آن به چاپ رسیده‌اند .

خبرنامه " آرشالویس آراراتیان " در سال ۱۸۴۰ در ازمیر انتشار یافت . در صفحات آن مقالات علمی ، تحقیقی و سیاسی ، مطالب فرهنگی و زندگی

خلق ارمنی، اخبار داخلی، خارجی و تجاری به چاپ می رسید. آنها نه‌تنها در ارمنستان غربی، بلکه در بین ارامنه قفقاز و ایران نیز منتشر می‌شد.

در سال ۱۸۴۳، جریده "بازماوپ" در ونیز بچاپ رسید که درآن‌اکثراً مقالات ارمنی‌شناسی و بخصوص فیلولوژیک چاپ می‌شد. ترجمه‌هایی از ادبیات فرانسه، انگلیس و روس، اطلاعاتی از زندگی اقتصادی، سیاسی و علمی کشورهای اروپایی و غیره درآن‌جای گرفته‌اند. "بازماوپ" تا امروز نیز منتشر می‌گردد.



عنوان "هیوسیساپایل"

به سردبیری نویسنده نامی، مسروپ تاغیادیان، در شهر کلکته هندوستان هفته‌نامه "آزگاسر" در بین سالهای ۱۸۴۸–۱۸۴۵ منتشر شد، که درآن مقالات میهن دوستانه‌وروشنگرانه به چاپ می‌رسید.

اولین جریده ارامنه قفقاز هفته نامه "قفقاز" بود که در سالهای ۱۸۴۷–۱۸۴۶ در تفلیس منتشر شد. در همانجا هفته‌نامه "آرارات" –که محتوای غنی‌تر و جالب‌تری داشت– در طول سالهای ۱۸۵۱–۱۸۵۰ انتشار یافت.

مشهورترین نشریه عصر یعنی "هیوسیساپایل[۳]" در سالهای ۱۸۶۴–۱۸۵۸ در مسکو منتشر گردید. این ماهنامه، برعلیه نیروهای مرتجع و دینی و فلسفه‌هایشان مبارزه جدی‌نموده و خواستار طرد گرابار و آغاز کتابت با

۳– به معنی نور شمال –م.

زبان قابل درک مردم یعنی زبان ادبی آشخارابار ، انجام اصلاحات درزندگی اجتماعی و در تمام شئون فرهنگی ، طرد عقاید ارتجاعی فئودالی ، اشاعه علم و دانش ، پیروی از نمونه کشورهای پیشرفته اروپائی ، بود . "هیوسیساپایل" ارگان اصلی جنبش روشنگری ، نقش عظیمی در زندگی اجتماعی و رستاخیز فکری ارمنی بازی کرد .

استپانوس نازاریان (۱۸۷۹-۱۸۱۲) سردبیر ماهنامه ، فعالیت وسیعی نمود ، بنام روشنگری و پیشرفت بدفعات برعلیه عناصر مرتجع ظاهر گردید . او درعین حال فیلولوژیست ، زبان شناس و شرقشناس نامداری نیز بود . شش سال کرسی ارمنی شناسی دانشگاه کازان را رهبری کرده ، مدت طولانی در مدرسه لازاریان بعنوان استاد و پرفسور زبانهای شرقی خدمت نمود

س.نازاریان بانظرگاههای سیاسی خود شخصی لیبرال و طرفدار اصلاحات ، ترقی تدریجی اجتماعی بود . میکائل نالباندیان با مقالات درخشان خود در صفحات " هیوسیساپایل " ظاهر گردید .

جریده دو هفتگی " مِغو[۴] " از نشریات مشهور ارامنه غرب بود ، که از سال ۱۸۵۶ در استامبول انتشارمی‌یافت. ***هاروتیون سواچیان*** (۱۸۷۳-۱۸۳۱) یکی از همرزمان میکائل نالباندیان ، برای سالهای متمادی سردبیر این نشریه بود . وی بعنوان یک دمکرات و طرفدار مبارزه رهایی بخش ، در صفحات نشریه به مبارزه وسیعی برعلیه روحانیون و رژیم ارتجاعی مبادرت می‌ورزید . " مِغو " بصورت ارگان دمکراتهای ارامنه غرب،پشتیبان منافع زحمتکشان و مبین آمال و آرزوهای آنها درآمد .

در همان دوران نشریه‌های " زاغیک[۵] " (سردبیر آن گ.چیلینگاریان و آ.هایگونی) در ازمیر ، " آرِولْک[۶] " و " آرِوْموتْک[۷] " (سردبیر آن ، استپان

۴ــ به معنی زنبور عسل ــ م .
۵ــ به معنی گل ــ م .
۶ــ به معنی شرق ــ م .
۷ــ به معنی غرب ــ م .

وسکان) به نشر افکار دمکراتیک پرداختند.



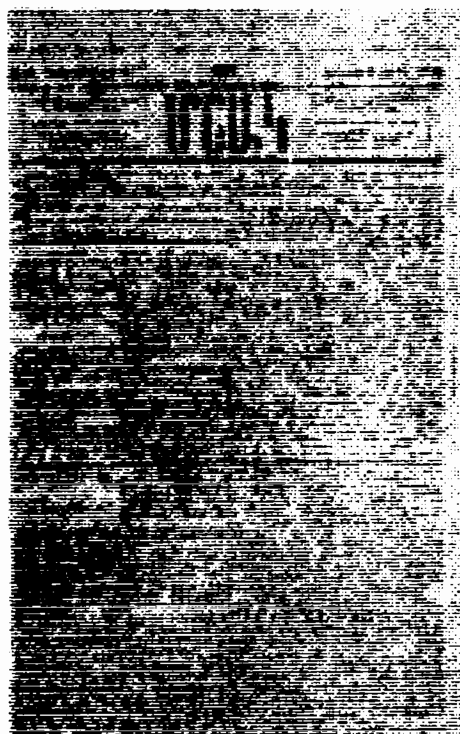
استپانوس نازاریان

نیروهای ارتجاعی در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۰ نشریات خود "چراکاغ[8]" (مسکو)، "ماسیاتس آغاونی[9]" (تئودوسیا، کریمه)، "بِرواک[10]" (استامبول) و غیره را منتشر کردند. این ارگان‌ها به سردبیری م. مسربان. گ. آیوازوسکی، ه. چامورچیان وسایرین، با حمایت از نظامهای حاکم نه تنها برعلیه دمکراتهای انقلابی، بلکه برعلیه لیبرالیسم بورژائی مبارزه می‌کردند.

از جرائد معروف نیمه دوم قرن ۱۹ می‌توان "مِشاک[11]"، "مغوهایا ستانی[12]"، "آرولیان مامول[13]"، "ماسیس"، "نوردار[14]"، "آرزاگانک[15]" را نام برد. خبرنامه "مشاک" از سال ۱۸۷۲ به سردبیری منقد معروف **گریگور آرزرونی** (۱۸۹۲-۱۸۴۵) در تفلیس منتشر شد. این نشریه برعلیه عناصر ارتجاعی و محافظه‌کار ظاهرگردید و روابط فئودالی را شدیداً به باد انتقاد گرفت و به ایجاد پایگاه سرمایه‌داری در قفقاز لبیک گفت. با چاپ مقالات عدیده در زمینه مسئله ارامنه، "مشاک" این نظریه را می‌پروراند که ارامنه غرب باید مانند خلقهای بالکان برعلیه استبداد سلطان قیام مسلحانه

۸- جمع‌آوری ته‌مانده‌های محصول - م.
۹- کبوتر ماسیس - م.
۱۰- به معنی زحل - م.
۱۱- کارگر - م.
۱۲- زنبور ارمنستان - م.
۱۳- چاپ شرق - م.
۱۴- قرن نو - م
۱۵- انعکاس - م.

کنند . سردبیر نشریه معتقد بود که فقط روسیه می‌توانست به ارامنه غرب کمک واقعی نماید . " مشاک " تاثیر بزرگی برجوانان میهن دوست و پیشرو آن عصر گذارد .



عنوان " مشاک "

" مغوها باستانی " (۱۸۸۶ — ۱۸۵۸ تفلیس) مواضع محافظه کارانه داشت و در بسیاری از مسایل با " مشاک " اختلاف نظر داشت ، که در نتیجه آن نیز مبارزه شدیدی بین طرفداران آنها آغاز شد .

" آرولیان مامول " از سال ۱۸۷۱ در ازمیر آغاز بکار کرد . سردبیر آن منقد مشهور ارامنه غرب و شخصیت اجتماعی ماتوس ماموریان (۱۹۰۱ — ۱۸۳۰) بود که دیدگاه‌های دمکراتیک و پیشرفته داشته ، سعی در حمایت از منافع توده‌های مردم می‌نمود .

نشریه " ماسیس " ــ که از سال ۱۸۵۲ در استامبول منتشر می‌شد ــ جهت لیبرال بورژازی داشت (سردبیر آن کاراپت یوتوجیان) .

جریده‌های " نوردار " و " آرزاگانگ " در ۱۸۹۰—۱۸۸۰ در تفلیس منتشر شده‌اند . آنها مسایل اجتماعی ــ سیاسی را از مواضع محافظه‌کارانه بررسی کرده ، ولی گاهی هم سعی در انتقاد از سیاست استعماری تزار نموده‌اند .

از نشریات قابل توجه سالهای ۱۸۹۰—۱۸۸۰ همچنین " آرولک " و " هایرنیک[۱۶] " بودند . جریده اخیر ــ که سردبیر آن آرپیار آرپیاریان (۱۹۰۸—۱۸۵۱) از نویسندگان مشهور رئالیست ارامنه غرب بود ــ عقاید

۱۶ــ به معنی وطن ــ م .

میهن دوستانه و دمکراتیک اشاعه می‌داد .

"آرارات" اولین نشریه ارمنستان شرقی ، از سال ۱۸۶۸ در اجمیادزین آغاز بکار کرد . این جریده محتوای مذهبی و تاریخی ـ فیلولوژیک داشت .

از سال ۱۸۸۰ هفته‌نامه "پساک[17] " در ایروان شروع به کار نمود و در آن مقالات ادبی ، تاریخی ، تعلیمی و سایر مسایل بچاپ می‌رسیدند . لیکن بدلیل عقاید میهن دوستانه و آزادیخواهانه از طرف حکومت تزار در سال ۱۸۸۴ تعطیل گشت .

اولین نشریه در خود ارمنستان غربی ، یعنی "آرزوی واسپوراگان[18] " در وانک واراگا در سالهای ۱۸۶۴-۱۸۵۸ به سردبیری **مگردیچ خریمیان** به چاپ می‌رسید .

۴ـ مدرسه ، علوم

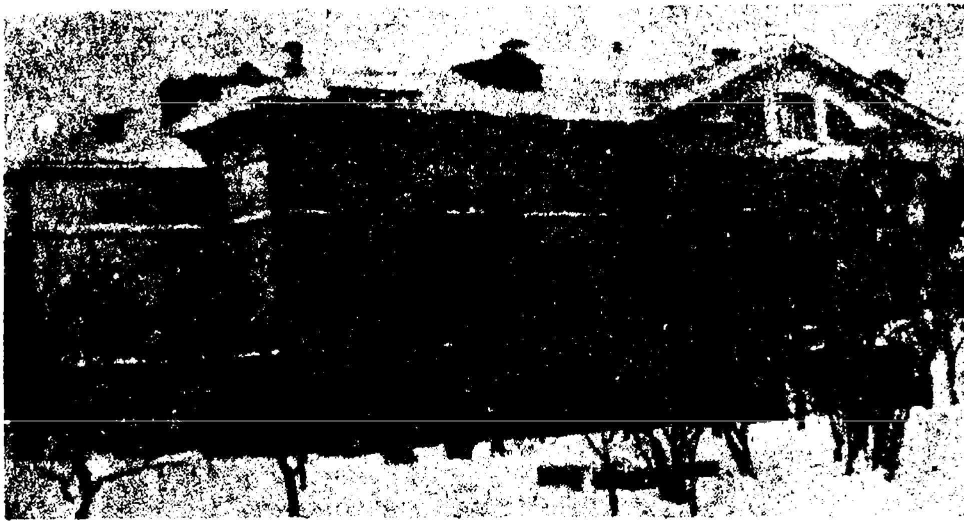
در ارمنستان شرقی در سده ۱۹ سه نوع مدرسهٔ مذهبی ، خصوصی و دولتی و در ارمنستان غربی مدارس خصوصی و مذهبی وجود داشت .

تعداد مدارس شدیداً محدود و شمار دانش‌آموزان بسیار قلیل بود . درسال ۱۸۷۸ در تمام مدارس ابتدائی مذهبی و متوسطه دولتی در قفقاز حدود ۳۰۰۰ دانش‌آموز ارمنی تحصیل می‌کرد . محصلین ارمنی مدارس خصوصی در سال ۱۸۸۰ در قفقاز نزدیک ۱۵۰۰ نفر بودند . اوضاع در ارمنستان غربی وخیم‌تر از این بود .

مدارس در شرایط اسفناکی بسر می‌برد . اکثر آنها با قرارداشتن در جوار کلیساها دو یا سه کلاس داشتند . سطح تدریس پائین و روشهای تعلیم بسیار عقب افتاده بود . اساساً علوم دینی و زبان ارمنی تدریس می‌شد .

۱۷ـ به معنی افسر یا تاج گل ـ م .
۱۸ـ به معنی عقاب واسپوراگان ـ م .

لیکن در طول قرن ۱۹ ، چند مدرسه مشهور و پیشرفته در عصر خـــود، تاسیس یافت . در سال ۱۸۱۵ مدرسه عالی لازاریان در مسکو تاسیس یافـت که در ابتدا مدرسه متوسطه بود ولی بعدها از کلاسهای عالی نیز بـرخـوردار گردید . جوانان متعدد ارمنی در این مدرسه عالی تحصیل می‌کردند ، کـــه بعدها نقش بزرگی در ترقی فرهنگ ارمنی ایفا نمودند . بعنوان مثال ، شعـراء مشهور ارمنی ، راپائل پاتکانیان ، سمبات شاهازیز ، گورگ دودوخیان ، هوانس هوانیسیان ، واهان دریان . ارمنی شناسها مگردیچ اِمین ، گریگور خالاتیـان ، و سایرین در این مدرسه عالی تحصیل کرده‌اند . مدرسه عالی لازاریان یکـی از مراکز بزرگ شرقشناسی در روسیه گردید و شرقشناسان متعدد و مشهور روس تربیت کرد .



مدرسه عالی لازاریان

در سال ۱۸۲۴ مدرسه‌نرسیسیان در تفلیس بنیان نهاده شد ، کـــه در حدود ۱۰۰ سال به‌حیاتش ادامه داد و معلمین ، منقدین ، هنرمندان و دست اندرکاران جرائد ارمنی و غیره را تربیت کرد . خاچاتور آبوویان و استپانو س نازاریان از اولین فارغ التحصیلان مدرسه بودند . مدرسه نرسیسیان نقـش بزرگی بویژه در زمینه توسعه تعلیم و تربیت و روشنگری دربین ارامنه شـــرق

ایفا نمود .

سالها بعد ، اولین مدارس در ایروان ــ مرکز ارمنستان شرقی ــ من‌جمله آموزشگاه ولایتی ایروان در سال ۱۸۳۲ و مدرسه وابسته به کلیسا در ۱۸۳۷ تاسیس شدند . درهمان دوران‌مدارس موراديان در شهر پاورای ایتالیا (۱۸۳۴)، رافاییلیان در ونیز (در ۱۸۳۸ ــ که اینها بعدها در هم ادغام شدند) ، مدرسه عالی اسکیوتار در استامبول (۱۸۳۸) و غیره ایجاد شدند .



مدرسه عالی گورکیان

در نیمه دوم قرن ۱۹ مدارس جدید ارمنی تاسیس گردید که مهمترین آنها مدرسه عالی گورکیان در اجمیادزین (۱۸۷۴) است که معلمین و شخصیت‌های فرهنگی متعددی تربیت نمود . در سالهای ۱۸۷۰ــ۱۸۶۰ در تفلیس ، ایروان و آلکساندراپول مدارس دخترانه تاسیس شد .

لیکن شبکه مدارس در نیمه دوم قرن ۱۹ نیز توسعه وسیعی نیافت دولت تزار شمار مدارس ارمنی را محدود می‌ساخت و به هروسیله‌ای سعی در بی‌ارزش‌نمودن آنها داشت . ساتراپهای تزار بویژه در سالهای ۱۸۹۰ــ۱۸۸۰ وقتی که مدارس ارمنی بزور تعطیل گردید ، تعقیب‌های شدید خود را آغاز

کردند .

اوضاع در ارمنستان غربی بسیار وخیم‌بود . رژیم سفاک سلطان‌وسیاست کشت و کشتار و ستم ملی ، تا اندازه زیادی‌از ترقی آموزش و مدارس در امپراتوری عثمانی ممانعت کرد .

فکر علمی ارمنی در قرن ۱۹ اساسا" در زمینه مطالعات تاریخ ارمنی ، ادبیات و سایر مسایل زبان و ارمنی شناسی ترقی نمود . از نظر آثار علمی - فیلولوژیک در نیمه اول قرن ، اعضاء اتحادیه مخیتاریان ونیز نظیر غوکاس اینچیکیان (۱۸۲۳-۱۷۵۸) مورخ و جغرافیدان و مگردیچ آوگریان (۱۸۵۴ - ۱۷۶۲) زبان شناس قابل دکرند . شخص اخیر به همراه دومولف دیگر (گ . آوتیکیان و خ . سیورملیان) در سالهای ۱۸۳۷-۱۸۳۶ در ونیز فرهنگ زبان ارمنی را در دو جلد قطور (" نوربارگیرک هایکازیان لِزوی ") به چاپ رساندند ، که کاری است بس بزرگ و ارزش علمی خود را حتی در زمان حاضر ازدست نداده است .

بعدها در نیمه دوم قرن ۱۹ ، ارمنی‌شناسان مشهور ، غ . آلیشان ، م . اِمین ، ک . پاتکانیان و سایرین در صحنه علوم درخشیدند .

غِوُند آلیشان (۱۹۰۱-۱۸۲۰) نه‌تنها به عنوان شاعر بلکه بعنوان فیلولوژیست و دانشمندی بزرگ شهرت دارد . او آثار متعددی در زمینه جغرافیا ، تاریخ و فرهنگ‌ارمنستان برشته تحریر درآورده است . بویژه آثار " سیسوان " ، " آیرارات " و " سیساکان " مشهور می‌باشد .

مگردیچ اِمین (۱۸۹۰-۱۸۱۵) به اساطیر شناسی ارمنی ، باستانشناسی، تاریخ ، تاریخ ادبیات و مسایل قهرمانها ، ترجمه و انتشار برخی از آثار مورخین ارمنی به زبانهای روسی ، فرانسه و غیره پرداخته است . او بعنوان عضو افتخاری انجمنهای باستانشناسی و شرق‌شناسی روسیه انتخاب شده بود .

کِرُوبِه پاتکانیان (۱۸۸۹-۱۸۳۳) آثار باارزشی در زمینه زبان ارمنی ، تاریخ ارامنه و نیز تاریخ شرق منتشر ساخته و در دانشکده شرق‌شناسی‌دانشگاه

پتربورگ تدریس نموده و به عضویت آکادمی روسیه پذیرفته شد.

درزمینه مطالعات ارمنی‌شناسی در نیمه دوم قرن، مورخین م.کاراگاشیان (۱۹۰۳—۱۸۱۸)، هـ.گاترچیان (۱۸۸۱—۱۸۲۰) آ.یریسیان (۱۹۰۲—۱۸۴۱) باستانشناس، آ.آیدنیان (۱۹۰۲—۱۸۲۵) زبان‌شناس و سایرین فعالیت چشمگیری داشتند.

در زمینه علوم طبیعی، بویژه **آندریاس آرزرونی** (۱۸۹۸—۱۸۴۷)، زمین شناس و شیمیدان نامدار به‌چشم می‌خورد. وی در دانشگاههای پتربورگ و هایدلبرگ تحصیل نموده در سالهای ۱۸۷۰ در تفلیس و بعدها در آلمان (دانشگاه برلین، انستیتوی پلی‌تکنیک آخن و غیره) کار می کرد. وی اساسا" به مسایل زمین شناسی قفقاز و اورال پرداخته به تالیف یک رشته آثار ارزشمند علمی نظیرزمین شناسی، معدن شناسی، مطالعه خواص شیمیایی و فیزیکی بلورها و مسایل مربوطه مبادرت ورزید. در سال ۱۸۹۵، آرزرونی به عضویت آکادمی علوم امپراتوری روسیه انتخاب شد.



آندریاس آرزرونی

بسیاری از دانشمندان ارمنی قرن ۱۹ تحصیلاتشان را در دانشگاههای مسکو، پتربورگ، دورپات، پاریس، برلین، ژنو و غیره بدست آوردند. دراثر عدم وجود امکانات کافی درزمینه‌های مربوطه و لازم در ارمنستان، اکثر آنها در خارج از میهن به کار اشتغال داشتند.

فصـــل نوزدهم

ارمنستان در آغاز قرن بیستم

۱ــ زندگی اقتصادی و اجتماعی ــ سیاسی در ارمنستان شرقی

روسیه در آخر قرن ۱۹ وارد مرحله امپریالیسم شد . ترقی شدید سطح تولیدات نه تنها مناطق مرکزی امپراتوری ، بلکه نواحی دور افتاده و سرحدی و منجمله ماوراء قفقاز رانیز دربرگرفته بود . در اینجا نیز مراکز بزرگ تولیدی ایجاد شد . جمعیت شهری رو به‌افزایش نهاده ، طبقه کارگر تبدیل به برده گردید . این پروسه‌های ترقی زندگی اقتصادی تاثیراتی نیز برارمنستان‌شرقی یعنی بخشی از امپراتوری روسیه نهاد .

رشته اصلی تولیدات ارمنستان صنایع مس و مراکز آن آلاوردی‌وزانگزور بود . در آغاز قرن ۲۰ این رشته تولیدی رشد محسوسی داشت که این مسئله درنتیجه آن بود که از یک سو روسیه نیاز مبرمی به مس داشت و از سوی دیگر سرمایه خارجی منجمله فرانسوی در صنایع مس ارمنستان تاثیر فراوان نهاده بود . بهره‌برداری از معادن مس و کارخانه‌های ذوب آلاوردی ، شاملوغی و بخشی از غاپان بدست شرکت سهامی فرانسوی افتاد . با استفاده بی‌حد و

حصر از نیروی کارگران محلی و با تکامل نسبی تکنولوژی تولید ، تولیدکنندگان خارجی به رشد تولیدات ذوب‌مس دست یافتند . اگر در ۱۹۰۰ درکارخانه‌های آلاوردی ۱۹/۶ هزار پوت[1] مس تولید می‌شد این رقم در سال ۱۹۰۱ به ۵۹/۶ هزار و در ۱۹۰۴ به ۱۱۶ هزار پوت رسید . در زانگزور در سال ۱۹۰۰، ۵۰ هزار پوت ، در ۱۹۰۴ ، ۶۸/۴ هزار پوت اما در ۱۹۰۷ ، ۹۴ هزار پوت مس استخراج شده است .



معدن مس غاپان

استخراج و تولیدات مس در سالهای آتی بلاانقطاع تا آغاز جنگ بین‌الملل اول نیز رشد صعودی داشت . بدین ترتیب در سال ۱۹۱۰، ۲۷۸/۲ هزار ، در ۱۹۱۳ ، ۳۴۳/۱ هزار پوت‌مس تولید شده بود . ارمنستان قبل‌از آغاز جنگ جهانی اول حدود ۱۷ درصد از مس روسیه را تامین می‌کرد .

تولیدات شراب و کنیاک نیز رشد نمود . در سال ۱۸۹۰ کارخانه‌های شراب و کنیاک تائیروف ، آفریکیان ، گیوزالف و ساراجف در ایروان کار

۱ــ مقیاس وزنی روسیه معادل ۱۶/۳ کیلوگرم ــ م .

می‌کرد . شوستوف ، سرمایه‌دار روس ، درسال ۱۸۹۹ با بدست گرفتن کارخانه تائیروف و چند موسسه دیگر راندمان تولید را افزایش داد . در سال ۱۹۱۳ ، ۱۸۸ هزار دکالیترشراب و ۴۸ هزار دکالیتر کنیاک تولید شده بود حدود ۸۰ درصد کنیاک ، شراب و عرق تولید شده در ارمنستان به روسیه و بازارهای بین‌المللی صادر می‌شد .

موسسات تولیدی مس و شراب ـ کنیاک چهره تولیدی ارمنستان‌را تعیین می‌کردند . بجز اینها ، چند موسسه تولیدی مواد غذایی و نیز کارگاه‌های مختلف وجود داشتند . براساس آمار رسمی ، در سال ۱۹۱۲ در استان ایروان ۲۳۵۷ موسسه تولیدی وجود داشته که در آنها ۸۲۵۴ نفر به کار اشتغال ورزیده‌اند . بدین ترتیب بطور متوسط در هرموسسه ۴ـ۳ کارگر و نه بیشتر کار می‌کردند . اینها اکثراً موسسات تولیدی برای مراحل اولیه مواد خام محصولات کشاورزی بودند . اکثر صادرات، تولیدات ارمنستان بشکل نیمه ساخته و یا خام بود که نتیجه اعمال سیاست استعماری دولت تزار در ولایات مرزی و ملی امپراتوری بود .

به موازات ترقی و رشد محصولات ، شمار کارگران نیز فزونی می‌یافت و احداث خطوط راه آهن نیز در آغاز قرن ۲۰ به این مسئله کمک شایانی کرد . به غیر از کارگران احداث خطوط راه آهن تفلیس ـ قارص و آلکساندراپول ـ ایروان ـ جلفا ، کارگران خدماتی راه آهن نیز به جمع پرولتاریای ارمنستان پیوستند . در تعمیرگاه‌ها و ایستگاههای راه‌آهن آلکساندراپول ، ساناهین و قارص مجتمع های کارگری تشکیل شده بود . درآغاز قرن ۲۰ شمار کارگران ارمنستان بالغ بر ۱۰ هزار نفر می‌شد .

کارگران ارمنی شمار قابل توجهی در گرجستان ، آذربایجان همسایه ، تشکیل می‌دادند . این وضع نه‌تنها بواسطه جمعیت انبوه ارمنی درآذربایجان و گرجستان بود بلکه به‌این علت نیز بود که بسیاری از روستائیان فاقد زمین و تهیدست برای پیداکردن کسب وکار از ارمنستان به مراکز تولیدی ماوراء قفقاز می‌رفتند . بویژه ارامنه کثیری که از زانگزور ، قره‌باغ ، نخجوان ، دارالاگیاز

و سایر مناطق ارمنستان مهاجرت کرده بودند در چاه‌های نفت وسایرموسسات باکو ــ مراکز بزرگ تولیدات ماوراء قفقاز ــ بکار اشتغال داشتند . در آغازقرن بیش از یک سوم کارگران در موسسات باتوم ، ارمنی و اکثرا" از مهاجرین ارمنستان غربی بودند که در سالهای ۱۸۹۶ــ۱۸۹۴ پس از برنامه کشتارارامنه در ترکیه به قفقاز آمده بودند . کارگران ارمنی ــ که تعداد کل آنها در ماوراء قفقاز به ۴۰ــ۳۵ هزار نفر می‌رسید ــ در شهرهای صنعتی منطقه چون باکو ، تفلیس، باتوم ، آلکساندراپول ، ایروان ، آلاوردی ، غاپان و غیره متمرکز شده بودند .

بورژوازی صنعتی و تجاری ارمنی در تمام ماوراء قفقاز پخش شده بود . سرمایه‌دارانی چون مانتاشوف ، دِر ــ غوکاسف ، آرامیانس ، مائیلوف وسایرین با سرمایه‌گذاری در صنعت تولیدات باکو ، سودهای کلانی به چنگ آورده در صفوف مقدم بورژوازی صنعتی روسیه قرار گرفته بودند . بسیاری از موسسات سبک و غذایی به آدلخانوف ، آلیخانوف ، اِنفیاجیان و سایر سرمایه داران ارمنی تعلق داشتند . تاسیسات مس و سایر رشته‌های تولیدی به ملیک ــ آزادیان ، ملیک قاراگیوزف ، آفریکیان و سایرین متعلق بود .

وضع کارگران وخیم بود . شرایط کار و زندگی بویژه در کارخانجات و معادن مس آلاوردی و زانگزور غیرقابل تحمل بود . کار روزانه حدود ۱۴ــ۱۲ ساعت و بعضی مواقع بیشتر هم طول می‌کشید . مزدها در سطح بسیار پائینی قرار داشت. حفاظت وایمنی عملا" در معادن و کارگاه‌ها وجود نداشت ، بیماری‌های شغلی رواج فراوان یافته ، کارها در شرایط غیربهداشتی صورت می‌گرفت . کارگران دارای اتحادیه‌های صنفی نبودند و به کمترین وجهی در زندگی اجتماعی شرکت نمی‌جستند . درنتیجه تمام این‌ها ، نارضایتی کارگران افزون می‌شد . اعتراض آنها برعلیه‌استثمار بی‌امان ، شکل مصمم ترومتشکل‌تری بخود می‌گرفت و برخودآگاهی طبقاتی پرولتاریا اضافه می‌گشت .

اوضاع روستائیان بسیار اسفناک بود . درآغاز قرن ۲۰ ، پروسه اضمحلال کشاورزی طبیعی و رشد روابط کالابی در دهات ادامه می‌یافت . قشربندی

روستائیان و فقر اکثریت مطلق آنها تعمیق می‌یافت . اراضی خوب به دست زمینداران می‌افتاد و روستایی برای امرار معاش ده را ترک نموده به شهر و دیار غریب می‌رفت . مهاجرت به خارج و غربت ، پدیده عادی زندگی روستایی شده بود . مالیاتهای سنگین ، بقایای کار برده‌وار ، محرومیت‌های آشکار ، استثمارگری تجار و نزولخواران وضعیت را برای روستائیان غیرقابل تحمل می‌ساختند . روزنامه‌نگار یکی از نشریات آن زمان در مورد دهات ارمنستان می‌نویسد : " درد ، رنج ، اشک ، خون ـ عرق ، احتیاج ، غم ، فقر ، استثمار ، غارت ، محرومیت . . . اینست وضع ده " .

صرفنظر از عقب ماندگی کشاورزی ، در آغاز قرن بیستم زمینهای زیرکشت پنبه وسعت یافت (که بعلت احتیاج تولیدات پارچه روسیه بود) ، باغهای انگور گسترش یافتند که اینها مواد خام صنعت درحال پیشرفت شراب ـ کنیاک ارمنستان را تامین می‌کردند .

در آغاز قرن ۲۰ زندگی اجتماعی ـ سیاسی ارامنه شرق بواسطه چند پدیده دارای اهمیت گردید . ترقی جنبش کارگری آغاز شد ، قیامهای توده‌ای برعلیه سیاست استعماری تزار بوجود آمد ، سازمانهای سوسیال ـ دمکراسی ایجاد شدند . جنبش انقلابی کارگران ماوراء قفقاز ـ که بخشی از نهضت انقلابی کارگران روسیه را تشکیل می‌داد ـ تحت تاثیر عقاید مارکسیستی جریان یافت .

عقاید مارکسیسم از سالهای ۱۸۸۰ در میان ارامنه شروع به نضج گرفتن کرد . اولین کوششها برای ترجمه ادبیات مارکسیستی ، به ویژه " مانیفست حزب کمونیست " به زبان‌ارمنی توسط دانشجویان ارمنی مقیم اروپا در سال ۱۸۸۷ و سپس در سالهای ۱۸۹۴ـ۱۸۹۳ انجام شده است . در اواخر قرن بیستم ، " کاپیتال و کارمزدی " کارل مارکس ، " سوسیالیسم علمی " فردریک انگلس و سپس برخی از آثار پل لافارگ ، فردیناند لاسال ، ویلهلم لیبکنخت و سایرین و نیز ادبیات انقلاب توده‌ای منتشر شدند .

مارکسیستهای انقلابی ارمنی در مبارزه انقلابی پرولتاریای روسیه و

تاسیس حزب نوین مارکسیستی شرکت فعالانه داشتند . بوگدان کنونیانتس (۱۹۱۱–۱۸۷۸) ، استپان شاهومیان (۱۹۱۸–۱۸۷۸) از چهره‌های بزرگ انقلابی در تمام روسیه بشمار می‌آمدند و در هسته مرکزی رهبری سازمانهای حزبی کارگری و سوسیال دمکراتیک در روسیه به رهبری ولادیمیر ایلیچ لنین شرکت داشتند .

درماوراء قفقاز تحت تاثیر جنبش انقلابی روسیه و در وهله اول در مراکز تولیدی آن ، گروههای مارکسیستی بوجود آمد . در سال ۱۸۹۸ اولین گروه مارکسیست کارگران ارمنی در تفلیس بوجود آمد که م .ملیکیان (دِردوشکا) ، آساتور کاخویان ، گورگ غاراجیان و سایرین عضو آن بودند . این گروه فعالیت تبلیغاتی در بین کارگران داشت و با سوسیال دمکراتهای روس وگرجی تفلیس مرتبط بوده نشریه دست نویس " بانْوُر [2] " را منتشر می‌ساخت . در تابستان ۱۸۹۹ در جلال اوغلی (استپاناوان فعلی) یک گروه مارکسیست که رهبر آن استپان شاهومیان بود ایجاد گردید . جوانان پیشرو دراین گروه که مارکسیسم را مطالعه و اعلامیه‌های انقلابی پخش می‌کرد ، شرکت داشتند .


استپان شاهومیان

تاسیس حزب مارکسیست کارگران روسیه ، توسعه سازمانهای سوسیال دمکراتیک را در ماوراء قفقاز تسریع می‌نمود و اینها با اصول انترناسیونال بوجود می‌آمدند

۲– کارگر – م .

و سازمانهای محلی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه بحساب می‌آمدند. اکثر آنها از آغاز تاسیس اصول انقلابی و مارکسیستی نشریه "ایسکرا" به سردبیری وی.ای.لنین را دنبال می‌کردند.

در سال ۱۹۰۱ کمیته‌های ح.س.د.ک.ر.[۳] در تفلیس، باکو و باتوم تشکیل یافت، که چاپخانه‌های زیرزمینی داشت. در پایان سال ۱۹۰۲ اولین هسته سوسیال دمکرات در ایروان تاسیس شد، که کارگران کارخانه شوستوف به عضویت آن درآمدند. بلافاصله پس از آن، گروههای سوسیال دمکراتیک در ایستگاه و شهر آلکساندراپول و در قارص، آلاوردی و برخی از دهات لوری تشکیل یافتند.



بوگدان کنونیانتس

درتابستان ۱۹۰۲ به همت استپان شاهومیان، بوگدان کنونیانتس و آرشاک زهرابیان "اتحادیه سوسیال ــ دمکراتهای ارمنی" در تفلیس آغاز بکار کرد. این سازمان به رهبری کمیته ح.س.د.ک.ر. در تفلیس کار می‌کرد ولی بعدها جزو تشکیلات آن گردید. این اتحادیه، اولین نشریه غیر رسمی مارکسیستی به زبان ارمنی ــ "پرولتاریا" را بنیان نهاد. در اکتبر ۱۹۰۲ اولین شماره آن منتشر شد. دراینجا مانیفست "اتحادیه سوسیال دمکراتهای ارمنی" نیز بچاپ رسیده بود که و.ای.لنین دراین باره در سال ۱۹۰۳ مقاله مخصوصی در نشریه "ایسکرا" نوشت. و.ای. لنین فعالیت‌های اتحادیه و مانیفست آنرا بسیار ارزشمند دانست. "اتحادیه سوسیال دمکراتهای ارمنی" و ارگان آن نشریه "پرولتاریا" نقش بزرگی در

۳ــ حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه ــ م.

میان ارامنه و در کار تعلیم کارگران انقلابی ارمنی ایفا نمود .

منافع جنبش کارگران قفقاز ایجاب می‌کرد تا گروهها و سازمانهای سوسیال دمکرات متحد شده و تحت رهبری واحد فعالیت نمایند . این مسئله را اولین کنگره سازمانهای ح.س.د.ک.ر. در قفقاز ــ که در مارس ۱۹۰۳ در تفلیس تشکیل شده بود ــ انجام داد . اتحادیه قفقاز وابسته به ح.س.د.ک.ر. و مرکز رهبری آن بوجود آمد . تاسیس اتحادیه قفقاز وابسته به ح.س.د.ک.ر. مرحله مهمی در کار وحدت نیروهای انقلابی منطقه بوجود آورد .

در آغاز قرن بیستم جنبش انقلابی کارگران روسیه ، پس از مدت کوتاهی ماوراء قفقاز را نیز دربر گرفت . در اول ماه مه ۱۹۰۱ تظاهراتی در تفلیس برگزار شد که حکایت از توسعه جنبش انقلابی در منطقه داشت . نشریه "ایسکرا" نوشت : " از امروز جنبش آشکار سیاسی در ماوراء قفقاز آغاز می‌شود " .

در سالهای ۱۹۰۴ــ۱۹۰۱ موج اعتصابات و تظاهرات سیاسی مراکز تولیدی ماوراء قفقاز را نیز دربرمی‌گیرد . دراین سالها کارگران کارخانه‌های باکو ، تفلیس، باتوم ، آلکساندراپول و آلاوردی به دفعات اعتصاب نمودند . بخصوص اعتصاب عمومی کارگران چاههای نفت و موسسات باکو در ژوئیه ۱۹۰۳ شکل جدی بخود گرفت . کارگران معادن مس آلاوردی در صفوف اول جنبش اعتصابی ارمنستان قرار داشتند . سازمانهای محلی سوسیال دمکرات می‌کوشیدند به این نهضت اعتصابی اساس و مبانی مبارزه انقلابی بدهند .

دراثر جنبش انقلابی کارگران ، نهضت دهقانی که برعلیه ستم زمین ــ داران قرار داشت ، نضج گرفت . در ۱۹۰۳ قیام روستائیان قصبهٔ هاغبات در ناحیه لوری برعلیه زمینداران بوجود آمد . حکومت فقط به کمک نیروهای مسلح توانست این شورش را سرکوب نماید .

در آغاز قرن بیستم واقعه بسیار مهمی در زندگی اجتماعی ــ سیاسی ارامنه شرق اتفاق افتاد و آن نهضت مقتدر توده‌های خلق ارمنی برعلیه استبداد تزاری بود که در ۱۲ ژوئن ۱۹۰۳ قوانینی دال برتصرف و مصادره اراضی و دارایی‌های کلیسای ارمنی تصویب کرده بود . دولت تزار با عملی

ساختن سیاست استعماری واستبدادی خود چندین سال بود که این قانون را دردست تهیه داشت . سالها پیش از آن حاکم قفقاز شاهزاده گولیسین اقدام به تعطیل مدارس ارمنی ، ایجاد محدودیت برای انجمنهای خیریه وانتشاراتی ارمنی ، سانسور شدید روزنامه‌های ارمنی نموده بود .

براساس قانون ۱۲ ژوئن ۱۹۰۳ ، اراضی و دارایی‌های درآمدساز کلیسای ارمنی باید مصادره می‌گردید و تحت مدیریت وزارتخانه مربوطه روسیه قرار می‌گرفت . این قانون نه تنها اساس اقتصادی کلیسای ارمنی را به هم می‌ریخت، بلکه برعلیه خلق ارمنی ، حقوق سیاسی و فرهنگ آن ، برعلیه مدارس ارمنی قرار داشت ، زیرا که بخش اعظم مدارس ارمنی ماوراء قفقاز با درآمدهای حاصل از اراضی کلیسا اداره می‌شد . اضمحلال موسسات فرهنگی ـ روشنگری ارمنی بایستی عملی شدن سیاست استعماری تزار را تسهیل می‌نمود . ماهیت قانون ۱۲ ژوئن ۱۹۰۳ برای توده‌های وسیع خلق ارمنی شناخته شده بود و وقتی که سازمانهای محلی دولت سعی در عملی ساختن این قانون نمودند ، ساکنین ارمنی ماوراء قفقاز به مبارزه برعلیه خودکامگی تزار برخاستند .

در ماه‌های ژوئیه ـ سپتامبر سال ۱۹۰۳ در بسیاری از شهرهای ماوراء قفقاز ، در آلکساندراپول ، قارص ، ایروان ، اجمیادزین ، تفلیس ، الیزابت‌پول (گنجه) ، شوشی ، باکو ، باتوم ، ایگدیر ، جلال اوغلی و سایر نواحی ، میتینگ‌های عظیم تشکیل شدند که شرکت کنندگان آنها خواستار لغو قانون ۱۲ ژوئن و عدم اطاعت از حکومت تزار بودند . دربسیاری از مناطق‌تظاهرات به زدو خوردهای مسلحانه کشیده شد . حوادث خونینی در آلکساندراپول ، تفلیس ، الیزابت پول بوقوع پیوست ، قشون وارد معرکه شد ه حکومت با شرکت‌کنندگان در تظاهرات ضدتزاری تصفیه حساب ظالمانه‌ای کرد ، صدها نفر دستگیر شدند . دولت مجبور به برقراری حکومت نظامی در تفلیس گردید.

قیام خلق ارمنی برعلیه استبداد تزاری ، طبیعت جنبش عمومی به‌خود گرفت . تمام قشرهای مردم ، کارگران ، دهقانان ، پیشه‌وران ، متفکرین و روحانیون دراین مبارزات شرکت جستند . احزاب سیاسی ارمنی ـ البته‌هریک

به‌گونه‌ای منفک از دیگر گروهها ـ دراین مبارزه فعالانه جذب گردیدند .
بانفوذترین حزب سیاسی آن عصر یعنی داشناکسوتیون ـ که قبلا " ضرورت مبارزه سیاسی ارامنه قفقاز را رد می‌کرد و فقط" مسئله ارامنه ترکیه " را قبول داشت ـ حالا در شرایط تغییر و تحولات جاری مجبور بود اعلام نماید که توام با " مسئله عموم ارامنه ترکیه " ، وجود " مسئله ارامنه روسیه "را نیز پذیرفته است . داشناکسوتیون سعی نمود قیام خلق را به مجرای تنگ ملی جنبش بورژوائی بکشاند . هونچاکها در اکتبر ۱۹۰۳ برعلیه مرتجع افراطی ، شاهزاده گولیسین ، حاکم قفقاز ، که با سیاست ظالمانه ضد ارمنی خود شهرت داشت ، اقدام به کوششهای بی‌نتیجه‌ای نمودند . گولیسین فقط زخمی شد .

سازمانهای محلی سوسیال دمکرات سیاست استعماری تزاریسم را افشاء می‌کردند . آنها اعلامیه‌های متعددی انتشار دادند که توسط آنها به خلق ارمنی ندای اتحاد با مبارزه عمومی سایر خلقهای روسیه را برعلیه استبداد تزار ، می‌دادند . " ایسکرا " ارگان مرکزی ح.س.د.ک.ر. با رضایت متذکر می‌شود که سوسیال دمکرات‌های قفقاز " اهمیت سیاسی حمله تزار به کلیسای ارمنی را کاملا" خوب ارزیابی نموده بودند و نشان دادند که سوسیال‌دمکراسی چگونه باید با چنین پدیده‌هایی رویاروئی نماید " .

سازمانهای سوسیال دمکرات ماوراء قفقاز ، خلقهای منطقه را به کمک مبارزهٔ به حق خلق ارمنی می‌طلبیدند . آنها در عین حال برعلیه‌کوشش‌های داشناکها درجهت انحراف کارگران ارمنی از مبارزه طبقاتی ظاهر می‌شدند و به تبلیغات ملی‌گرایانه آنها ضربه وارد آورده ، تاکتیک ترورهای فردی را محکوم می‌ساختند . پس از اقدام به ترور ناموفق گولیسین ، کمیته‌ح.س.د.ک.ر. در قفقاز اعلامیهٔ " حیوان وحشی زخمی شد " را منتشر ساخت که در آن بویژه ذکر می‌گردید که : " گولیسین‌ها وامثال آنها ازبین خواهند رفت و با ریشه‌کن شدن استبداد ، آنها نیز مانند دودپخش و نابود می‌شوند " .

علی رقم درهم کوبیده شدن مقاومت مردم توسط نیروهای مسلح ، دولت قانون ۱۲ ژوئن را به مرحله اجرا درآورد . تا پایان سال ۱۹۰۳ کار مصادره اموال و اراضی کلیسای ارمنی اساسا" خاتمه یافت .

ولی مبارزه ادامه یافت . روستائیان ارمنی از کاشت اراضی مصادره شده توسط حکومت تزار خودداری می‌کردند و در مراکز و موسسات تولیدی و صنعتی ضبط شده به کار اشتغال نمی‌ورزیدند . قیام‌ها و شورشهایی بوقوع می‌پیوستند. در شرایط توسعه روزبروز نهضت انقلابی روسیه ، دولت تزار مجبور به عقب نشینی بود . در اول اوت ۱۹۰۵ تزار قانون ۱۲ ژوئن ۱۹۰۳ را ملغی اعلام نمود . اموال و اراضی کلیسای ارمنی برگردانده شد.

تحولات سال ۱۹۰۳ در پروسه انقلابی شدن توده‌های کارگر ارمنی اهمیت بزرگی پیدا کرد . باتوجه به این مسئله ، استپان شاهومیان متذکر گردیده است که" سال ۱۹۰۳ نقطهٔ عطفی در تاریخ ارامنه قفقاز بود " .

۲ــ جنبش انقلابی در سالهای ۱۹۰۷ــ۱۹۰۵

نهضت انقلابی توده‌های‌روستایی زحمتکش و کارگر در روسیه در آغاز قرن ۲۰ به انقلاب بورژوا ــ دمکراتیک سالهای ۱۹۰۷ــ۱۹۰۵ نیروی زیادی بخشید که اولین انقلاب در دوره امپریالیسم بود . آغازگر انقلاب حوادث خونین نهم ژانویه ۱۹۰۵ بود ، وقتی که بفرمان تزار بسوی تظاهرات آرام کارگران پطروگراد تیراندازی گردید . پس از آن جنبش اعتصابی قوت و توان بیشتری یافت‌و تمام کشور را دربرگرفت . کارگران خواستار بهبوداوضاع خود وآزادی‌های سیاسی بودند .

در بهار ۱۹۰۵ موج جنبش اعتصابی به ارمنستان رسید . در ماه مارس کارگران معادن آلاوردی و موسسات شوستوف و ساراجف ایروان ، کارگران خطوط‌آهن قره‌کلیسا ــ آلکساندراپول و ایستگاه و تعمیرگاه آلکساندراپول دست به‌اعتصاب زدند . در ماه آوریل کارگران راه آهن ارمنستان به اعتصاب

عمومی راه آهن قفقاز پیوستند.

جنبش کارگری در ماوراء قفقاز و بویژه در ارمنستان بطور محسوسی از روسیه مرکزی ضعیف‌تر بود. این مسئله نه فقط بخاطر قلت کارگران ارمنستان و ضعیف بودن سازمانهای سوسیال دمکرات بلکه به این علت هم بود که حکومت تزار به ایجاد نفاق و جنگ میان ارامنه و آذربایجانی‌ها و انحراف توجه زحمتکشان از مبارزه طبقاتی موفق شده بود. جنگهای برادرکشی سال ۱۹۰۵ در باکو، شوشی، نخجوان، ایروان، الیزابت پول و سایر نواحی بوقوع پیوست، دو طرف هم قربانیان متعددی دادند. در بعضی‌جاها برخوردهای ارامنه و آذربایجانی‌ها تا سال ۱۹۰۷ بطول انجامید. سازمانهای سوسیال دمکرات به رهبری کمیته متحده ح.س.د.ک.ر. در قفقاز قاطعانه برعلیه مقصرین و سردمداران این تحریکات ظاهر گردیدند و کارگران ملل را به‌اتحاد و مساعی مشترک در جهت مبارزات عمومی برعلیه‌تزاریسم دعوت نمودند.

در اکتبر ۱۹۰۵، اعتصاب سیاسی عمومی تمام روسیه را دربرگرفته‌بود. اعتصاب عمومی کارگران راه‌آهن در ارمنستان از تشکل بیشتری برخوردار بود که شرکت کنندگان در آن یک رشته خواستهای سیاسی داشتند. حکومت در راه‌آهن حکومت نظامی اعلام کرد. در نوامبر همان سال اعتصاب بزرگ کارگران آلاوردی بوقوع پیوست. به لطف تشکل واستقامت، کارگران موفق شدند صاحب موسسات را به قبول اکثر خواسته‌های خود وادار سازند.

در دسامبر ۱۹۰۵ ـ وقتی که اولین انقلاب روسیه به نقطه اوج خود رسیده بود و در مسکو برخوردهای مسلحانه بوقوع پیوسته بود ـ کارگران راه‌آهن ارمنستان دگربار اعتصاب کردند و به تشکیل دستجات مسلح پرداخته راه‌آهن را دراختیار خود گرفتند. حکومت قشون خود را برعلیه کارگران گسیل داشت.

پس از شکست شورش مسلحانه ماه دسامبر در مسکو، جنبش انقلابی دچار افول گردید. دوران عقب‌نشینی انقلاب آغاز شد که در جریان آن اعتصابهای آلاوردی، ایروان، قارص، غاپان و سایر نواحی نیز ادامه یافتند.

در اوت ۱۹۰۶ کارگران آلاوردی دگربار اعتصاب کردند که تا یک ماه بطول انجامید . حکومت قوایی به آلاوردی فرستاده اعتصاب را سرکوب نمود . کارگران بسیاری دستگیر و یا منفصل از خدمت شدند .

در مارس ۱۹۰۷ اعتصاب بزرگ کارگران کارخانجات و معادن غاپان بوقوع پیوست . صرف‌نظر از اینکه جنبش انقلابی در کشور پسروی نموده بود ، اعتصاب کارگران غاپان با موفقیت توام گردید . مدیریت کارخانه مجبور بود تا قسمتی از خواستهای کارگران را تامین نماید .

در دوران انقلابی سالهای ۱۹۰۷-۱۹۰۵ در ارمنستان ، توام با جنبش انقلابی کارگران ، شورشهای دهقانی نیز بوقوع پیوست . در لوری و زانگزور قیامهای جدی‌تر روستائیان برعلیه مقامات ، زمینداران و نزولخواران اتفاق افتادند . درچند قصبه در لوری کمیته‌های روستایی تشکیل شد که به‌رهبری سازمانهای محلی سوسیال دمکرات فعالیت می‌نمود درا‌جمیادزین ، قارص، آلکساندراپول و سایر نواحی شورشهای روستائی بوجود آمد . در برخی مناطق روستائیان دست به اقدامات قاطعانه می‌زدند و اراضی زمینداران و وانکها را به چنگ می‌آوردند ، دارایی‌های زمینداران را بزور تصاحب می‌کردند و زمینداران را از دهات طرد می‌نمودند . درجریان برخی از حوادث ، مقامات جوخه‌های مجازات برای به‌اطاعت درآوردن روستائیان شورشی گسیل می‌داشتند.

سالهای انقلاب اول روسیه ، بصورت دوران کسب تجربه‌برای سازمانهای سوسیال دمکرات ارمنستان درآمد . آنها مصمم‌تر گردیده نقششان تحکیم یافت . یک رشته سازمانهای جدید محلی بوجود آمد ، مخصوصاً" در ماه مه ۱۹۰۵ باشرکت مستقیم استپان شاهومیان کمیته ح.س.د.گ.ر. در ایروان تاسیس یافت . به همراه شاهومیان ، کنونیانتس و سایر چهره‌های نامدار انقلابی ، بلشویک مشهور سورن اسپانداریان (۱۹۱۶-۱۸۸۲) نیز در جنبش انقلابی عمومی روسیه و ماوراء قفقاز فعالانه شرکت نمود .

انقلاب سطح آگاهی طبقاتی کارگران و روستائیان ارمنستان را بالا برد . این تجربه‌نشان داد که آزادی خلق ارمنی فقط بوسیله پیروزی انقلاب روسیه

بدست خواهد آمد ، انقلابی که مبارزه تمام خلقهای تحت ستم روسیه را اتحاد می‌بخشد .


سورن اسپانداریان

در جریان اولین انقلاب روسیه نفاق موجود بین دو گروه بلشویک و منشویک ح.س.د.ک.ر. ــ که در جریان دومین کنگره حزب در سال ۱۹۰۳ بوقوع پیوسته بود ــ عمیق‌تر گردید . اختلاف نظرهای شدیدی در زمینه مسایل مهم استراتژیکی و تاکتیکی انقلاب میان بلشویک‌ها و منشویک ها وجود داشت . اوضاع کلی‌حاکم برحزب در سازمانهای محلی آن نیز منعکس می‌شد . اگرچه بلشویک‌ها و منشویک‌ها برای مدتی ظاهرا" دارای یک سازمان واحد بودند باوجود این مبارزه‌میان آنها حاد گردید .

پس از شکست اولین انقلاب روسیه ، دوران ارتجاع (۱۹۱۰–۱۹۰۷)آغاز گردید . استبداد تزاری ــ که تا آن زمان مجبور به قبول برخی تخفیفات بود ــ اکنون به حمله برعلیه نیروهای انقلابی و پیشرو پرداخت .

در کشور ترور وسعت بیشتری می‌گرفت . کارگران ، روستائیان ، متفکرین پیشرو ظالمانه تحت تعقیب قرار می‌گرفتند . ارتجاع ضربه اصلی را متوجه حزب بلشویک نمود . سازمانها و اتحادیه‌های دمکراتیک که در سالهای انقلاب تشکیل شده بودند متلاشی گردیدند . اتحادیه‌های صنفی تحت تعقیب قرار گرفته تعطیل می‌شدند .

پس از شکست انقلاب ، شوونیسم استبدادی ، مطلق العنان‌تر گردید . تزاریسم تصمیم گرفته بود تمام سرحدات ملی خلقهای غیر روس را تحت سیطره خود درآورده تمام کوشش‌های آنها را درجهت مبارزه برای کسب حقوق ملی ازبین ببرد . دولت تزار قدمهای قاطعانه‌تری برای عملی ساختن سیاست استعماری خود در ماوراء قفقاز برداشت .

محیط کلی اختناق ارتجاع ، اوضاع نیروهای دمکراتیک را نیز دربرگرفت. شکست انقلاب شرایط ناامیدکننده و انحطاط و نفاق عقیدتی ایجاد کرد .

سالهای ترقی ارتجاع پس از انقلاب (۱۹۱۴–۱۹۱۰) ، در ارمنستان همچون سایر نواحی روسیه وماوراء قفقاز با جنبش اعتصابی توام بود . در سال ۱۹۱۰ اعتصاب کارگران آلاوردی و کارگران راه‌آهن ایروان بوقوع پیوست. در سالهای ۱۹۱۲–۱۹۱۱ کارگران معادن نمک کوغب ، کارگاه‌های غاپان‌دست به اعتصاب زدند . در سال ۱۹۱۳ دگربار در موسسات تولیدی آلاوردی موج اعتصاب قوت گرفت . درهمین سالها شورشهای روستایی در اجمیادزین ، ایروان ، بایزیدنو ، زانگزور ، آلکساندراپول بوجود آمد . فعالیت های سازمانها و گروههای سوسیال دمکرات وسعت یافت . بدین‌سان ، در روسیه و جزئی از آن یعنی ارمنستان شرقی ، موج جدیدی از جنبش انقلابی بوجودآمد.

۳ـ اوضاع ارمنستان غربی ، مسئله ارامنه در سالهای ۱۹۱۴–۱۹۱۲

ارمنستان غربی که تحت سلطه ترکیه سلطانی قرار داشت ، در اوایل قرن بیستم نیز پیشرفت قابل توجه اقتصادی نکرد . هنوز روابط فئودالی ــ برده‌داری رواج داشت ، مراکز قابل توجه تجاری وتولیدی موجود نبود . بورژوازی ارمنی فعالیت خود را بیشتر در استامبول ، ازمیر و سایر شهرهای ساحلی ترکیه وسعت داده بود . در ارمنستان اساساً تجارت جزء معمول بود .

لیکن در بعضی از مناطق ارمنستان غربی و بخصوص در ولایات وان و ارض روم روابط کالائی ــ تبادلی ترقی می‌نمود . قشربندی روستائیان عمیق‌تر می‌گردید ، روز بروز شمار محرومین از زمین بزرگتر می‌شد . پروسه محرومیت و به فقر کشیده شدن روستائیان درنتیجه سیاست مالیاتی و ارضی دولت ترکیه شدت یافت . باب عالی مالیات‌های بسیار سنگینی وضع می‌کردو متناوباً و به نحو ظالمانه‌ای اراضی روستائیان ارمنی را بزور تصرف می‌کرد . زحمتکشان ــ که در وضع اقتصادی بد قرار داشتند ــ خانه آب و اجدادی‌خود

را ترک می‌گفتند و به روسیه، اروپای غربی و حتی آمریکا می‌رفتند.

استبداد ترکها، در عین‌حال ستم ملی و سیاست ضرب و شتم و تعقیب را شدت می‌بخشید. ارامنه غرب مورد ظلم، استثمار و کشتارهای جدید قرار می‌گرفتند. آنها در آستانه کشتارهای وحشتناک جمعی و عمومی قرار داشتند.

ارامنه غرب به منظور دفاع از خود، قیامهای مسلحانه‌ای برعلیه استبداد سلطان صورت می‌دادند. بدین ترتیب در بهار ۱۹۰۴ روستائیان ارمنی ساسون سلاح برداشتند. بفرمان سلطان خونخوار عبدالحمید، قشون منظم ترک و اشرار متحد آنها و شیوخ کُرد به این منطقه کوهستانی حمله‌ور شدند. اهالی شجاع ساسون مقاومت قهرمانانه‌ای نشان دادند و تلفات‌فراوانی برقوای دشمن وارد ساختند. ولی نیروها نابرابر بودند. قشون ترک ــ که از حیث شمار برتری چیمگیری داشتند و بهتر مسلح شده بود ــ به ساسون رخنه کرده آن را زیر سم اسبهایش گرفته ویران نمود. هزاران زن و بچه از دم تیغ گذشتند. چند جوخه مسلح قیام کنندگان با رفتن به کوههای غیرقابل دسترس، به‌جنگ‌های پارتیزانی برعلیه اشغالگران و کشتارگران دست زدند.

در جنگهای ساسون، *آندرانیک* (آندرانیک اوزانیان، ۱۹۲۷ ــ ۱۸۶۵) فدایی و پارتیزان شجاع، شخصیت نامدار جنبش رهایی بخش ارامنه غرب با شجاعت و استقامت فوق‌العاده خود نورافشانی کرد. هنوز در سالهای ۱۸۹۰، او در مبارزه دفاعی روستائیان ارمنی غرب برعلیه سیطره سلطان نقش فعالانه‌ای ایفا نموده بود. آندرانیک درآستانه قرن بیستم محبوبیت زیادی بین عموم مردم چه در ارمنستان غربی و چه در ارمنستان شرقی بدست آورده بود.

درسال ۱۹۰۸ درترکیه انقلاب‌دولتی بوقوع‌پیوست. سلطان عبدالحمید از سلطنت خلع شد و نظام مشروطه اعلام گردید، حکومت بدست بورژوا ــ ناسیونالیست‌ها یا حزب "اتحاد و ترقی" و یا آنچنانکه معمول است، بدست

ترکهای جوان (ژون ترک) افتاد . دولت ترکهای جوان در زندگی داخلی کشور تحول واقعی ایجاد نکرد .اوضاع حقوقی و اقتصادی چه خلق ترک و چه سایر ملیتها بهتر نشد . روابط فئودالی ـ برده داری از میان نرفت و مسئله ارضی حل نگردید .

ترکهای جوان سیاست افراطی بویژه در مورد مسئله ملی داشتند . تا قبل از تصاحب مسند حکومت ، خود را " انقلابیون" قلمداد می‌کردند و به خلقهای غیرترک قول خودمختاری ملی ، پایان دادن به ستم ملی و غیره می‌دادند . در مراحل اولیه بخش اعظم ارامنه غرب به آنها اطمینان کرد . یک رشته احزاب سیاسی ارمنی و در وهله اول حزب داشناکسوتیون با آنها همکاری نمود .

ترکهای جوان پس از به قدرت رسیدن ، نقاب از صورتهایشان برداشتند. بزودی معلوم گردید که آنها از حیث سیاست تعقیب و ستم ملی برعبدالحمید کشتارگر نیز برتری داشتند . این بورژواناسیونالیستهای ترکیه ـ که به هرنحوی سعی در عملی ساختن عقاید ارتجاعی پان‌تورانیستی[۴] داشتند ـ آشکارا اعلام کردند که هدف آنها تُرک و مسلمان کردن تمام خلقهای امپراتوری عثمانی است و هرگونه حق و امنیت زندگی و دارایی برای اتباع غیرترک قایل نیستند .

هنوز در ماه آوریل ۱۹۰۹ ترکهای جوان کشتار جدید ارامنه را سازمان داده بودند . این بار کشتارها در شهر آدانای کیلیکیه و نواحی نزدیک آن بوقوع پیوست . کشتارگران ۳۰۰۰۰ نفر را سلاخی کردند .

لیکن کشتار آدانا ، اولین ثمره سیاست خونین شوونیستهای ترک بود . ترکهای جوان جنایات بسیار بزرگتری را در تدارک داشتند . دوران جدید ستم‌ها و استثمار وحشیانه آغاز گردید . در سال ۱۹۱۲ نشریه بلشویکی "پراودا"

۴ـ بدین منظور که آنها می‌خواستند کلیه نواحی ترک نشین من‌جمله امپراتوری عثمانی ، آذربایجان و ارمنستان و سرزمین‌های آسیای میانه را بههم ملحق ساخته خلقهای دیگر ساکن دراین محدوده را نیز تُرک نموده‌وامپراتوری بزرگ ترک ایجادنمایند ـ م .

بحق می‌نویسد که هدف ترکهای جوان یعنی ترک نمودن اسلاوها ، ارامنه ، کلیمی‌ها ، یونانیهاو غیره ، شکل دائمی‌تر و شدید و وحشیانه‌تری بخود گرفت تا دوران سلطان عبدالحمید . بدین ترتیب ، اوضاع ارامنه غرب در زمان سلطه ترکهای جوان وخیم‌تر گردید .

در ۱۹۱۲ اولین جنگ بالکان آغاز شد که در بین ترکیه از یک سو و بلغارستان ، صربستان ، چرنوگوریا و یونان از سوئی دیگر بوجود آمده بود . نیروهای متحده کشورهای هم‌پیمان ، امپراتوری عثمانی را شکست دادند . جنبش‌های ملی ـ رهایی بخش پیروزی جدیدی در قبال حکومت رزمی ـ فئودالی ترکیه بدست آوردند .

حکومتهای بزرگ اروپائی بلافاصله در جنگ بالکان دخالت کردند تا از اوضاع موجود کمال استفاده را بکنند . دولت روسیه با درنظر گرفتن منافع سیاست خارجی خود ، درقبال کشورهای اسلاو موضع پشتیبانی گرفت و حتی برای چند ملیت امپراتوری عثمانی خواستار خودمختاری ملی گردید . این وضع و نیز شکست ترکیه فرصتی بوجود آورد تا دگربار مسئله ارامنه مطرح گردد . با درنظر گرفتن خواستهای سازمانهای اجتماعی و سیاسی ارمنی ، کاتولیکوس ارامنه گِورگ پنجم به روسیه‌متوسل شده خواستار کمک و دخالت‌آن در حل مسئله اصلاحات ارمنستان غربی شد . درعین حال وی به شخصیت اجتماعی ارامنه مصر یعنی بوغوس نوبار پاشا اختیار تام داد تا تقاضاهای متشابهی از دول اروپای غربی بنماید .

از میان دول بزرگ تقاضاهای حل مسئله ارمنی عملا" در روسیه مورد قبول قرار گرفت . دولت تزار ـ که دراین سالها سعی در تحکیم مواضع خود در شرق نزدیک داشت ـ به حمایت از مسئله ارمنی پرداخت و در ماه ژوئن ۱۹۱۳ یک طرح اصلاحات را پذیرفت که براساس آن ولایات ارض روم ، وان ، باغش (بیتلیس) ، تیگراناگرد (دیاربکر) و خاربرد بایستی از حیث اداری به یکدیگر ملحق شده ، یک استان ارمنی تشکیل می‌دادند . این استان را باید یک فرماندار کل ارمنی اداره می‌کرد که می‌بایست از طرف سلطان و با توافق

دول اروپائی منصوب می‌گردید. طرح پیشنهادی برای ارمنستان غربی بطور کلی خودمختاری ملی پیش بینی نموده بود.

این طرح پیشنهادی به دولت روسیه شدیداً مورد مخالفت چه ترکیه و چه حامی آن، آلمان، قرار گرفت. آلمان امپریالیست، که ترکیه را به نیمه مستعمره خود تبدیل نموده بود و تصمیم داشت تمام شرق نزدیک را به‌تصرف خود درآورد، خودمختاری‌ارمنستان غربی را بعنوان سدی در راه‌عملی‌ساختن اهداف تجاوزکارانه خود می‌دانست. انگلیس و فرانسه سیاست مزورانه‌ای در پیش گرفتند و رسماً از طرح روسیه حمایت‌کردندولی درعمل با آن مخالف بودند.

صرف نظر از تمام اینها، روسیه سعی خود را در فشار بر ترکیه ادامه داد. مذاکرات جدیدی آغاز شد. در ۲۶ ژانویه ۱۹۱۴ (هشتم فوریه) بین روسیه و ترکیه موافقت نامه‌ای منعقد گردید و طرح جدیدی برای‌انجام اصلاحات در ارمنستان غربی مورد قبول واقع شد. موافقت‌نامه به جای خودمختاری‌ملی به‌انجام رفرمهایی قناعت می‌کرد. دولت ترکیه تعهد نمود تااصلاحات‌ارضی، اداری، قضایی و غیره را به حیطه اجرا درآورد. براساس طرح جدید، ارمنستان غربی بایست به دو بخش مجزای اداری یا سکتور (استان) تقسیم می‌شد، که یکی از آنها ولایات ارض‌روم، ترابوزان، سباستیا (سیواس) و دیگری ولایت‌های وان، بیتلیس، خاربرد و دیاربکر را دربرمی‌گرفت.

دول بزرگ با موافقت سلطان برای هر سکتور (استان) یک حاکم کل تعیین می‌کردند (سرپرست کل) که‌اینها بایستی برمقامات عالی و فعالیتهای موسسات قضایی و پلیس نظارت و سرپرستی‌می‌نمودند. براساس موافقت نامه ۲۶ ژانویه، روسیه بعنوان سرپرست و ناظر کل رفرمهای پیش بینی شده، تعیین شده بود.

لیکن، حتی این برنامه ناچیز اصلاحات نیز در تابستان ۱۹۱۴ وقتی‌که جنگ جهانی اول آغاز شد، عملی نگردید و دولت ترکیه هم آن را فسخ شده اعلام کرد. حتی‌از روزهای اول جنگ، ترکهای جوان آغاز به‌تدارکات‌آشکاری

در جهت سازمان‌دهی کشتارهای جمعی جدید ارامنه نمودند.

فصل بیستم

ارمنستان در سالهای جنگ جهانی اول

۱ـ عملیات جنگی جبهه قفقاز در سالهای ۱۹۱۶ـ۱۹۱۴

در اول اوت ۱۹۱۴ جنگ امپریالیستی اول جهانی آغاز گردید. دول بزرگ اروپائی با مبارزه در تقسیم مجدد مستعمرات و بازارهای جهانی و با درگیرشدن در تضادهای شدید، حتی مدتها قبل از جنگ در دو ائتلاف مخالف بلوک آلمان ـ اطریش که جنگ را اجتناب ناپذیر ساخت و اتفاق مثلث که انگلیس و فرانسه و روسیه را دربرمی‌گرفت، متحد شدند. جنگ آغاز شده در اروپا پس از چندی مبدل به جنگ جهانی شده ۳۰ کشور را دربر گرفت. عملیات جنگی در سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا گسترش یافت.

جنگ اول جهانی جنگ استعماری و امپریالیستی بود، تمام کشورهای اصلی درگیر نبرد قصد داشتند مستعمرات وقلمروهای بیشتری را به چنگ آورند. این نبرد درحقیقت، به منظور تقسیم مجدد جهان تقسیم شده‌ایجاد گردیده بود.

در ۲۹ اکتبر ۱۹۱۴ ترکیه به بلوک آلمان ـ اطریش پیوست و این کشور

هم اهداف اشغالگرانه داشته. قصد داشت آنها را به کمک آلمان عملی سازد. ترکهای جوان با عقاید پوچ پان‌اسلامیسم ایجاد امپراتوری بزرگ عثمانی را بعنوان هدفشان اعلام نمودند، امپراتوری‌ای که قفقاز، کریمه، باشقیرستان، تاتارستان، آسیای میانه، سیبریه و تبت را نیز بایستی در بر می‌گرفت. این برنامه ماهیت آشکار ضدروسی داشت، زیرا ترکهای جوان فقط روسیه را دشمن اصلی خود در راه عملی ساختن اهداف پان‌اسلامیسم می‌دیدند.

جبهه روسیه ــ ترکیه و یا آنچه که معمول است، جبهه قفقاز، ۷۲۰کیلومتر طول داشت و از دریای‌سیاه تا دریاچه ارومیه کشیده می‌شد. دراینجا، ارتش سوم ترکیه فعالیت می‌کرد که حدود ۳۰۰ هزار سرباز دراختیار داشت و حسن عزت پاشا فرمانده آن بود. طرح عملیاتی ارتش ترکیه در جبهه قفقاز که به رهبری انورپاشا وزیر جنگ تهیه شده‌و مورد پسند متخصصان نظامی آلمانی واقع گردیده بود، رخنه قشون به ماوراء قفقاز از طریق باتوم و آذربایجان ایران و سپس محاصره و نابودی روسه را پیش بینی می‌کرد. فکر می‌شد که در آستانه سال ۱۹۱۵ سراسر ماوراء قفقاز را تصرف نموده، ارتش روسیه را از رشته جبال تفقاز عقب برانند. فرماندهی ترکها امیدهایی نیز به کمک سکنه مسلمان ماوراء قفقاز می‌بست لیکن این امیدها جامه عمل نپوشید.

از طرف روسیه، ارتش قفقاز فعالیت می‌نمود که در اول ۱۹۱۴ تشکیل شده بود و فرماندهی این ارتش را نایب السلطنه قفقاز ژنرال وُرُنْتْسُف ــ داشکوف برعهده داشت. دستجات داوطلب ارمنی و گرجی نیز به جمع ارتش قفقاز پیوستند. شمار کل قشون روسیه به ۲۰۰ هزار نفر می‌رسید.

در جبهه قفقاز، عملیات جنگی در دوم نوامبر ۱۹۱۴ ــ وقتی که قشون ترکیه به مرز باتوم رخنه نمود ــ شروع شد. قشون روسیه تحت فشار نیروهای برتر دشمن مجبور به عقب نشینی گردید. دشمن شهرهای آردوین وآردانوش را اشغال کرد. حملات ادامه یافت، ارتش ترکیه سعی داشت موفقیتش راچند برابر سازد و به قارص برسد تا بتواند به قوای اصلی قفقاز در ناحیه

ساریغامیش ضربه وارد سازد .

قشون روسیه در قسمت مرکزی جبهه به حمله دست زد . آنها موفق به درتنگنا قرار دادن ارتش ترکها شده وارد ارمنستان غربی گردیدند و بطرف ارض روم ـ مهمترین پایگاه نیروهای دشمن در ارمنستان غربی ـ به حرکت درآمدند . لیکن بزودی قوای ترک با استفاده از برتری کمّی خود و با تهدید نیروهای روس به دور زدن آنها از طرف شمال به ضدحمله پرداخته قوای روسیه را مجبور به عقب نشینی ساخت . این موفقیتهای تاکتیکی در محافل ترکیه بعنوان آغاز شکست روسیه تلقی گردید وانور پاشا که جانشین حسن عزت‌پاشا فرمانده ارتش سوم ترکیه شده بود ، تصمیم گرفت به ساریغامیش حمله کند .

از ۲۲ دسامبر ۱۹۱۴ تا ۱۵ ژانویه ۱۹۱۵ ، در شرایط سخت زمستان ، جنگهای شدیدی در جبهه قفقاز بوقوع پیوست که به عملیات ساریغامیش مشهور است . درآغاز این عملیات اولین اقدام‌را ترکها انجام‌دادندکه‌ازحیث تعداد تقریباً دو برابر روسها بودند . فرماندهی ترکها با سعی در تصرف ساریغامیش به هرقیمتی ، نیروهای تازه نفس‌تری را به جبهه اعزام می‌داشت . در جنگهای سخت دفاعی ، قوای روسیه با خسته نمودن دشمن به ضد حمله دست زدند . تقریباً در تمام جبهه عقب نشینی قوای ترکیه آغاز گردید که در بعضی جاها صورت فرار نامنظم به خود گرفت . در جریان عملیات ساریغامیش ، ترکها تلفات جانی بسیار بزرگی متحمل شدند ، آنها ۷۸ هزار کشته و اسیر دادند . این عملیات اثر قاطعانه‌ای برکلیه عملیات آتی جنگی در جبهه قفقاز نهاد وضعیت پیش دستی نظامی به قوای روسیه‌منتقل گردید.

فرماندهی روسها با کسب پیروزی در نبرد ساریغامیش تصمیم گرفت قسمتی از نیروهایش را به ایران وارد ساخته از طریق آذربایجان ایران خطر حمله ترکها را به ماوراء قفقاز از میان بردارد . در بهار ۱۹۱۵ قشون عثمانی در اینجا متلاشی گردیده و به آنسوی مرز ترکیه باایران عقب رانده شد بدین ترتیب ، بالاخره خطر رخنه نیروهای ترکیه به ماوراء قفقاز ازبین رفت . پس از آن عملیات نظامی به ارمنستان غربی کشیده شد .

در طول بهار ۱۹۱۵ ، ارتش روسیه با شکستن مقاومت قشون ترک ، شهرهای مانازگرد ، شاتاخ ، آرچش ، باشکالا ، بیتلیس و وان را بتصرف خود درآورد . در آغاز ژوئیه سال ۱۹۱۵ ترکها موفق به تصاحب مجدد شهرهای وان و آرچش گردیده قشون روسیه را مجبور به عقب نشینی بطرف آلاشگرد ساختند . این عقب نشینی عواقب وخیمی برای ارامنهٔ محل داشت زیرا بخش عظیمی از آنها بدست ترکها کشته شدند . لیکن در اواخر ژوئیه قشون روسیه قلمروهای ازدست رفته را مجدداً تصرف نموده تمام جنوب شرقی ارمنستان غربی را از وجود قوای ترک پاکسازی نمود .

آغاز سال ۱۹۱۶ توام با پیروزی بزرگ روسیه در حوالی ارض روم بود . قوای روسیه با دست زدن به حمله در سراسر جبهه ، در اواخر سال ۱۹۱۵ به گذرگاههای ارض روم نزدیک شدند و پس از جنگهای شدید در ۱۶ فوریه ۱۹۱۶ شهر و قلعه را به تصرف خود درآوردند . عملیات ارض روم دومین نبرد بزرگ جبهه قفقاز بود که در طول آن قشون ترکیه ۶۰ هزار کشته و ۱۳ هزار اسیر و مقادیر معتنابهی وسایل نظامی ، آذوقه جنگی و توشه بجای گذاشت . تلفات قشون روسیه بالغ بر ۲۰ هزار کشته و زخمی می شد . تصرف ارض روم اهمیت بسیار زیاد نظامی ـ استراتژیکی به همراه داشت . ترکیه در حقیقت از ارمنستان غربی محروم شد و بخشهای مرکزی آناتولی مورد تهدید واقع شد . در تابستان ۱۹۱۶ کوششهای ترکها برای حمله و تغییر جریان عملیات در قفقاز بی ثمر ماند . پس از آن مسئله اساسی برای ترکها ، محافظت از مناطق آناتولی مرکزی بود .

در جمع ارتش روسیه ، دستجات داوطلب ارمنی برعلیه قوای ترکیه می جنگیدند که در آنها حدود ۱۰۰۰۰ نفر شرکت داشتند . اعضای این دستجات داوطلب با احساسات عمیق میهن دوستی ، سلاح برداشته بودند تا ارمنستان غربی را از زیر یوغ ترکیه برهانند و برادران ارمنی خود را درغرب از خطر کشتارهای جمعی نجات دهند . داوطلبین ارمنی با شجاعت وفداکاری می جنگیدند . از نظر شجاعت خود بار دیگر فرمانده یکی ازدستجات داوطلب،

قهرمان و میهن دوست بزرگ، آندرانیک به چشم می‌خورد. لیکن این دستجات داوطلب در آغاز ۱۹۱۶ منحل شدند، زیرا در شرایط اوج گیری روز بروز انقلاب، دولت تزار به قوای ملی اطمینان نداشت. به غیراز داوطلبان، بیش از ۲۰۰ ۰۰۰ سرباز ارمنی در ارتش روسیه خدمت می‌کردند. در ارتش درحال جنگ با ترکها در جبهه فلسطین دسته نظامی ارمنی متشکل از ۴۰۰۰ نفر فعالیت می‌نمود که لژیون شرقی نامیده می‌شد. بطور کلی در جنگ اول جهانی در جمع ارتش‌های روسیه، فرانسه و انگلستان حدود ۲۵۰ ۰۰۰ سرباز ارمنی شرکت داشتند.

از همان آغاز جنگ بورژوائی،ارامنه غرب به حمایت از روسیه تزاری و سیاست آن برخاستند. این بورژوازی عمیقا" با مراکز تولیدی روسیه عجین بود و می‌کوشید مسئله ارامنه را توسط روسیه حل نماید. ارگان لیبرال بورژوازی ارامنه، " مشاک " می‌نویسد: " مسئله ارمنی، حل مسئله ارمنستان ترکیه، توسط انگلیس، فرانسه و روسیه امکان پذیر است ". براین اساس، "مشاک " از تمام خلق ارمنی خواستار کمک همه جانبه به روسیه می‌شد.

کادِتها[1]، احزاب داشناکسوتیون و هونچاک که رهایی ارمنستان غربی را منوط به پیروزی دولت روسیه و دول هم پیمان آن، انگلستان و فرانسه می‌دانستند، در جنگ موضع حمایت و معاضدت در قبال روسیه در پیش گرفتند. لیکن اینها امیدهای پوچی بودند. هیچیک از دول بزرگ تصمیم نداشت به ارمنستان غربی آزادی و خود مختاری بدهد.

چنانکه دیدیم دولت تزار که در سال ۱۹۱۶ بخش بزرگی از ارمنستان غربی را بتصرف خود درآورده بود، هیچ اقدامی درجهت عملی ساختن خودمختاری این کشور انجام نداد. ارمنستان غربی که در طول سالهای‌جنگ بتصرف روسیه درآمده بود، از طرف آنها بعنوان یک قلمرو که بایستی بسادگی

۱ــ کادِت‌ها: اعضاء حزب مشروطه خواهان دمکرات وابسته به بورژازی امپریالیستی روسیهٔ قبل از انقلاب ــ م.

جزوی از امپراتوری روسیه درمی‌آمد ، تلقی می‌گردید . درواقع قشون تزار در اینجا رژیم اشغالی و بخشهای اداری ــ رزمی تابع فرماندهی نظامی بوجود آورد . در سال ۱۹۱۶ " قانون موقت اداره سرزمینهای متصرفی ترکیه براساس حقوق جنگ " برقرار گردید که برطبق آن قلمرو تصرف شده بصورت استان نظامی موقت زیرنظر فرماندهی کل ارتش قفقاز اعلام گردید .

تنها حزبی که ماهیت امپریالیستی جنگ را خوب درک کرد و سیاست اشغالی حکومت‌های شرکت کننده درجنگ را آشکار نمود ، حزب بلشویک بود . این حزب تبدیل جنگ امپریالیستی به مبارزه طبقاتی داخلی را شعار خود نمود .

کمونیست‌های ارمنی به رهبری اصول سیاسی حزب بلشویک در زمینه جنگ ، پرده‌از روی بورژوازی ارمنی ، احزاب بورژوا ــ ملی کادت‌های ارمنی و داشناکسوتیون که بدون قید و شرط تسلیم رای تزاریسم ، انگلستان و فرانسه شده بودند برمی‌داشتند .

۲ــ کشتارهای جمعی ارامنه غرب در سالهای ۱۹۱۶ــ۱۹۱۵

همانطور که گفته شد ترکهای جوان شوونیسیت ، اهداف اشغالگری درسر می‌پروراندند و می‌خواستند امپراتوری بزرگ و یک پارچه تاسیس نمایند . لیکن ارامنه غرب در تحت سلطه عثمانی مانند برخی از خلقهای هم سرنوشت ــ که زیر ستم و فشار قرار داشتند ــ می‌کوشیدند تا از سلطه ظالمانه ترکها رهایی یابند . ترکهای جوان به منظور جلوگیری از این کوششهای ارامنه و بطور کلی برای پایان دادن به مسئله آنها . طرح نابودی فیزیکی ارامنه غرب را ریختند . اداره کنندگان ترکیه تصمیم گرفتند از شرایط مناسب جنگ‌جهانی سود برده و برنامه وحشتناکشان ، سیاست نژادکشی خود را در طول جنگ جامه عمل بپوشانند .

دولت ترکیه کشتارهای ارامنه را از اواخر سال ۱۹۱۴ آغاز نمود ، در

دوران اولیه ، کشتارها بصورت سری و مخفی انجام می‌شد . حکومت به‌بهانه جمع‌آوری سرباز و کارگر برای راهسازی ، مردان ۵۲ـ۱۶ ساله ارمنی را بـه ارتش فراخواند و سپس با خلع سلاح ، آنها را گروه گروه و بطور مجزا از بین برد . دراین اولین دوره کشتارها ، آنها درعین حال صدها قصبه ارمنی‌نشین نوار مرزی روسیه‌و ترکیه را ویران و غارت کردند .

ترکهای جوان پس از کشتن مزورانه‌بخش عظیمی از ساکنین ارمنی مستعد برای مقاومت و جنگ ، از بهار ۱۹۱۵ به کشتار آشکار و عمومی ساکنین صلح دوست و بی‌یار و یاور پرداختند و سعی کردند برنامه‌هایشان را تحت عنوان تغییر مکان و مهاجرت اجباری عملی سازند . در بهار ۱۹۱۵ فرمان تغییرمکان ارامنه غرب به بیابان‌های بین‌النهرین و سوریه صادر شد . ولی عملا" مهاجرتی درکار نبود ، بلکه کشتارهای عمومی و جمعی صورت می‌گرفت . این فرمان دستگاه حاکمه ترکیه ، آغازی برای کشتارهای عمومی گردید . نابودی بی‌سابقه زنان ، کودکان و پیرها شروع شد . بخشی از سکنه درهمان‌جا ، در دهات و شهرهای آبا و اجدادی خود ازبین رفت ، بخش دیگر در جریان مهاجرت اجباری در بین راه نابود گشت . بخش سوم نیز در بیابانهای بین‌النهرین و سوریه از میان رفت .

کشتارهای ارامنه غرب در نهایت ظلم انجام می‌گرفت . دولت ترکیه به ارگانهای محلی خود دستور می‌داد تا قاطعانه عمل نموده حتی‌به بچه‌های شیرخوار نیز رحم نکنند . مثلا" وزیر داخله ترکیه ، طلعت پاشا ، در سپتامبر ۱۹۱۵ به والی حلب تلگراف می‌کند که بایستی تمام ارامنه ازبین بروندوحتی به کودکان در گهواره نباید رحم شود . کشتارگران به وحشیانه‌ترین شیوه‌ها متوسل می‌شدند . آنها با از دست دادن خوی بشری ، بچه‌ها را یا در رودها می‌انداختند و یا در خاک دفن می‌کردند ، زنان آبستن را با قمه تکه تکه می‌نمودند ، دخترها را یا حراج می‌کردند و یا می‌کشتند . ساکنین بی‌سلاح را در ساختمانهای دربسته روی خرمن‌ها به آتش می‌کشیدند و تحت فجیع ترین شکنجه‌ها قرار می‌دادند . شاهدین عینی با نهایت وحشت‌وحیرت‌کشتارهای

ارامنه را تشریح می‌نمایند.



سکنه ارمنی را بدینگونه به‌دیار تبعید فرستاده و نابود می‌ساختند (۱۹۱۵)

توام با قشرهای وسیع مردم، متفکرین ارمنی غرب نیز دچار سرنوشت مشابهی شدند. در ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ چهره‌های درخشان و متفکرین ارمنی‌غرب در استامبول دستگیر و سپس به نحو وحشیانه‌ای کشته شدند، من جمله، نویسندگان، شعرا و منقدین نامداری چون گریگور زُهراب [۲]، دانیل واروژان، سیامانتو، روبن سواک، روبن زارداریان و بسیاری دیگر از نمایندگان علم و فرهنگ. موسیقیدان کبیر ارمنی، کومتیاس، که به لطف حوادث اتفاقی کشته نشد ــ تحت تاثیر وحشیگیری‌ها و وحشت، مشاعرش را ازدست داد [۳].

جامعه بشر دوست و پیشرو بین‌المللی معاصر برعلیه کشتارها ظاهر گردید. ماکسیم گورکی، والری بروسف و یوزی وِسلُوسکی در روسیه، آناتول

۲ــ وی نویسنده‌ای نامدار و نماینده ارامنه در مجلس ترکیه بود ــ م.

۳ــ در مورد زندگی، آثار و فعالیتهای کومتیاس که می‌تواند الگویی در جهت بهترشناختن موسیقی ملی خلقها باشد کتابی توسط مترجم کتاب حاضر برگردانده شده است که امیدواریم بزودی انتشار یابد ــ م.

فرانس و رومن رولان در فرانسه، فریدیف نانسن در نروژ، کارل لیبکنخت و یوزف مارکوارت در آلمان، جیمز برایس در انگلیس و غیره برعلیه نژادکشی خلق ارمنی به اعتراض پرداختند. لیکن هیچ چیز برروی کشتارگران ترک اثر نگذاشت، آنها کار ددمنشانه خود را ادامه دادند.



شهر وان پس از کشتارها

کشتارهای ارمنی که از اواخر سال ۱۹۱۴ آغازشده‌بود مخصوصا" در سال ۱۹۱۵ وسعت یافته و در طول سال ۱۹۱۶ ادامه یافت. کشتارهایی در کلیه مناطق ارمنستان غربی در کلیه شهرها و دهات صورت گرفت. کشتارهایی نیز در نواحی ارمنی نشین ترکیه اصلی عملی شد. شمار قربانیان نژادکشی سالهای ۱۹۱۶–۱۹۱۵ حدود یک و نیم میلیون نفر میباشد. در همان سالها صدها هزار نفر ارمنی بزور تُرک شدند.

سازماندهندگان اصلی نژادکشی ارامنه غرب، وزیر جنگ دولت ترکیه، انورپاشا، وزیر امور داخله طلعه پاشا، فرمانده ارتش جمال پاشا و سایرین بودند. بخشی از آنان در آینده بدست ارامنه ترور شدند. درسال ۱۹۲۲

طلعت پاشا در برلین و جمال در تفلیس بقتل رسیدند[۴].


کومتیاس

امپراتوری آلمان دولت ترکیه را در هنگام کشتارها به هر نحوی حمایت می‌کرد و همین کشور هم پیمان ترکیه بود و قصد داشت تمام شرق نزدیک را به اشغال خود درآورد. تلاشها و آرزوهای ارامنه غرب برای آزادی، سدراه برنامه‌های اشغالگران آلمان بود. به‌غیر از آن امپریالیستهای آلمانی امید داشتند که توسط مهاجرت اجباری ارامنه از کارگران ارزان جهت ساختمان راه آهن برلین ـ بغداد برخوردار شوند. آنها به نحوی از انحاء دولت ترکیه را به سازماندهی کشتارها و مهاجرتهای قهرآمیز تشویق می‌نمودند. بعلاوه، افسرهای آلمانی در ترکیه و سایر افراد و مقامات در سازماندهی کشتارها و تبعید اجباری ارامنه شرکت داشتند.

حکومتهای آنتانت[۵] ـ که خلق ارمنی را هم پیمان خود می‌دانستند ـ در حقیقت هیچ اقدام عملی درجهت رهایی قربانیان بی‌پناه از ترکهای وحشی

۴ـ انورپاشا نیز در سال ۱۹۲۲ در ترکستان کشته شد. به عقیده آقای اسماعیل رائین، آقابگف (ارمنی) عامل کشته شدن او بوده درصورتی که آقا ـ بگف قاتل او را شخص دیگری که ارمنی بوده می‌داند. درهرصورت این خون آشام به سزای اعمال خود رسید و به جهنم واصل شد. طلعت پاشا نیز در ۲۱ مارس ۱۹۲۱ بدست سوقومون تهلیریان به درک واصل گردید. جمال پاشا هم در تفلیس توسط پطروس ترتوغوسیان و آرتاشس گورکیان به قتل رسید ـ م.

۵ـ اتفاق مثلث روسیه، انگلیس و فرانسه برعلیه اتحاد مثلث آلمان، اطریش ـ مجارستان و ایتالیا که در سال ۱۹۰۷ تشکیل شد ـ م.

برنداشتند. آنها به این حد اکتفا کردند که در ۲۴ مه ۱۹۱۵ اعلامیه‌ای منتشر ساختند که در آن مسئولیت کشتارهای ارامنه را متوجه اعضاء دولت ترکهای جوان نمودند. باید توجه کرد که ایالات متحده آمریکا ــ که در این سالها هنوز در جنگ شرکت نکرده بود ــ حتی چنین اعلامیه‌ای نیز انتشار نداد. بعلاوه حکومت آن درجهت عکس سعی می‌کرد تا این طرز فکر را ایجاد کند که اخبار کشتارهای ارامنه اغراق آمیز است. هنگامی که دژخیمان خون‌آشام ترک بی‌مضایقه ارامنه را هلاک می‌کردند، محافل حکومتی آمریکا روابط تجاری، اقتصادی و سیاسی خود را با دولت آنها تحکیم می‌بخشید.

وقتی که کشتارهای عمومی آغاز شد، بخشی از ارامنه غرب به دفاع از خود پرداخت و سعی نمود تا آنجائی‌که امکان داشت زندگی و حیثیت خود را حفظ نماید. سکنه وان، زیتون، شابین ـ گاراهیسار، ساسون، اورفا، موسی‌داغ و برخی دیگر از نواحی سلاح برداشتند.

دفاع ساکنین وان از خود با موفقیت همراه بود. درآغاز آوریل ۱۹۱۵ والی وان، جودت بیگ، با اجرای فرمان دولت، تدارک کشتار ارامنه را دید. اهالی وان با علم به این موضوع، به تدابیر احتیاطی دست زدند. در روز هفتم آوریل قشون ترک به شهر حمله کرد ولی دسته‌جات مسلح اهالی حمله را عقب راندند. از این روز جنگهای دفاعی وان آغاز شد. شهر در حلقه محاصره قرار گرفت. محاصره شدگان تصمیم به جنگ تا آخرین قطره خون گرفتند. تمام مردها و زنها و بچه‌ها به جبهه دفاعی ملحق شده بودند. فقط یک فکر در اذهان همگان وجود داشت و آن ترجیح مردن به تسلیم به کشتارگرها بود. ساکنین مسلح ارمنی وان با روحیه و شجاعت عظیم می‌جنگیدند. به این علت است که تمام حملات دشمن بی‌ثمر می‌ماند، صرف نظر از اینکه قشون ترک چه از نظر تعداد و چه وسایل جنگی برتری داشتند. شهر وان قهرمانانه دفاع می‌نمود. جنگهای دفاعی به ششم ماه مه ـ وقتی که ارتش روسیه وارد وان شد وجودت پاشا پا به فرار گذاشت ـ ادامه یافت.

ترتیب به لطف جنگ دلیرانه دفاعی یکماهه، ساکنین شهر وان از کشتارها رهایی یافت.

جنگهای دفاعی ارامنه شاتاخ و سودیا (انطاکیه) نیز با موفقیت به‌پایان رسید. دراین زمینه، نویسنده اطریشی، فرانس ورفل کتابی نوشته است. این رمان ــ که تحت عنوان "چهل روز کوه‌موسی[۶]" قرار دارد ــ به‌زبانهای متعدد انتشار یافته است. لیکن جنگهای تدافعی قهرمانانه سکنه زیتون، شابین ــ گاراهیسار و چند منطقه دیگر عاقبتی ناموفق داشت.



آندرانیک اوزانیان

در زمان کشتارهای ارامنه در ۱۹۱۶ــ۱۹۱۵، دولت ترکیه ۰۰۰ ۶۰۰ نفر از سکنه ارمنی را قهراً به بین‌النهرین و سوریه تبعید کرد. بخشی از این ارامنه تبعیدی توسط کشتارگران ترک در جریان همان سال ۱۹۱۶ نابودگردید و در سالهای ۱۹۱۸ــ۱۹۱۷ قربانی قحطی شد. بقیه آنها در سوریه، لبنان، مصر اقامت گزیدند و یا به کشورهای اروپائی و آمریکائی رفتند. برای ارامنه تبعیدی شرایط وخیم اقتصادی و حقوقی بوجود آمد.

در سالهای جنگ جهانی اول، بخشی از ارامنه غرب با کمک ارتش روسیه موفق به نجات از دست کشتارها شده به قفقاز و بویژه ارمنستان شرقی مهاجرت نمود. در ماه دسامبر ۱۹۱۴ و تابستان ۱۹۱۵ مهاجرت نسبتاً بزرگی

6- Musa Leran Karasun Orere'

بوقوع پیوست . در طول سالهای ۱۹۱۶-۱۹۱۴ حدود ۳۵۰ ۰۰۰ نفر به قفقاز مهاجرت نمود . مهاجرین در ارمنستان شرقی و نیز گرجستان ، آذربایجان ، شمال قفقاز و سایر مناطق اسکان گزیدند . آنها با کسب هیچگونه کمکی ، در محرومیت شدید افتادند .



بنای یادبود قتل عام سال ۱۹۱۵ در ایروان (زیزرناکابرد – م ۰)

در سال ۱۹۶۵ ، وقتی که پنجاهمین سالگرد نژادکشی ارامنه غرب فرا رسید ، در همه جا ، چه در ارمنستان و چه در دیاسپوره ، با مراسم شایسته‌ای از اسفناکترین و پرتراژدی‌ترین صفحه تاریخ خلق ارمنی یاد گردید . بنابه تصمیم دولت ارمنستان شوروی بنای یادبود باشکوهی به مناسبت قربانیان کشتار بزرگ ارامنه ، در ایروان ساخته شد[۷] .

۷- این بنای یاد بود بنام Dzidzernakaberd معروف است- برای اطلاع بیشتر خوانندگان از جریان قتل عام ارامنه کتاب " قتل عام ارمنیان " نوشته آقای اسماعیل رائین را توصیه می‌نمائیم - م .

۳ـ ارمنستان در دوران انقلاب فوریه

جنگ جهانی عواقب وخیمی برای سراسر روسیه و ارمنستان‌شرقی به بار آورد. بسیاری از رشته‌های تولیدی متوقف شد ، کشاورزی شدیداً از هم پاشید و بحران مواد غذایی بوجود آمد.

اوضاع وخیم اقتصادی توده‌های زحمتکش و جنگ ویرانگر در سراسر روسیه نارضایتی عمیقی ایجاد نمود. صرف نظر از قوانین ظالمانه‌دوران‌جنگ، جنبش اعتصابات در سراسر کشور آغاز گردید ، که بویژه در پتربورگ و سایر مراکز تولیدی روسیه توسعه فراوان یافت. ازهم‌پاشیدگی اقتصادی و تمایل به ختم جنگ ، توده‌ها را بطور طبیعی بسوی انقلاب رهنمون می‌شد.

در آغاز سال ۱۹۱۷ بحران انقلابی به نقطه اوج خود رسید. کوششهای تزاریسم برای جلوگیری از انفجار انقلاب بی‌ثمر ماند. در فوریه۱۹۱۷ انقلاب بورژوا ـ دمکراتیک در روسیه بوقوع پیوست و تزاریسم منقرض گردید.

در ارمنستان به مانند سراسر کشور ، از پیروزی انقلاب فوریه استقبال فراوان شد. در ایروان ، قارص ، آلکساندراپول ، اجمیادزین ، قره‌کلیسا وسایر شهرها و مناطق ، در پادگانها و سپاه ، میتینگ‌ها و تظاهرات پرجمعیتی صورت گرفت و شرکت کنندگان آن برچیده شدن استبداد تزاری را تبریک گفتند. زحمتکشان امیدوار بودند تا مسائل مردم در رابطه با صلح ، زمین و مسئله ملی حل شود. لیکن جریان بعدی‌نشان داد که این امیدها بی‌نتیجه بود دولت موقت بورژوائی تشکیل شده پس از انقلاب ـ که در راس آن شاهزاده گ.ی. لووف و بعداً آ.ف. کرنسکی قرار داشت ـ اوضاع کارگران و روستائیان را بهبود نبخشید.

به تصمیم دولت موقت‌نیابت‌السلطنه قفقاز لغو شد و بجای آن کمیته ویژه ماوراء قفقاز برای اداره آن سامان بوجود آمد که در جمع آن ۵ عضو دومای حکومتی به ریاست کادت خارلاموف ، قرار داشتند. این کمیته اساساً

قوانین تزاری قدیم را بکار می‌برد .

دولت موقت سیاست استعماری تزاری را ادامه داد ه حق تعیین سرنوشت و استقلال خلقها را نمی‌پذیرفت نه به ارمنستان شرقی و نه غربی (بخش عظیمی از منطقه اخیر توسط نیروهای روسیه در این هنگام تصرف شده بود) خودمختاری یا استقلال داده نشد . حتی مسئله بازگشت ارامنه بی‌خانمان عرب نیز مطرح نگردید . دولت بورژوائی موقت چنین سیاستی را هم در قبال سایر خلقها اجرا می‌کرد .

پس از انقلاب فوریه چه در سراسر روسیه و چه در ماوراء قفقاز پروسه اتحاد نیروهای انقلابی و ضد انقلابی آغاز گردید . اگر احزاب بورژوا و خرده بورژوا پس از انقراض تزاریسم ، انقلاب را خاتمه یافته قلمداد می‌کردند و با دولت موقت همکاری نمودند ، حزب بلشویک ــ که آنرا و .ای . لنین رهبری می‌کرد ــ مسئله ادامه انقلاب و تبدیل آن به نوع سوسیالیستی را مطرح نمود . فقط انقلاب سوسیالیستی می‌توانست زحمتکشان را از ستم ملی و اجتماعی رهائی بخشد .

محافل بورژوازی ارمنی به حمایت از دولت موقت روسیه پرداخت . در آوریل ۱۹۱۷ حزب جدید بورژوازی ارمنی با خط مشی کادت‌ها بوجود آمد که خود را " حزب مردم ارمنی " نامید . در زندگی اجتماعی ــ سیاسی ارمنی شوراهای به اصطلاح ملی ارمنی به نقش‌آفرینی پرداختند اینها در زمانهای متفاوت در تفلیس ، باکو و ایروان تشکیل شده بودند . عمده ترین آنها شورای ملی ارمنی در تفلیس بود که به نام تمامی ارامنه ظاهر گردید . حزب داشناکسوتیون نقش حاکم در این و سایر شوراهای ملی بدست آورد .

از بهار ۱۹۱۷ سازمان‌های بلشویکی در تمام کشور ، من‌جمله ماوراء قفقاز و ارمنستان عملیات گسترده‌ای انجام دادند . آنها با افشاء ماهیت ضدخلقی احزاب ملی‌گراودولت موقت بورژوائی مبارزه طبقه کارگر و زحمتکش را در جهت انقلاب سوسیالیستی رهبری نمودند .

بخش چهارم

ارمنستان بعنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی

فصل بیست و یکم

انقلاب اکتبر و برقراری حکومت شوروی در ارمنستان

۱ــ پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر: اوضاع ماوراء قفقاز

در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ کارگران و سربازان شورشی پتروگراد به رهبری حزب بلشویک دولت موقت بورژوائی را منقرض نمودند. انقلاب سوسیالیستی در پایتخت پیروز شد. در عصر همان روز دومین کنگره شوراهای سراسر روسیه در پتروگراد گشایش یافت که بنام زحمتکشان، حکومت را در دست گرفت. روز بعد کنگره فرمان صلح، فرمان مربوط به مسایل ارضی را صادر نمود، شورای کمیسرهای خلق ــ اولین دولت شوراها ــ به رهبری و.ای. لنین تشکیل گردید.

فرمان مربوط به صلح "به تمام خلقهای در حال جنگ و دول آنها مذاکرات بی‌درنگ در جهت برقراری صلح دمکراتیک و عادلانه" پیشنهاد می‌کرد. درعین حال تاکید می‌شد که صلح بایستی "بدون آنکساسیون (یعنی بدون الحاق قهرآمیز اراضی دیگران به کشوری) و بدون غرامت جنگی" باشد. فرمان مربوط به‌اراضی، آنها را تحت مالکیت عموم جامعه درآورد، یعنی آنها

را ملی نموده و مالکیت خصوصی ارضی بصورت زمینداری را ملغی اعلام کرد. تمام اراضی متعلق به زمینداران، خانواده تزار، کلیسا و بانکها تحت سرپرستی کمیته‌های ارضی و شوراهای محلی نمایندگان روستائیان قرار گرفتند، اما پس از آن براساس بهره‌برداری بطور متساوی از آنها، دائمی به روستائیان سپرده می‌شدند.

در زمینه سیاست ملی، اولین اقدام حکومت شوروی "اعلامیه حقوق خلقهای روسیه" مصوب دوم نوامبر بود که برابری و استقلال کلیه خلقهای روسیه، حق تعیین آزادانه سرنوشت تا جدایی آنها و تشکیل حکومتهای مستقل، لغو هرگونه محدودیت در مورد حقوق و امتیازات ملی و مذهبی را اعلام کرد

در ۲۹ دسامبر ۱۹۱۷ شورای کمیسرهای خلق[1] روسیه شوروی اعلامیه‌ای را تحت عنوان "درباره ارمنستان ترکیه" تصویب نمود که به امضاء و. ای. لنین رسیده بود. دولت روسیه شوروی حق کامل تعیین سرنوشت ارمنستان غربی را اعلام کرد. این مصوبه بازگشت بدون قید و شرط کلیه ارامنه تبعیدی و تمام ارامنه پراکنده شده در جهان را به سرزمین آبا و اجدادی، خروج کامل نیروهای خارجی از این منطقه، برقراری دولت خلق ارمنستان غربی براساس اصول دمکراتیک منتخب از شورای نمایندگان خلق ارمنی را پیش بینی می‌کرد.

عملی شدن مصوبه "درباره ارمنستان ترکیه" لنین، می‌توانست نقطه عطفی در تشکیل حکومت جدید ارامنه باشد. لیکن اوضاع بین‌المللی موجود در آغاز سال ۱۹۱۸، بخصوص تجاوزات ترکیه به ماوراء قفقاز، عملی شدن موارد پیش بینی شده در اعلامیه را امکان ناپذیر ساخت.

مصوبه "درباره ارمنستان ترکیه" و نیز شناسایی [illegible] فنلاند نشان داد که حکومت شوروی نه تنها برابری حقوق کلیه ملل را رسما اعلام می‌کرد بلکه عملاً به اصول سیاست ملی انقلابی خود نیز وفادار بود.

انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر، که نقطه عطفی در تاریخ بشری بوجود

---

[1] اسم رسمی هیئت دولت بود.

آورد ، تاثیر سرنوشت سازی برآینده خلق ارمنی نهاد .

پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی ، مبارزه برای برقراری حکومت شوروی در سراسر کشور گسترش یافت . اگر در روسیه مرکزی ، برتری چشمگیر نیروها بسود انقلابیون بود ، ولی در مناطق نزدیک مرز ، قفقاز ، آسیای میانه ، اورال و سیبر نفوذ نیروهای ارتجاعی قابل توجه بود .

کارگران ، روستائیان زحمتکش و سربازان انقلابی ماوراء قفقاز با خوشحالی و سرور پیروزی انقلاب سوسیالیستی را جشن گرفتند . در باکو ، تفلیس ، ایروان ، قارص ، آلکساندراپول و سایر شهرها و دهات میتینگ‌هایی صورت گرفتند . توده‌ها در همه جا پیروزی کارگران و سربازان پتروگراد را لبیک گفتند . لیکن طبقات غنی برعلیه انقلاب ظاهر گردیدند .

احزاب ملی‌گرا ماوراءقفقاز بطورخصمانه‌ای باانقلاب‌اکتبر روبرو شدند و از هرکوششی درجهت جلوگیری از پیروزی حکومت شوروی در منطقه مضایقه نکردند . فقط در باکو ــ که بیش از یک سوم پرولتاریای ماوراء قفقاز در آنجا متمرکز شده‌بود ــ بلشویک‌ها موفق به‌رهبری جنبش گسترش یافته برای تشکیل حکومت شوروی شدند . در ۳۱ اکتبر ۱۹۱۷ شورای باکو تصمیم گرفت حکومت را در دست گیرد . در دوم نوامبر کمیته جدید اجرایی شورای باکو به رهبری استپان شاهومیان انتخاب گردید . در باکو حکومت شوروی اعلام شد . ولی بخش بزرگی از شوراهای ماوراء قفقاز ، منجمله تفلیس ، ایروان و شوراهای محلی ، شورای محلی ارتش قفقاز ، در دست احزاب ضدانقلابی اِسِرها[۲] ، منشویکهای گرجی[۳] ، داشناکهای[۴] ارمنی و مساواتیهای[۵] آذربایجان قرار

۲ــ عضو حزب سوسیالیستهای انقلابی که در سال ۱۹۰۲ توسط گروههای نارودنیک (وابسته به جنبش طبقاتی ــ سیاسی متفکرین خرده بورژوا که نقش حاکم کارگران را رد می‌کرد) در روسیه بوجود آمده برعلیه حکومت شوروی فعالیت می‌کرد و ضد مارکسیست بود ــ م .

۳ــ وابسته به بخش گرجی جریان اپورتونیستی خرده بورژوائی برعلیه

(ادامه پاورقی در صفحه‌بعد)

داشتند و از ابتدا موضعی برعلیه انقلاب اکتبر در پیش گرفته بودند. بطور کلی نیروهای ضدخلقی ماوراء قفقاز متشکلتر بودند. هنوز در نوامبر ۱۹۱۷ ارگان حکومتی ــ دولتی خود، کمیسریای ماوراء قفقاز، اما پس از آن درفوریه ۱۹۱۸ سِیم ماوراء قفقاز را در تفلیس تشکیل دادند. ضد انقلاب در ماوراء قفقاز در ابتدا از حمایت آلمان و ترکیه و سپس حکومتهای آنتانت برخوردار بود، که اینها سعی در متحد ساختن کلیه نیروهای ارتجاعی برعلیه حکومت شوروی داشتند.

مادامیکه نیروهای ضدانقلاب ماوراء قفقاز می‌کوشیدند منطقه را از روسیه شوروی جدا کرده و جنبش انقلابی زحمتکشان را سرکوب نمایند، قشون ترک بازیرپا گذاشتن آتش بس خود با ارتش روسی قفقاز، در ژانویه ۱۹۱۸ به ماوراء قفقاز حمله کردند. آنها با عدم مواجهه با مقاومت جدی (زیرا دراین هنگام جبهه قفقاز عملاً از هم پاشیده بود)، یک رشته مناطق را به تصرف خود درآوردند و خطر بزرگی برای خلقهای ماوراء قفقاز بویژه ارامنه ایجاد کردند. سِیم ماوراء قفقاز در ماه مارس مذاکراتی با ترکیه در ترابوزان انجام داد ولی اینها بی‌ثمر ماندند. ترکها ــ که فقط قشون قلیل ملی ارمنی‌وگرجی را مقابل روی خود داشتند ــ به پیشروی خود ادامه دادند. در ۱۳ مارس آنها ارض روم و در طول ماه آوریل، ساریغامیش، باتوم و قارص را بتصرف درآوردند. حملات ترکها با کشتارهای ساکنین ارمنی توام بود. در ۱۲ آوریل، دولت روسیه شوروی نامه اعتراض آمیزی در مورد وحشیگری‌ها تسلیم آلمان نمود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)
بلشویزم در درون حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه که پس از انقراض رژیم تزار تا تشکیل حکومت شوروی در گرجستان زمام امور را در دست داشت ــ م.

۴ــ عضو حزب بورژوا ــ ناسیونالیستی و ضدانقلابی ارمنی که در سال ۱۸۹۰ توسط استپان زوریان، کریستاپور میکایلیان و سیمون زاواریان بنیان نهاده شد و در سالهای ۲۰ــ۱۹۱۸ حکومت ارمنستان را در دست داشت ــ م.

۵ــ وابسته‌به‌حزب ضدانقلابی بورژوا ــ زمینداری آذربایجان که پس از انقراض حکومت تزاری تا روی کار آمدن دولت شوروی درآنجاحکومت‌می‌کرد ــ م.

در ۲۲ آوریل ۱۹۱۸، سیم تحت فشار ترکیه، ماوراء قفقاز را جمهوری مستقل اعلام کرد یعنی درواقع جدایی ماوراء قفقاز از روسیه شوروی، سازمانهای بلشویکی منطقه اعتراض خود را در مورد این اقدام اعلام کردند.

در ۲۸ آوریل ۱۹۱۸ دولت ترکیه ظاهراً استقلال ماوراء قفقاز را به رسمیت شناخت و با آغاز مجدد مذاکرات صلح موافقت نمود. در ۱۱ ماه مه مذاکره میان ترکیه و سیم ماوراء قفقاز در باتوم مجدداً آغاز گردید، لیکن اینها به دلیل درخواستهای غیرقابل قبول ترکیه به بن‌بست رسیدند. قشون ترکیه با استفاده از این موضوع در ۱۵ مه دگربار آتش بس را نقض کرده به آلکساندراپول حمله کرد. آنها با تصرف شهر حمله خود را به طرف قره‌کلیسا و ایروان متوجه نمودند. قشون قلیل ملی ارمنی نمی‌توانست مقاومت دائمی از خود برعلیه اشغالگران نشان دهد. در اواسط مه تجاوزگران ترک به‌نزدیکیهای ایروان رسیدند، خطر کشتارهای جمعی، ساکنین ایروان و تمام دشت آرارات را تهدیدمی‌نمود. خلق ارمنی در این زمان بحرانی به مبارزه فداکارانه پرداخت. برای دفاع همه‌جانبه از وطن، از پیر تا بچه، مرد و زن، قشرهای مختلف سنی و احزاب سیاسی قیام نمودند. دراین جنبش عمومی مهاجرین ارمنی غرب شرکت فعال داشتند. همه فقط یک عزم راسخ داشتند و آن ایستادگی و درهم کوبی دشمن و ممانعت از وقوع کشتارهای خونین جدید بود.

در ۱۲ ماه مه، ترکها قلعه و ایستگاه سردارآباد را تصرف نموده خطر جدیدی برای ایروان ایجاد نمودند. ولی در ۲۲ مه، قشون ملی ارمنی و غیر نظامیان ارمنی که به کمک آنان شتافته بودند، ترکها را شکست سختی دادند و سردارآباد را آزاد ساختند. نبرد در روزهای بعد تا ۲۶ ماه مه ادامه یافت. ارامنه با الهام از موفقیت اول خود، تمام حملات دشمن را عقب زدند و سپس به ضد حمله پرداختند. قشون ترک با شکست سنگین شتابان بطرف آلکساندراپول عقب‌نشینی کرد.

تقریباً مصادف با نبرد سردار آباد، در ۲۸–۲۴ ماه مه جنگهای شدیدی نیز در قره‌کلیسا بوقوع پیوست. دراینجا قشون ملی ارمنی و

دستجات متشکل از روستائیان دلیجان، پامباک، غازاخ و سایر نواحی تلفات سنگینی برارتش منظم و برتر ترک وارد ساختند، صرف‌نظر از اینکه دشمن بالاخره قره‌کلیسا را تصرف کرد. دراین روزها قوای ترک در ناحیه باش ـ آباران نیز شکست خوردند.



بنای یادبودی به مناسبت نبرد حماسه آفرین ساردار اباد

شجاعت ارامنه در سردار آباد، قره‌کلیسا و باش ـ آباران از تصرف ایروان، دشت آرارات، ناحیه سوان توسط ترکها جلوگیری نمود و سکنه ارمنی این نواحی را از کشتار جمعی رهانید. آنها طرح‌های تجاوزگرانه و کشتارگرانه ترکها را نقش برآب ساختند. این نبردها یکی از صفحات درخشان تاریخ چندین قرنی خلق ارمنی بحساب می‌آیند.

درنتیجه اختلافات درونی میان داشناکها، منشویکهای گرجی و مساواتیهای آذربایجانی، در ۲۶ مه ۱۹۱۸ سیم ماوراء قفقاز از هم پاشید. در همان روز استقلال گرجستان و روز بعد آذربایجان اعلام گردید در ۲۸ مه شورای ملی ارمنی ـ که در دست داشناکها قرار داشت ـ در جلسه خود در

تفلیس، ارمنستان را " جمهوری مستقل " اعلام کرد . تا تشکیل دولت شورای ملی ارمنی خود را بعنوان حکومت عالیه ارمنستان اعلام نمود .

پس از اعلام استقلال گرجستان ، آذربایجان و ارمنستان ، ترکیه درباتوم با هریک از آنها مذاکرات را ادامه داد . مذاکرات میان ترکیه وارمنستان با امضاء عهدنامه باتوم در ۴ ژوئن ۱۹۱۸ بپایان رسید . براساس این عهدنامه ناحیه سورمالو ، بخش بزرگی از آلکساندراپول ، اجمیادزین ، بخشی از ایروان و دارالاگیاز به ترکها تعلق گرفت . قلمرو ارمنستان کلاً ۱۰ هزار کیلومترمربع با جمعیتی در حدود ۳۲۰ هزار نفر شناخته شد . ترکیه اجازه یافت از راه‌آهن ارمنستان در جهت حمل و نقل قشون و بارهای خود استفاده کند . ترکیه هرگاه که می‌خواست می‌توانست تجاوز خود را آغاز نماید . لیکن در پائیز ۱۹۱۸ ، آلمان ، ترکیه و هم‌پیمانانشان در جنگ جهانی متحمل شکست‌شدند . قشون ترکها ازماوراءقفقاز دور شد و بخشی از ایروان و منطقه قارص که تحت اختیار آنها قرار داشت آزاد گردید . عهدنامه تحقیرآمیز باتوم لغو گردید و مرزهای سال ۱۹۱۴ برقرار شد.

۲ـ ارمنستان در سالهای ۱۹۲۰ـ۱۹۱۸

اولین پارلمان جمهوری بورژوائی ارمنستان اعلام شده در ۲۸ مه ۱۹۱۸ در اول اوت همان سال گشایش یافت . دولتی تشکیل گردید که در دست حزب داشناکسوتیون قرار داشت . هوانس کاجازنونی بعنوان نخست وزیر ، آلکساندر خادیسیان بعنوان وزیر امور خارجه و آرام مانوکیان بعنوان وزیر کشور تعیین شدند . تنها فرد غیرحزبی کابینه هـ.هاخوردیان وزیر جنگ بود . ترکیب دولت بعداً دچار تغییراتی گردید .

این حکومت بورژوائی دوسال و نیم دوام یافت . لیکن داشناکسوتیون با در دست گرفتن قدرت ، نتوانست شرایط صلح پایدار برای احیاء و ترقی اقتصاد کشور ایجاد نماید . اقتصاد متلاشی شده در طول سالهای جنگ

متلاشی‌تر گردیده در مرز سقوط قرار گرفت. بخش عظیمی از موسسات تولیدی تعطیل شد. فقط چند موسسه تولیدی فعالیت می‌کرد. بویژه رشته پیشرو تولیدی ارمنستان یعنی ذوب و تولید مس به وضع وخیمی افتاد. بخش بزرگی ازمعادن آلاوردی و زانگزور کار نمی‌کرد، تولیدات مس‌تنزل شدیدنمود.

وضع کارگران وخیم بود. اگر چه دولت قانونی جهت ۸ ساعت کار در روز وضع نموده بود، ولی رعایت نمی‌شد. کارگران موسسات قلیل دایر، روزی ۱۵–۱۲ ساعت کار می‌کردند. تنزل ارزش پول، مزد واقعی کارگران را پائین می‌آورد. امور بخش بزرگی از اتحادیه‌های صنعتی در دست داشناک‌ها قرار داشت، که اینها سعی داشتند این سازمانهای طبقه کارگر را تابع دولت نمایند. به مرور زمان وضعیت کارگران وخیم‌تر می‌شد.

کشاورزی، رشته اصلی اقتصاد ارمنستان، افت شدیدی کرده بود. در سال ۱۹۱۹ زمینهای زیرکشت با مقایسه با سال ۱۹۱۳، ۲/۱ و تولیدات کلی کشاورزی به اندازه ۶ برابر کاسته شده بود. داشناکسوتیون مسئله ارضی را حل نکرد. در ششم دسامبر ۱۹۱۸ پارلمان ارمنستان قانونی وضع کرد که براساس آن، قوانین سابق امپراتوری روسیه و دولت موقت، البته با تغییرات و اصلاحات متخذه از سوی پارلمان جمهوری ارمنستان در مورد سازمانهای آن در ماوراء قفقاز به قوت خود باقی می‌ماند. بزودی روستائیان معتقد شدند که دولت از حقوق زمینداران و متمولان روستائی حمایت می‌کند. در برخی نواحی، زمینداران و متمولان روستاها نه تنها کلیه اراضی خود را حفظ کردند، بلکه زمینهای جدیدی نیز بدست آوردند. روستائیان متحمل استثمار و تعقیب بی‌قید و شرطی می‌شدند. مالیاتهای متعددی چون باری سنگین بردوش روستائیان زحمتکش قرار داشت. اعتراضهای مکرر روستائیان برعلیه خودکامگی زمینداران و متمولان بی‌ثمر باقی می‌ماند.

اوضاع اقتصادی کشور بعلت وجود مهاجرین ارمنی غرب وخیم‌ترمی‌شد. اکثریت مهاجرین (تعداد کل آنها در سال ۱۹۱۹ بیش از ۲۶۰ هزارنفربود) زمین، خانه و کار نداشت. کمکهایی که به آنها می‌شد ناکافی بود. قحطی و

بیماری‌های مسری ــ که سراسر کشور را در برگرفته بود ــ براساس آمار رسمی ، ۴۵۰ هزار نفر را رهسپار گورستانها کرد.

آنارشیسم وخودکامگی‌های مقامات و سوءاستفاده‌ها و رشوه‌خواری برکشور مستولی بود . گروهبانها وماوزریست‌ها[۶] بدون مجازات چپاول کرده از مقامات اطاعت نمی‌کردند . ضمانتی در قبال مصونیت شخصی و مال و دارایی وجود نداشت .

دولت داشناکها نتوانست هیچ قدمی در جهت بهبود فرهنگی کشور بردارد . حکومت‌مدارس را ــ که شدیداً" تقلیل یافته بودند ــ به حال خود گذاشته بود . ده‌ها هزار محصل درخیابان‌ها ول‌مانده بودند . بهترین‌کارکنان از مدارس دوری جستند .

تضادهایی که باعث ازهم‌پاشیدگی سیم ماوراء قفقاز گردید ، پس از ایجاد سه جمهوری بورژوائی نه تنها تضعیف نشد بلکه عمیق نیز گردید و به برخورد مسلحانه بین گرجستان و ارمنستان ، ارمنستان و آذربایجان مبدل گردید . در اکتبر ۱۹۱۸ بین داشناکها و منشویکهای گرجی عملیات جنگی‌برسر ناحیه لوری آغاز شد . برخوردهایی نیز بعلت اختلافات ارضی‌بین‌داشناکها و مساواتها درگرفت . ارامنه ساکن آذربایجان وآذربایجانی‌های ساکن ارمنستان متحمل کشتار شدند . بویژه ارامنه قره‌باغ متضرر گردیدند . تقریباً" تمام شهر شوشی و بسیاری از دهات ارمنی ویران شد .

دولت داشناکها نظر خصمانه‌ای در قبال روسیه شوروی داشت . آنها با قوای گاردهای سفید روسیه روابط دوستانه ایجاد کرده بودند و نمایندگان‌خود را در قشون ژنرال دنیکین و پس از متلاشی شدن او ، ژنرال ورانگل ، داشتند. متقابلاً" نمایندگان رسمی نیروهای گاردهای سفید در ارمستان‌حضورداشتند .

پس از شکست بلوک آلمان ــ ترکیه ، حکومت‌های آنتانت ، انگلستان ،

۶ــ Ma-Uzerist شخصی که طپانچه نوع اتوماتیک ماوزر حمل می‌کند ــ به معنی چپاولگر و قاتل نیز می‌باشد ــ م .

فرانسه و ایالات متحده، عملاً برماوراء قفقاز حاکم شدند. این حکومتها سعی داشتند از ماوراء قفقاز بصورت سنگری برعلیه روسیه شوروی استفاده نمایند. آنها در عین حال می‌خواستند منابع طبیعی منطقه را بدست خود گرفته از آنها بهره برداری‌کنند. نمایندگان نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک انگلیس، فرانسه‌و ایالات متحده آمریکا یکی پس از دیگری به ماوراء قفقاز می‌آمدند. براساس تصمیم شورای آنتانت در ماه ژوئیه ۱۹۱۹، هاسکل، سرهنگ ارتش ایالات متحده آمریکا بعنوان کمیسر عالی متفقین در ارمنستان تعیین گردید که امیال وی برای داشناکها درحکم قانون بود. برای بررسی اقتصاد ارمنستان، منابع طبیعی آن، شرایط سیاسی و اوضاع و احوال مردم، کمیسیون ویژه‌ای از طرف رئیس جمهور ایالات متحده‌آمریکا به‌ریاست ژنرال‌هاربورد وارد ارمنستان گردید. نتایج بررسی‌های انجام شده می‌بایست به استحضار دولت ایالات متحده آمریکا می‌رسید که می‌کوشید از کنفرانس صلح کشورهای آنتانت در پاریس، قیمومیت ارمنستان را بدست آورد.

کنفرانس صلح پاریس در ژانویه ۱۹۱۹ از طرف دول آنتانت برای عقد پیمان صلح با حکومتهای شکست خورده در جنگ جهانی اول و تقسیم برخی کشورها و قلمروها بین خود تشکیل گردیده بود. در آنجا مسایل ارضی از طرف انگلستان، فرانسه وایالات متحده آمریکا ــ که سعی می‌کردند دخالتهای گسترده‌تری برعلیه روسیه شوروی تدارک ببینند ــ حل و فصل می‌شد. کنفرانس ــ که فعالیتش با برخی انفصال‌ها یکسال تمام طول کشید ــ در مورد ایجاد جامعه ملل و تصویب اساسنامه آن تصمیماتی گرفت.

در کنفرانس صلح پاریس مسئله ارمنستان نیز بررسی شد. دو هیئت نمایندگی یکی به ریاست آودیس آهارونیان از سوی دولت داشناکها و دیگری به ریاست بوغوس نوبارپاشا از طرف ارامنه غرب تواماً در پاریس بودند در ۱۴ مه ۱۹۱۹ کنفرانس پاریس تصمیم گرفت قیمومیت ارمنستان را به ایالات متحده آمریکا بسپرد. این‌تصمیم از سوی جامعه ملل تصویب شد. لیکن سنای آمریکا در اول ژوئن ۱۹۲۰ به اتفاق آراء پیشنهاد پرزیدنت‌ویلسن

را در مورد قبول قیمومیت ارمنستان رد کرد.

وقتی که محافل حکومتی ایالات متحده آمریکا مسئله قیمومیت ارمنستان را بررسی می‌کردند، در آوریل ۱۹۲۰ کنفرانس متفقین در شهر سان ـ رموی ایتالیا برای انعقاد قرارداد صلح با ترکیه مغلوب، تشکیل گردید. هیئت نمایندگی ارمنستان در کنفرانس شرکت داشت. قرارداد صلحی در دهم اوت ۱۹۲۰ با ترکیه در سور[۷] (فرانسه) به امضاء رسید. براساس مواد ۹۳ ـ ۸۸ قرارداد صلح سور، ترکیه اجباراً ارمنستان را بعنوان حکومتی آزاد و مستقل به رسمیت می‌شناخت که به دریای سیاه راه می‌یافت. ایالات متحده آمریکا ماموریت یافت تا مرز میان ارمنستان و ترکیه را در ولایات ارض روم، وان، بیتلیس و ترابوزان، تعیین کند، حکومتهای متفق بایستی به بررسی مسایل و اختلافات ارضی موجود میان ارمنستان با همسایگان گرجستان و آذربایجان می‌پرداختند.

قرار داد صلح سور ـ که به امضای نمایندگان دولت ارمنستان‌نیزرسیده بود ـ فقط روی کاغذ باقی ماند. مسئله این بود که متفقین قرار داد سور را با دولت سلطانی ترکیه ـ که در آن هنگام حاکم و مسلط بر مملکت خود نبود ـ منعقد ساختند. حکومت عملاً در دست کمالیست‌ها[۸] قرار داشت که نه تنها قرارداد صلح سور را برسمیت نشناختند و برای الغاء آن مبارزه نمودند، بلکه در قبال خلق ارمنی همان سیاست ناسیونالیستی و اشغالگرانه ترکهای جوان را ادامه دادند. ترکها برای دور شدن از ولایات ارمنی تدارکی ندیدند. دولت داشناکها در وضعی نبود که با قوای خود ترکیه را ملزم به رعایت مفاد قرارداد صلح سور نماید. اما قولهای دول غربی دایر برفرستادن قشون به ارمنستان غربی و مجبور نمودن ترکها به اجرای قرار داد سور،

7- Sévre

۸ـ طرفداران مصطفی کمال پاشا مستبد جدید و خونخوار ترکیه که "متمدنین" !!؟ ترک به او لقب آتاترک یا پدر ملت ترک داده‌اند ـ م.

بصورت قولهائی خشک و خالی باقی ماند . هیچگونه اقدام عملی انجام نگردید ، قرار داد سور هم به مرحله اجرا و قوت نرسید . کمالیست‌ها ، بعدها موفق به‌انجام مذاکره با دول آنتانت برای تجدید نظر در قرارداد سور وعدم تعهد آتی در قبال آن شدند . بدین ترتیب ، اقدامات دولت داشناکها ، در جهت حل مسئله ارامنه به کمک دول غربی بی‌ثمر ماند .

۳ــ جنبش انقلابی در سالهای ۱۹۲۰ــ۱۹۱۹

هم سیاست داخلی و هم سیاست خارجی دولت داشناکها در بین اقشار وسیع خلق ارمنی تولید اضطراب و نارضایتی کرد . مبارزه زحمتکشان برای ایجاد حکومت شوراها تشدید یافت .

در بهار و تابستان سال ۱۹۱۹ چند قیام دهقانی بوجود آمد . جنبش کارگری گسترش یافت . سازمانهای بلشویکی ارمنستان فعالیتشان را افزون تر نمودند . در سپتامبر همان سال اولین جلسه مشورتی سازمانهای بلشویکی ارمنستان در ایروان تشکیل شد که باعث اتحاد و هماهنگی هرچه بیشتر سازمانهای کمونیستی گردید . کمیته ارمنی حزب کمونیست روسیه بعنوان هماهنگ کننده سازمانهای بلشویکی ارمنستان انتخاب گردید که چهره‌های مشهوری چون س.کاسیان ، آ .مراویان ، س.آلاوردیان و سایرین درآن شرکت جستند .

تلاش برای هماهنگی و اتحاد سازمانهای بلشویکی ارمنستان در اولین کنگره سازمانهای کمونیستی ارمنستان ــ که در ژانویه ۱۹۲۰ در ایروان تشکیل شده بود ــ ادامه یافت . کنفرانس با بررسی اوضاع سیاسی کشور ، گسترش و توسعه مبارزه انقلابی را بعنوان وظیفه درجه اول و برچیدن حکومت داشناکها و استقرار حکومت شوروی در ارمنستان را برای سازمانهای بلشویکی تعیین‌نمود. صرف‌نظر از تمام اقدامات‌داشناکها ، فشارها و تعقیب‌هایشان ، سازمانهای کمونیستی ارمنستان فعالیت شدیدی در بین توده‌های زحمتکش به انجام

رساندند.

جوانان در جنبش انقلابی ارمنستان فعالانه شرکت نمودند. کارگران و دانشجویان جوان با بهره‌بری از عقاید کمونیستی، برعلیه نظام حاکم و نابرابری‌های اجتماعی مبارزه می‌کردند. در بهار ۱۹۱۹ سازمان جوانان کمونیست ایروان ـ" اسپارتاک" ـ تاسیس شد که روابط نزدیکی باسازمانهای جوانان انقلابی تفلیس و باکو برقرار نمود. غوکاس غوکاسیان و آقاسی خانجیان از اعضای رهبری "اسپارتاک" بودند. "اسپارتاک" اولین سازمان کمونیستی ارمنستان بود.

تقویت جنبش انقلابی در ارمنستان تا حد زیادی منوط به اوضاع کلی حاکم برروسیه و ماوراء قفقاز بود. در اوایل سال ۱۹۲۰، روسیه شوروی قوای اصلی ضدانقلابی و اشغالگران خارجی را تارومار کرده بود و با گامهای محکم درجهت پایان پیروزمندانه جنگ داخلی پیش می‌رفت. در آوریل همان سال کارگران آذربایجان به کمک ارتش سرخ روسیه شوروی دولت مساواتهارابرچیده درآذربایجان حکومت شوروی برقرار نمودند. این وقایع اوجگیری جنبش انقلابی ارمنستان را تشویق نمود.

جنبش انقلابی در ماه مه ۱۹۲۰ به نقطه اوج خود رسید. تظاهرات و میتینگ‌های روز اول ماه مه در ایروان، آلکساندراپول، قارص، ساریغامیش و سایر شهرها با شعارهای ضددولتی جریان یافتند. تظاهرات درآلکساندراپول از تشکل و قوت خاصی برخوردار بود که هم آن تبدیل به مرکزجنبش گردید. سازمانهای بلشویکی دراینجا، رهبری قیام را در دست گرفتند. در دوم ماه مه نظامیان "وارتان زوراوار" مستقر در ایستگاه آلکساندراپول، به رهبری سارکیس موسایلیان سر از اطاعت دولت برتافتند و به صف توده‌های انقلابی پیوسته بصورت بازوی مسلح قیام درآمدند. برای رهبری قیام کمیته نظامی ـ انقلابی انتخاب گردید که در دهم مه برچیده شدن دولت داشناکها و برقراری حکومت شوروی را در ارمنستان به کارگران اعلام نمود. حکومت در آلکساندراپول بدست بلشویکها افتاد. لیکن آنها کارها را به آرامی پیش

می‌بردند و موضع دفاعی گرفته با نمایندگان دولت وارد مذاکره شدند . این مسئله به داشناکها امکان داد تا نظامیان وفادار به خود را به آلکساندراپول بفرستند و شهر را تصرف نمایند . حکومت شوروی در آلکساندراپول از بین رفت ، که اهمیت سرنوشت سازی برای سایر مراکز قیام در ارمنستان داشت .

بلافاصله پس از آلکساندراپول، قیامی در قارص و سپس درساریغامیش بوقوع پیوست . ولی بزودی این شهرها را نیز به تصرف خود در آوردند . در اواسط ماه مه جنبش ، بایزید را هم دربرگرفت . شورشیان در اینجا دهات متعددی را تاآخر ماه مه در دست خود نگهداشتند . زحمتکشان غازاخ و شامشادین بیش از یک ماه و نیم در برابر قشون دولتی مقاومت کردند . سپس‌شورش، دهات ایجوان و در آخر مه‌زانگزوررا نیز شامل گردید . بدین ترتیب قیامهای بوقوع پیوسته تقریبا" تمام کشور را دربر گرفتند ، اگر چه آنها اکثرا" بطور مجزا از یکدیگر واقع گردیدند . درنتیجه این تفکیک نیروها ، ناهماهنگی‌ها ، اشتباهات رهبری و یک رشته دلایل دیگر ، داشناکها موفق به سرکوب قیام مسلحانه ماه مه شدند .



بنای یادبودی به مناسبت شهدای قیام ماه مه ــ لنیناکان

دولت داشناکها تصفیه حساب ظالمانه‌ای با شورشیان نمود . یک عده بلشویک قهرمانانه به کام مرگ شتافتند ، منجمله غوکاس غوکاسیان و هوانس ساروخانیان . براساس رای دادگاه‌های ویژه، شخصیت‌های نامداری چون س . موسابلیان ، س. آلاوردیان ، ب . قریبجانیان و سایرین تیرباران شدند .

صدها نفر به حبس محکوم گردیدند. بسیاری از شرکت کنندگان در قیام مجبور شدند به آذربایجان پناه ببرند.

قیام ماه مه نشان داد که داشناکها جائی در بین توده‌ها ندارند و اگر چه قیام شکست خورد ولی روشن بود که دولت داشناک‌ها برای بقای خود روزشماری می‌کرد. استقرار حکومت شوروی در ارمنستان مهمترین مسئله برای زحمتکشان گردید.

۴ـ استقرار حکومت شوروی در ارمنستان

کشورهای آنتانت تمام همّ خود را در بهره‌برداری از ارمنستان برعلیه روسیه شوروی بکار گرفته بودند. برعکس، روسیه شوروی سعی نمود ارمنستان را از جرگه کشورهای آنتانت جدا ساخته و با آن روابط نرمال برقرار نماید. به این منظور دولت روسیه پیشنهاد مذاکره میان دو کشور را نمود.

به همت دولت شوروی در آخر ماه مه ۱۹۲۰ مذاکراتی بین هیئت‌های نمایندگی ارمنستان و روسیه شوروی در مسکو آغاز گردید. دربین نمایندگان روسیه شوروی، کمیسر خلق در امور خارجه، گ.چیچرین و معاونش ل.کاراخان شرکت داشتند. هیئت ارمنی تحت ریاست شخصیت داشناک و نویسنده، لِوُن شانت، قرار داشت. طرف شوروی به هیئت ارمنی در مورد عقد قرارداد میان دو کشور و شناسایی رسمی استقلال ارمنستان پیشنهاداتی می‌کرد. این هیئت درعین حال در مورد میانجیگری بین ارمنستان و آذربایجان شوروی برای حل اختلافات مرزی و بهبود روابط ارمنی ـ ترک پیشنهاداتی داشت.

هیئت ارمنی به هرنحوی مذاکرات را به تاخیر می‌انداخت و به درازا می‌کشاند، زیرا دولتش چشم امیدش را به حکومتهای غربی دوخته بود. داشناکها خیال می‌کردند که کشورهای آنتانت ترکیه را به انجام خواستهای ارمنستان ملزم خواهند نمود.

دولت شوروی پیشنهاد ادامه مذاکرات را در ایروان داد، براساس آن

مکرراً اعلام گردید که روسیه شوروی مطابق اقداماتی که در جهت منافع خلق ارمنی است ، گام برمی‌دارد . دولت شوروی چنین اعلام کرد : " تمام اقدامات روسیه شوروی در قفقاز قصد دارند اثر دوستانه‌ای برخلق ارمنی و نیز برترقی و توسعه آتی سایر خلقهای همسایه داشته باشند . روسیه شوروی در زمان‌شرایط سخت خلق ارمنی و سایر ملل شرق نزدیک ، بصورت دوستی بی‌غرض در پشتیبانی از زحمتکشان یک ملت ظاهر می‌شود " .

برای ادامه مذاکرات در ایروان ، بوریس لِگران نماینده تام‌الاختیار جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه در ارمنستان به عنوان ریاست هیئت نمایندگی مذاکرات تعیین گردید . ولی داشناکها به قرارداد سور امید داشته و دگربار آغاز مذاکرات را به تعویق انداختند . لیکن بزودی معلوم گردید که تعویق مذاکرات برای خلق ارمنی بسیار گران تمام شده است . سیاست غیرمآل‌اندیش دولت داشناک‌ها به این مسئله منتج شد که ارمنستان رو در روی ترکیه کمالیست تنها باقی ماند . ترکیه با اجرای سیاست‌اشغالگرانه خود ، دگربار به ارمنستان حمله کرد . در سپتامبر ۱۹۲۰ قشون ترک دست به حمله زد و در روز ۲۹ همان ماه ساریغامیش و کاغزوان را تصرف کرد . ترکها در ۳۰ ـ ام اکتبر ۱۹۲۰ قارص و در ششم نوامبر آلکساندراپول را اشغال‌کردند. توسل داشناکها به دُوَل آنتانت برای کسب کمک بیهوده بود ، تمام تقاضاهای آنها بی‌نتیجه ماند .

جنگ ارمنستان و ترکیه بلایا و مصیبتهای جدیدی را برای مردم ببار آورد . در اراضی اشغالی ، ترکها به وحشیگری پرداخته ، دهات را ویران و غارت و ساکنین ارمنی آنها را نابود می‌ساختند . جریان مهاجرین به سوی مناطق مرکزی کشور روان گردید ، اوضاع مردم وخیم‌تر شد .

جنگ آخرین امکانات مالی کشور را بلعید ، اقتصاد از هم گسیخته را از دستهای کارگر محروم ساخت . در همه جا آشوب و بلوا ، غارت و خودکامگی حکمفرما گردیده بود . دولت عملاً در وضعی نبود تا به اوضاع داخلی کشور اطمینان داشته باشد ، حتی لشکرهای ارتش از حکومت اطاعت نمی‌کردند . در

۲۴ نوامبر دولت استعفا داد و در همان روز دولت جدید داشناک به ریاست سیمون وراتسیان سرکار آمد. دولت جدید مجبور بود قبول نماید که کشور در بن‌بست بدی قرار دارد. در اعلامیه دولت چنین آمده است: " نیروهای مسلح ترک قسمت‌های عمده کشورمان را تصرف نموده‌اند. ساکنین این مناطق تبعید گردیده و در شرایط مهاجرت بی‌مضایقه از سرما و قحطی نابود می‌شوند. سیرطبیعی زندگی داخلی کشور متوقف شده است. دستگاه اداری اساساً تضعیف گردیده‌وامکانات مالی و ارتباطی از هم پاشیده‌است. قضاوت عادلانه غیرممکن شده، واردات مواد غذایی از خارج متوقف گردیده است و اما منابع داخلی سریعاً خشک و بی‌استفاده می‌شوند... کشور در شرایط بحرانی شدید قرار دارد ".

لیکن دولت داشناکها نتوانست از این منجلاب خارج گردد. توده‌های مردم با قرار داشتن در مرز نابودی به رهبری حزب بلشویک کار رهایی کشور را در دست گرفتند. در ژوئن ۱۹۲۰ حزب کمونیست ارمنستان تشکیل شد، که قیامهای انقلابی زحمتکشان را برعلیه دولت داشناکها رهبری نمود. درماه نوامبر، کمیته نظامی ـ انقلابی ارمنستان در باکو تشکیل شد، که‌شخصیت‌های برجسته حزب کمونیست ارمنستان، سارکیس کاسیان (رئیس)، آسکانازمراویان، ساهاک درـ گابریلیان و سایرین در آن عضویت داشتند. در آخر نوامبر کمیته‌نظامی ـ انقلابی به غازاخ منتقل گردید، جایی که جوخه قیام ارمنی متشکل از شرکت کنندگان قیام ماه مه قرار داشت که با دوری جستن از ترور داشناکها به آذربایجان شوروی پناه برده بود.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰،صبح زود، کمیته انقلاب ارمنستان به همراه جوخه قیام ارمنی از مرز گذشت و وارد ایجوان گردید. قشون مرزبان ارتش داشناک نه تنها مقاومتی نشان نداد بلکه به صفوف انقلابیون پیوست. زحمتکشان ایجوان با خوشحالی از قیام گران استقبال نمودند. در ایجوان حکومت شوروی برقرار گردید. در همان روز کمیته انقلاب اعلامیه خود را در مورد اعلام جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان در ایجوان منتشر ساخت. در

اعلامیه آمده است: " بنا به‌خواست و تمایل کارگران قیام کننده ارمنستان ، حزب کمونیست (بلشویک) ارمنستان از این روز ارمنستان را جمهوری شوروی سوسیالیستی اعلام می‌کند " . کمیته انقلاب اطمینان می‌داد ، که‌روسیه شوروی باختم پیروزمندانه جنگ داخلی ، کمکهای برادرانه خود را " در جمع آوری نیروهای سالم کشور ، احیاء و استقرار اساس نیرومند و پرآرامش ارمنستان شوروی " نسبت به خلق ارمنی نشان خواهد داد . کمیته انقلاب ارمنستان با وقوف به اهمیت تاریخی واقعیت‌های موجود ، پس از آن اعلام نمود : " با قبول تمام مسئولیت حکومتی در شرایط سخت کنونی و در این لحظات حساس، ما از نیروهای مردمی ارمنستان می‌خواهیم تا ما را در مبارزه علیه دشمنان حکومت کارگران و دهقانان یاری دهند و آنها را به کار خستگی‌ناپذیر وخلاقه و تولیدی فرا می‌خوانیم " .

در ۳۰ ـ ام نوامبر قیامگران بدون مقابله با مقاومتی دیلیجان‌رامتصرف گردیدند . کمیته انقلاب ارمنستان تلگرافی برای رئیس شورای کمیسرهای خلق روسیه شوروی ، و.ای.لنین فرستاد و تقاضای کمک به قیام را نمود . درتلگراف آمده است : " بگذارید برای رهبر انقلاب جهانی روشن گردد که دهقانان نواحی دیلیجان و کاروانسرا با خشم نسبت به سیاست پرتقصیر داشناکها و آنارشیسم موجود در کشور ، درفش انقلاب را برپا کردند . حزب کمونیست ارمنستان بلافاصله رهبری این جنبش طبیعی را پذیرفت و کمیته انقلاب ارمنستان را بوجود آورد . ارمنستان بعنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی اعلام گردید . اولین ضربه وارد شده است . شهر دیلیجان در دست ماست . شورشیان پرحرارت برای بیرون راندن قطعی کارگزاران آنتانت ، دشمن تنفر آمیزشان ، پا جلو می‌گذارند و با اجرای خواست آنها ، ما با تشکیل کمیته انقلاب امیدواریم‌که ناجی خلقهای زیرستم شرق ، ارتش سرخ روسیه بزرگ سوسیالیستی در این مبارزه سخت به ما کمک قطعی خواهد کرد . بنام تمام دهقانان و کارگران ارمنستان ما از شورای‌کمیسرهای خلق خواستارکمک‌هستیم" .

در پاسخ به تقاضای کمیته انقلاب ارمنستان ، دولت روسیه شوروی به

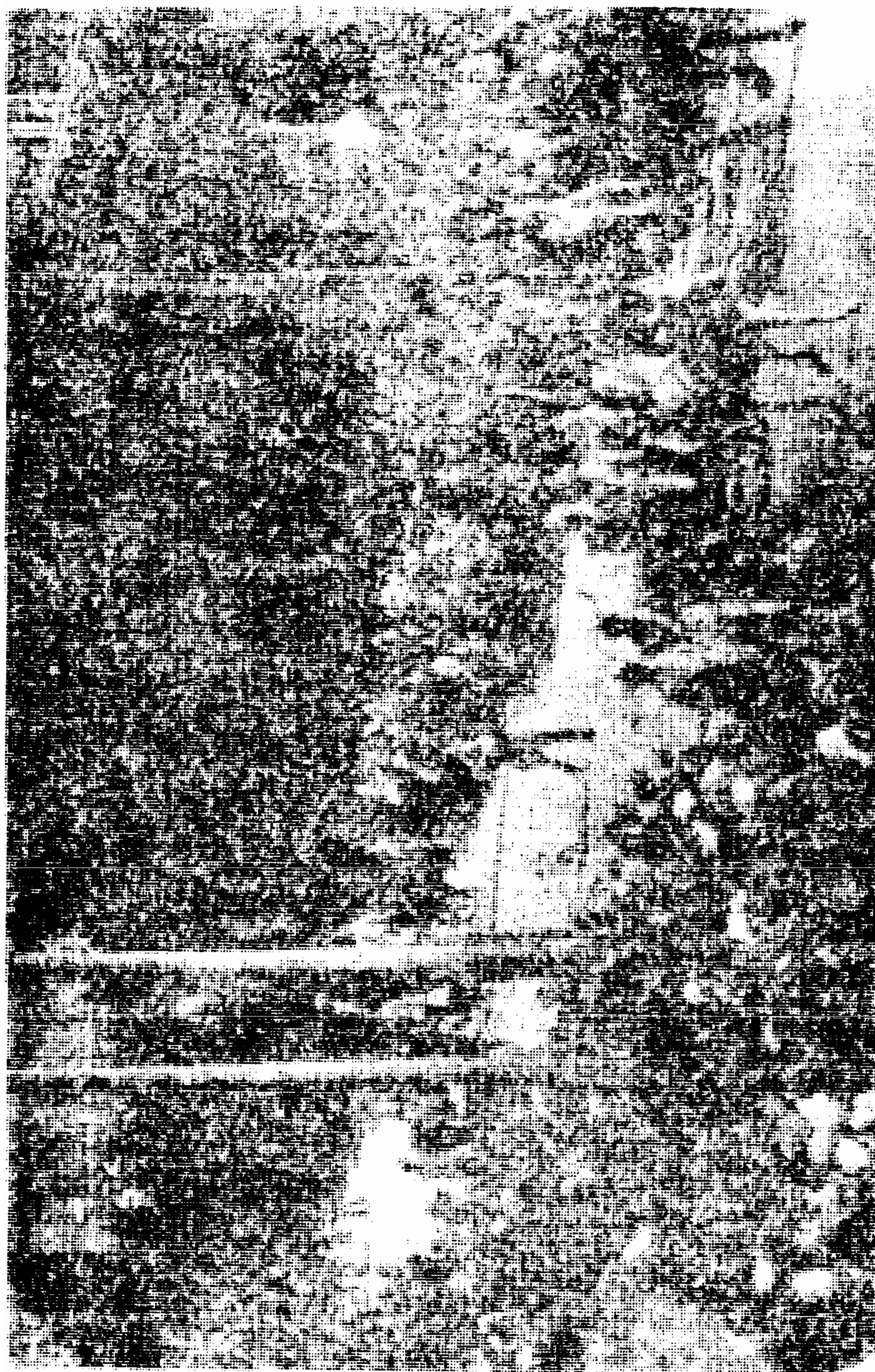
لشکر یازدهم ارتش سرخ واقع در آذربایجان ماموریت کمک رسانی به‌زحمتکشان انقلابی ارمنستان را داد. در دوم دسامبر و.ای.لنین رئیس شورای‌کمیسرهای خلق روسیه شوروی، تلگرافی برای س.کاسیان رئیس کمیته انقلاب ارمنستان فرستاد که در آن گفته شده بود: "رهایی ارمنستان کارگری شوروی را از ستم امپریالیسم به شما تبریک می‌گویم. تردیدی ندارم که شما تمام همّ خود رادر جهت برقراری اتحاد برادرانه میان زحمتکشان ارمنستان، ترکیه و آذربایجان بکار خواهید گرفت".

در این روزهای سرنوشت‌ساز برای خلق ارمنی، وقتی که ارمنستان، جمهوری شوروی اعلام گردیده بود، دولت داشناک‌ها برای حفظ موجودیت خود دست بسوی اشغالگران ترک دراز نموده امید کسب کمک آنها را برای ممانعت از برقراری حکومت شوروی در ارمنستان داشت. به این منظور داشناکها در دوم دسامبر با آنها قراردادی در آلکساندراپول منعقد ساختند که براساس آن بخش عظیمی از ارمنستان به ترکیه واگذارمیگردید.

براساس قرارداد، قلمرو ارمنستان بایدبه دشت آرارات و حوزه دریاچه سوان محدود می‌گردید. ارمنستان خلع سلاح می‌شد و از حق داشتن ارتش محروم می‌گردید. دولت داشناکها مجبور بود، نمایندگانش را از کشورهای اروپائی فراخوانده از قرارداد سِوْرچشم پوشی نماید. به ترکیه حق کنترل راه‌های ارتباطی ارمنستان داده می‌شد و جز آن.

این اقدام مفتضحانهٔ داشناکهایِ ورشکسته نیز با عدم موفقیت توام‌بود. در چهارم دسامبر کمیته انقلاب، ارتش سرخو شورشیان بدون مقاومت وارد ایروان شده حکومت داشناکها منقرض گردید. حکومت جدید شوروی بزودی قرارداد شرم‌آور آلکساندراپول را ملغی اعلام نمود.

زحمتکشان ارمنستان از پیروزی انقلاب سوسیالیستی استقبال شایانی نمودند. در شهر و دهات میتینگ‌های پرجمعیت وانبوه‌برگزارگردید. ازطرف میتینگ زحمتکشان ایروان، که در روز ششم دسامبر ۱۹۲۰ برگزار شد، تلگرام تبریکی برای و.ای.لنین فرستاده شد. در تلگرام آمده بود: "... باورود به



ورود ارتش سرخ به ایروان

خانواده پرولتاریای جمهوری‌های شوروی ، ما از انقلاب قهرمانانه اکتبر پیروی می‌نمائیم . با داشتن تجربیات گذشتهٔ کارگران روس و با کمک‌کارگران آذربایجان و روسیه ، جمهوری جوان ارمنستان شوروی بی‌باکانه و آزادانه به آینده روی می‌آورد و هرگز تردیدی به خود راه نمی‌دهد که کار بالاخره برکاپیتال پیروز خواهد شد " .

استقرار حکومت‌شوروی اهمیت قاطعانه‌ای برای سرنوشت خلق ارمنی داشت . پیروزی انقلاب سوسیالیستی نه تنها خلق ارمنی را از خطر نابودی فیزیکی رهایی بخشید ، بلکه دورنماهای وسیع و جدید ترقی حکومتی ،فرهنگی و اقتصادی برای آن گشود . خلق ارمنی پا به مرحله رستاخیز ملی‌خود نهاد .

زمانی که وقایع ارمنستان به پیروزی حکومت شوروی منتهی گردید ، ساکنین ارمنی کیلیکیه متحمل تراژدی جدیدی شدند .

پس از شکست ترکیه در جنگ جهانی اول ، کیلیکیه توسط قوای انگلیس اشغال گردید و در نوامبر ۱۹۱۹ فرانسویان جانشین آنها شدند . ساکنین ارمنی کیلیکیه ــ که در این سالها ۱۵۰ ۰۰۰ نفر بودند ــ امیدهای خود را به ارتش فرانسه بستند ، با خیال اینکه آنها موجودیت ملیشان را حفظ خواهند کرد . فرماندهی نظامی فرانسویان بعنوان حامی ارامنه ظاهر شد ، ولی دولت فرانسه بزودی درنتیجه سیاست‌عهد شکنانه خود آنها را فراموش کرد . قشون ترک با استفاده از این مسئله به حمله دست زد . در سال ۱۹۲۰ کشتار ارامنه در ماراش ، هاچن ، زیتون و سایر مراکز کیلیکیه بوقوع پیوست . بخشی از ارامنه کیلیکیه به همت نبرد دفاعی خود موفق شد به سوریه و سایر کشورها پناه ببرد .

۵ــ اولین گامهای حکومت شوروی

در اعلامیه کمیته انقلاب ارمنستان در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰ ــ که براساس‌آن ارمنستان بعنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی اعلام گردید ــ برنامه‌های

رستاخیز خلق ارمنی نیز جای داشتند . بویژه آمده بود : " پرچم سرخ ارمنستان شوروی آزاد ، فرزندان زحمتکش آنرا از اعماق ناامیدی‌ها و تلخی‌ها بیرون خواهد آورد . به همراه اولین نغمه‌های انترناسیونال پیروزمند ، تفرقه‌های ملی و نژادی موجود در ارمنستان برای همیشه‌ناپدید می‌شوندوجای خود را به برادری خلقها خواهند داد . دهقانان ارمنستان تمام اراضی را ــ که به ملیک‌ها ، وانکها ، کلیساها و مساجد تعلق داشت ــ بدست خود می‌گیرند . ثروت جنگل‌ها ، آبها ، دریاچه‌ها و معادن به دست مردم می‌رسد تا نیازها ی جمعیت زحمتکش ارمنستان را برآورده سازد . به همین منظور هم تمام کارخانه‌جات جزو دارایی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان محسوب می‌گردند و صاحبان آنها یعنی کارگران ، از کار آزادانه برخوردار خواهند شد . . . قدرت خلاقه کارگران،با تجربه و استعدادهای فکری خود ، به‌ارمنستان شوروی و کارسازندگی آن امکانات اجرایی و تشریک مساعی نشان خواهد داد . . . " .

کمیته انقلاب ارمنستان با دردست گرفتن حکومت ، به‌اجرای برنامه‌های مذکور در اعلامیه ، حل مسایل ریشه‌ای اجتماع انقلابی ، استحکام حکومت شوروی ، تاسیس حکومت ارمنی شوروی پرداخت .

اولین اقدامات سوسیالیستی در ارمنستان شوروی با شرایط بغرنجی‌توام بود ، که در رابطه با اوضاع وخیم اقتصادی و اشغال بخش عظیمی از کشور توسط دشمنان قرار داشت . منطقه آلکساندراپول همچنان در دست ترکهابود . بخش بزرگی از لوری بنام " منطقه بیطرف " از جانب قوای گرجستان منشویکی اشغال گردیده بود . داشناکها هنوز در زانگزور حاکم بودند . حکومت جدید التاسیس شوروی در این شرایط، از طرفی همّ خود را در عادی نمودن اوضاع و زندگی کشور بکار می‌انداخت و از طرف دیگر سعی می‌نمود قلمرو جمهوری را از اشغال بیگانه خارج سازد .

در دوره میان دسامبر ۱۹۲۰ تا فوریه ۱۹۲۱ ، کمیته انقلاب ارمنستان و کمیته مرکزی حزب کمونیست فعالیت شدیدی در جهت نابودی ساختمان‌قدیمی

روابط اقتصادی ـ اجتماعی و ایجاد روابط جدید و حکومت شوروی در کشور انجام می‌داد.

برای روستائیان ارمنستان ـ که بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند ـ فرمان ۲۸ دسامبر ۱۹۲۰ در مورد ملی کردن اراضی، اهمیت بسیار زیادی داشت. تمام زمینهای جمهوری به مالکیت دولت درآمدند. با این فرمان حل مسئله ارضی پایه‌گذاری شد که تماماً مبین منافع روستائیان زحمتکش بود. بلافاصله پس از آن، قوانینی برای ملی کردن منابع آب، جنگلها و ثروتهای زیرزمینی قلمرو جمهوری بتصویب رسید.

با چند فرمان کلیه موسسات تولیدی کم و بیش عمده و معادن ملی گردید و حاکمیت کارگران برآنها برقرار شد. این اقدامات و نیز ملی کردن بانکها، مالکیت عمده خصوصی را در ارمنستان ازبین برد و اقتصاد سوسیالیستی را پایه‌گذاری نمودند. فرامین دیگری در زمینه موسسات اداری و پست‌ها، اختلافات طبقاتی، لغو هرگونه القاب، تعطیل دادگاههای قبلی صادر گردیدند. درعین حال چارچوب حکومتی شوروی تشکیل شد. در دسامبر ۱۹۲۰ برای رهبری رشته‌های مختلف اقتصادی و اداره حکومت، شورای کمیسرهای خلق جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان بوجود آمد که شخصیت‌های برجسته حزبی و شرکت‌کنندگان فعال مبارزه انقلابی در راس آن قرار گرفتند. س. کاسیان رئیس کمیته انقلاب بعنوان کمیسر خلق[۹] در امور کشاورزی، ی. دولتیان بعنوان کمیسر خلق در امور داخلی و تجارت خارجی، آ. بگزادیان بعنوان کمیسر خلق در امور خارجه، آ. هوانیسیان بعنوان کمیسر خلق در امور فرهنگی تعیین گردیدند و جزآن.

کمیته انقلاب در اولین ماه‌های حکومت شوروی، دست به یک رشته اقدامات زد که به همت آنها اساس و پایه حکومت ارمنی شوروی گذارده شد. فرمانهایی درجهت تشکیل ارتش سرخ ارمنستان، تاسیس کمیسیون ویژه برای

۹ـ عنوان وزرای کابینه که در سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۶ بکار می‌رفت، مترادف با وزیر امروزی ـ م.

مبارزه با ضدانقلاب ، احتکار و اعمال خلاف قانون ، تشکیل شورای اقتصادی خلق ــ که کار رهبری امور مالی و اقتصادی کشور به آن محول گردید ــ صادر شـد .

در روز نهم دسامبر ۱۹۲۰ کمیته انقلاب ارمنستان قانونی بـرای زبـان دولتی وضع نمود که براساس آن زبان ارمنی بعنوان زبان‌دولتی (رسمی ــ م .) در مرزهای جمهوری اعلام شد . بلافاصله موسسات آموزشی ــ فرهنگی ملـی اعلام شدند ، مدرسه از کلیسا و نیز کلیسا از حکومت تفکیک‌گردید ، کمیسیونی برای حفظ آثار هنری و بناهای تاریخی تشکیل شد . در اول دسامبـر ۱۹۲۰ کمیته انقلاب طی نامه‌ای ، به متفکرین ارمنی مقیم کشورهای خارج توسل‌جست. حکومت شوروی به دانشمندان ، متخصصین ، شخصیت‌های ادبی‌وهنری‌پیشنهاد مراجعت به‌ارمنستان و اهداء نیروهایشان را به رستاخیز میهن نمود . بسیاری از نمایندگان متفکرین به این ندا پاسخ مثبت دادند و اینهادراولین سالهای حکومت شوروی به وطن برگشتند و جذب کار خلاقه شدند .

حکومت شوروی به عملی ساختن اولین اقدامات و طرحهای سوسیالیستی پرداخته و درعین حال تمام همّ خود را در جهت آزاد سازی لوری از اشغـال قشون گرجستان منشویکی بکار برد . کمیته انقلاب ارمنستان شوروی چندین‌بار به دولت گرجستان منشویکی تذکر داده خواستار خروج قوای گرجی از ناحیـه موسوم به " منطقه بیطرف " لوری شد . لیکن منشویکها به این درخواستهـــا ترتیب اثر نمی‌دادند . بزودی مبارزه زحمتکشان برعلیه حکومتهای اشغالگـر آغاز شده و استقرار حکومت شوروی و الحاق مجدد لوری به ارمنستان شوروی خواسته شد . حزب کمونیست ارمنستان و سازمانهای بلشویکی گرجستان به‌هر نحوی مبارزه انقلابی زحمتکشان " منطقه بیطرف " را مورد مساعدت و یـاری قرار می‌داد . در دسامبر ۱۹۲۰ ، کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان یـک گروه متشکل از شخصیت‌های حزبی و نظامی را به لوری گسیل داشت‌تاتدارکات قیام مسلحانه را مهیا سازد . قیام در ۱۱ فوریه ۱۹۲۱ آغاز گردیدوباپیروزی سریع همراه بود . زحمتکشان لوری و نظامیان شوروی ــ که به کمک آنها شتافته

بودند ــ در آن ناحیه حکومت شوروی را برقرار کردند . لسوری مجدداً" به ارمنستان شوروی ملحق گردید .

در ۲۵ فوریه ۱۹۲۱ حکومت شوروی در گرجستان نیز استقرار یافت . روابط حسن همجواری مابین ارمنستان و گرجستان برقرار شد . این مسئله اهمیت زیادی برای ارمنستان داشت زیرا امکان یافت تا کالاها و مواد غذایی را از روسیه شوروی و از طریق گرجستان وارد سازد . تا قبل از استقرار حکومت شوروی در گرجستان دولت منشویکی از حمل و نقل بار از روسیه و از طریق قلمرو خود ممانعت می‌ورزید .

دولت ارمنستان شوروی کوششهایی نیز درجهت لغو قرارداد مفتضح آلکساندراپول و آزادی قلمرو اشغالی توسط ترکیه انجام می‌داد . در نواحی اشغالی ، ترکها به اعمال ظلم و ستم دست زده بودند ومردم را غارت و چپاول می‌کردند . از آلکساندراپول اخباری در مورد وحشیگری‌های ترکها و اوضاع بحرانی ساکنین می‌رسید . کمیته انقلاب ارمنستان چندین مرتبه به دولت کمالیست‌ها پیشنهاد آغاز مذاکرات با ارمنستان شوروی و لغو قرارداد آلکساندراپول منعقده با دولت داشناکها را داد . ولی این تقاضا رد شد . مقامات حکومت اشغالگران ترکیه به خودکامگی‌ها ادامه می‌دادند .

کمیته انقلاب ارمنستان ، به دولت روسیه شوروی رجوع کرده خواهان دخالت آن گردید . بنا به درخواست روسیه شوروی در ماه‌های فوریه و مارس ۱۹۲۱ کنفرانس مشترک شوروی وترکیه در مسکو تشکیل گردید که‌هیئت‌نمایندگی ارمنستان شوروی به ریاست آ . بگزادیان ، کمیسر خلق در امور خارجی در آن شرکت داشت . طرف شوروی تقاضای قاطعانه‌ای در جهت بازپس‌دادن اراضی اشغالی ارمنستان توسط ترکیه براساس‌مفاد قرارداد دوم دسامبر ۱۹۲۰ با داشناکها ، مطرح کرد . کنفرانس در ۱۶ مارس ۱۹۲۱ با امضاء قراردادی میان روسیه شوروی و ترکیه به پایان رسید . قرارداد مرز جدید شمال شرقی ترکیه را تعیین کرد ، مناطق قارص ، آرداهان ، آردوین به ترکیه ، باتوم به گرجستان و آلکساندراپول و نواحی اطرافشان به ارمنستان مسترد گردید . در آوریل

۱۹۲۱ قشون ترک از آلکساندراپول دور شد .

در فوریه ۱۹۲۱ شورش ضد شوروی در ارمنستان پدید آمد ، داشناکها قصد داشتند حکومتشان را مجدداً مستقر سازند . سازندگی پرآرامش مختل گردید ، کشور در باطلاق جنگ داخلی افتاد که تا پنج ماه به درازا کشید .

غائله در ۱۳ فوریه ۱۹۲۱ آغاز شد یعنی وقتی که دستجات مسلح داشناک از زانگزور به ناحیه کشیشکندی رخنه کرده ، دارالاگیاز و سپس بایزیدنو را تصرف کردند . درعین حال آشوبهای مسلحانه‌ای در باش ـ گارنی، آشتاراک، اجمیادزین ، آپاران ، آختاو سایرنواحی بوجود آمد . داشناکها در این مناطق حکومت شوروی را از بین بردند و با کمونیستها و شخصیت‌های حکومت شوروی تصفیه حساب نمودند . در ۱۸ فوریه آشوبگران موفق به تصرف ایروان پایتخت جمهوری شدند . در اینجا داشناکها به اصطلاح " کمیته آزادی وطن" به ریاست س.وراتسیان نخست وزیر سابق دولت داشناک ، تشکیل دادند . کمیته انقلاب ارمنستان و کمیته مرکزی حزب کمونیست به قامارلو عقب نشینی کردند و در آنجا سنگر پشتیبانی مستحکمی بوجود آوردند تا از پیشروی آتی شورشیان جلوگیری نمایند . در مناطق شمالی ارمنستان کمیته نظامی ـ انقلابی تشکیل شد ، که از دیلیجان ، قره‌کلیسا و ناحیه لوری آزاد شده از دست منشویک‌ها قویاً حفاظت می‌کرد . حزب کمونیست ارمنستان از زحمتکشان خواستار مبارزه برعلیه داشناکها شد . در همه‌جا دستجات پارتیزانی تشکیل شدند و جنگهای شدیدی برعلیه دشمن آغاز کردند . لشکر ۱۱ ارتش روسیه شوروی به کمک شتافت .

داشناکها با آغاز آشوب ضد شوروی ، به کمک گرجستان منشویکی چشم دوخته بودند ، لیکن بزودی این امیدها ازمیان رفت . در ۲۵ فوریه ۱۹۲۱ دولت ارتجاعی منشویک‌های گرجی نیز منقرض گردید . با پیروزی حکومت شوروی در گرجستان آخرین میدان جنگ ضدشوروی ازبین رفت و توام با آن شکست شورش ضدشوروی در ارمنستان نیز ازقبل پیش بینی گردید . " کمیته آزادی وطن " بریاست س.وراتسیان سعی داشت با ترکیه کمالیست هم پیمان

گردد. حکومت اخیر در شناسایی "کمیته آزادی وطن" بعنوان تنها حکومت ارمنستان عجله کرد. در ۱۸ مارس ۱۹۲۱ س.ورانسیان به دولت ترکیه متوسل گردیده تقاضای کمک نظامی به ارمنستان کرد. ولی ترکیه که قرارداد مسکو را چند روز قبل امضاء کرده بود، راضی به مختل نمودن روابط خود با روسیه شوروی نگردید.



خیابان آستافیان (اکنون آبوویان) در ایروان

بزودی در جریان عملیات نظامی تحولی ایجاد شد. در سیمه‌های جنگ، ارتش سرخ به همراه دستجات پارتیزانی به آشوبگران حمله کرد. بایزیدنو، آخنا، آباران و آستاراک یکی پس از دیگری آزاد شدند. در دوم آوریل قشون شوروی وارد ایروان شد. ارتش سرخ با تعقیب دشمنان درحال عقب نشینی تا اواسط آوریل، نواحی باش ـ گارنی، باسارگچار و دارالاگباز را آزاد ساخت. بقایای نیروهای ازهم پاشیده دشمن به زانگزور فرار کردند.

پس از سرکوب ماجراجویی داشناکهای ضدشوروی ، حکومت شوروی به آزادسازی زانگزور پرداخت که داشناکها در آنجا به سرکردگی گروهمان نژده به آشوب خود ادامه می‌دادند . کوششهای دولت شوروی برای ترتیب امور توسط مذاکره صلح آمیز و استقرار حاکمیت شوروی برزانگزور ، بی‌نتیجه ماند . داشناکها بازهم امیدشان را به کمک امپریالیستهای غربی بسته بودند و برای مبارزه شدید علیه نظام جدید تدارک می‌دیدند . دولت ارمنستان شوروی اقدامات قاطعانه‌ای برعلیه این آخرین پایگاه ضدانقلاب عملی ساخت . در اواسط ژوئیه ۱۹۲۱ زانگزور کاملاً از نیروهای ضدانقلاب پاکسازی‌گردید. بقایای داشناکها به ایران فرار نمودند . با آزادی زانگزور ، جنگ داخلی ارمنستان پایان یافت و زحمتکشان جمهوری امکان بازگشت به کار سازنده خود را یافتند .



آلکساندر میاسنیکیان

در دوران جنگ داخلی ، کوشش در جهت برقراری حاکمیت ارمنی شوروی در ارمنستان شوروی ادامه می‌یافت . در ۲۱ مه ۱۹۲۱ به جای کمیته انقلاب ارمنستان ، شورای کمیسرهای خلق به رهبری آلکساندر میاسنیکیان ، چهره برجسته انقلابی ، حزبی و حکومتی ، تشکیل گردید ، میاسنیکیان که تا این موقع در بلوای روسیه شوروی بعنوان رئیس کمیته مرکزی اجرائی جمهوری فعالیت می‌کرد بنا به تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست به ارمنستان فرستاده شد تا رهبری حزبی و حکومتی شوروی را تحکیم بخشد . آلکساندرمیاسنیکیان بعنوان رئیس شورای کمیسرهای خلق تعیین گردید . در اولین شورای کمیسرهای

خلق شخصیتهایی چون آسکانازمراویان بعنوان کمیسر امور خارجه ، سوغوس ماکینسیان کمیسر امور داخله ، آراماٹیس یرزنکیان ، کمیسر کشاورزی ، آلکساندر بگزادیان کمیسر امور آذوقه و تجارت خارجی ، آشوت هوانیسیان کمیسرفرهنگ ، ساکوهامبارسومیان کمیسر بهداشت ، آرتاشس کاریتیان بعنوان کمیسر خلق در صنایع و غیره منصوب شدند . شخصیت برجسته حزبی س . لسوکساشیــــــــی (سراپیونیان) که وارد ارمنستان شده بود ، بعنوان دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان انتخاب شد .

در ۳۰ ژانویه ۱۹۲۲ اولین کنگره شوراهای ارمنستان تشکیل شد که اولین قانون اساسی ارمنستان شوروی را تصویب نمود .

فصــل بیست و دوم

دوران سازندگی سوسیالیستی

۱ـ آغاز سازندگی سوسیالیستی در ارمنستان

خلق ارمنی بنای نظام نوین اجتماعی را در شرایط سختی آغــاز نمود. دولت جوان شوروی یک کشور کاملا" از هم پاشیده به ارث برده بود. تولیــد ناخالص سال ۱۹۱۹ در مقایسه با ۱۹۱۳، ۱۲ مرتبه کاهش یافته بود. معادن و کارخانجات ذوب مس زانگزور و آلاوردی کار نمی‌کرد. ویرانی کامل برحمل‌و نقل راه‌آهن حکمفرما بوده بسیاری از پل‌ها و مسیرها خراب شده بــود و لوکوموتیو و واگون وجود نداشت. در همان دوره، تولیدات ناخالص کشاورزی تقریبا" ۶ مرتبه‌تقلیل یافته و منابع غذایی کشور تمام شده بود. برای خــارج نمودن کشور از این وضع اسفناک ایجاد شرایط نرمال برای زندگی و بــرای تامین حداقل نیازهای ساکنین تلاشهای گسترده‌ای لازم بود.

روسیه شوروی دراین دوران سخت، در کار حل مسایل و مشکلات‌اقتصادی ارمنستان شوروی کمک‌های خود را نشان داد. هنوز در دسامبر ۱۹۲۰، و.ای. لنین اعضای کمیته انقلاب ارمنستان، آ. مراویان و س. درگابریلیان را ــ کــه

در مورد اوضاع ارمنستان گزارشی را به رهبران دولت روسیه شوروی ارائه داده بودند ــ در مسکو به حضور پذیرفت . اگرچه خود روسیه شوروی نیز در وضع بسیار سخت اقتصادی قرار داشت ، شورای کمیسرهای خلق جمهوری شوروی فدراتیو سوسیالیستی روسیه در ۱۳ دسامبر مسئله کمک مالی به ارمنستان شوروی را بررسی کرده و تصمیم به پرداخت ۵۰۶ هزار روبل طلا گرفت . در آغاز سال ۱۹۲۱ جمهوری ، از روسیه شوروی به مقادیر معتابهی غلات ، پارچه دارو و سایر کالاها دریافت کرد . در سال ۱۹۲۲ نیز روسیه اقدام به ارسال نان ، بذر غلات ، شکر ، پارچه ، دارو و نیز ماشین آلات و وسایل کشاورزی ، دستگاه‌های موسسات ارتباطی ، دستگاه‌های کارخانه پارچه بافی ــ که احداث آن بزودی در آلکساندراپول آغاز شد ــ نمود . جمهوری از آذربایجان شوروی ، نفت ، مواد نفتی ، تاحدی نیز غلات و سایر کالاها را وارد می‌کرد .

در سال ۱۹۲۲ فدراسیون آذربایجان ، ارمنستان و گرجستان تحت عنوان جمهوری شوروی فدراتیو سوسیالیستی ماوراء قفقاز تشکیل شد . ایجاد فدراسیون مربوط به ضرورت استحکام دوستی متقابل خلقهای ارمنی ، گرجی و آذری وتقویت همکاری‌های اقتصادی و سیاسی بین آنها بود .

در اواخر دسامبر ۱۹۲۲ اولین کنگره شوراها در مسکو تشکیل شد و در مورد تاسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تصمیم گرفت . راه بــرای تشکیل اتحاد شوروی قبلا" بوسیله ترقی و رونق جمهوری‌های ملی شوروی‌هموار گردیده بود . عهدنامه نظامی ــ سیاسی منعقده در دوران جنگ داخلــی ، جبهه واحد دیپلماتیک در شرایط محاصره کاپیتالیسم ، همکاری‌های اقتصادی ــ که به ویژه در زمینه احیاء اقتصاد مردمی گسترش یافته بود ــ اینها و یک رشته عوامل دیگر تشکیل اتحاد شوروی را ایجاب می‌کردند .

شیوه جدید حکومتی ، یعنی فدراسیون سوسیالیستی ، چه منافع حیاتی تمام اتحادیه و چه تک تک جمهوری‌های ملی را تضمین می‌نمود . تاسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، تحول سوسیالیستی اجتماع ، ترقــی اقتصادی و فرهنگی کلیه جمهوری‌های ملی ، استحکام آتی مواضع بین‌المللی

حکومت چندملیتی زحمتکشان را تشویق و تحریک نمود .

حزب کمونیست ارمنستان و حکومت شوروی با اقدام به احیاء واستحکام اقتصاد مردمی ، با رهنمودهای و .ای .لنین رهبری می‌شد تا عملیات احیاء کشاورزی و "بهبود وضع روستائیان و آغاز استعمال برق در کارها و عملیات وسیع در امر آبیاری" را به انجام‌برساند .

کمیته انقلاب جمهوری در ژوئن ۱۹۲۱ فرمانی در مورد مالیات مواد غذایی صادر نمود که براساس‌آن روستائیان بایستی به دولت حداقل مالیات را بصورت مواد غذایی پرداخت کنند . بدین وسیله این امکان به روستائیان داده شد تا اضافه برمصرف مواد را به بازارها ارسال دارند ، به تجارت ، آزادی داده شد که این امر باز هم به روستائیان کمک می‌نمود و براساس‌آن سایر رشته‌های اقتصاد نیز روند سریع صعودی پیدا می‌کرد . ملی شدن و مصادره تولیدات خانگی و خرد ممنوع اعلام شد . این اقدام قصد داشت کالاهای مورد نیاز مصرفی ساکنین شهر و روستا را تامین نماید ، که اساسا" بطریق صنایع خرد و خانگی تولید می‌گردید . سپس رفرم پولی انجام شد که به بی‌ارزشی پول پایان داده اوضاع مالی کشور را مرتب نمود . تمام این اقدامات جزئی از محتویات سیاست جدید اقتصادی (نپ) را تشکیل می‌داد که تمام کشور در بهار ۱۹۲۱ آغاز به‌آن نموده بود . این دوران بعنوان‌دوران گذر از کاپیتالیسم به سوسیالیسم مشهور گردیده است .

در زمینه احیاء شبکه آبرسانی و آبیاری در جمهوری کارهای چشمگیری انجام شد . در تابستان ۱۹۲۲ سطح بهره‌مند از آبیاری بالغ بر ۹۰ درصد سطح آبیاری‌شده در سال ۱۹۱۳ را تشکیل می‌داد . در عین حال ساختمان‌کانالهای جدید گسترش یافت . ساختمان کانالهای اجمیادزین در ۱۹۲۳ ، اوجیلار در سال ۱۹۲۴ وآماتسیراک در ۱۹۲۵ به اتمام رسید . کانال اخیر یکی‌ازبزرگترین کانالهای تازه ساز شوروی در سالهای اول گردید و امکان آبیاری حدود ۱۰ هزار هکتار زمین را داد .

در سال ۱۹۲۵ احیاء و بازسازی کشاورزی ارمنستان اساسا" پایان یافت .

در مقایسه با ۱۹۱۹ ، سطح زمینهای زیرکشت بیش از سه مرتبه افزایش یافت و تولیدات کشاورزی از سال ۱۹۱۳ افزون گردید . دامپروری در سال ۱۹۲۵ به مقیاس سال ۱۹۱۳ رسید . سیاست جدید اقتصادی راه ترقی روستا را بطـور اساسی متحول ساخت . اگر در دوران کاپیتالیسم ، پروسه قشربندی‌روستائیان بوقوع پیوست ـ که به سوی فزونی مشخص توازن خانوارهای مرفه وفقیرروستایی سیرمی‌نمود اما از همان سال‌های اول حکومت شوروی ، روستائیان بسیار فقیـر با دریافت زمین ، احشام و احتیاجات کشاورزی ، از وضعیت فقر به حالـت متوسط صعود کردند ، شمار آنها تدریجاً فزونی یافت . در عین حال ، تعداد روستائیان فاقد زمین بسیار تقلیل یافت و مقیاس خانوارهای ارباب و مرفـه کم شد .

فعالیت‌های احیاءو استحکام بخشی در تولیدات صنعتی نیز قـریـن موفقیت بود . در سالهای ۱۹۲۲-۱۹۲۱ ، کارخانه شراب و کنیاک " آرارات " در ایروان ، کارخانه‌جات چرم ، چند نیروگاه کوچک برق و موسسات دیگـر بازسازی شد . در سالهای ۲۹۲۴-۱۹۲۳ کارخانجات شراب قامارلو ، اجمیادـ زین و داوالو شروع بکار کرد . در سال ۱۹۲۵ سطح تولیدات شراب و کنیاک ارمنستان به مقیاس سال ۱۹۱۳ رسید . در همان سال بازسازی موسسات‌تولیدی چرم‌سازی و پنبه پاک کنی به اتمام رسید . تا سال ۱۹۲۵ تقریباً تمام‌نیروگاهها بازسازی شدند و تولیدانرژی برق نسبت به سال ۱۹۱۳ ، ۳/۵ برابر افزایـش یافت . در سال ۱۹۲۳ فعالیتهایی در جهت احیاء مهمترین رشته تـولیـدی ارمنستان ـ تولیدات مس ـ آغاز شد . دراینجا اختصاص مبالغ چشمگیـری ضرورت یافته بود که توسط دولت متحده تامین شد . در نوامبر ۱۹۲۴ ذوب مس مجدداً در غاپان شروع گردید . در همان تاریخ استخراج از معادن مـس آلاوردی دوباره ازسر گرفته شد .

درعین‌حال اقداماتی درجهت بازسازی حمل و نقل انجام شد . وضـع راه‌آهن مرتب شده و پلها ، ایستگاه‌ها و غیره مرمت گردید .

به موازات بازسازی اقتصاد مردمی ، فعالیت‌هایی نیز درجهت ایجـاد

رشته‌های جدید تولیدی بعمل آمد . در ۱۹۲۶–۱۹۲۵ ساختمان اولین موسسه تولیدات شیمیایی آغاز شد . در سال ۱۹۲۵ اولین محصول را کارخانه دخانیات ایروان بیرون داد و در سال بعد کارخانه صابون و زیتون پا به‌عرصه گذاشت . در سال ۱۹۲۵ کارهای ساختمانی نیروگاه‌های هیدرولیکی ایروان و لنیناکان شروع گردیده ، احداث نیروگاههای جدید در سایر مناطق جمهوری نیز پیش بینی شد .

در سال اقتصادی ۱۹۲۶–۱۹۲۵ تولید ناخالص محصولات‌عمده‌ارمنستان به ۲۵ درصد سطح تولیدات قبل از جنگ صعود کرد . در سال ۱۹۲۸تولیدات جمهوری به سطح ۱۹۱۳ رسید .

در طول سالهای احیاء اقتصاد مردمی،کارها با هیجان زیادی – که توده‌های زحمتکش جمهوری را تحت تاثیر قرار داده بود – به پیش می‌رفت . تشکل روابط جدید اجتماعی ، اقشار وسیع مردم را به تحرک واداشت و آنهارا به کار خلاقه تولیدی تشویق نمود . در کار بالا بردن سطح فرهنگ وبهزیستی مادی ، موفقیت‌های چشمگیری نصیب زحمتکشان گردید . زندگی جدید ریشه‌های عمیقی دواند و روابط اجتماعی ، معیشت و حیات را متحول ساخت . تحولات اجتماعی زحمتکشان تمام کشور و جمهوری توسط طرحها و خطوط مشی لنین در بنای سوسیالیسم رهبری می‌شد .

در ژانویه سال ۱۹۲۴ ، خلق شوروی و تمام بشریت پیشرو دچار فقدان عظیمی گردید ، و.ای.لنین بنیانگذار حزب کمونیست و اولین حکومت سوسیالیستی در جهان بدرود حیات گفت . زحمتکشان ارمنی نیز به همراه کلیه خلقهای شوروی با صفوفی فشرده‌تر در گرد حزب کمونیست جمع شدند و با عزم راسختری درجهت عملی ساختن پیامهای رهبر بسیج شدند . دولت شوروی بنا به درخواست زحمتکشان آلکساندراپول ، تصمیم گرفت آن شهر را بنام لنیناکان اسم‌گذاری کند .

اختتام موفقیت آمیز احیاء اقتصاد مردمی ، به زحمتکشان جمهوری امکان داد تا همگام با سایر خلقهای کشورمان ، به رهبری حزب کمونیست ،

اقدام به بنای ساختمان سوسیالیسم بنماید. دوران جدید ترقی ارمنستان با تجدید بنای اقتصاد مردمی و سازندگی سوسیالیستی، آغاز گردید.

۲ـ تجدید بنای سوسیالیستی اقتصاد مردمی ـ پیروزی سوسیالیسم

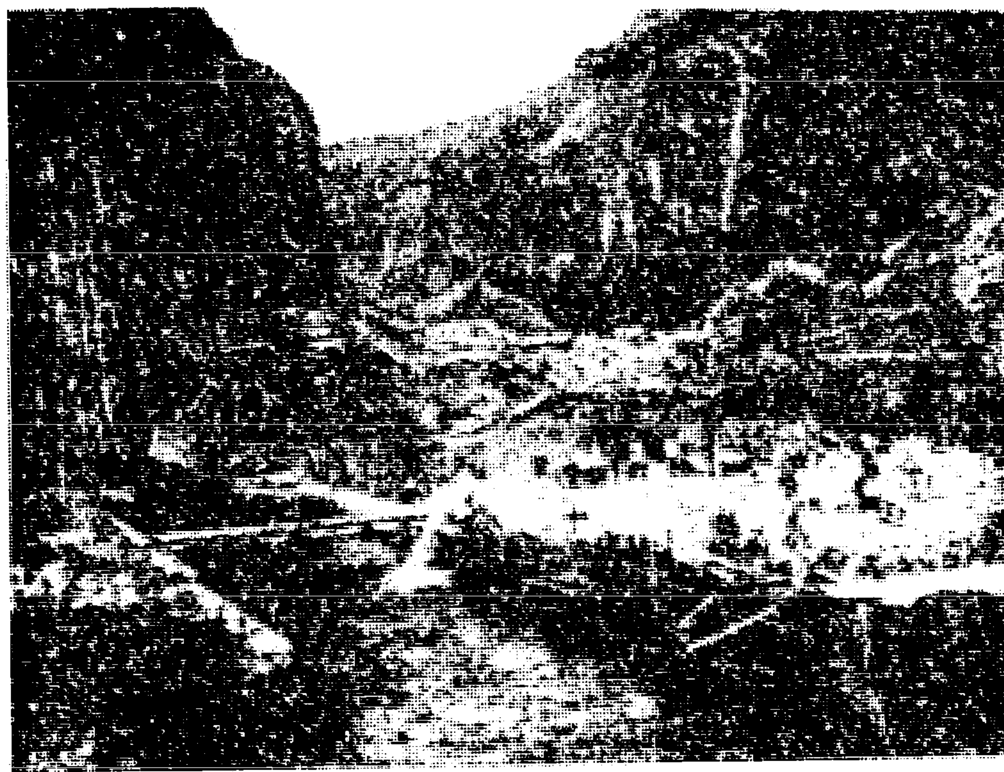
حزب کمونیست با اجرای طرح لنین در ساختمان سوسیالیسم، راه تجدید بنای سوسیالیستی اقتصاد مردمی را درپیش رفت. برای استحکام بخشیدن به استقلال اقتصادی کشور و برای گسترش اجرای طرحهای سوسیالیستی و یکسو نهادن شیوه‌های سرمایه‌داری، رشد سریع تولیدات، توسعه وسایل تولید ضرورت داشت. در سال ۱۹۲۵، چهاردهمین کنگره حزب کمونیست تشکیل و تصمیم به صنعتی کردن کشور گرفت. با اقدام به صنعتی کردن سوسیالیستی، حزب در عین حال مسئله از بین بردن نابرابری‌های اقتصادی و فرهنگی را توسط توسعه صنعت در کلیه جمهوری‌ها، مطرح نمود.

تولیدات صنایع سنگین در ارمنستان توسعه کمی به همراه داشته سود فقط کارخانجات ذوب مس به این گروه تولیدی تعلق داشت. بپایان بردن دوران احیاء تولیدات مس، تجدید بنای تکنیکی موسسات تولیدی مواد غذائی و سبک و ایجاد رشته‌های جدید تولیدی مطرح گردیده بود. بجز آن، زیربنای مستحکم انرژی برای اقتصاد مردمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. راههای ترقی صنعتی ارمنستان منوط به طرح توسعه اقتصادی تمام کشور بود. در سال ۱۹۲۸، طرحهای پنجساله توسعه علمی اقتصاد مردمی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکیل شد، که دورنماهای چه توسعه اقتصادی سراسر کشور و چه توسعه اقتصادی ـ اجتماعی مناطق مختلف را بیش بینی می‌کرد.

در سالهای اول صنعتی شدن، تجدید بنای کارخانجات ذوب مس و معادن مس غاپان و آلاوردی و توسعه فعالیتها در جمهوری اساساً به پایان رسید. به همت فعالیت فداکارانه کارگران در این رشته تولیدی ارمنستان، راندمان کار بالا رفته و مقدار تولید افزایش یافت. به موازات احیاء معادن و

کارخانجات ، فعالیتهایی نیز در تجدید بنای تکنیکی و فنی آنها انجام می‌شد. در سال ۱۹۳۷ سطح تولیدات مس به مقیاس سال ۱۹۱۳ رسید و اما در ۱۹۴۰ این میزان ۴۷ درصد هم فزونی یافت.

در سالهای قبل از جنگ ، چند رشته جدید تولیدی نظیر ، شیمی ، ماشین آلات ، ریسندگی ، ایجاد شدند و مخصوصا" تولیدات مواد غذایی و مصالح ساختمانی رشد فراوانی نمود . در همان اوان ، حدود صد موسسه بزرگ تولیدی ایجاد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت ، منجمله کارخانجات شیمیائی آلکساندر میاسنیکیان در گیرواکان و سرگی گیروف در ایروان ، کارخانه شیمیائی آلاوردی، کارخانه گوشت لنیناکان ، کارخانه سیمان داوالو ، کارخانه چوب ایروان وسایر واحدهای تولیدی . توجه ویژه‌ای به زیربنای انرژتیک واستفاده از منابع هیدرولیک مبذول گردید ، زیرا معادن زغال سنگ و نفت در جمهوری وجود



تاسیسات زوراگد

نداشت . در سالهای سازندگی سوسیالیستی چند نیروگاه هیدرولیکی عظیم (کاناکر ، زوراگد) و چند نیروگاه هیدرولیکی منطقه‌ای بنا شد . تولید انرژی برق در جمهوری بسرعت رو به افزایش نهاد . بدین سان اگر در سال ۱۹۱۹ ، کلاً ۱/۷ میلیون کیلو وات ساعت انرژی برق تولید شده بود ، در سال ۱۹۲۳ این رقم به ۲۰/۶ میلیون ، در ۱۹۳۲ به ۵۳/۶ میلیون ، در ۱۹۳۷ به ۲۵۸/۵ میلیون و در سال ۱۹۴۰ به ۳۹۵ میلیون کیلووات ساعت رسید . در مقایسه با ۱۹۱۳ ، در سال ۱۹۴۰ تولید نیروی برق در ارمنستان ۷۷ برابر افزایش داشت .

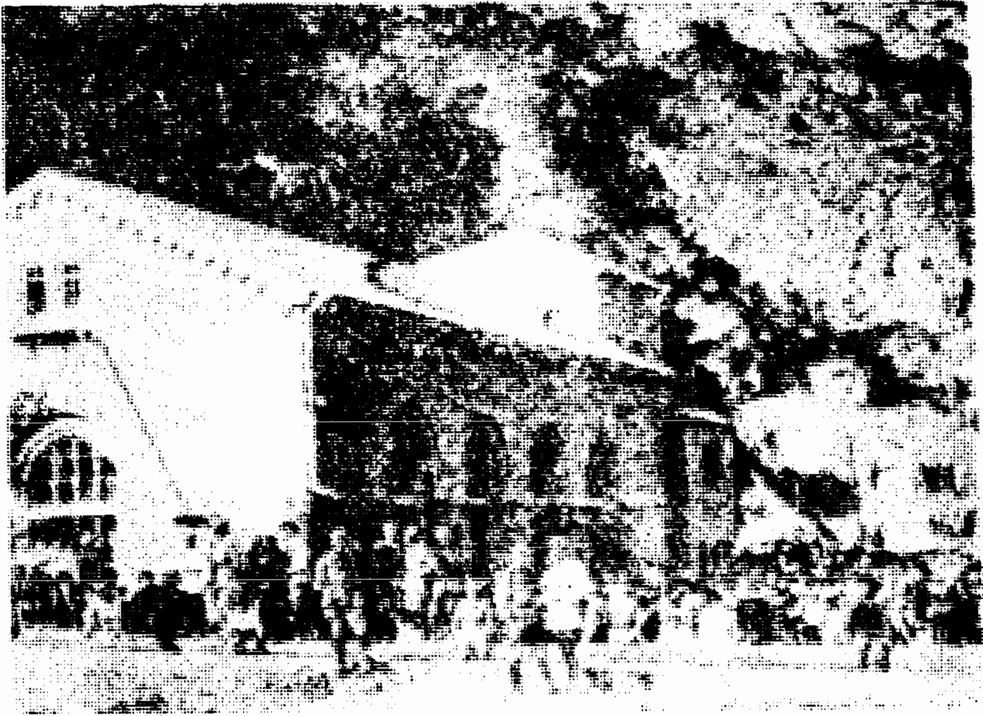
سطح تولیدات ، روند صعودی چشمگیری داشت . تولیدات ارمنستان در سال ۱۹۲۸ ، ۸/۷ برابر بیش از سال ۱۹۱۹ ، در ۱۹۳۲ ، ۸/۸ برابر ، در ۱۹۳۷ ، ۱۹ برابر ، در ۱۹۴۰ ، ۳۲ برابر بیشتر بود . بویژه سطح تولیدات سنگین سریعاً پیشرفت می‌نمود . در سال ۱۹۴۰ محصولات تولیدی عمده ۱۷۲ مرتبه از سطح ۱۹۱۹ افزون‌تر شد . درنتیجه رشد سریع تولیدات ، شالوده اقتصاد مردمی جمهوری عمیقاً متحول گردید . در سال ۱۹۳۲ میزان شاخص کل تولیدات اقتصاد مردمی به بیش از ۵۵ درصد ، و در ۱۹۴۰ به ۸۰/۸ درصد رسید . این امر بدان معنی است که در طول سالهای سازندگی سوسیالیستی، ارمنستان از کشور عقب مانده متکی به زمین به جمهوری پیشرفته صنعتی مبدل گردید .

در سال ۱۹۲۷ ، پانزدهمین کنگره حزبی تشکیل شد و در مورد جمعی نمودن[1] کشاورزی تصمیماتی گرفت . طرح جمعی نمودن با سیاست قبلی حکومت شوروی در دهات آماده شده بود . در نیمه دوم دهه ۲۰ ، شاخص خانواده‌های روستایی فاقد زمین یا کم زمین ، تنزل نمود و شمار متوسطین افزایش یافت . حکومت شوروی با اتکاء به بی‌بضاعت‌ها و متوسطین در قبال قشر بسیار مرفه و غنی دهات[2] ، سیاست‌های محدود کننده‌ای را اعمال می‌نمود . تا اجرای

1-Collectivism

۲ــ یا کولاک‌ها Kulak (ارباب روستایی) ــ م .

سیاست جمعی نمودن ، اشکال مختلف تعاونی‌ها توسعه یافته و اولین کلخوزها و واحدهای شورایی ایجاد گردید .



اولین اقدام در الکتریفیکاسیون ارمنستان.افتتاح نیروگاه برق ایروان (۱۹۲۶)

در سال ۱۹۲۹ در ارمنستان همچون سراسر اتحاد شوروی ، دوران‌عمومی جمعی نمودن آغاز گردید . حزب از مرحله محدود نمودن مالکیت اربابی بـه مرحله ازبین بردن کلی آن پای نهاد . در ماه‌های اول جمعی نمودن ،افزایش و رشد شدید کلخوزها در جمهوری چشمگیر بود . بدین ترتیب در نوامبر۱۹۲۹، ۱۷۸ ولی یکماه بعد ۲۷۵ کلخوز در ارمنستان وجود داشت . رشد جنبـــش کلخوزها در آغاز سال ۱۹۳۰ هم ادامه یافت . لیکن در ارمنستان همچـــون تمام کشور ، اشتباهات فاحشی در کارکلخوزها صورت گرفت . روند جمعی‌نمودن به نحو بی‌اساسی تسریع شده کلخوزهایی بطور عجولانه تشکیل یافت ، اصل مهم و .ای .لنین در مورد جنبش تعاونی یعنی رعایت عدم اجبار برتعاونـــی

نمودن واحدهای زراعی روستایی ، مختل گردید . تعجیلها و اشتباهات انجام شده در کار جمعی نمودن ، به این مسئله منتهی شد که در فوریه ۱۹۳۰ ، ۶۶۸ کلخوز در ارمنستان وجود داشت ، اما برخی نواحی جمهوری بعنوان نواحی کلکتیویاسیون سراسری اعلام گردید . به موازات اینها انواع دیگری از اختلالات بروز نمود . در برخی نواحی ارمنستان در قبال توده‌های اصلی روستایی یعنی طبقه متوسط ، تدابیر اشتباهی اتخاذ گردید ، اجازه تبدیل متوسطین به قشر کولاک داده شد و غیره . بخشی از کلخوزهای ایجاد شده برپایه‌های مستحکمی قرار نگرفته ، سریعاً از هم پاشید .

حزب کمونیست اقداماتی در جهت رفع اشتباهات انجام شده بعمل آورد . کمیته مرکزی حزب با یک رشته تصمیمات خود جریان توسعه سازندگی کلخوزها را در مسیر نرمال خود قرار داد . در ارمنستان نیز کلخوزهایی که عجولانه ایجاد شده بودند از هم پاشیدند ، فعالیتهای شدید توجیهی در قبال این مسایل در روستاها آغاز شد . روند ایجاد کلخوزها با شرایط موجود در جمهوری هماهنگ گردید . دراثر اینها ، پروسه جمعی نمودن روند کندتر و طبیعتی مداومتر بخود گرفت . در سال ۱۹۳۲ ، طرح جمعی نمودن ، ۳۷/۹ درصد واحدهای زراعی روستایی را در تمام ارمنستان دربر گرفته بود . در سالهای بعد کلکتیویسم روند سریعتری بخود گرفت . در سال ۱۹۳۸ ، ۹۱/۹ درصد و در ۱۹۴۰ ، ۹۸/۳ درصد از واحدهای زراعی روستایی کلکتیو گردیده بود . دراین زمان ۹۹/۹ درصد از تمام زمینهای زیرکشت جمهوری به‌کلخوزها تعلق داشت .

عملی شدن برنامه تعاونی لنین به تحول کامل در مناسبات اجتماعی ــ سیاسی دهات منجر شد . به وجود آخرین طبقه‌استثمارگر کشورمان یعنی کولاکها پایان داده شد . واحدهای کوچک زراعی روستایی خط مشی واحدهای بزرگ را درپیش گرفتند . برای کشوری چون ارمنستان ــ که اکثریت جمعیت آن به کشاورزی اشتغال داشت ــ این تغییرات اهمیت قاطعانه‌ای به همراه داشت . کلکتیویسم ، پیمان روستائیان با طبقه کارگر را مستحکمتر نموده راه را برای

نزدیکی شهر و روستا هموار نمود. تحولات عظیمی در زندگی معنوی روستایی ارمنی بوقوع پیوست. سیستم جدید روابط اجتماعی به این مسئله کمک نمود که روستایی را نیز در فعالیتهای انجام شده در جهت بهبود تمام اجتماع شرکت داد. نحوه و شیوه تولید در کلخوزها شرایط مناسبی برای توسعه محصولات کشاورزی بوجود آورد.

برقراری روابط تولیدی سوسیالیستی در تمام زمینه‌های اقتصاد مردمی موجب پیروزی سوسیالیسم گردید. همچون تمام کشور، در ارمنستان نیز اقتصاد نوین سوسیالیستی بوجود آمد.

مشکلات بنای سوسیالیسم اساساً متوجه حزبی گردید که انقلاب کرده در راه تحکیم حکومت شوروی و تجدید بنای اقتصاد مردمی مبارزه نموده بود. کمونیستها در اولین صفوف بناکنندگان سوسیالیسم قرار داشتند. کمونیستهای ارمنستان به همراه تمام حزب، برای فشرده نگهداشتن صفوفشان مبارزه می‌نمودند و به تمام گروههای اپورتیونیستی در حزب ــ که سعی در منحرف ساختن زندگی داخلی حزب از اصول لنین داشتند ــ ضربه وارد می‌ساختند. سازمانهای حزبی جمهوری، با استثناء ناچیزی، به خط مشی حزبی لنینی وفادار ماندند. آقایی خانجیان و ساهاک در ــ گابریلیان از رهبران حکومتی و حزب کمونیست جمهوری، خدمات عظیمی در جهت بالا بردن حس مبارزه و بنای سوسیالیسم و تحرک بخشیدن به کارگران انجام دادند.

در سالهای سازندگی سوسیالیسم، فعالیت ابداعی کارگران به رشد خود ادامه می‌داد. توده‌های وسیع کارگران، روستائیان و متفکرین جمهوری فعالانه در اقدامات سیاسی و اقتصادی شرکت می‌ورزیدند. پیشرفت طرحهای پنجساله توسعه اقتصاد مردمی کشور در شوراها، مجموعه‌های کارخانجات، شوراهای روستایی، صفحات جراید بررسی می‌شد و در قبال اجرای آنها وظایفی مورد عمل قرار می‌گرفت. موفقیت چشمگیر و جدید در سازندگی سوسیالیستی بعنوان یک جشن عمومی تلقی می‌شد.

در این سالهای سازندگی شدید ، فعالیت ابداعی توده‌ها ، جنبش قوی رقابتی سوسیالیستی را پدید آورد ، که تمام زمینه‌های اقتصاد را دربر گرفت . رقابت سوسیالیستی در تمام کشور بصورت اولین دوره کار داوطلبانه کمونیستی تا جنبش استاخانف جریان یافت ، جنبشی که در اواسط دهه ۳۰ گسترش زیادی نیز در ارمنستان داشت . رقابت سوسیالیستی بصورت عامل مهمی در بالا بردن راندمان کارها عمل می‌کرد . زحمتکشان جمهوری در جنبش نوین تولیدی شرکت می‌نمودند . در سالهای جمعی نمودن کشاورزی ، کار همراه با کمک دوستانه جمعی در واحدها بطور گسترده در جمهوری معمول گردید که یکی از اشکال کمک طبقه کارگر به روستائیان برای پیشرفت در خط مشی حدید بود .

زنان در زندگی تولیدی و اجتماعی ــ سیاسی کشور فعالانه‌شرکت‌نمودند. جوانان و بویژه کمونیست‌ها به انجام کارهای حیرت‌آور دست زدند .

موفقیتهای سازندگی سوسیالیسم ، امکان بالا بردن سطح بهزیستی‌مردم را فراهم آورد . در شهرهای جمهوری ساختمان واحدهای مسکونی گسترش یافت و شکل روستا تغییر نموده سطح فرهنگی آن بالا رفت . در سال ۱۹۳۵ سیستم کارتی مواد غذایی لغو شد . زحمتکشان رفاه و برکت زندگی نو را بطور واقعی احساس نموده به بهره‌جویی از ثمرات کار فداکارانه خود پرداختند .

فتوحات و موفقیتهای مردم شوروی دراثر خودکامگی ی.استالین یعنی وقتی که اصول لنین در رهبری جمعی و زندگی‌درون ــ حزبی زیرپا گذاشته می‌شد و موعد تشکیل کنگره‌های حزبی مختل می‌گردید افول نمود . در نیمه دوم دهه ۳۰ ، قوانین سوسیالیستی شدیداً در معرض خطر و اختلال قرار گرفت . این پدیده‌ها زیان سختی برکشور تحمیل نموده ، ترقی طبیعی نظام اجتماعی شوروی را دشوارتر کرد . لیکن با این وجود ، اینها نمی‌توانستند ماهیت نظام سوسیالیستی را تغییر داده و فتوحات و موفقیتهای‌عظیم‌اقتصادی و فرهنگی مردم شوروی را متوقف سازند . ترقی نظام اجتماعی شوروی‌درمسیر پیشرو خود جریان می‌یافت .

پیروزی سوسیالیسم اوضاع سیاسی ـ اجتماعی کشور را از زیر و بن متحول ساخت. به موازات پروسه طرد طبقه استثمارگر، عللی که منجر به محدودیت دمکراسی شوروی می‌شد، نابود گردید. زمینه‌هایی نیز در جهت دمکراتیک نمودن آتی نظام اجتماعی و حکومتی شوروی بوجود آمد. این تحولات و موجد اصلی پیروزی سوسیالیسم انعکاس خود را در قانون اساسی جدید اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ـ که در دسامبر ۱۹۳۶ تصویب گردید ـ یافتند. براساس قانون اساسی جدید: فدراسیون ماوراء قفقاز ـ که از نظر تاریخی نقش خود را ایفا نموده بود ـ لغو شد. جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان بصورت جمهوری متحده و یکی از جمهوری های متساوی الحقوق اتحاد شوروی درآمد.

در مارس ۱۹۳۷، نهمین کنگره فوق‌العاده شوراهای ارمنستان، قانون اساسی جدید جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان را بتصویب رساند که در آن تحولات اجتماعی ـ اقتصادی و سیاسی ایجاد شده در طول سالهای سازندگی سوسیالیستی در ارمنستان، انعکاس یافته بود. در سال ۱۹۳۸ برای اولین مرتبه در جمهوری، براساس قانون اساسی جدید، انتخابات عالیترین ارگان حکومتی یعنی شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان انجام شد.

در اواخر دهه ۳۰، در ارمنستان مانند سراسر اتحاد شوروی، تجدید بنای سوسیالیستی تمام زمینه‌های اقتصاد مردمی بپایان رسید و نظام سوسیالیستی بطور اصولی پایه‌ریزی شد. خلق ارمنی با عملی‌ساختن طرحهای لنین در طول بیست سال اول حکومت شوروی، به موفقیت‌های بی‌سابقه‌ای دست یافت. از ویرانه‌ها به سوی تولیدات پیشرفته معاصر، از رکود اقتصادی و قحطی به کشاورزی ماشینیزه، از جهل و بی‌سوادی به قله‌های فرهنگ و علوم، اینست مسیری که خلق ارمنی در طول سالهای سازندگی سوسیالیسم پیمود.

دراثر پیروزی سوسیالیسم، ساختمان طبقاتی جمعیت جمهوری متحول شد. طبقه استثمارگر برای همیشه از بین رفت. همچون تمام اتحاد شوروی

در ارمنستان نیز طبقه کارگر، دهقانان کلخوزها و متفکرین در جای مستحکم خود باقی ماندند.

افزایش محسوس جمعیت شهری ـ که منوط به توسعه شدید صنایع بود ـ یکی از نکات قابل ذکر برای سازندگی سوسیالیسم در طول سالهای قبل از جنگ می‌باشد. اگر در سال ۱۹۱۳ درصدافزایش جمعیت شهری ارمنستان ۱۰/۴ بود این رقم در سال ۱۹۲۶ به ۱۹ و اما در ۱۹۳۵ به ۲۸/۶ درصد رسید.

هنوز در سالهای ۱۹۲۰، دولت ارمنستان شوروی اقداماتی در جهت برگشت ارامنه خارج به وطن انجام داده بود.

پس از جنگ اول جهانی، مهاجرنشین‌های قدیمی موجود در برخی کشورهای اروپایی و آسیایی از نجات یافتگان کشتارهای ارامنه در ارمنستان غربی و ترکیه پرشدند. بزرگترین مهاجرنشین‌ها در سوریه، مصر، یونان، بلغارستان، فرانسه، رومانی و ایالات متحده آمریکا واقع بودند. از اواسط دهه ۲۰ مهاجرنشینهای مشابهی نیز در کشورهای کانادا و آمریکای لاتین بوجود آمدند.

در مهاجرنشینهای ارمنی، احزاب داشناکسوتیون، هونچاک و رامکاوار ـ آزاداکان[۳] به فعالیت خود ادامه می‌دادند. اگر هونچاکها و آزاداکان ها ارمنستان شوروی را برسمیت شناختند و معتقد بودند که کمک همه جانبه به توسعه و پیشرفت میهن اجتناب ناپذیر است، ولی حزب داشناکسوتیون سیاست ضدشوروی خود را در خارج ادامه داد. کمونیست‌های ارمنی در کشورهای خارج در احزاب ممالک مزبور عضویت می‌یافتند و حتی درکشورهای فرانسه، بلغارستان، یونان و ایالات متحده آمریکا برای مدتی درکناراحزاب کمونیست، بخش ارمنی نیز وجود داشت.

در اولین سالهای حکومت شوروی، دولت ارمنستان فعالیت شدیدی

۳ـ حزبی که در سال ۱۹۲۱ با اتحاد احزاب رامکاوار و آزاداکان بوجود آمد هدف عمده آن آزادی سرزمینهای اشغالی توسط ترکیه و الحاق آنها به ارمنستان شوروی و تشکیل حکومت بزرگ ارمنی می‌باشد ـ م.

برای تعیین جهت صحیح توده‌های زحمتکش ارمنی خارج انجام داده‌می‌کوشید، اطلاعات صحیحی در مورد ارمنستان شوروی به آنها بدهد. بدین منظـــور برخی شخصیتهای برجسته اجتماعی و فرهنگی نظیر هوانس تومانیان، یغیشه چارنتس، د. درسیمونیان، آ. برزنکیان و سایرین به مهاجرنشین‌های ارمنـــی اعزام می‌شدند. در سال ۱۹۲۱، کمیته کمکهای ارمنستان (ه.اُ.ک.)، ارگان اصلی حکومت در ایجاد پیوند میان مهاجرنشین‌های ارمنی و میهن تاسیـــس شد. کمیته کمکهای ارمنستان شعب خود را در بسیاری از مهاجرنشینهای ارمنی خارج بوجود آورد.

در مهاجرنشین‌های ارمنی، جنبشی برای مهاجرت به وطن ایجاد شـد. اگر چه داشناکها به هرنحوی دراین کار ایجاد اختلال می‌کردند، باوجوداین، درآخر سال ۱۹۲۱ اولین کاروان مهاجرت به وطن از عراق بـــه ارمنستـــان شوروی حرکت کرد. صرف نظر از اوضاع وخیم حاکم برکشور دولـت ارمنستان شوروی اقدامات ضروری درجهت قبول مهاجرین، برای تقسیم زمیـــن، دادن کار به آنها و غیره انجام داد. در سالهای ۱۹۲۵–۱۹۲۴، از ایران، ترکیه، یونان، فرانسه و سوریه حدود ۲۰ هزار نفر به میهن برگشتند.

مهاجرت به وطن در سالهای بعد نیز ادامه یافت. در طول سالهـــای ۱۹۲۹–۱۹۲۶ حدود ۶ هزار ارمنی از ترکیه، یونان و فرانسه به‌میهن‌برگشتند. در اثناء سالهای ۱۹۳۳–۱۹۳۲ کاروانهای جدید مهاجرین از بلغارستـان، یونان و سایر ممالک راهی وطن گشتند. در ۱۹۳۶، حدود دو هزار نفـــر از فرانسه به‌میهن برگشت. در طول سالهای ۱۹۳۶–۱۹۲۱ بیش از ۴۲ هـزارنفر به ارمنستان شوروی مهاجرت نمودند. همه آنها جزو اتباع جمهوری درآمدند و کوشش خود را در کار سازندگی سوسیالیسم بکار گرفتند.

در عین حال اتحادیه‌های میهنی ارامنه خارج با اقدامات میهـــــن ـ دوستانه خود در مورد ساختن مناطق مسکونی در ارمنستان شوروی و نامگذاری آنها با اسامی شهرهای ارمنستان غربی ـ که ایشان و نیاکانشان درآنهـــا زیسته بودند ـ ظاهر گردید. دولت شوروی به این جنبش کمک نمود. برروی

نقشه ارمنستان شوروی شهرها و مناطقی با اسامی آرابگیرنو ، بوتانیای نـــو ، خاربرد نو ، مالاتیای نو ، سباستیای نو پیدایش یافت .

۳ــ ترقی فرهنگی ارامنه شوروی

تحولات عظیم اقتصادی کشور ، اساس ترقی فرهنگی را فراهم نمـــود . توام با صنعتی شدن و تجدید بنای سوسیالیستی کشاورزی ، انقلاب فرهنگـی نیز تحول عمیقی در زندگی مردم بوجود آورد .

در مدت کوتاه تاریخی ، خلق ارمنی مسایل مهم ترقی فرهنگی خـود را حل نمود . یکی از آنها نابودی جهل و بیسوادی مردم‌بود .

فعالیت‌های انجام شده در جهت نابود ساختن بیسوادی در جمهوری ، از همان اولین ماههای حکومت شوروی آغاز شد . در سپتامبر ۱۹۲۱ دولـــت ارمنستان شوروی مصوبه‌ای برای ازبین بردن بیسوادی صادر نمود . ارگانـهای آموزشی مردمی ، سازمانهای اجتماعی ، اتحادیه‌های صنفی ، حزب کمونیســت و مراکز جوانان کمونیست مشغول به فعالیت شدند . در طول سالهای ۱۹۴۰ــ ۱۹۲۱ حدود یک میلیون بیسواد و نیمه سواد ، یعنی اکثریت قاطع زحمتکشان ، خواندن و نوشتن آموختند . براساس داده‌های سرشماری ، درصد باسوادهـای بزرگسال ارمنی درسال ۱۸۹۷ ، ۹/۲ ، در ۱۹۲۶ ، ۳۸/۷ ، اما در ۱۹۳۹ ، ۸۳/۹ درصد بوده است . بدین ترتیب در طول سالهای سازندگی سوسیالیستی ارمنستان شوروی از سطح عالی باسوادها برخوردار گردید .

پس از استقرار حکومت شوروی ، فعالیت زیادی برای آموزش مـــدارس انجام شد . مدرسه از کلیسا تفکیک گردید و رهبری کل آموزش و پرورش مـردم دراختیار حکومت قرار گرفت . امر کسب تعلیمات برای زحمتکشان امکان پذیـر شد . صرف نظر از شرایط سخت حاکم برکشور ، حکومت شوروی اقداماتی بـرای ساختن مدرسه انجام داد . در سالهای اولیه حکومت شوروی شمار مدارس و محصلین آنها در جمهوری افزایش یافت . در سال تحصیلی ۱۹۲۲ــ۱۹۲۱ ،

۵۰۶ مدرسه و ۴۷/۷ هزار محصل . اما در سال تحصیلی ۱۹۲۶ـ۱۹۲۵، ۷۵۸ مدرسه و ۷۶/۹ هزار محصل وجود داشت . در سالهای اولیه حکومت شوروی یک رشته رفرمهایی انجام شد که سیستم و محتوای تحصیلی رادگرگون‌ساخت .

گسترش شبکه مدارس وافزایش چشمگیر معلمین در آغاز سال ۱۹۳۰ ، امکانات را برای تحصیلات کامل ابتدایی و سپس‌گام نهادن به مرحله تحصیلات اجباری هفت ساله مهیا ساخت . این مسئله یکی از موفقیت های عظیم انقلاب فرهنگی بود . در سال تحصیلی ۴۱ـ۱۹۴۰، ۱۱۵۵ مدرسه در ارمنستان وجود داشت ، که بخش عظیمی از آن مدارس هفت ساله ودبیرستان بود . و اما شمار دانش‌آموزان به ۳۲۶ هزار رسیده بود . بیش از ۱۱۲۰۰ معلم یا ده برابر بیش از ارمنستان دوران ماقبل حکومت شوروی مشغول بکار بودند .

همچنین سیستم آموزش عالی نیز برقرار شد . آغاز آن تاسیس دانشگاه دولتی ایروان در دسامبر ۱۹۲۰ بود که هاکوپ ماناندیان تاریخدان برجسته ارمنی بعنوان اولین رئیس‌آن انتخاب شد . در دوران اولیه ، این دانشگاه تنها موسسه آموزش عالی در جمهوری بود . در اینجا نه تنها کارآموزشی بلکه فعالیتهای علمی نیز صورت می‌گرفت . در اوایل دهه ۳۰ براساس‌دانشکده‌های دانشگاه ، انستیتوهای کشاورزی ، پلی‌تکنیک ، آموزش و پرورش، پزشکی و غیره در ارمنستان تاسیس شدند . به جز اینها ، کنسرواتوار و انستیتوی دامپزشکی نیز در جمهوری مشغول بکار شده بودند . بدین سان ، شبکه‌موسسات آموزش عالی برای تربیت متخصصین در سطح عالی برای اقتصاد مردمی ایجاد شد .



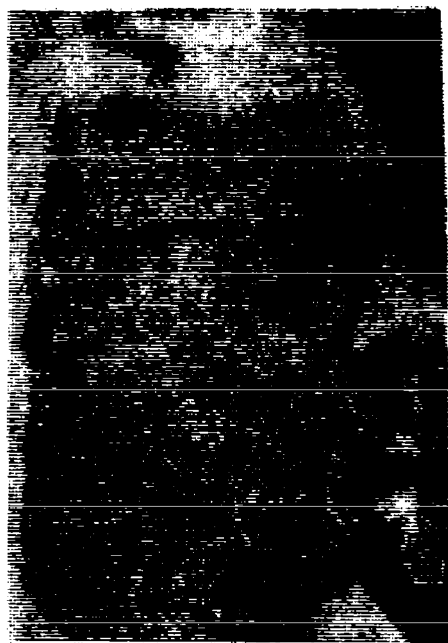
هاکوپ ماناندیان

کار آموزش تخصصی متوسطه‌متشکل‌گردید. در ایروان ، لنیناکان ، گیرُواکان ، اجمیادزین و سایر شهرها ، تکنیکوم های تخصصی مختلف

ایجاد گردید که برای رشته‌های گوناگون اقتصاد مردمی متخصصین متوسط تربیت می‌نمودند. در سال تحصیلی ۴۱–۱۹۴۰ در جمهوری ۹ موسسه آموزش عالی با ۱۲۰ ۱۱ دانشجو و ۶۲ تکنیکوم که در آن ۰۰۰ ۹ دانشجو مشغول تحصیل بودند، وجود داشت. در بیست سال اول حکومت شوروی ۷۲۵۰ نفر از موسسات آموزش عالی و ۳۰۰ ۱۲ نفر از تکنیکومهای ارمنستان فارغ‌التحصیل شدند. براساس داده‌های سرشماری سال ۱۹۲۹، از هر هزار نفر جمعیت ارمنستان ۶ نفر دارای تحصیلات عالی و ۸۱ نفر تحصیلات عالی ناتمام داشتند.

دولت شوروی با بهره‌جویی از اصول سیاست ملی لنین ـ که حزب کمونیست پیرو آن بود ـ در سالهای ۳۰–۱۹۲۰ توجه خود را به مسئله بالا بردن سطح فرهنگ آذربایجانی‌ها، کردها، آشوری‌ها، یونانیها، اقلیت‌های ملی ساکن در ارمنستان مبذول داشت. تا برقراری حکومت شوروی‌درارمنستان هیچ مدرسه‌ای با زبان اقلیتهای ملی دایر نبود. کردها خط و کتابت خود را نداشتند و کار آموزش و پرورش جمعیت آذربایجانی به مساجد محول‌شده‌بود.

فعالیتهای شدیدی در جهت ریشه‌کن نمودن بیسوادی در بین آذربایجانی‌ها، کردها و آشوری‌ها انجام گردید. الفبای کردی خلق شد که در ابتدا براساس حروف ارمنی ولی سپس بر پایه لاتین قرار داشت. در سال ۱۹۳۱ تکنیکوم تربیتی کردها در ایروان تاسیس شد. آموزش اجباری، بصورت اساسی برای ترقی آتی فرهنگ اقلیتهای ملی درآمد.

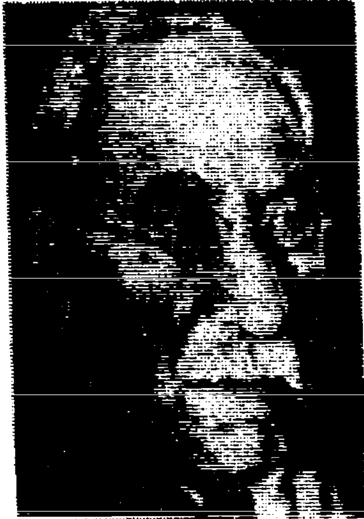


هرآچیا آچاریان

اولین قدمهای ترقی علوم در ارمنستان منوط به موسسات آموزش عالی بویژه دانشگاه دولتی ایروان است.

در کرسی‌های دانشگاه فعالیت وسیع در سطح عالی صورت‌می‌گرفت که جریان آن منوط

به نیازهای ترقی اقتصاد مردمی کشور بود . در عین حال موسسات تحقیقات علمی هم تاسیس می‌یافت . در سال ۱۹۲۵ انستیتوی علوم و هنر ارمنستان بنیان نهاده شد ، که یک موسسه علمی بفرم آکادمی بود . اعضای اصلی و مکاتبه‌ای انستیتو برای سه سال انتخاب می‌شدند . اولین اعضای اصلی انستیتومنتخب دولت ، دانشمندان برجسته و شخصیت‌های هنری‌بودند منجمله دکترها ، واهان آرزرونی و هامبارسوم کِچِک ، شیمیدانها هاکوب‌هوانیسیان و لون وستیکیان ، تاریخدانها ، هاکوپ ماناندیان ، لئو ، یرواندلالایان قوم شناس ، آشخارهیک کالانتار باستانشناس ، زبانشناسها هراچیا آجاریان‌و گریگور غاپانتسیان ، ادبا ، مانوک آبِغیان ، آرسِن دِردِریان ، نویسندگان یغیشه چارِنتس و درنیک دمیرچیان ، مارتیروس ساریان ، نقاش ، موسیقیدانها آلکساندر اسپندیاریان ، رومانوس مِلیکیان و سایرین . فعالیتهای ترقی علوم انسانی و طبیعی تکنیکی در ارمنستان توسط انستیتوی علوم و هنر انجام و رهبری می‌شد . مهمترین رشته ، علوم اجتماعی بود که با خط مشی علوم اجتماعی و با شرکت کادر عالی علمی و سابقه موجود در این رشته جریان می‌یافت . ولی در اواخر دهه ۲۰ ، علومی که بانیازهای توسعه اقتصاد مردمی جمهوری وابسته بود مورد توجه خاصی قرار گرفت . اساس تجربی آنها نیز پایه‌ریزی شد . این کار ابتدا در کنار آزمایشگاههای موسسات آموزش عالی‌ولی بعدها بصورت موسسات تحقیقات علمی مستقل جامه عمل می‌پوشد . تحقیقات چشمگیری که در رشته شیمی انجام شده بود به تاسیس مدرسه شیمی منجر گردید که ریاست آن با استپان غامباریان و لِوُن وُستیکیان بود . تحقیقات انجام شده در زمینه هیدروتکنیک که توسط یوسیف در ــ آستوازادریان ، مهندس برجسته انرژی انجام شده بود ، به ترقی زمینه‌های انرژی‌درارمنستان


مانوک آبِغیان

آلکساندر میاسنیکیان ، بوغوس ماکینسیان ، آسکاناز مراویان ، آرتاشش‌کارینیان و سایرین شرکت نمودند .


هوانس تومانیان

در راس تشکیلات ادبی‌ارمنی شوروی ، استادان برجسته ، مولفین ادبیات کلاسیک ارمنی ، نمایندگان جریان دمکراتیک ، هوانس‌تومانیان، هوانس هوانیسیان ، نار ــ دوس ، و نیز نویسندگان مشهور درنیک دمیرچیان ، استپان زوریان ، واهان توتوونتس و سایرین قرار داشتند . این نویسندگان که همیشه مبین آرزوها و امیدهای خلق‌ارمنی‌بوده‌اند، نمی‌توانستند تحولات عظیم‌ایجاد شده به همت حکومت جدیدرا، در زندگی مردم خود نادیده بگیرند . آنها انتخاب خود را انجام دادند، به طرف حکومت مردم‌ملحق شدند . آلکساندر شیروانزاده و آوتیک‌ایساهاکیان ــ که در این هنگام در خارج اقامت داشتند ــ به میهن آزاد شده لبیک‌گفتند. تحولی که در افکار این نمایندگان نامدار ادبیات ارمنی بوجود آمد تاثیر بسزای خود را بر متفکرین پیشرو خارج از میهن گذاشت .

در شکل‌گیری ادبیات ارمنی شوروی همچنین نویسندگانی تاثیر خود را نهادند که در مبارزه برای پیروزی حکومت شوروی شرکت نموده بودند نظیر یغیشه چارنتس، آزاد وشتونی و سایرین .

در ادبیات هنری،مسئله تمرکز نیروهای خلاقه برروی شالوده‌ای نو و اصول رئالیسم سوسیالیستی و بهره‌مندی از میراث دمکراتیک ادبیات کلاسیک

تحرک بخشید . در مورد زمین شناسی کاربردی فعالیتهای وسیعی صورت گرفت که بوسیله هوانس کاراپتیان و تیگران جرباشیان رهبری می شد .

در مدت کوتاهی انستیتوهای مختلف علمی چون انستیتوی کشاورزی ، انستیتوی حفظ نباتات ، انستیتوی زمین‌شناسی ، انستیتوی ساختمان و غیره تاسیس شد . در اوایل دهه ۳۰ ، حدود ۴۰ انستیتوی علمی در ارمنستان وجود داشت . ترقی فکر علمی در جمهوری تحت تاثیر مستقیم تمام موفقیتهای علمی شوروی قرار داشت . در سازماندهی کارها و فعالیتهای علمی ارمنستان ، دانشمندان برجسته‌ای چون ن . مار ، هـ . اوربلی ، ف . لوینسون ـ لسینگ ، ن . واویلف و سایرین شرکت می‌نمودند .



استپان غامباریان

تشکیل بخش ارمنی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در فوریه ۱۹۳۵ که مرکزی برای اتحاد نیروهای علمی گردید یک واقعه بسیار مهم در زندگی علمی جمهوری بود. بخش چشمگیری از انستیتوهای تحقیقات علمی جمهوری در زیر چتر بخش ارمنی آکادمی قرار گرفت . در سال ۱۹۳۸ ، آکادمیسین هوسپ اوربلی ، شرقشناس برجسته شوروی بعنوان رئیس بخش ارمنی آکادمی علوم اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی انتخاب گردید که در کار ترقی علوم در جمهوری نقش بزرگی ایفا نمود . کادر علمی افزایش یافت ، زمینه تحقیقات علمی گسترش پیدا کرده و فکر علمی با نیازهای سازندگی اقتصاد بیشتر عجین گردید .

پیروزی حکومت شوروی در ارمنستان شرایط را برای ترقی و رونق زیاد هنر و ادبیات خلق ارمنی مهیا ساخت . در خلق ادبیات ارمنی شوروی ، قبل از هر شخصی ، شاعر پرولتاریائی قبل از انقلاب هاکوپ هاکوپیان ، نثرنویس مُوسِس آرازی ، شاعره شوشانیک کورغینیان ، ادیبها و منقدین مارکسیست

آلکساندر میاسنیکیان ، بوغوس ماکینسیان ، آسکاناز مراویان ، آرتاشش‌کارینیان و سایرین شرکت نمودند .


هوانس تومانیان

در راس تشکیلات ادبی‌ارمنی شوروی ، استادان برجسته ، مولفین ادبیات کلاسیک ارمنی ، نمایندگان جریان دمکراتیک ، هوانس‌تومانیان، هوانس هوانیسیان ، نار ــ دوس ، و نیز نویسندگان مشهور درنیک دمیرچیان ، استپان زوریان ، واهان توتوونتس و سایرین قرار داشتند . این نویسندگان که همیشه مبین آرزوها و امیدهای خلق‌ارمنی‌بوده‌اند، نمی‌توانستند تحولات عظیم‌ایجاد شده به همت حکومت جدیدرا، در زندگی مردم خود نادیده بگیرند . آنها انتخاب خود را انجام دادند، به طرف حکومت مردم‌ملحق شدند . آلکساندر شیروانزاده و آوِتیک‌ایساهاکیان ــ که در این هنگام در خارج اقامت داشتند ــ به میهن آزاد شده لبیک‌گفتند. تحولی که در افکار این نمایندگان نامدار ادبیات ارمنی بوجود آمد تاثیر بسزای خود را بر متفکرین پیشرو خارج از میهن گذاشت .

در شکل‌گیری ادبیات ارمنی شوروی همچنین نویسندگانی تاثیر خود را نهادند که در مبارزه برای پیروزی حکومت شوروی شرکت نموده بودند نظیر یغیشه چارنتس، آزاد وشنونی و سایرین .

در ادبیات هنری،مسئله تمرکز نیروهای خلاقه برروی شالوده‌ای نو و اصول رئالیسم سوسیالیستی و بهره‌مندی از میراث دمکراتیک ادبیات کلاسیک

مطرح گردید . اگر چه نیهیلیسم تاحدودی در رابطه با فرهنگ گذشته رونق یافت ولی ادبیات ارمنی شوروی برمشکلات خود بر سر راه جریان تکاملی فایق آمد و توانست سلوک صحیحی با فرهنگ کلاسیک خود داشته باشد . در سال ۱۹۲۹ سازمان واحد نویسندگان ، یعنی فدراسیون نویسندگان ارمنستان شوروی ، تاسیس شد ، نیروهای خلاقه ادبی ارمنی متشکل و متحد گردیده تاثیر بزرگی برروی ترقی ادبیات ارمنی شوروی نهادند .



آوتیک ایساهاکیان

سالهای ۳۰-۱۹۲۰ سالهای پررونق ادبی در ارمنستان بود . شاعر بزرگ ارمنی شوروی ، یغیشه چارنتس ، شعرای برجسته گورگن ماهاری ، گغام ساریان ، نائیری زاریان ، نثرنویسان و استادان مسلم هنر ، آکسِل باگونتس ، دِرِنیک دِمیرچیان ، استپان زوریان به خلق آثار پرداختند . در سال ۱۹۳۶ ، شاعر بزرگ ارمنی ، آوتیک ایساهاکیان به ارمنستان برگشت . در سالهای دهه ۳۰ نسل جدیدی از نویسندگان پا به عرصه ادبیات ارمنی نهادند منجمله هراچیاکوچار ، گ . سوونتس و عده‌ای دیگرازنویسندگان جوان . در سال ۱۹۳۲ اتحادیه نویسندگان ارمنستان شوروی تاسیس شد که هماهنگی و گردهم‌آیی نویسندگان را استحکام بخشید .

در شکل گیری نقاشی ارمنی شوروی استادان برجسته‌ای چون مارتیروس ساریان ، سِدراک آراکِلیان ، استپان آقاجانیان ، یغیشه تادِوُسیان و هاکوپ کوجویان شرکت نمودند و تاثیر بزرگی برروی ترقی هنرهای نقاشی و مجسمه سازی نهاده گوناگونی و چند جانبه بودن مکتب نقاشی هنری رابنیان‌نهادند .

مجسمه‌سازها آراسارگسیان و سورن استپانیان موفقیت‌های چشمگیری بدست، آوردند .


یغیشه چارنتس

نمایندگان برجسته هنر موسیقی عبارت بودند از موسیقیدان نامدار آلکساندر اسپندیاریان ، نیکوغایوس تیگرانیان ، رومانوس ملیکیان ،اسپیریدون ملیکیان ، آنوشاوان درغوندیان ، که آثار آنها تحول عظیمی در موسیقی ارمنی بوجود آورد . در تاریخ موسیقی ارمنی بویژه شهرت آلکساندراسپند ـ یاریان قابل ستایش فراوان است . آثار سمفونیک ، رومانس‌ها و آوازهای وی که از اعماق موسیقی مردمی سرچشمه می‌گیرند برای موسیقیدان پرقریحه شهرت جهانی کسب نمودند . آثار آلکساندر اسپندیاریان برروی سیر ترقی هنر موسیقی ارمنی شوروی تاثیر بسزائی نهاد . افتتاح تئاتر اپرای دولتی در سال ۱۹۳۳ واقعه بسیار مهمی در زندگی موسیقی جمهوری بود و شاهکارهای هنر اپرای ملی در آن به روی صحنه آمد ، منجمله " آلماست " اثر آلکساندر اسپندیاریان و " آنوش" اثر آرمن تیگرانیان . در تئاتراپرا همچنین آثار موسیقی کلاسیک جهانی و روسیه نیز به اجرا درآمد. در سالهای دهه ۳۰ ، نیروهای اجرائی تئاتر را استادانی چون هایکانوش دانیلیان ــ که اولین چهره هنری ارمنی بود که لقب آرتیست مردمی اتحاد شوروی را کسب نمود ــ شارا تالیان ، پاول لیسیتسیان و سایرین تشکیل می‌دادند . در سال ۱۹۳۲ فیلارمونیک ارمنستان ایجاد گردید که نیروهای خلاقه آن فعالیت زیادی در گسترش و اشاعه و تبلیغ موسیقی ملی ارمنی انجام داده ، مضار ارمنی را با بهترین آثار جهانی نیز آشنا ساختند .

در سالهای دهه ۳۰ یک عده موسیقیدانان جوان پا به عرصه موسیقی

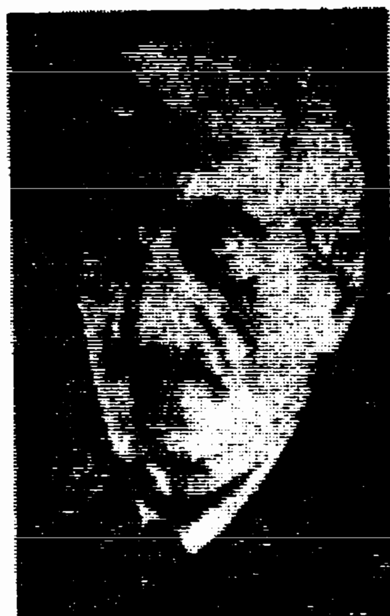
نهادند که بویژه آرام خاچاطوریان پیشتاز آنها گردید . موسیقی دانان آنتـــون مائیلیان ، هارواستپانیان و سایریــن آثاری با سبکهای گوناگون ابداع نمودند.



آلکساندر اسپندیاریان

هنر تئاتر موفقیتهای چشمگیری بدست آورد . در ژانویه ۱۹۲۲ بـــا نمایش پیس " پپو " اثرگ .سوندوکیان ، تئاتر دراماتیک دولتی ارمنستان افتتاح گردید که استادان مسلم صحنـــه ، هوانس آبلیان ، هاسمیک ، آروس ـ وسکانیان ، میکائل مانولیان ، و اهرام پاپازیان در آن فعالیت می نمودنـــد . بازیگران جوان و پرقریحه هراچیا نرسیسیان ، آوت آوتیان ، واغارشواغارشیان و سایرین در اواسط دهه ۲۰ وارد کار تئاتر شدند .

در صحنه تئاتر دراماتیک ، شاهکارـ های درام نویسان ارمنی ، روس و جهانـــی به نمایش گذارده می شد . توجه خاصی به نمایش آثار نمایشنامه نویسان شوروی مبذول می گردید . هنر تئاتر به نحو قاطعانه ای در سطح جمهوری شهرت کسب نموده مـــورد توجه و استقبال و احترام زحمتکشان واقع گردید .



آلکساندر تامانیان

در سال ۱۹۲۴ سینمای ارمنی بنیان نهاده شد ، که اولین ثمره آن فیلم مستند " ارمنستان شوروی " بود . سال بعد اولین فیلم هنری یعنی " ناموس " ساخته شـــد .

در سالهای بعد فیلمهای سینمایی " زاره " ، " روح خبیث " ، " سیاستمداران مکزیکی " و غیره تولید شد . فیلم " پپو " ــ که در سال ۱۹۳۵ توسط کارگردان هاموبگزادیان ساخته شد ــ بزرگترین موفقیت هنر سینمایی ارمنی بود . در سالهای بعد فیلمهای " گیکور " ، " زانگزور " ، " ماهیگیران سوان " و غیره ــ که بهترین نیروهای هنرپیشه جمهوری درآن‌ها شرکت داشتند ــ ساخته شدند .

آکادمیسین آلکساندرتامانیان (۱۹۳۶ــ۱۸۸۵) ــ که طرح اصلی توسعه شهر ایروان را به نحو درخشانی آماده کرده بود ــ نقش فوق‌العاده بزرگی در کار سازندگی ، بازسازی معماری و شکل‌گیری پایتخت ایفا نمود . با طرحهای او بسیاری بناهای باشکوه و منجمله ساختمان دولتی (مقر حکومت ــ م .) ، ساختمان اپرا و باله دولتی ، بنا گردید .

در زمینه مطالعه معماری چندین قرنی ارمنی ، دانشمند برجسته مهندس تورومس تورامانیان (۱۹۳۴ــ۱۸۶۴) کارهای عظیمی انجام داد .

در طول بیست سال اول حکومت شوروی ، ارمنستان مهد پرآوازه فرهنگ شکوفان خلق ارمنی گردید . این پیروزی ، بزرگ بود زیرا مراکز فرهنگی ارمنی قبل از انقلاب ، در خارج از ارمنستان اصلی قرار داشت . تاسیس حکومت ارمنی و امکانات وسیع ایجاد شده برای ابداعات معنوی ، بزودی ارمنستان را به مرکز عظیم زندگی فرهنگی تبدیل نمود ، که در آن ، فرهنگ ، زبان ، ادبیات ، هنر و علوم مردمی ترقی یافت .

فصل بیست و سوم

سالهای جنگ کبیر میهنی

آلمان هیتلری در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ با عهدشکنی به اتحاد شوروی حمله کرد . جنگ بزرگ میهنی آغاز گردید . با ندای حزب کمونیست ، تمام مردم برای دفاع از میهن سوسیالیستی بپاخاستند .

جنگ برای کشور شوروی تجربه تلخی بود . مردم شوروی با آگاهی کامل از خطرات سهمگین جنگ ، از روزهای اول نبرد خصوصیات والای خود ، فداکاری بسیار در قبال میهن سوسیالیستی ، استقامت و پایداری ، قهرمانی و پشتکار و قاطعیت در جهت نابودی دشمن ، را بروز داد .

خلق ارمنی نیز مانند تمام خلقهای برادر شوروی برای دفاع از میهن بپاخاست . از همان روزهای اول جنگ در کارخانجات ، موسسات و مراکز آموزشی جمهوری میتینگ‌های زحمتکشان انجام شد و آنها اتحاد و همبستگی خود را با حزب کمونیست و حکومت شوروی نشان داده ، آمادگی تمام نیروهای خود را برای نیل به پیروزی اعلام نمودند . هزاران زحمتکش جمهوری داوطلبانه وارد صفوف ارتش سرخ گردیدند . درابتدا کمونیستهاوکمونیستهای جوان رهسپار جبهه جنگ شدند . در سالهای ۱۹۴۳-۱۹۴۱ از ۳۶/۸ هزار

نفر اعضاء سازمانهای حزبی بیش از ۲۰ هزار نفر به جبهه جنگ رفتند اتحادیه جوانان کمونیست ارمنستان ۷۰ هزار نفر را به ارتش و منجمله بیش از ۲۰ هزار نفررا بصورت داوطلب به جبهه جنگ اعزام داشت.

سازمانهای حزبی و شوروی با اجرای رهنمودهای حزب و دولت، کار بازسازی اقتصاد مردمی را به شیوه جنگی، رهبری نمودند. "همه چیز برای جبهه جنگ، همه چیز برای پیروزی" شعار روز گردید. در موسسات تولیدی، کلخوزها و ساوخوزها، زنان و نوجوانان جانشین شوهران، پدران و برادران خود گردیدند که عازم جنگ شده بودند. فعالیت عمومی و مداوم کارخانجات و کارگاهها محفوظ ماند. در امر تولید، جنبش وطن دوستانه‌ای برای انجام به موقع سفارشات جنگی بوجود آمد. زحمتکشان دستهای سوسیالیستی می‌کوشیدند تا آنجائی‌که ممکن بود به کشور درحال جنگ مواد و آذوقه بدهند.

براساس تصمیم کمیته دفاع ملی برای اجباری شدن آموزش نظامی فعالیت زیادی در جمهوری انجام شد. دستجات نظامی مردمی، جوخه‌های ویرانگر، تشکیل شدند، مردم برامور دفاع ضدهوایی مسلط گردیدند. تمام امکانات وسایل ارتباط جمعی و تبلیغی به خدمت تعلیمات میهن دوستانه زحمتکشان و استحکام بخشیدن به دوستی خلقهای اتحاد شوروی در جبهه جنگ درآمد.

۱ــ در جبهه‌های جنگ

از همان روزهای اول جنگ، میلیونها فرزند از تمام خلقهای اتحاد شوروی و در وهله اول خلق بزرگ روس، نبردهای قهرمانانه‌ای برعلیه دشمن مقتدر انجام دادند. آنها قربانیان زیادی داشتند ولی راه پرافتخار پیروزی را درپیش گرفتند.

در جنگ برای استحکامات برست و اودساو در جنگهای دفاعی مسیر اسمولنسک و سایر جبهه‌ها، به همراه فرزندان دلیر خلقهای برادر اتحاد

شوروی ، صدها و هزاران سرباز و افسر ارمنی شجاعانه تلاش ومبارزه‌می‌نمودند. سپهبد توپخانه میکائل بارسغوف ــ که در آن سالهای پرمشقت فرمانده‌توپخانه جبهه جنوب غربی بود ــ در دفاع از کیف[1] فعالانه شرکت کرد . در همان جنگها ، رئیس ستاد ارتش دوازدهم سرلشکر باگرات آروشانیان ، فرمانده لشکر ، سرلشکر کریستاپور آلاوردیان ، معاون رئیس ستاد ارتش جبهه جنوب غربی سرهنگ هوانس باغرامیان ، خلبان لازرچاپچاخیان ــ که در ژانویه ۱۹۴۲ لقب قهرمان اتحاد شوروی به او اعطاء گردید ــ فعالیت چشمگیری از خود نشان دادند .

دریاسالار هوانس ایساکوف یکی از فرماندهان جبهه دفاعی لنینگراد بود . هوانس ایساکوف ــ که معاون اول کمیسر خلق در نیروی دریایی بود ــ برای هماهنگ نمودن عملیات دریایی ــ زمینی به لنینگراد اعزام شده بود . در اینجا او بعنوان معاون فرمانده نیروهای جبهه شمال غربی منصوب گردید، سپس به جبهه جنگی دریای سیاه منتقل شده در دفاع از قفقاز نقش رهبری داشت . در جنگهای لنینگراد سرلشکر هوانس گالستیان قهرمانانه شهید شد . در جبهه لنینگراد خلبان نلسون استپانیان در آسمان دریای‌بالتیک‌شجاعتهای خود را نشان داده بود . در اکتبر ۱۹۴۲ لقب قهرمان اتحاد شوروی به وی اعطاء گردید . خلبان دلیر بیش از ۲۳۰ پرواز جنگی انجام داده به مقدار معتنابهی وسایل جنگی ، بیش از ده ناو ، تعداد زیادی سرباز دشمن را نابود ساخت . در دسامبر ۱۹۴۴ او در جنگ هوایی به شهادت رسید . نلسون استپانیان پس از مرگ به کسب لقب مجدد قهرمانی اتحاد شوروی‌نایل‌گردید .

در اواخر سال ۱۹۴۱ تصمیمی دال برایجاد بخشهای ملی در ارتش سرخ گرفته شد . ارگانهای حزبی و شوروی ارمنستان اقدام به تشکیل دستجات ملی ارمنی ، تکمیل کادر ، یونیفرم ، تامین سلاح برای آنها و غیره نمودند . در دستجات ملی ارمنی بسیاری از فعالین حزبی و متفکرین جمهوری به کار

۱ـ Kiev پایتخت جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکرائین ــ م .

گماشته شدند .

در دسامبر ۱۹۴۱ لشکر ۸۹ پیاده در ایروان تشکیل شد که‌دراوت ۱۹۴۲ رهسپار جبهه جنگ گردیده راه پرافتخاری را از کوههای قفقاز تابرلین‌پیمود .

در طول نیمه دوم سال ۱۹۴۱ لشکر ۴۰۹ پیاده واقع در قلمرو جمهوری با سربازان ارمنی تکمیل‌گردید. در نوامبر ۱۹۴۲ آنهم به جبهه جنگ رهسپار گردید و با شرکت در جنگهای متعدد تا پراگ پیش رفت .


هوانس ایساکف ، دریادار
نیروی دریائی اتحاد شوروی

در نوامبر ۱۹۴۱ لشکر ۴۰۸ پیاده ــ که در ابتدا ترکیب انترناسیونال داشت ، ولی در اوایل ۱۹۴۲ باپیوستن ارامنه و تکمیل شدن آن به لشکر ارمنی تبدیل گردید ــ در ارمنستان سازمان یافت و در سپتامبر همان سال به‌جبهه جنگ عازم گردید .

لشکر ۳۹۰ پیاده‌ارمنی در آغاز سال ۱۹۴۲ در جبهه جنگ و شرایط نبرد ، در شبه جزیره کرچی تشکیل شد . بزودی آنهم با کادر دون‌پایه و فرماندهی اعزامی از جمهوری تکمیل شد . بلافاصله پس از تشکیل خود ، لشکر وارد جنگ‌های شدید برعلیه دشمن‌گردیده سعی نمود تا به همراه سایر لشکرها ، شبه جزیره کرچی را بتصرف درآورد و در طول ۵ ماه تا مه ۱۹۴۲ جنگهای شدیدی برعلیه نیروهای برتر دشمن انجام می‌داد . مبارزین ارمنی تلفات سنگینی متحمل می‌شدند ولی مقاومت قهرمانانه‌ای نشان می‌دادند . فرمانده لشکر س.زاکیان ، بسیاری‌ازفرماندهان و مبارزین درجنگ بشهادت رسیدند .

لشکر ۷۶ پیاده‌ـ کوهستانی نیز جزو نیروهای ارمنی بود که تاریخ

تاسیس آن به سال ۱۹۲۰ برمی‌گردد وقتی که ارتش سرخ ارمنستان شوروی تشکیل گردیده بود. در هنگام آغاز جنگ میهنی، این لشکر در ارمنستان بوده بسیاری از مبارزین ارمنی در تشکیلات آن شرکت داشتند. این لشکر در اوت ۱۹۴۱ توام با لشکرهای شوروی، وارد ایران گردید تا مرزهای جنوبی کشورمان را حفاظت نماید. سپس این لشکر به جبهه جنگ اعزام گردیده در نبرد استالینگراد شرکت نمود، در کورسک جنگید و در آزادی بلوروسیه شرکت کرد و مسیر جنگی خود را در سواحل بالتیک به پایان برد. در پائیز ۱۹۴۲، لشکر ۲۶۱ در ارمنستان تشکیل شد که ترکیب آن تماما" از ارامنه بود.


نلسون استپانیان

قهرمان مجدد اتحاد شوروی

واقعه بسیار مهم برای دوره اول جنگ، نبرد تاریخی مسکو بود. در اینجا اولین شکست جدی برارتش‌های فاشیست وارد آمد. پیروزی ارتش شوروی در نزدیکی مسکو طرح استراتژیکی برق‌آسای هیتلر را نقش برآب‌نمود. در جنگ مسکو واحدهای نظامیی به چشم خوردند که فرماندهان آنها ژنرال هوانس باغرامیان، سپهبد توپخانه میکائیل بارسغوف، سرهنگ هاسارکیس مارتیروسیان، هایک مارتیروسیان، نیکلای هوانیسیان، ایوان وکیلف، استپان گینوسیان و سایرین بودند. دفاع ضد هوائی مسکو را سرلشکر هوایی ـ بعدا" مارشال ـ سرگئی خودیاکوف (آر مناک خانپریان) رهبری می‌نمود. بسیاری از مبارزین ارمنی جانشان را در جنگهای پایتخت از دست دادند.

در بهار ۱۹۴۲ نیروهای مسلح آلمان حمله جدید خود را در جبهه شوروی ـ آلمان آغاز نمود. فرماندهی هیتلری قصد داشت به جنوب شرقی حمله نموده قفقاز را تصرف نماید و سپس به‌ساحل ولگا برسد. امید هیتلری‌ها

بدون اصول نبود ، زیرا ورود قشونشان به ماوراء قفقاز ، ترکیه را نیز برعلیه اتحاد شوروی وارد نبرد می‌نمود . در تابستان ۱۹۴۲ نیروهای فاشیست موفق شدند سواحل چپ اوکرائین ، روستوف را تصرف نموده به دون بروند و خطر جدی برای منطقه ولگا و قفقاز ایجاد نمایند . از همین موقع هم دومین نبرد بزرگ جهانی دوم ـ نبرد استالینگراد و دفاع از قفقاز ـ آغاز گردید ، که تواما" جریان یافته و روابط بسیار نزدیک عملیاتی ـ استراتژیکی باهم داشتند.

وقتی که خطر سهمگین متوجه قفقاز گردید ، خلقهای متعدد منطقه قاطعیت صددرصد خود را برای ممانعت از ورود دشمن به ماوراء قفقاز نشان دادند . در ۲۳ اوت ۱۹۴۲ میتینگ ضدفاشیستی نمایندگان خلقهای ماوراء قفقاز در تفلیس برگزار شد . نمایندگان خلقهای برادر ماوراء قفقاز ـ که در میتینگ نطقهایی ایراد نمودند ـ قسم خوردند فداکارانه بجنگند و دشمن را ـ که به نزدیکی کوههای قفقاز رسیده بود ـ نابود سازند . آکادمیسین هوسپ اوربلی از طرف شرکت کنندگان ارمنستان شوروی ، سخنرانی نمود . میتینگ از تمام خلقهای ماوراء قفقاز خواستار ایجاد جبهه مستحکمی برای ضربه وارد ساختن به دشمن شد .

در روزهای سخت جنگ ، خلق ارمنی نامه‌ای خطاب به فرزندان درحال جنگ خود فرستاد . در نامه ـ که بیش از ۳۳۵ هزار نفر از زحمتکشان جمهوری آن را امضاء نموده بودند ـ آمده است : " فرزندان عزیز خلق ، مبارزین و فرماندهان شجاع ما ، توسط این نامه ، تمام خلق ارمنی . . . سلامهای گرم . . . برای شما می‌فرستد . فرزندان عزیز ، در تمام طول این مدت ، چه در روزهای پر سرور پیروزی و چه در ایام سخت ناموفقیتها ، قلوب و افکار ما همیشه با شما بوده است . . . ای فرزندان ، رزمندگان ارتش سرخ ، ما باهیجان بسیار مبارزات شما را دنبال می‌کنیم . در خور و پسند خلقتان باشید . . . . هیچ لحظه‌ای فراموش نکنید که در جنگ برعلیه کفتار خون آشام هیتلری ، سرنوشت اتحاد شوروی ، سرنوشت خلق ارمنی تعیین می‌گردد " .

نامه مردم انعکاس وسیعی در بین رزمندگان بدست آورد و در تمام

واحدهای نظامی ارمنی بررسی شده در نشریات مرکزی و جبهه جنگ بچاپ رسید . مبارزین در جواب این نامه اطمینان می‌دادند که آبروی خلق ارمنی و سوابق پرافتخار جنگی آنرا حراست‌نموده حیثیت پدران ، خواهران و زنان خود را حفظ می‌کنند .

در دفاع از قفقاز واحدهای نظامی ارمنی نیز شرکت نمودند . لشکر ۸۹ ارمنی در گروزنی سنگر گرفت . لشکر ۴۰۸ ارمنی جنگهای شدیدی در حوالی نووروسیسک و سپس در ناحیه تواپسه انجام می‌داد . لشکر ۴۰۹ ارمنی در ناحیه موزدوک می‌جنگید . هزاران مبارز در سایر واحدهای جبهه‌های شمال قفقاز و ماوراء قفقاز به نبرد مشغول بودند . ارتش شوروی با عقب راندن حملات دشمن به ضدحمله پرداخت . آزاد سازی قفقاز شمالی آغاز شد . در این جنگها در بین سایرین ، رزمندگان متعدد ارمنی هم مورد تقدیر قرار گرفتند .

بویژه لشکر ۸۹ ارمنی جنگهای شدید و دلیرانه‌ای برعلیه دشمن انجام داد . با آغاز حمله به ناحیه مالگوبک (قفقاز شمالی) این لشکر در طول ژانویه ۱۹۴۳ حدود ۸۰۰ کیلومتر همراه با جنگ مداوم پیموده در آزاد سازی بسیاری از شهرها و مناطق قفقاز شمالی شرکت نمود ، در هنگام یکی از جنگها، فرمانده لشکر ، آ .واسیلیان قهرمانانه شهید شد . سپس لشکر ۸۹ ــ که سرهنگ نور سافاریان به فرماندهی آن انتخاب شده بود ــ به ناحیه شبه جزیره تامان اعزام گردید و فعالانه در آزادی آن‌جا شرکت نمود . درهنگام آزاد سازی نووروسیسک ، معاون فرمانده دسته ، کمونیست جوان ، هونان آودیسیان شجاعتهای فراموش نشدنی از خود نشان داد . در ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۳ در هنگام جنگ دولگایا ، او با سینه خود لوله توپ دشمن را مسدود کرد که به قیمت جان خود پیروزی دوستان درحال حمله‌اش را مسجل نمود . پس از شهادت هونان آودیسیان ، به او لقب قهرمان اتحاد شوروی اعطاء شد . جاهان کاراخانیان و سورن آراکلیان ، رزمندگان دیگر لشکر نیز که قهرمانانه شهید شده بودند ، به دریافت این لقب نایل آمدند . در جنگهای آزادی

تامان ، بخاطر فعالیت چشمگیر لشکر ۸۹ ارمنی،به‌آن عنوان " تامانیان " داده شد ، حدود ۲ هزار نفر از رزمندگان و فرماندهان لشکر به دریافت نشانهای جنگی نایل شدند . درجه فرمانده آن نورسافاریان نیز به سرلشکری ارتقاء یافت . بعدها لشکر تامانیان در آزادی کرچی و سواستاپول ــ که بخاطر آن نشان درفش قرمز به آن اعطاء شد ــ شرکت کرد . یک عده رزمندگان لشکر بخاطر شجاعتهای خود در آزادی سواستاپول به دریافت لقب قهرمان اتحاد شوروی نایل آمدند .

در جنگهای آزادی قفقاز و کریمه نیز مبارزین ارمنی سایر واحدهای‌نظامی مورد تقدیر قرار گرفتند . لقب قهرمان اتحاد شوروی به ستوان یکم د .مادویان، سروان خلبان س.مگردومیان ، فرمانده گردان توپخانه ستوان س. اوهانیان ــ که قهرمانانه در جنگ بشهادت رسید ــ و سایرین اعطاء شد .

لشکر ۷۶ ــ که هزاران جنگجوی ارمنی در آن عضویت داشتند فعالانه در نبرد استالینگراد شرکت کرد . این لشکر به خاطر انجام عالی عملیات جنگی صاحب نشان لنین گردیده مبدل به لشکر ۵۱ گارد شد . به چند مبارز منجمله به آرامائیس سارگسیان لقب قهرمان اتحاد شوروی داده شد . در آسمان استالینگراد خلبان سرگئی بورنازیان ــ که به او هم لقب قهرمان‌اتحاد شوروی اعطاء شد ــ شجاعانه می‌جنگید . در جنگ ساحل ولگا چنان واحدهای نظامی شجاع به چشم می‌خوردند که فرماندهان آنها سپهبد هایک تومانیان ، سرلشکرها آسکاناز کاراپتیان ، سرگئی کاراپتیان ، سپهبد توپخانه ایوان‌وکیلف و سایرین بودند .

مرحله دوم جنگ میهنی با نبرد استالینگراد به پایان رسید . پیروزی بزرگ ولگا تاثیر بسیار زیادی برروی جریان جنگ دوم جهانی نهاد . ارتش شوروی حمله خود را بطرف غرب ادامه داده قلمرو کشورمان را از اشغالگران آلمانی آزاد ساخت .

فرزندان خلق همّ و کوشش خود را در کار آزادی اوکرائین ، بلو روسیه‌و جمهوری‌های سواحل بالتیک از دست اشغالگران بکار بردند . در جنگهای

اوکرائین ، لشکر ۴۰۹ ارمنی شهرت خود را به گوش همگان رساند و در آزادی خارکف ، گیرووگراد ، دنیپرو پطروسک و سایر شهرها شرکت کرد . به لشکر نشان بوگودان خملینسکی و لقب " گیرووگراد " داده شد . جنگجویان ارمنی شجاعت زیادی در هنگام گذشتن از دنیپر نشان دادند که بخاطر آن به ۲۳ سرباز ارمنی و منجمله به آندرانیک غازاریان ، گدئون میکایلیان ، سورن سارگسیان و سایرین لقب قهرمان اتحاد شوروی اعطاء شد . در جنگهای آزادی کیف ، پایتخت اوکرائین ، فرماندهان متعدد ارمنی منجمله ژنرال سارگیس مارتیروسیان به چشم می‌خوردند . پس از آزادی کیف ، مارتیروسیان به فرماندهی پادگان شهر انتخاب شد .


هوانس باغرامیان
مارشال اتحاد شوروی

در جبهه‌های جنگ میهنی و بویژه در هنگام آزاد سازی بلو روسیه و کرانه‌های بالتیک ، ژنرال هوانس باغرامیان با استعداد خود در فرماندهی درخشید . باغرامیان بعنوان فرمانده ارتش وازنوامبر ۱۹۴۳ با سمت فرماندهی قوای جبهه اول کرانه‌های بالتیک ، در آزاد کردن بلوروسیه و کرانه‌های بالتیک شرکت نمود و سپس موفق گردید سازماندهی دشمن در پروس شرقی را درهم شکسته از اجرای طرحهای آن جلوگیری بعمل آورد . در ژوئیه ۱۹۴۴ به او لقب قهرمان اتحاد شوروی‌داده‌شد .

در جنگهای آزادی کشور شوروی بسیاری از فرزندان دلیر خلق ارمنی ــ که در جبهه‌های مختلف قسمتهایی را فرماندهی می‌نمودند ــ با فعالیت‌های خود به چشم خوردند ، نظیر ژنرال‌ها استپان گینوسیان ، سرگئی کاراپتیان ، گورگ درــ گاسپاریان ، هایک مارتیروسیان ، سرهنگ هاماسول هاروتیونیان ، گورگ باغداساریان ، سروان آرداوازد شارویان ، سرهنگ قوای تانک ــ

هامازاسپ باباخانیان و بسیاری دیگران .

در اواسط ۱۹۴۴ نیروهای شوروی ، کشورمان را از لوث وجوداشغالگران فاشیست پاک نمود . نبرد به قلمرو دشمن کشیده شد . آزاد سازی خلقهای اروپا از یوغ هیتلری آغاز شد .

در قلمرو اشغالی توسط اشغالگران فاشیست ، در طول نبرد بزرگ میهنی، جنگ واقعی مردمی گسترش یافت . صدها دسته و واحد پارتیزانی بوجود آمد که ضربات مهلکی بردشمن وارد کرده اغلب عملیات خود را با عملیات ارتش هماهنگ می‌ساخت . نه تنها مردم ساکن در قلمرو اشغالی و این دسته‌های پارتیزانی در جنگ شرکت می‌کردند ، بلکه نظامیان شوروی که از همان‌ماههای اول جنگ در محاصره قرار گرفته و یا از اسارت دشمن فرار نموده بودند نیز فعالیت می‌کردند . پارتیزانهای شوروی عملیات متعدد جنگی انجام داده خسارت سنگینی برارتش فاشیست وارد ساختند .

در جنگهای پارتیزانی بلوروسیه ، اوکرائین ، کریمه و کوبان ،جمهوریهای بالتیک ، لنینگراد و سایر نواحی ، به همراه فرزندان خلقهای روس، اوکرائین، بلوروس، قزاق ، گرجی و دیگران ، رزمندگان متعدد ارمنی نیز شرکت‌داشتند . فقط در گروههای پارتیزانی اوکرائین حدود ۱۰۰۰ پارتیزان ارمنی مبارزه می‌نمودند .

در صفوف سازمان پرافتخار زیرزمینی و ضدفاشیستی " گارد جوان "ـ که در شهر کراسنودون اوکرائین فعالیت می‌کرد ـ فرزندان خلق ارمنی ، مایا ـ پگلیوانوا و گئورگی هاروتیونیانس می‌جنگیدند . هنریک زاکاریان ـ که شجاعتهای بسیاری در برابر دشمن از خود نشان داده و بالاخره قهرمانانه شهید شد ـ یکی از اعضای برجسته سازمان زیرزمینی ضدفاشیستی " شکست ناپذیران " بود .

دهها رزمنده ارمنی در سازمانهای زیرزمینی ضدفاشیست ـ که در اردوهای اسرای جنگی تشکیل شده بودند ـ عضویت داشتند . پارتیزانهای

فراری از اسارت فاشیست‌ها ، در کشورهای اروپایی فعالیت نموده با نهضت مقاومت همکاری می‌کردند . در جنوب فرانسه یک دسته فعالیت داشت که براساس آن در تابستان ۱۹۴۴ اولین هنگ پارتیزانی شوروی در فرانسه (فرمانده آن سرگرد خلبان آلکساندر غازاریان ، معاونش سروان باردوغ پتروسیان) تشکیل شد .

هنگ پارتیزانی شوروی تا قبل از رسیدن متفقین به سواحل فرانسه ، در آزاد کردن برخی از شهرهای فرانسه از زیر یوغ قوای فاشیست شرکت نمود . فرماندهی کل نظامی فرانسه ــ که ژنرال دوگل آن را رهبری می‌نمود ــ عملیات جنگی این واحد پارتیزانی را بسیار مورد تقدیر قرار داده است . این هنگ به دریافت نشانهای فرانسه نایل آمد .



مجسمه یادبود ارمنستان مادر ــ ایروان

مگردیچ داشتویان ــ که از اسارت فاشیستها فرار نموده بود ــ در صفوف پارتیزانهای ایتالیا با شجاعت می‌جنگید و پس از مرگ وی، لقب قهرمان ملی ایتالیا به‌او اعطاء شد . همچنین پارتیزان قهرمان گورگ کوروزیان ــ که پس از مرگ ، دولت ایتالیا به وی نشان عالی نظامی داد ــ در خاک ایتالیا شهید شد . در صفوف پارتیزانهای قهرمان شوروی در چکسلواکی ، آرتم پتروسیان ــ که چندین اقدام قهرمانانه انجام داد ــ با شجاعت می‌جنگید . پارتیزان دلیر به دریافت نشانهای نظامی چکسلواکی نایل گردید .

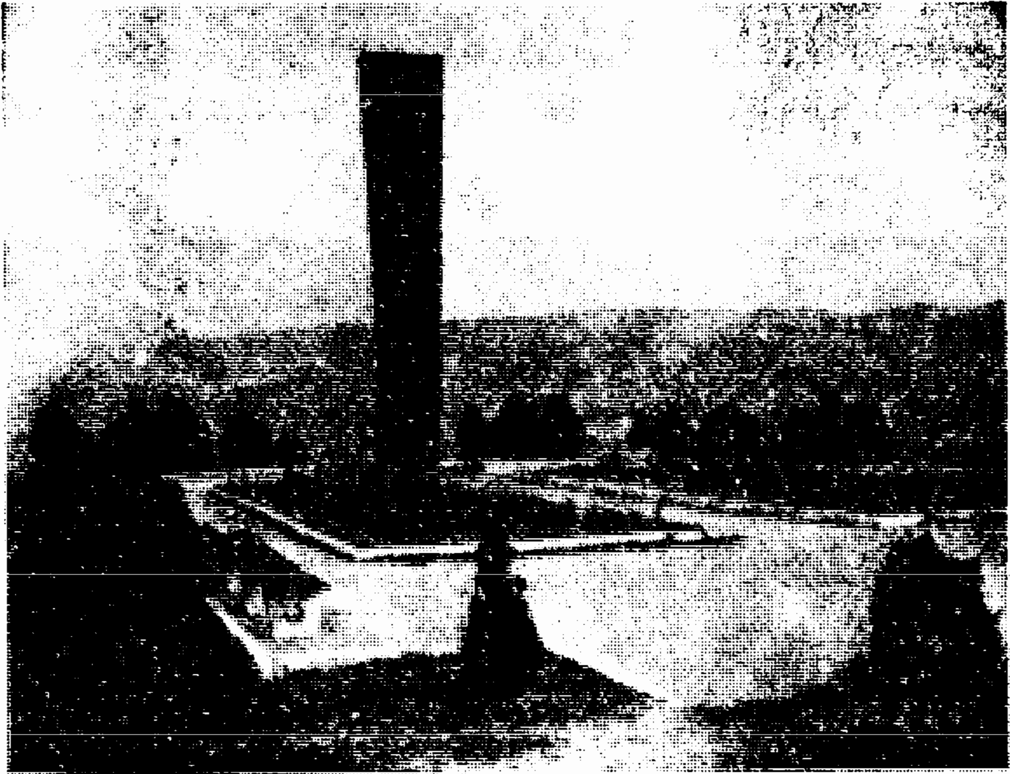
به همراه کلیه پارتیزانهای شوروی ، انتقامجویان خلق ارمنی شجاعانه

برعلیه دشمن ، آلمان فاشیست ، می‌جنگیدند .

فرزندان خلق ارمنی در صفوف ارتش مقتدر شوروی ، در مرحله پایانی جنگ نیز شجاعانه مبارزه نمودند . لشکر ۴۵۹ ارمنی درعملیات یاسی ـ کیشنیف، آزاد ساختن رومانی و مجارستان شرکت نمود . در آغاز سال ۱۹۴۵ واحدهای این لشکر در چکسلواکی به جنگ مشغول بودند و بویژه در جنگهای براتیسلاوا به چشم خوردند .

لشکر ۸۹ ارمنی در جمع نیروهای جبهه اول بلو روسیه با جنگیدن به لهستان وارد شده وارد قلمرو آلمان گردید و در فوریه ۱۹۴۵ با گذر از رود اُدِر ، در ساحل غربی آن مستقر شد . در طول دو ماه ، واحدهای لشکر این پایگاه مهم را در دست نگهداشتند و سپس با آغاز حمله وارد فرانکفورت گردیدند . این لشکر در نبردهای پایانی جنگ میهنی ـ تصرف برلین ـ شرکت کرد . مبارزین ارمنی در جنگهای برلین باردگر نمونه‌ای از قهرمانی و شجاعت را به نمایش گذاشتند . بیش از ۷ هزار رزمنده و افسر به دریافت نشانهای جنگی موفق گردیدند . لشکر با نشان جدید ، نشان درجه ۲ کوتوزوف ، قدردانی شد . در عملیات برلین واحدهای نظامی شرکت کردند که‌فرماندهان آنها مارشال هوایی خودیاکف ، ژنرالها س.گالاجف ، س.کاراپتیان ، ای . گاسپاریان و سایرین بودند .

پس از درهم شکستن آلمان فاشیست ، اتحاد شوروی با وفادار ماندن به دین خود نسبت به متفقین وارد عملیات جنگی برعلیه ژاپن شد . پس از مدت کوتاهی ، قوای شوروی ، واحدهای برجسته ارتش کوانتون ژاپن را درهم شکسته ، منچوری ، کره شمالی ، ساخالین جنوبی و جزایر کوریل را آزاد ساختند. شرکت اتحاد شوروی در جنگ برعلیه ژاپن شکست کشور اخیر و خاتمه دادن به جنگ جهانی دوم را تسریع نمود . در بین قوای شوروی در خاور دور ،قهرمان اتحاد شوروی سپهبد توپخانه میکایل بارسغوف ، مارشال‌هوایی سرگئی‌خودیاکف، ژنرالهاآندرانیک غازاریان ، گورگ چایلاخیان ، هایک تومانیان ، سرهنگ سارکیس خاچیکیان و سایرین مبارزه می‌نمودند .



بنای یادبود رزمندگان شهید ارمنی در سواستاپل

بدین ترتیب ، خلق ارمنی ، همّ خود را در کار پیروزی مردم شوروی در جنگ کبیر میهنی بکار برد . در سالهای سخت جنگ بیش از ۴۵۰ هزار نفر از فرزندان خلق ارمنی به صفوف نیروهای مسلح اتحاد شوروی فراخوانده شدند. بیش از ۷۰ هزار نفر آنها به دریافت نشانهای افتخار و مدالهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نایل آمدند . به ۱۰۲ فرزند دلیر خلق ارمنی لقب عالی قهرمانی اتحاد شوروی ، اما به یکی از آنها بنام خلبان نلسون استپانیان این لقب دو مرتبه داده شد . در جمع فرماندهان عالی اتحاد شوروی حدود ۶۰ ژنرال ارمنی وجود داشت ، که اینها در طول جنگ ، واحدهای بزرگ ارتش را فرماندهی می‌کردند . بویژه باید از قهرمان اتحاد شوروی ، ژنرال ارتش (بعداً ، مارشال) هوانس باغرامیان ــ که از مقام ریاست بخش عملیاتی واحد نظامی به فرماندهی قوا در جبهه ارتقاء یافته ، استعداد

درخشان خود را در فرماندهی ارتش نشان داد ــ قهرمان اتحاد شوروی دریاسالار نیروی دریایی اتحاد شوروی، هوانس ایساکف، مارشال هوایی سرگئی خودیاکف ــ که فرمانده واحدهای عمده نیروی هوایی فرمانده کل ستاد نیروهای رزمی ــ هوایی ارتش شوروی بود ــ و سایرین نام برد.



مقبره سرباز گمنام در ایروان

هزاران فرزند مردم شوروی جانشان را در راه آزادی و استقلال میهن نثار نمودند. در زیر دیوارهای برست، و در کرچ، گذرگاههای قفقاز وسواحل ولگا، در دشتهای اوکرائین و روسیه، در جاده‌های بی‌انتهای اروپا و خاک آلمان، قبر هزاران قهرمان گمنام ارمنی وجود دارد. آتش و آب در حال فوران مجسمه‌های یادبودی که مردم قدرشناس به پاس تمام فداکاری‌هایی که آنها برای وطن و خوشبختی نسلهای آینده انجام داده‌اند ــ ساخته‌اند، در اکثر شهرها و دهات شوروی و ارمنستان وجود دارند. مردم احترام خود را نثار این قهرمانان می‌نمایند.

۲ــ تلاشهای فداکارانه در پشت جبهه‌ها

جنگ در برابر صنایع تولیدی ارمنستان مسایل جدیدی مطرح ساخت ، که حل آنها با اشکالات فراوانی همراه بود . زیرا انتقال مواد خام از سایر جمهوری‌ها شدیداً" تقلیل یافته بود ، صنایع تولیدی ارمنستان می‌بایست امیدهای خود را به منابع خود معطوف می‌کرد و از تمام ذخایر تولیدی سود می‌جست . موسسات جمهوری می‌بایست در مدت زمان کوتاهی انواع جدیدی از کالاهاو عمدتا" سلاح و مواد جنگی تولید می‌کرد . صنایع سبک ارمنستان به کار تهیه لباس برای ارتش پرداخته ، تولیدات مواد غذایی احتیاجات متعدد جبهه جنگ را تامین می‌کرد . هنوز در آغاز ۱۹۴۲ حدود ۳۰ نوع کالاهای جنگی منجمله گلوله توپ ، نارنجک ، اژدر ، اژدرافکن ، مواد منفجره و سایر احتیاجات تولید می‌شد . در عین حال تولید مواد خام (کائوچو ، مس و غیره) افزایش یافت .

در طول سالهای جنگ بیش از ۳۰ موسسه جدید تولیدی در ارمنستان ایجاد گردید . ماشین سازی و محصولات شیمیایی بطور محسوسی ترقی نمود . تولیدات ناخالص ماشین‌سازی ۷۰ درصد ، محصولات شیمیایی ۲۱ درصد افزایش یافت .

کارهای مربوط به برنامه‌های کمیته دولتی دفاع در زمینه تولیدات‌کشور ، تهیه ابزار جنگی و سلاح ، لباس و آذوقه عمدتا" توسط طبقه کارگرانجام می‌گردید. با توجه به اینکه تعداد کارگران به علت اعزام مردان به جبهه تقلیل یافته بود ، طبقه کارگر با کار قهرمانانه خود طرحهای پیش بینی شده برای ترقی رشته‌های تولیدی احتیاجات جنگ را محفوظ نگهداشت . زنان شاغل در موسسات تولیدی (که عده‌آنها در سال ۱۹۴۵ درصد چشمگیری را تشکیل می‌داد) و نیز نوجوانان با موفقیت ، تخصصهای جدید را فرا گرفته و جنبش میهنی را برای کاربرد تخصص‌ها و کار روی ماشین‌ها اشاعه دادند .درسالهای

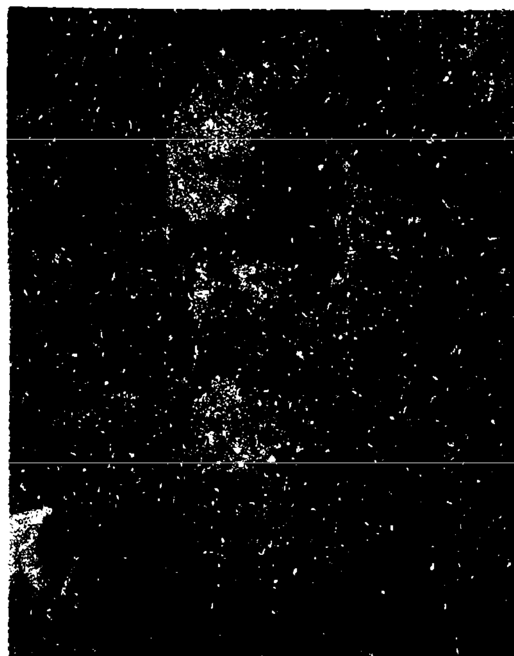
جنگ ، رقابتی برای لقب " بریگاد محرب " بوجود آمد که راندمان کاررابسیا ر ترقی بخشید . کمیته دولتی دفاع بدفعات مورد تقدیر بسیار قرار گرفته است و کار و کوششهای قهرمانانه کارگران ارمنستان باعث دریافت نشان پرچم قرمز برای موسسات جمهوری شده است . در شرایط سخت دوران جنگ و در محرومیت‌ها و احتیاجات ، زحمتکشان صنایع ارمنستان به همراه تمام مردم شوروی برای پیروزی بردشمن مبارزه می‌نمودند .

زحمتکشان بخش کشاورزی بر مشکلات بسیاری فائق آمدند . در اینجا بخصوص غیبت مردان زحمتکش محسوس بود . زنان و نوجوانان دهات ، سنگینی سالهای جنگ را بدوش گرفتند . آنها طرحهای ویژه دولت در مورد محصولات کشاورزی را جامه عمل پوشاندند . روستائیان کلخوزها در حین سالهای جنگ ، محرومیت‌های بسیاری را تحمل کرده بودند ، ولی ثمرات کوششهای خود را به جبهه جنگ می‌فرستادند و فداکارانه به میهن کمک می‌نمودند .

در ارمنستان ، همچون سراسر کشور ، کار و کوشش توده‌ای برای تهیه بودجه موسسه دفاع ، تهیه لباس گرم برای سربازان جبهه‌ها ، کمک به ساکنین رانده شده و مجروحین جنگ صورت گرفت . وقتی که قوای شوروی کار آزاد ساختن مناطق غربی از دست اشغالگران را آغاز نمودند ، زحمتکشان به باز سازی اقتصاد این مناطق کمک‌های فراوانی کردند .

صرفنظر از شرایط جنگی ، ارگانهای حزبی و شوروی ارمنستان به‌هرنحوی سعی نمودند تا از اختلال در روند فعالیتهای مدارس و موسسات آموزش عالی جلوگیری نموده ، عملی شدن طرح آموزش اجباری را ادامه دهند . موسسات آموزش عالی جمهوری در طول سالهای جنگ ، ۳۸۰۰ جوان متخصص فارغ‌ـ التحصیل داشتند که این رقم برای تکنیکومها ۶۴۰۰ بود . در سالهای ۱۹۴۵ ـ۱۹۴۳ موسسات جدید آموزش عالی ، انستیتوی تعلیم و تربیت روسی ، انستیتوی علوم ورزش و انستیتوی هنری ـ تئاتری در ایروان و انستیتوی تعلیم و تربیت در لنیناکان تاسیس شدند .

تاسیس آکادمی علوم جمهوری در سالهای جنگ، واقعه مهم زندگی فرهنگی ارمنستان، بود. در نوامبر ۱۹۴۳ دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تصمیم گرفت که برپایه بخش ارمنی آکادمی علوم اتحاد شوروی، آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان را بنا نهد، در جمع آکادمیسین‌های بنیانگذار آکادمی علوم ارمنستان شوروی، دانشمندان بزرگی در رشته‌های مختلف وجودداشتند نظیر فیزیولوژیست ل. اوربلی، فیزیکدان آ. آلیخانوف، آستروفیزیکدان ویکتور هامبارسومیان، متخصص علم مکانیک آ. هاکوبیان، زبانشناس‌ها هـ. آجاریان، س. مالخاسیان، گ. غاپانسیان، ادبیات شناسان م. آبغیان، آ. دردریان، شاعر آوتیک ایساهاکیان، تاریخدان‌ها هـ. اوربلی، هـ. ماناندیان و سایرین. هوسپ اوربلی بعنوان اولین رئیس آکادمی علوم ارمنستان‌شوروی‌انتخاب گردید. تاسیس آکادمی علوم نقطه‌عطفی در ترقی علوم جدید درجمهوری بود.



آکادمیسین هوسپ اربلی
اولین رئیس آکادمی علوم ارمنستان

دانشمندان ارمنی اقدامات بسیار پرارزشی در ترقی علم و تحکیم‌قدرت دفاعی کشور انجام دادند. آسترو فیزیکدان برجسته و. هامبارسومیان، از همان سالهای اول جنگ نظریه جدیدی در مورد پخش نور در حوزه مه گرفته ارائه داد که اهمیت کاربردی درجنگ داشت. این کشف جایزه درجه اول دولت اتحاد شوروی را با خود به ارمغان آورد. در زمینه مطالعه اشعه‌های فضایی، موفقیت‌های چشمگیری حاصل شد. تحقیقاتی در آزمایشگاهی در قله آراگاتس[۲] به رهبری آ. آلیخانوف و آ. آلیخانیان انجام می‌گرفت. این

۲ــ به ارتفاع ۴۰۹۰ متر ــ م.

تحقیقات در مورد ماهیت تشعشعات فضایی نتایج و دلایل جدیدی پیدا نمود ، رهبران این تحقیقات به دریافت جایزه درجه اول دولت شوروی نایل آمدند . تحقیقات دامنه‌دار علمی در زمینه‌های هیدروانرژی ، زمین شناسی ، علوم کشاورزی ، شیمی‌و علوم اجتماعی انجام شد .

جنگ کبیر میهنی مسایل جدیدی را برای ادبیات و هنر شوروی مطرح نمود . اهمیت تاثیر اجتماعی ادبیات و هنرفزونی یافت . بسیاری‌ازنویسندگان ارمنی بصورت خبرنگاران روزنامه‌های جبهه‌جنگ ، فعالین سیاسی ، سربازان و فرماندهان خدمت نمودند . بریگاردهای نویسندگان ارمنی شوروی رهسپار جبهه‌ها می‌گردید و با رزمندگان و افسران ملاقات می‌نمودند .

در طول سالهای جنگ ، ادبیات ارمنی در تمام سبکها موفقیت‌های‌بزرگی بدست آورد . نقدنویسی مکان مهمی بدست آورد . آوتیک ایساهاکیان ، نائیری زاریان ، هراچیا کوچار و سایر نویسندگان با مقاله های پرحرارت‌میهن‌دوستانه خود ظاهر گردیدند . بسیاری از نویسندگان به گذشته قهرمانانه مردم رجوع نمودند . درنیک دمیرچیان و استپان زوریان بترتیب رمانهای تاریخی و پر ارزش" وارتانانک " و " پاپ تاگاوُر [۳] " را خلق نمودند . آثار نویسندگانی چون گغام ساریان ، هوانس شیراز ، گورگن بوریان و سایرین آکنده با عشق به‌میهن بود . ادبیات ارمنی تلاشهای قهرمانانه مردم شوروی ، آرزوهای آن و اعتقاد به پیروزی را منعکس می‌نمود .

چهره‌های هنر تئاتر و موسیقی نیز در تعلیم و تربیت میهن دوستانه زحمتکشان سهم بسزائی داشتند . بریگاردهای موسیقیدانهای ارمنی نیز اغلب به جبهه‌های جنگ رفته و رزمندگان ارتش‌را از هنر خود پرنصیب می‌ساختند . گروههای بازیگران ارمنی نمایش‌هایی در بیمارستانهاوواحدها ی ارتشی ارائه می‌دادند . در لیست نمایش‌های تئاتر ، پیس‌های میهن‌پرستانه " میهن " اثر درنیک دمیرجیان ، " انتقام " اثر نائیری زاریان و پیس ها ی

۳ــ " پادشاه پاپ " ــ م .

آ. کورینچوک، ک. سیمونوف، ل. لئونوف و سایر نویسندگان شوروی قرار داشتند.

متفکرین ارمنی شوروی به همراه طبقه کارگر و روستائیان ساکن درکلخوزها در سالهای سخت جنگ دین خود را به میهن و خلق ادا نمودند.

اعجازهای زحمتکشان ارمنستان در جبهه کار و کوشش، از سوی حزب و دولت مورد تقدیر قرار گرفت. در طول سالهای جنگ بیش از ۶۶ هزارزحمتکش ارمنستان بخاطر تلاشهای فداکارانه خود با مدالها و نشانهای افتخار اتحاد شوروی مورد قدردانی قرار گرفتند.

۳ـ نیروهای مترقی ارامنه خارج در مبارزه علیه فاشیسم

نیروهای ترقیخواه ارمنی خارج در طول سالهای جنگ جهانی دوم فعالانه در مبارزه برعلیه فاشیسم شرکت نمودند. این مبارزه پس از حمله هیتلری به اتحاد شوروی شدت یافت. محافل وسیع ارامنه خارج متوجه شدند که درآن شرایط سخت می‌بایست با وطن خود همراه بوده و به هرشکل به آن کمک نمایند. در مهاجرنشین‌های ارمنی سازمانهای متعدد ترقیخواه تشکیل شدند که فعالیت شدیدی در جهت کمک به نیروهای مسلح شوروی برعلیه فاشیسم انجام دادند و روابط مستحکم معاضدت و تعاون با ارمنستان شوروی برقرار نمودند. از این سازمانها می‌توان "شورای ملی ارامنه آمریکا" و "اتحاد ترقیخواه ارامنه آمریکا" در ایالات متحده آمریکا، "جبهه ملی ارامنه" در فرانسه، "شورای ملی ارمنی سوریه و لبنان"، "اتحادیه دوستداران اتحاد شوروی" در ایران، "اتحادیه دوستداران فرهنگ ارمنی" در مصر، "اتحادیه فرهنگی ارامنه آرژانتین"، یک رشته سازمانهای ترقیخواه در عراق، قبرس، فلسطین و سایر کشورها را نام برد.

سازمانهای ترقیخواه ارامنه خارج در سالهای ۱۹۴۴ـ۱۹۴۳ مبالغی رابرای

تشکیل ستون تانکی " ساسونتسی داویت[۴] " جمع‌آوری نمودند که در اتحاد شوروی تشکیل شده در ۱۹۴۴ به ارتش درحال جنگ ملحق شد . به موازات آن مبالغی نیز برای کمک مالی به ارتش سرخ جمع‌آوری گردید .

هزاران ارمنی خارج در عملیات جنگی برعلیه فاشیسم شرکت نمود . فقط در ارتش ایالات متحده حدود ۲۰ هزار ارمنی می‌جنگید . هزاران ارمنی مصری در صفوف ارتش بریتانیا ، ارامنه بسیاری از سوریه و لبنان درواحدهای فرانسوی برعلیه فاشیسم مبارزه می‌نمودند .

در یک رشته از کشورهای اروپایی ، ارامنه خارج در جبهه مقاومت شرکت نمودند . در تاریخ مبارزاتی خلق فرانسه برعلیه اشغالگران فاشیست واحد انترناسیونالی ــ که فرمانده آن شاعر پرآوازه کمونیست ارامنه فرانسه ، میساک مانوشیان بود ــ صفحات پرافتخاری به خود اختصاص داد . گروه مانوشیان به عملیات مختلفی دست زده ، ترور انقلابی عده‌ای از دژخیمان هیتلری منجمله به قتل فرمانده‌نظامی آلمانی پاریس اقدام نمود . در سال ۱۹۴۳ گشتاپو موفق گردید میساک مانوشیان و ۲۲ رفیق او را زندانی کند . در فوریه ۱۹۴۴میهن دوستان در پاریس اعدام شدند . میساک مانوشیان لقب قهرمان ملی بدست آورد[۵] . در راه آزادی فرانسه همچنین اعضای نهضت مقاومت لوئیزا آسلانیان، آرسن چاکیان و سایرین جان خود را باختند .

هزاران ارمنی در مبارزه خلق یونان برعلیه اشغالگران فاشیست شرکت نمودند . فرماندهی ارتش آزادی بخش خلق یونان ، فعالیت‌ها و حماسه آفرینی‌های گروه پارتیزانی ارمنی " آزادی " را شدیداً" مورد قدردانی قرار داده است . در جنگ برعلیه دشمن صدها پارتیزان ارمنی قهرمانانه جان‌خود را از دست دادند . منجمله واهان ساهاکیان ، برادران آندرانیک و یروانـد غوکاسیان ، آودیس یاپونجیان . در مبارزه رهایی بخش ضدفاشیستی‌خلق‌بلغار،

۴ــ داویت ساسونی ــ م .

۵ــ سال گذشته از طرف دولت‌های فرانسه و شوروی و ارامنه تجلیل باشکوهی از وی در پاریس انجام گرفت ــ م .

کاراپت خاچاتوریان ، هاکوپ بارونیان ، هاروتیون بوغوسیان و سایرین شرکت نموده و قهرمانانه جان خود را فدا نمودند . ارامنه همچنین در نهضت‌های مقاومت لهستان ، یوگسلاوی ، ایتالیا و سایر کشورها شرکت نمودند .

دراثناء سالهای جنگ دوم جهانی ، گروهی از سران حزب داشناکسوتیون با دار و دسته هیتلری هم‌پیمان گردیده ، امید داشتند تا به کمک آنها حکومت خود را دگربار در ارمنستان برقرار سازند . این گروه کوشید توسط اسرای جنگی ارمنی شوروی به اصطلاح " لژیون‌های ارمنی " تشکیل دهد و به کمک آنها بر علیه ارتش شوروی بجنگد . ولی داشناکها کاملا" با شکست مواجه شدند . فاشیستها بزودی معتقد گردیدند که سربازان ارمنی عناصر نامطمئنی برای آنها بودند .

برای مثال هیتلر در یکی از شوراهای مشورتی خود با رهبران فاشیست در سال ۱۹۴۲ اعلام نموده‌است که " به ارامنه نباید اطمینان نمود " .

بدین ترتیب در طول سالهای جنگ دوم جهانی اکثریت قاطع ارامنه خارج که متشکل از سازمانهای ترقیخواه بود ، فعالانه در مبارزه برعلیه فاشیسم شرکت نمود . در این سالها میان نیروهای ترقیخواه ارامنه خارج و ارمنستان شوروی روابط مستحکمی برقرار شد . در ارمنستان ، کمیته روابط فرهنگی با کشورهای خارجی تشکیل گردید ، که فعالیت آن تا حد زیادی به توسعه و تحکیم روابط میان ارامنه خارج و میهن کمک نمود .

فصل بیست و چهارم

ارمنستان شوروی امروزی

۱ـ سالهای پس از جنگ (۱۹۵۸ـ۱۹۴۶)

آتش جنگ کبیر میهنی خاموش شد و مردم شوروی دگربار به کار و تلاش پرآرامش خود برگشتند. حزب کمونیست مسئله بازسازی اقتصاد مردمی کشور در کوتاه مدت، تکمیل بنای سوسیالیستی جامعه و آماده سازی زمینه لازم برای سازندگی کمونیستی را مطرح نمود. سالهای پس از جنگ، درارمنستان شوروی مانند سایر جمهوری‌های متحده، بصورت دوران ترقی، رشد سریع تولیدات و تحکیم آتی کشاورزی سوسیالیستی درآمد.

در ماه ژوئیه ۱۹۴۶، جلسه شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان در مورد برنامه چهارم پنجساله برای احیاء و بازسازی اقتصاد مردمی جمهوری قانونی را وضع کرد. اگر چه اقتصاد ارمنستان در دوران جنگ متلاشی نگشته، لیکن درنتیجه جنگ ساختمان اقتصاد شدیداً" دچار تغییرات گردیده بود. تعادل میان رشته‌های مختلف اقتصاد مردمی مختل شده بود که علت آن توسعه رشته‌های تولیدی بود که اکثراً" سفارشات جنگی را انجام

می‌دادند . اکنون مسئله هماهنگ نمودن اقتصاد ارمنستان شوروی بـا دوران صلح در کوتاه مدت ، بازسازی و بالا بردن سطح قبل از جنگ پتانسیل‌اقتصاد، برای زحمتکشان مطرح بود . این امر در طول یکسال انجام شد . هنوز در سال ۱۹۴۸ تولید ناخالص جمهوری ۳ درصد نسبت به سال ۱۹۴۰ فزونی یافتـــه بود .

در سالهای بعد ترقی سریع صنایع ادامه یافت . در طول برنامه پنــــج ساله چهارم در ارمنستان‌بیش از ۴۰ موسسه جدید تولیدی ساخته شد منجمله کارخانجات ماشین‌های الکتریکی ، کابل ، ساعت ، آلومینیم ، لاستیک‌اتوموبیل در ایروان ، کارخانه دو چرخه سازی لنیناکان ، کارخانه شکر اسپیتاک و یـــک رشته موسسات تولیدی و صنعتی سبک و مواد غذایی . به لطف کار نیـروهـای جدید تولیدی ، روند ترقی صنایع سیر صعودی پیمود . در ۱۹۵۰ تولیـــدات صنعتی جمهوری ۲/۷ برابر نسبت به سال ۱۹۴۵ فزونی یافت .

روند سریع ترقی صنایع در طول سالهای برنامه پنجساله پنجم (۱۹۵۵ ـ ۱۹۵۱) نیز محفوظ ماند . حدود ۵۰ موسسه جدید صنعتی بوجود آمـــد ، منجمله کارخانجات لامپ الکتریکی ، لوازم یدکی اتوموبیل ، شرابهای‌شامپاین، بتن آرمه در ایروان و یک رشته موسسات دیگر در سایر شهرهای جمهـوری . نیروگاه هیدروالکتریکی گیوموش ، با قدرت‌ترین نیروگاه مسیر سوان ـ هرازدان، مورد بهره‌برداری قرار گرفت . در طول سالهای برنامه پنجساله پنجم تولیـــد ناخالص صنایع از مرز ۲ برابر نیز گذشت .

در طول سالهای ۱۹۵۸ـ۱۹۴۶ در ساختمان صنایع ارمنستان شـــوروی تحولات بزرگی ایجاد شد . صنایع ماشین‌سازی ، متالوژی و شیمیایی بصـورت رشته‌های‌پیشتاز و مهم درآمد . جغرافیای پخش نیروهای تولیدی توسعه یافت . بجز ایروان ، کارخانجات بزرگی در گیرواکان ، لنیناکان ، هرازدان ، آرتیـکو سایر شهرها ایجاد شد . در طول همین دوران فعالیت چشمگیری در مـــورد مدرنیزاسیون وسایل تولید ، حفظ تکنیکهای پیشرو در صنایع ، بالا بـــــردن بازدهی کار بعمل آمد . در این سالها سطح تولیدات ۶ برابر افزایش یافت .

دراثر ترقی تولیدات، تعداد کارگران نیز بطور محسوسی افزایش‌یافت. کارگران در صفوف مقدم سازندگی سوسیالیستی در حرکت بودند و بصورت مبتکرین جنبش راسیونالیزاتورها و مخترعین درآمده، در بالابردن کیفیت و راندمان تولیدات، تلاش می‌نمودند. در جمهوری نوآوری‌ها و ابتکارات بی‌شمار مبتکرین صنایع اتحادشوروی فزونی یافت.

در سالهای اول پس از جنگ مشکلات بسیاری در پیش روی کشاورزی جمهوری قرار داشت. مفاد برنامه پنجساله چهارم در زمینه کشاورزی، بطور کامل به اجرا درنیامد. سطح محصولات غله از دوران قبل از جنگ فزونی یافت لیکن سطح محصولات حیوانی از میزان احتیاجات جمعیت و صنایع غذایی کمتر بود. مسایل بهبود کشاورزی در سراسر کشور از لحاظ اهمیت در مکان نخست قرار گرفت.

جلسه عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سپتامبر ۱۹۵۳، علل اصلی عقب ماندگی کشاورزی را تعیین نموده و اقدامات لازم برای حفظ ترقی آتی آنرا خاطرنشان گردید. به توسعه رقابت‌میان کارگران کلخوزها توجه زیادی شد. بنابه تصمیم دولت، قیمت محصولات کشاورزی افزایش یافت. تکنولوژی کشاورزی به‌طور چشمگیری ترقی نموده، توسعه آتی شبکه آبیاری را متحول ساخت. اقدامات انجام شده در مورد ترقی کشاورزی‌و افزایش محصولات آن بیشتر شد. در سال ۱۹۵۸ نسبت به ۱۹۵۳ محصولات انگور ارمنستان ۴۵ درصد، سبزیجات ۶۸/۷ درصد، گوشت ۴۰ درصد، شیر ۶۷ درصد افزایش یافت. سطح زمینهای زیرکشت گسترش یافته، هزاران‌هکتار باغ انگور و سایر میوه‌ها ایجاد گردید. در سال ۱۹۵۸ جمهوری برنامه‌های مختلف خرید و انبار نمودن محصولات کشاورزی را به نحو شایسته‌ای جامه عمل پوشاند. بازده کار در کلخوزها و سافخوزها ترقی نمود.

در سال ۱۹۵۸ به خاطر انجام کامل و موفقیت آمیز طرحهای خرید و انبار آذوقه توسط دولت، ترقی بازده کار در کشاورزی و افزایش تعداداحشام، به جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان نشان افتخار لنین اعطاء شد.

تحولات کشاورزی ادامه یافت. در ارمنستان نیز مانند سراسر کشور، بازسازی ایستگاه‌های ماشین آلات و تراکتور عملی گردید. در بهار ۱۹۵۸ به کلخوزها ماشین آلات کشاورزی فروخته شد اما ایستگاههای ماشین آلات و تراکتورها تعمیر و بازسازی شد. در ژوئیه ۱۹۵۸ جلسه عمومی شورای مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تشکیل گردیده و به تغییر نظام موجود خرید محصولات کشاورزی رای داد. شکل واحد خرید محصولات که براساس قیمتهای هم سطح قرار داشت، اتخاذ گردید. تمام این اقدامات به ترقی آتی محصولات کشاورزی کمک نمود.

تحولات مهمی در سراسر کشور و زندگی اجتماعی ــ سیاسی جمهوری بوجود آمد. پس از مرگ ای.و. استالین (۱۹۵۳) حزب کمونیست پیگیرانه طرحهای لنین را در حزب پیاده کرده سیاست اصلاح اشتباهات گذشته را در زمینه دمکراسی شوروی درپیش گرفت. شرایطی برای فعال نمودن هرچه بیشتر سازمانهای حزبی و اجتماعی، توسعه انتقاد سازنده و انتقاد از خود، بالا بردن نقش شوراها بوجود آمد. تظاهر و هیاهو، سایر روشهای ناقض اقدامات حزبی و دولتی، دوگماتیسم و عقب افتادگی عقیدتی در کار محکوم گردید. بیستمین کنگره حزب کمونیست شوروی ــ که در سال ۱۹۵۶ تشکیل شده بود ــ این سیاست حزب را ــ که مردم با گرمی از آن حمایت می‌کردند ــ بتصویب رساند. کنگره پدیده ناسازگار با ماهیت اجتماعی سوسیالیستی و مارکسیسم-لنینیسم، یعنی فردپرستی را محکوم ساخت و وسایل محو نمودن آثار آنرا متذکر گردید. حزب بنحو آشکار، اختلالات انجام شده در زمینه قوانین سوسیالیستی را اصلاح کرد. از شهروندان محکوم شده بدون اساس و پایه، اعاده حیثیت گردید، نام نیک چهره‌های حزبی، شوروی، علوم‌فرهنگ اعاده شد.

اقدامات انجام شده درجهت محو نتایج عصر فردپرستی به استقرار مجدد نرمهای لنینی در زندگی حزبی و ترقی آتی دمکراسی شوروی منجرگردید. در جمهوری، تشکیل کنگره‌های حزب کمونیست ارمنستان و جلسه‌های کمیته

مرکزی آن متناسب با خواستهای اساسنامه‌ای و حزب، بطور مرتب برگزارمی‌شد. دولت متحده اقداماتی در جهت توسعه حقوق جمهوری‌های متحده انجام داد. این مسئله به ارگانهای دولتی ارمستان امکان داد تا اقدامات ضروری درجهت ترقی امور اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی جمهوری را به حیطه اجرا درآورند. در ارمنستان مانند سراسر کشور اقداماتی درجهت بهبود وضع زحمتکشـــان انجام گردید. مزد زحمتکشانی که در سطح پائینی قرار داشت، افزایش‌یافته، تامین حقوق بازنشستگی برای زحمتکشان فراهم گردید. ساعات کار کـاهـش یافت. درجمهوری سازندگی شدید مسکن آغاز شد. در طول سالهای ۱۹۵۸ــ ۱۹۵۶ در شهرهای ارمستان واحدهای مسکونی بازیربنای کل ۴۰۰ هزار متر مربع ساخته شد و در همین سالها ۲۳ هزار خانه در کلخورها بنا گردید. به لطف اقدامات انجام شده در کشاورزی، درآمد واقعی کارگران کلخـوزهـــا افزایش یافت. موفقیت‌های مردم شوروی در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به حزب و دولت امکان داد تا مسئله ساختمان جامعه کمونیستی را مطرح نمایند.

بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم، جنبش وسیعی در مهاجـــر نشین‌های ارمنی برای برگشت به میهن آغاز گردید. در نوامبر ۱۹۴۵ دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بواسطه اقدامات دولت ارمنستان و تمایل ارامنه مقیم خارج، در مورد برگشت ارامنه به میهن تصمیم‌گرفت. کمیتــــهٔ قبول مهاجرین به‌وطن و اسکان آنها وابسته به دولت ارمنستان تشکیل گردید و فعالیت زیادی انجام داد.

سازمانهای ترقیخواه ارامنه خارج از مهاجرت به وطن حمایت نموده از هرگونه کمکی مضایقه نکردند. احزاب هونچاک و رامکاوار ــ آزادآکان، اتحادیه کل خیریه ارمنی ــ با نفوذترین سازمان اجتماعی ارامنه خارج ــ از این دست سازمانها بودند. در سال ۱۹۴۶ این سازمان برای تامین احتیاجات مهاجرین یک میلیون دلار کمک مالی نمود. حزب داشناکسوتیون برعلیه مهاجرت بـه

میهن ظاهر گردید و سیاست تهمت و افتراء برعلیه ارمنستان شوروی در پیش گرفت .


در خاک وطن

در طول سال ۱۹۴۶ ، از سوریه ، یونان ، لبنان ، ایران ، بلغارستان ، حدود ۵۰/۹ هزار ارمنی به ارمنستان شوروی برگشتند . درسال ۱۹۴۷ کاروانهای جدیدی از فلسطین ، سوریه ، فرانسه ، ایالات متحده آمریکا ، مصر ، یونان ، لبنان ، عراق با ۳۵/۴ هزار نفر وارد ارمنستان شدند . در سال ۱۹۴۸ نیز حدود ۱۰ هزار نفر به میهن بازگشتند . بدین سان در طول سالهای ۱۹۴۸–۱۹۴۶ حدود ۱۰۰ هزار ارمنی از خارج به میهن مهاجرت کردند .

مهاجرین از نظر مسکن تامین شدند و کسانی که مایل بودند با رعایت شرایط مجاز و با دریافت کمک مالی به بنای خانه شخصی پرداختند . تمام آنها جای خود را در کشور شوروی پیدا نموده به شهروندان متساوی‌الحقوق آن تبدیل شدند . در سالهای ۱۹۴۸–۱۹۴۶ مهاجرت جمعی به وطن ، انگیزه‌ای شد تا روابط میان ارامنه خارج و میهن تحکیم یابد و ارج و مقام ارمنستان شوروی در محافل زحمتکشان ارمنی خارج بالا برود .

۲ـ در مسیر سازندگی کمونیستی (۱۹۷۰–۱۹۵۹)

در ۲۱ ـ امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ـ که در آغاز سال ۱۹۵۹ تشکیل شده بود ـ اعلام گردید که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

وارد دوران ساختمان جامعه کمونیستی شده و ایجاد اساس مادی تکنیکی کمونیسم ، ترقی روابط اجتماعی سوسیالیستی و تکمیل آن ، تربیت مردم شوروی با روح کمونیستی بصورت مسایل اصلی حزب و مردم درآمده‌اند .

در راه ایجاد اساس مادی ـ تکنیکی اجتماع کمونیستی ، پیشرفت اقتصادی ـ اجتماعی اقتصاد مردمی در طول سالهای برنامه‌های پنجساله هفتم (۱۹۶۵ ـ ۱۹۵۰) و هشتم (۱۹۷۰ـ۱۹۶۶) تاثیر فراوانی داشت . دراین دوران خلق ارمنی به همراه تمام مردم شوروی ، موفقیت‌های حدیدی در کلیه زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی بدست آورد . بویژه صنایع ارمنستان پیروزی‌های بزرگی کسب نمود . فقط در سالهای برنامه پنجساله هفتم حدود ۳۰۰ موسسه جدید صنعتی و کارگاه‌های بزرگ تولیدی ایجاد گردید . درنتیجه ، میزان تولیدات ۲/۲ برابر افزایش یافت .

ترقی صنایع تولیدی ارمنستان با یک رشته مشخصات قابل تشخیص‌گردید. ایجاد رشته‌های تولیدی محتاج برق ، به این مسئله منتهی گردید که ارمنستان دچار کمبود نیروی برق شده بود . بهره‌برداری آتی از آبهای دریاچه سوان برای تامین نیازهای ترقی نمودن کارها دیگر مناسب نشود ، زیرا سطح‌آب این حوض طبیعی سریعا" پائین می‌آمد . در سال ۱۹۶۵ دولت شوروی تصمیم مهمی دال براحداث تونلی به طول ۴۸ کیلومتر برای ریختن آب‌رودخانه آرپا به دریاچه سوان گرفت تا بدین وسیله سطح آب دریاچه را تثبیت کند . در عین حال انشعاب از دریاچه نیز کاسته شد که به همین علت هم تولید برق نیروگاههای مسیر سوان ـ هرازدان تقلیل یافت . توازن نیروی‌برق جمهوری بدون ایجاد خسارتی برای ترقی اقتصاد مردمی به لطف این امرقابل دسترس گردید که در ارمنستان به نحو پرجوش و خروشی ساختمان نیروگاههای برق حرارتی آغاز شد . به جز آن ، سیستم انرژتیک جمهوری به سیستم سراسری انرژی ماوراء قفقاز وصل شد . این اقدامات امکان افزایش تولید برق را داد . در مقایسه با ۹۹۵ هزار کیلووات درسال ۱۹۶۵ قدرت تمام نیروگاههای برق جمهوری ارمنستان در سال ۱۹۷۰ به ۱۵۰۰ هزار کیلو وات رسید یعنی یک‌ونیم

برابر افزایش یافت .

به موازات این فعالیتها ، رشته‌هایی نیز که به برق نیاز نداشتند ، پیشرفت نمودند . ماشین‌سازی ترقی زیادی‌کرده به عمده‌ترین رشته صنعتی ارمنستان تبدیل گردید . در سال ۱۹۷۰ در جمهوری بیش از ۱۳۰ موسسه ماشین سازی وجود داشت که به میزان زیادی کالاهای مختلف تولیدنموده‌اند. در ارمنستان ، الکترو موتور و دستگاه‌های فلزبر ، ژنراتور ، ترانسفور ماتور ، وسایل اتوماتیک ، کامپیوتر ، دستگاه‌های میزان کننده و ساعت ساخته‌می شوند. در سالهای دهه ۶۰ رشته جدید صنعتی یعنی اتوموبیل سازی ایجاد گردید . به تناسب نیازهای تکنیکهای روز ، از اواسط دهه ۶۰ ، الکترونیک ، رادیو تکنیک و ساختن لوازم و دستگاه‌های گوناگون شروع به ترقی نمود . در طول سالهای ۱۹۷۰-۱۹۶۶ درصد رشد رشته ماشین سازی به طور محسوسی فزونی یافت .

قابل ذکر است که در دهه اخیر ، جغرافیای صنعتی ارمنستان بطور چشمگیری متحول گردید . در سال ۱۹۷۰ در بیش از ۱۲۰ منطقه مسکونی جمهوری ، موسسات صنعتی وجود داشت . آبوویان ، چارنتساوان ، مارتونی ، کامو ، ایجوان ، کاجاران ، گوریس ، آپاران ، استپاناوان و غیره بصورت مراکز صنعتی درآمدند . موسسات صنعتی نه تنها در شهرها بلکه در مراکز بخشها و روستاهای بزرگ نیز ایجاد گردید . اهمیت اجتماعی این مسئله بزرگ بود . این امر نه تنها باعث افزایش جمعیت شهری گردید بلکه باعث بالا رفتن سطح فرهنگ مردم و افزایش تعداد کارگران شد و تا حد زیادی مسئله اشتغال جمعیت ، مسئله مهم جمهوری را حل نمود .

در طول دهه ۶۰ ترقی صنایع ارمنستان که بصورت میراثی درآمده بود ، ادامه یافت ، منجمله تولیدات صنایع متالوژی و شیمیائی به نحو چشمگیری‌در کارخانجات کاجاران ، آگاراک ، غاپان ، آلاوردی و کارخانه آلومینیم کاناکر افزایش یافت و اینها دگربار به تولید مس ، آلومینیم ، مولیبدن ، روی ، قلع و فلزات کمیاب طلا ، نقره و غیره پرداختند . در آغاز سال ۶۰ کارهای‌ساختمانی

کارخانه تولیدی طلا در زور[1] شروع شد. تحولات عظیمی در صنایع شیمی بوجود آمد. رشته‌های جدیدی ایجاد شد و یک رشته از موسسات توسعه یافته و با تکنولوژی جدید تجهیز گردید. در اواسط سالهای دهه ۶۰ کارخانه نخ صنعتی گیرواکان، رئاکتیوهای شیمیایی ایروان، کارخانه شیمیایی و غیره مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در سال ۱۹۷۰ در موسسات صنعتی شیمی بیش از ۱۴۰ نوع محصول تولید گردید. ارمنستان شوروی به تامین بسیاری از احتیاجات شیمیائی کشور و دول خارجی پرداخت، مانند کائوچوی سنتتیک، نخ صنعتی شیمیایی، چسب سنتتیک، لاستیک اتومبیل، اشیاء لاستیکی و تکنیکی، کودهای ازتی و غیره.

تولیدات مصالح ساختمانی و صنایع سبک و مواد غذایی با روند سریع پیشرفت نمود. در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۶۰ تولیدات مصالح ساختمانی بیش از ۳ برابر گردید، اما محصولات سبک دو برابر شد.

در سال ۱۹۷۰، ۷۰۰ موسسه صنعتی در جمهوری وجود داشت که در آنها کالاهای مرغوب و در سطح جهانی تولید می‌شد. محصولات صنعتی ارمنستان به دهها کشور دنیا؛ مصر، عراق، هند، غنا، افغانستان و غیره صادر می‌گردد.

در کار ترقی پتانسیل اقتصادی سراسر کشور و جمهوری، فعالیت اصلی از آن طبقه کارگر و متفکرین علمی و فنی بود. اگر در آستانه انقلاب درموسسات صنعتی چندهزار نفر کار می‌کردند، در سال ۱۹۷۰ طبقه کارگر ارمنستان متشکل از ۷۰۰ هزار نفر بود. مجتمعهای عظیم شیمیایی و استخراج و ذوب فلز، نیروگاههای برق، کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، شهرها و کانالها به همت و کار و تلاش کارگران ساخته شده‌اند. در طول دهه ۶۰ هزاران کارگر دراحداث ضربتی مجتمعهای مرکز ترموالکتریکی ایروان، تونل آرپا ــ سوان، شرکت نمودند. در جمهوری رقابت سوسیالیستی برای خاتمه دادن به کارها قبل از

1- Tzor

موعد مقرر و استقبال شایان از کنگره‌های حزب بطور وسیعی گسترش یافته است
صدها گروه کارگری و کارخانجات به دریافت لقب کلکتیو فعالیت کمونیستی
نایل آمده‌اند. فکر کلکتیو راسیونالیزاتورها و مبتکرین به مسئله افزایش
سطح تولیدات، صرفه‌جویی در مواد خام، تکمیل پروسه‌های تکنولوژیکی کمک
شایان نمود. افراد بسیاری در صنایع ظاهر گردیدند که به خاطر کوشش
فداکارانه خود به دریافت لقب قهرمان کار سوسیالیستی نایل شدند.



جمع آوری محصول انگور در ناحیه آرتاشاد

در سالهای دهه ۶۰ اقداماتی برای ترقی آتی کشاورزی در جمهوری
صورت پذیرفت. فعالیتهای آبیاری مورد توجه خاص قرار گرفت. دراین‌سالها
عملیات ساختمانی کانالهای آبیاری آرزنی ـ شامیرام، نویمبریان، آیروم ـ
چوچکان و غیره، سد آپاران، ایستگاه‌های تلمبه آب نویمبریان، مخچیان،

آروشاد ، یعگما روز به پایان رسید . بهره‌برداری از این ساختمانها امکانات افزایش سطح زمینهای آبیاری شده را فراهم نمود که در سال ۱۹۷۰ به ۲۵۵ هزار هکتار رسید یعنی در مقایسه با سال ۱۹۲۰ ، ۴ برابر فزونی یافت . در همان فاصله ، سطح باغهای انگور و سایر میوه‌ها ۱۲ برابر افزایش داشت . در سال ۱۹۷۰ در دشتهای کلخوزها و ساوخوزهای ارمنستان بیش از ۹ هزار تراکتور ، ۱۷۰۰ کمباین ، بیش از هزار کامیون باربری ، ده‌ها هزار ماشینهای دیگر کشاورزی کار می‌کرد . سطح محصولات کشاورزی تا اندازه‌ای افزایش داشت . لیکن کشاورزی با روند ترقی خود از سایر رشته‌های اقتصادی هنوز عقب مانده بود .

مجمع عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی درمارس ۱۹۶۵ نقایص و معایب کشاورزی را برشمرد و اقداماتی برای رفع آنها پیش بینی کرد . در ارمنستان مانند سراسر کشور سیستم خرید محصولات کشاورزی تغییر نموده ،



خیابان ناماسیان در ایروان

قیمت‌های آنها افزایش یافته اقداماتی برای مرتب نمودن سیستم رهبری در کشاورزی انجام گرفت . این اقدامات امکان داد تا موفقیت‌هایی در افزایش تولید محصولات کشاورزی حاصل شود . در فاصله بین سال ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ متوسط سطح تولید ناخالص کشاورزی در مقایسه با برنامه پنجساله قبل ۱۸ درصد افزایش داشت . کشاورزی در مسیر تولید بیشتر قرار گرفت .

در سالهای دهه ۶۰ در کشور شوروی رویدادهای مهمی بوقوع پیوست . تمام مردم در کلیه اقدامات مهم سیاسی ، در بررسی برنامه جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی ــ برنامه پنجساله هشتم ــ بررسی دورنمای ترقی اقتصاد مردمی فعالانه شرکت نمودند . تصمیمات ۲۲ـامین و ۲۳ـامین کنگره حزب کمونیست انعکاس وسیعی یافت . طبقه کارگر جمهوری ، روستائیان



نمایی از آسایشگاه " جرموک "

کلخوزها و متفکرین ، فعالیت شدیدی در جهت‌عملی ساختن اطلاعات‌اقتصادی، تکمیل روشها و متدهای مدیریت اقتصاد مردمی کشور انجام دادند . به همراه تمام افراد شوروی ، خلق ارمنی نیز از سیاست خارجی دولت شوروی حمایت نمود که‌اساس آن را حفظ‌و تحکیم صلح ، کمک به مبارزه رهایی بخش ملی خلقهای تحت ستم تشکیل می‌داد .

خلق ارمنی در اکتبر ۱۹۶۸ ، ۲۷۵۰-امین سالگرد بنای ایروان ، پایتخت جمهوری را با شکوه تمام جشن گرفت . در آستانه روز جشن ، جمهوری به دریافت‌نشان افتخار درجه دوم لنین مفتخر گردید . ایروان در طول سالهای حکومت شوروی ، بصورت مرکز اصلی زندگی سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی خلق ارمنی درآمد . بدین مناسبت در مهاجرنشین‌های ارمنی نیز مراسمی برپا گردید .

در آوریل ۱۹۷۰ زحمتکشان ارمنستان توام با تمام بشریت ترقیخواه ، صدمین زادروز و .ای .لنین را جشن گرفتند . ایده‌ها و رهنمودهای پرقریحه رهبر انقلاب سوسیالیستی و بنیانگذار اولین حکومت سوسیالیستی باپیروزی‌های درخشان اتحاد شوروی و در جمع آن ارمنستان شوروی ، جامه‌عمل‌پوشیده‌است.

در نوامبر ۱۹۷۰ پنجاهمین سال برقراری حکومت شوروی در ارمنستان‌و تاسیس حزب کمونیست جمهوری جشن گرفته شد ، تمام خلقهای کشور ما نمایندگان خود را برای شرکت در مراسم باشکوه به ایروان اعزام داشتند . جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان به خاطر موفقیتهای چشمگیر خود در جنبش انقلابی و سازندگی سوسیالیستی و کمونیستی به دریافت نشان افتخار اکتبر نایل گردید . این نشان را دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، ل.ای.برژنف -که شخصا" در مراسم شرکت داشت - به جمهوری اعطاء کرد . ل.ای.برژنف با ایراد نطقی در جلسه باشکوه کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان و شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان ،کار قهرمانانه خلق ارمنی را -که توام با تمام افراد کشور جامعه کمونیستی را بنا می‌نهد -قویا" مورد تقدیر و تمجید قرار داد .

۳ـ موفقیتهای جدید فرهنگ ارمنی شوروی

در سالهای پس از جنگ ترقی همه جانبه فرهنگ ارمنی ادامه یافت. موفقیتهای جدیدی در تمام زمینه‌های فرهنگی بدست آمد. سیستم تعلیم و تربیت مردم، کار آموزش متخصصین، فکر علمی، هنر و ادبیات در جهت ترقی آتی سیر نمود. روابط فرهنگی ارمنستان شوروی با سایر خلقهای اتحاد شوروی و نیز ارامنه خارج محکمتر گردید.

در زمینه آموزش مردمی پیشرفت زیادی حاصل شد، که انعکاس خود را در توسعه بعدی شبکه مدارس و بازسازی تمام فعالیت‌های تحصیلی ـ تعلیمی یافت. در اولین سالهای پس از جنگ شمار مدارس متوسطه و غیرمتوسطه زیاد شد. تقریبا" تمام مناطق مسکونی ارمنستان امکان استفاده از آموزش اجباری هفتساله را بدست آوردند.

در اواخر دهه ۵۰ گامهایی درجهت ترقی آموزش و پرورش برداشته‌شد. قوانینی وضع گردید که هدفشان تقویت روابط میان زندگی روزمره مدارس، پیشرفت اجتماعی و رسیدن به‌مرحله توازن احتیاجات با کادر متخصص بود. فعالیت چشمگیری در متحول ساختن برنامه مدارس، تهیه کتب درسی جدید و استفاده از روشهای مدرن در کار تعلیم و تربیت انجام شد. در مورد آموزش‌و پرورش مدارس تحقیقاتی بعمل آمد.

در سال ۱۹۷۰ بیش از ۱۵۰۰ مدرسه تعلیمات عمومی در ارمنستان‌وجود داشت، که در آنها بیش از ۶۳۰ هزار دانش‌آموز به تحصیل اشتغال داشتند. شمار معلمین به ۳۲ هزار نفر یعنی به اندازده تعداد دانش‌آموز قبل از انقلاب می‌رسید.

در دوران پس از جنگ، ترقی سریع اقتصادی ارمنستان شوروی و ایجاد رشته‌های جدید صنعتی، باعث ترقی و تکمیل آتی سیستم آموزش عالی در جمهوری گردید. تعداد دانشجویان افزایش یافت و مراحل تحصیلی کاملتر

شد . در سالهای دهه ۵۰ و ۶۰ مبانی تحصیلی موسسات آموزش عالی جمهوری گسترش یافته و آزمایشگاههای آنها به دستگاه‌های مدرن مجهز گردیدند . دانشگاه دولتی ایروان اقدام به تاسیس شاخه‌های جدید انستیتوی پلی‌تکنیک و تربیتی ارمنی و سایر انستیتوها نمود . در نواحی جدید ایروان ، خوابگاههای چندین طبقه‌ای دانشجویان احداث گردید . فعالیت‌های تحقیقاتی علمی در موسسات آموزش عالی بطور چشمگیری افزایش یافت . در جمعی از آنها آزمایشگاه‌های تحقیقات علمی ایجاد گردید که اکثر آنها به تحقیقات علمی در رابطه با رشته‌های مختلف اقتصاد مردمی می‌پردازند .

در نتیجه ایجاد رشته‌های جدید اقتصادی و ترقی علمی و فنی ، در موسسات آموزش عالی کار تربیت متخصصین در سطح عالی آغاز گردید . در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ دانشکده‌ها و شعب جدیدی تاسیس شدند که به کار تربیت



ساختمان مرکزی دانشگاه دولتی ایروان

متخصصین در بیش از ۵۰ رشته تخصصی می‌پردازند منجمله ستاره شناسی ، رادیو فیزیک ، ساختن دستگاه‌ها ، سایبرنتیک الکترونیک ، ریاضیات عملی ، اتوماتیزاسیون ، شیمی سیلیکاتها ، تکنولوژی پلی‌مرها و غیره .

در سال ۱۹۷۰ بیش از ۳ هزار استاد در دانشگاههای جمهوری تدریس می‌نمودند منجمله ۲۰۰ پرفسور و بیش از ۱۲۰۰ دوسنت[2] . تا اواخر سال ۱۹۵۰ ، ایروان تقریباً" بعنوان تنها مرکز دانشگاهی جمهوری بود . در سال ۱۹۵۹ شعب انستیتوی پلی‌تکنیک ایروان در لنیناکان ، غاپان و گیرواکان و شعبه انستیتوی تربیتی ایروان در گوریس ایجاد شدند .

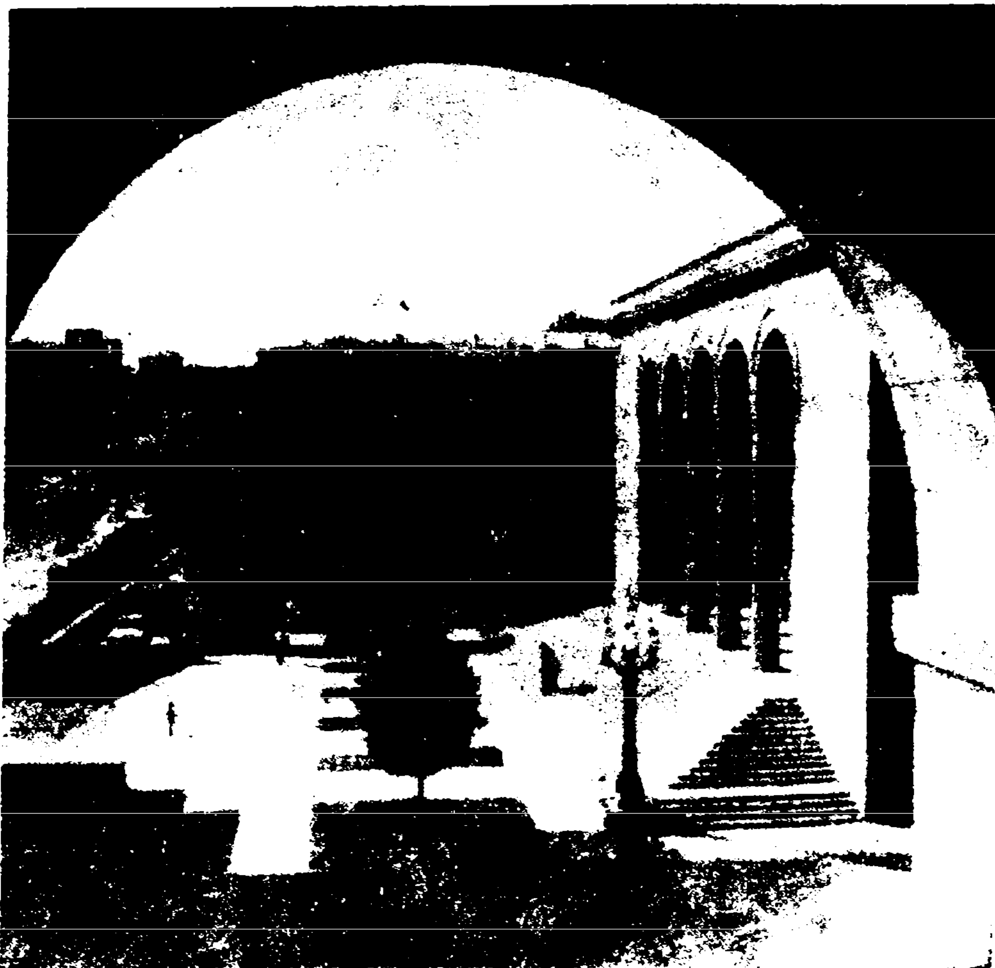
قدیمی‌ترین و عمده‌ترین موسسه علمی و آموزشی جمهوری ، دانشگاه دولتی ایروان است . دانشگاه ــ که حدود ۲۴ ۰۰۰ متخصص به کشور داده است ــ اکنون ۱۳ دانشکده با ۱۳ ۰۰۰ دانشجو ، آزمایشگاه‌های متعدد علمی، مرکز انتشارات مخصوص، کتابخانه بزرگ علمی و غیره دارد . به خاطر موفقیتهای بدست آمده در دسامبر ۱۹۷۰ و در رابطه با پنجاهمین سالگرد تاسیس، دانشگاه دولتی ایروان به دریافت نشان افتخار درفش سرخ کار از سوی شورای عالی اتحاد شوروی مفتخر گردید .

در سال ۱۹۷۰ در جمهوری ۱۲ موسسه آموزش عالی وجود داشت که در آنها بیش از ۵۳ هزار دانشجو به تحصیل اشتغال داشتند . ۴۳ هزار دانشجو در ۶۰ تکنیکوم صاحب تخصص می‌گردند ، بیش از ۲۰ هزار پسر و دختر در شبکه آموزش حرفه‌ای ــ فنی قرار دارند که در آنها کارگران ماهرتربیت‌می‌گردند. بدین ترتیب با احتساب دانش‌آموزان دبیرستانها از هرچهار نفر جمعیت جمهوری‌یک نفرشان به تحصیل اشتغال دارد . براساس داده‌های آماری سال ۱۹۷۰ ، از هر هزار نفر جمعیت جمهوری ۵۱۶ نفر از مزایای تحصیلات عالی و متوسطه بهره‌مند می‌شوند . با این مقیاس، ارمنستان شوروی یکی‌ازپیشروترین جماهیر اتحاد شوروی به حساب می‌آید .

2- Docent

سالهای دهه ۵۰ و ۶۰ دوران ترقی روز افزون علم و فن ارمنستان‌شوروی بود . دراین سالها یک رشته انستیتوهای جدید تحقیقات علمی ، آزمایشگاهها، انستیتوهای برنامه‌ریزی و سازمانهای ساختمانی بنیان گذاشته شدند که اینها شروع به حل مسایل تئوریک و کاربردی بسیار مهم پرداختند .

اگر در سال ۱۹۵۱ ، ۳۳ موسسه تحقیقات علمی در ارمنستان وجـــود داشت ، این رقم در سال ۱۹۵۸ به ۶۹ ، در ۱۹۶۲ به ۸۴ و در ۱۹۷۰ به‌بیش از ۱۰۰ رسید . تعداد محققین علمی نیزافزایش یافت . در سال ۱۹۷۰ در ارمنستان بیش از ۱۲ هزار محقق علمی وجود داشت . بیش از ۴۰۰ نفر دارای درجه دکترا و حدود ۳ هزار نفرشان داوطلب دکترای علوم بودند . آکادمـی



ساختمان مرکزی آکادمی علوم ارمنستان

علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان بصورت مرکز فکر علمی درآمده است که رئیس دائمی آن از سال ۱۹۴۷ به بعد آستروفیزیکدان برجسته شوروی یعنی ویکتور هامبارسومیان می‌باشد .

فکر علمی در ارمنستان در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ موفقیت‌های چشمگیری داشت . نتایج حاصله از تحقیقات متعدد در بسیاری رشته‌های علمی ، مورد تقدیر قرار گرفت . فیزیک ، ریاضیات ، شیمی ، علوم زمین شناسی و نیز ارمنی شناسی بصورت پیشروترین رشته‌های فکر علمی ارمنستان درآمدند .

تحقیقات آستروفیزیکی انجام شده در ارمنستان از شهرت جهانی برخوردار است و در کار پیشرفت ستاره‌شناسی نقش مهمی ایفا می‌نماید . رصدخانه بیوراکان[3] ـ که ساختمان آن پس از جنگ کبیر میهنی آغاز گردیده است ـ توسعه یافته و تبدیل به یکی از آزمایشگاه‌های آستروفیزیک درجه یک جهانی درآمده و سالهای متمادی است توسط آکادمیسین ویکتور هامبارسومیان اداره می‌شود . در اواخر دهه ۴۰ ستاره شناسان ارمنی انواع جدیدی از منظومه‌های ستاره‌ای را در کهکشان پیدا کرده‌اند . در سال ۱۹۵۰ ، و . هامبارسومیان و همکار رصدخانه‌ای او . ب . مارکاریان (اکنون آکادمیسین آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان) به خاطر کشف این منظومه‌ها به دریافت مدال درجه اول حکومتی اتحاد شوروی موفق شدند . در مورد مسایل مختلف ستاره شناسی ، کنفرانسها و سمپوزیومهای متعدد بین‌المللی در رصدخانه بیوراکان تشکیل شده‌اند . در سال ۱۹۶۷ توسط مدال افتخار لنین از رصدخانه بیوراکان قدردانی گردید . رئیس رصدخانه ، قهرمان کار سوسیالیستی و . هامبارسومیان رئیس اتحادیه بین‌المللی ستاره شناسان بوده و دو مرتبه بعنوان رئیس شورای بین‌المللی انجمنهای علمی انتخاب گردیده است .

در زمینهٔ فیزیک موفقیت‌های چشمگیری بدست آمد . در سالهای پس از

3- Byurakan

جنگ یک رشته انستیتوهای تحقیقی علمی برای مسایل گوناگون علم فیزیک در جمهوری تاسیس شد، منجمله برای تحقیقات فیزیک، رادیو فیزیک، الکترونیک و غیره. در سال ۱۹۶۷ بزرگترین تسریع کننده الکترونیکی شوروی یعنی اساس تحقیقات فیزیک هسته‌ای در ایروان ایجاد گردید. این تحقیقات توسط آ. آلیخانیان، آکادمیسین آکادمی علوم جمهوری ارمنستان و برنده مدال لنین رهبری می‌شد. فیزیکدانان ارمنی به مسایل الکترونیک، اپتیک، فیزیک اجسام سخت و غیره نیز می‌پردازند که در این زمینه آکادمیسین، گ. غاریبیان و اعضاء مکاتبه‌ای م. درمیکائلیان، گ. ساهاکیان و سایرین با موفقیت تحقیق می‌کنند. فیزیکدان برجسته، آکادمیسین آ. آلیخانوف (۱۹۷۰-۱۹۰۴) درکار ترقی و پیشرفت علم فیزیک در ارمنستان کوششهای ارزنده‌ای نموده است.



آکادمیسین ویکتور هامبارسومیان
رئیس آکادمی علوم ارمنستان

در زمینه علوم ریاضی بویژه آکادمیسین‌های آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان، آ. شاهینیان، م. جرباشیان و س. مرگلیان تحقیقات ارزنده‌ای انجام داده‌اند. زمینه تحقیقات علم ریاضی به نحو چشمگیری گسترش یافته و نه تنها شامل جنبه تئوریک بلکه شامل مسایل کاربردی ریاضی نیز می‌شود. براین اساس موفقیتهای جدیدی در مورد ریاضیات محاسباتی بدست آمد، کامپیوترهای "هرازدان" و "نائیری" ساخته شدند و مرکز کامپیوتر دانشگاه ایروان تاسیس گردید. این مسئله به پیشرفت سایبرنتیک در جمهوری کمک شایانی نمود و امکاناتی برای حل مسایل بسیارمهم اقتصادی و علمی توسط تکنیکهای محاسباتی و روشهای ریاضی بوجود آمد.

در زمینه مکانیک نیز تحقیقاتی انجام شد که هم اهمیت تئوریک و هم کاربردی داشت. ن.هاروتیونیان و س.هامبارسومیان آکادمیسین‌های آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان در زمینه مسایل مکانیک تحقیقات بسیار مهمی انجام داده‌اند.

به تحقیقات علوم فنی نیز توجه زیادی مبذول گردید که در رابطه مستقیم با نیازهای رشته‌های پیشرو صنایع جمهوری؛ ماشین سازی، ساختمن دستگاه‌های تراش، صنایع الکتروتکنیک، رادیو تکنیک، الکترونیک قرار داشتند. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ یک رشته انستیتوها و آزمایشگاه‌های تحقیقی علمی ــ که بیشتر ماهیت تکنیکی داشتند ــ تاسیس گردید. آ.ایوسیفیان و م. کاسیان، آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان شوروی خدمات‌چشمگیری در کار توسعه علوم تکنیکی در جمهوری انجام داده‌اند.

ایجاد صنایع شیمیایی و توسعه روز افزون آن در ارمنستان باعث بوجود آمدن یک رشته انستیتوهای تحقیقاتی علمی شیمی شد. در سالهای پس از جنگ تحقیقات شیمی آلی و معدنی، فیزیک شیمی، شیمی پلیمرها و سنتز ارگانیک ظریف، با شتاب هرچه تمامتر در جمهوری انجام گردید. به ویژه انستیتوی شیمی آلی ــ که در آنجا چند قلم داروی مهم کشف و ساخته شد ــ با موفقیت به کار خود ادامه داد. برای سالهای متمادی، مجتمع انستیتو توسط آ.منجویان (۱۹۷۱-۱۹۰۴) شیمیدان برجسته و آکادمیسین آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان و قهرمان کار سوسیالیستی‌رهبری می‌شد. انستیتوی شیمی معدنی و جامع، با موفقیت در زمینه مسایل کمپلکس مواد معدنی کار می‌کند. تحقیقات قابل توجهی نیز توسط‌آکادمیسین‌ها آ. نالباندیان، آ.بابایان، م.مانولیان عضو مکاتبه‌ای آکادمی آ.گاسپاریان و سایرین انجام می‌شود.

تحقیقات انجام شده در زمینه علوم زمین شناسی، برای ترقی اقتصاد مردمی ارمنستان اهمیت بزرگی داشت. در دوره پس از جنگ علوم زمین شناسی توسعه زیادی یافت که به لطف آنها کشف منابع جدید معدنی‌وکاربر د

آنها در اقتصاد امکان‌پذیر گردید. آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان ک. پافنگولتس، ه. ماغاگیان، س. مگردیچیان، عضو مکاتبه‌ای آکادمی ا. آسلانیان دراین رابطه کارهای پرارجی انجام داده‌اند.

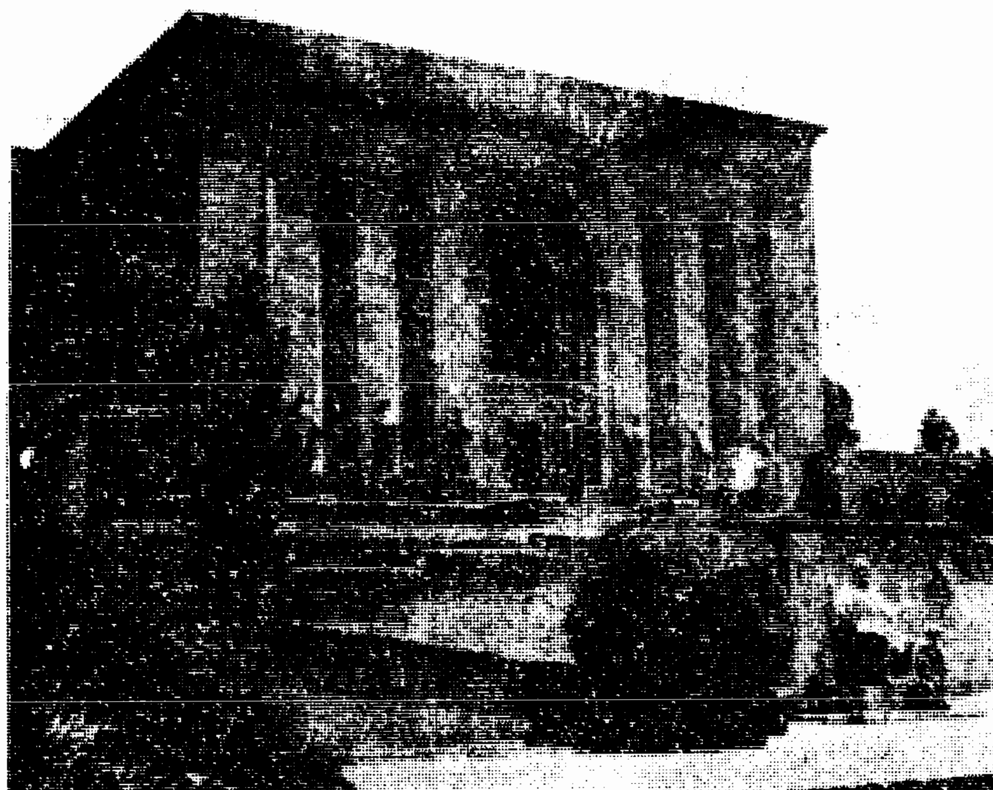
فعالیتهای علوم کشاورزی و زیست‌شناسی نیز ادامه یافته عمیقترگردید. یک رشته انستیتوهای تحقیقی علمی، آزمایشگاه‌ها و غیره درجمهوری‌تاسیس یافت. رشته‌های جدید میکروبشناسی، هیدروپونیک، رادیوگروشیمی و غیره ایجاد شد. فعالیتهای انجام شده که به رهبری آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان، م. چابلاخیان، آ. تاختاجیان، گ. داوتیان، و. گولکانیان، گ. باباخانیان، عضو مکاتبه‌ای آکادمی و. غازاریان، با نیازهای کشاورزی‌جمهوری عمیقاً" در رابطه بوده‌است.

یک گروه بزرگ از دانشمندان ارمنستان به تحقیق در زمینه‌های مختلف پزشکی مشغول است. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ کوششها و کارهای زیادی در زمینه فیزیولوژی، بیوشیمی مغز، قلب شناسی، رنتگنولوژی و غیره انجام شده است. آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان، ل. هوانیسیان (۱۹۷۰–۱۸۸۵)، خ. کوشتویانس (۱۹۶۱–۱۹۰۱)، ا. هاسراتیان، ه. بونیاتیان و ب. فانارجیان کارهای چشمگیری بعمل آورده‌اند.

در دوره پس از جنگ مطالعات و تحقیقات ارمنی شناسی توسعه یافت. دانشمندان ارمنی شناس شوروی به مطالعه و تحقیق در مورد مسایل اساسی تاریخ و فرهنگ ملت ارمنی پرداخته و توانستند ارمنی شناسی را به درجه والایی ترقی دهند.

مسایل تاریخ چندین قرنی، باستانشناسی و قوم شناسی ملت ارمنی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفت. بویژه تاریخ سیاسی و اقتصادی ـ اجتماعی ارمنستان در قرون قدیم و وسطی، منشاء نظام برده‌داری و فئودالی، مبارزه ملی و رهایی بخش خلق ارمنی برعلیه اشغالگران خارجی، روابط ارامنه با روسیه، مسایل مهم تاریخ نهضتهای انقلابی و ارمنستان شوروی موضوع تحقیق واقع شدند. موفقیت‌های چشمگیری نیز در زمینه باستانشناسی بدست آمد.

در اینجا بخصوص یادگارهای تاریخی دوران اورارتو، هلنیان، قرون وسطای متقدم موضوع تحقیق بوده‌اند. حفاری‌ها توسعه فراوان یافت، بویژه در تیشیائینیا، اربونی، گارنی، دوین و غیره.



ساختمان ماتناداران م. ماشتوتس در ایروان

در کار ترقی تاریخنویسی ارمنی شوروی، آکادمیسینهای آکادمی علوم ارمنستان، آشوت هوانیسیان (۱۸۸۷-۱۹۷۲)، س. یرمیان، آبراهام هوانیسیان، م. نرسیسیان، ل. خاچیکیان، زادور آقایان، گ. غاریبجانیان، اما درزمینه باستانشناسی، آکادمیسین ب. پیوتروسکی، عضو مکاتبه‌ای آکادمی ب. آراکلیان و پرفسور ک. غافاداریان فعالیتها و کارهای بزرگی انجام داده‌اند.

در زمینه تحقیقات روی ادبیات و فولکلور ارمنی نیز فعالیتهای زیادی انجام شد. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ آکادمیسین آکادمی علوم ارمنستان ک. ملیک اوهانجانیان (۱۸۹۲-۱۹۷۰)، اعضای مکاتبه‌ای آکادمی آ. غانالانیان و

م . مکریان آثار پرارزشی منتشر نموده‌اند .

زبانشناسان جمهوری با ادامه راه پرثمره زبانشناسان بزرگ قبلی ، تحقیقات شایان توجهی در مورد تاریخ زبان ارمنی ، قواعد مختلف ، مسایل گویش‌ها و دستور زبان انجام داده‌اند . در سالهای اخیر کنجکاوی در مورد زبانشناسی کاربردی افزون گردیده است . در زمینه زبانشناسی ارمنی آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان آ . غاریبیان ، گ . سواک ، اعضای مکاتبه‌ای آکادمی ادوارد آقایان و گ . جاهوکیان کوششهای فراوانی بعمل آورده‌اند .

تحقیقات جدی در مورد علوم فلسفی نیز انجام گرفته است ، بویژه در جهت فکر فلسفی ارمنی در گذشته . در این زمینه و . چالویان عضو مکاتبه‌ای آکادمی علوم ارمنستان و پرفسور هـ . گابریلیان مطالعات چشمگیری دارند . در سالهای اخیر فلاسفه جمهوری در مسایل مربوط به دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی ، زیبائی شناسی و جامعه شناسی موفقیتهایی کسب نموده‌اند . در سال ۱۹۶۹ انستیتوی فلسفه وابسته به آکادمی علوم ارمنستان در جمهوری تاسیس شد .

از نیمه دوم دهه ۵۰ توجه خاصی به توسعه تحقیقات اقتصادی مبذول می‌گردد . یک رشته موسسات تحقیقی و علمی اقتصادی در جمهوری ایجاد شد که اینها به مسایل اقتصادی صنعت و کشاورزی پرداخته منابع نیروی انسانی ، بازدهی تولید اجتماعی و سایر مسایل را مورد تحقیق و مطالعه قرار می‌دهند.

رشته‌های گوناگون هنر ارمنی ، موسیقی ، معماری ، هنرهای تصویری ، هنرهای عملی و تجربی ، تئاتر و سینما ، موضوع مطالعات هنرمندان گردیده است . بویژه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ آثاری در زمینه تاریخ هنر ارمنی چاپ و منتشر شد .

در دهه اول پس از جنگ ، تم جنگ موضوع اصلی ادبیات ارمنی شوروی بود . اگر در طول سالهای نبرد نقادی سبک عمده بود ، در آینده خلق آثاری با محتوای شجاعت‌ها و قهرمانی‌های مردم شوروی ضرورت تام یافت

نویسندگانی چون هراچیاکوچار و سروخانزادیان و سایرین آثاری در زمینه جنگ نوشتند. عقاید میهن دوستانه، تنفر از دشمن تمهایی بود که هـ. ساهیان، هـ. هوانیسیان، و. داوتیان، آ. گراشی در اشعار خود بکار بردند.

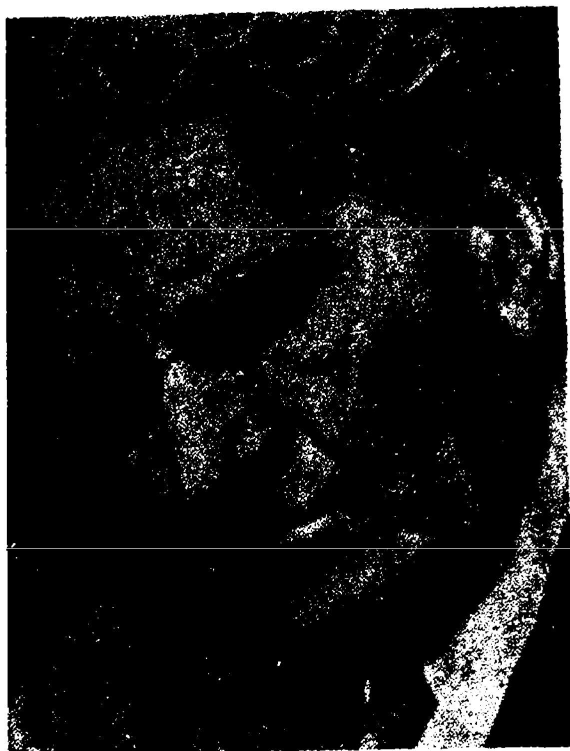
دومین کنگره نویسندگان ارمنستان در سال ۱۹۴۶ تشکیل شد که موفقیت‌های ادبیات ارمنی شوروی را مطرح نمود. جمهوری در سال ۱۹۴۸ صدمین سالگرد وفات بنیانگذار ادبیات جدید ارمنی، خاچاتور آبُویان و ۱۲۵ـامین سال تولد دمکرات انقلابی میکائل نالبانديان را گرامی داشت. این سال بصورت جشن ملی فرهنگی درآمد. لیکن باید توجه نمود که در سالهای پس از جنگ در رابطه با میراث کلاسیک اشتباهاتی صورت گرفت. در سال ۱۹۵۲ در جمهوری بحث پیرامون "تئوری جریان متحد" بروز کرد. این بحث ـ که در محیط نامناسب برای خلاقیت هنری ایجاد شده بود ـ به سیر تلقی و برداشت صحیح از میراث ادبیات کلاسیک گذشته هیچگونه کمکی نکرد. در طول مجادله، یک عده از دانشمندان نامی ارمنستان مورد انتقاد ناصحیح و مغرضانه قرار گرفتند.

تصمیمات تاریخی بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ومحکوم ساختن فردگرایی تاثیر مثبتی برتمام شوروی و منجمله ادبیات ارمنی شوروی از خود به جای گذاشت. در رابطه با میراث ادبی گذشته، برداشتهای‌صحیحی شد، اشتباهات و طرز تلقی نیهیلیستی نسبت به نویسندگان بزرگ ارمنی همچون رافی و پاتکانیان و سایرین تصحیح گردید. نامهای جاویدان شاعر کبیر ارمنی یغیشه چارنتس و نویسنده نامی آکسل باکونتس و مکان و شان والای آنها در تاریخ ادبیات ارمنی شوروی دگربار احیا و اعاده گردید. در نیمه دوم دهه ۵۰ و سالهای دهه ۶۰ یک نسل جدید از نویسندگان و شعرا به ادبیات ارمنی شوروی‌وارد شد که شیوه‌ها و سبکهای جدید با خود به ارمغان آورد.

در سالهای دهه ۶۰، گ. ساریان، ن. زاریان (۱۹۶۹ــ۱۹۰۰)، و. نورنتس، گ. ماهاری (۱۹۶۹ــ۱۹۰۳) با آثار جدید خود ظاهر شدند.

نمایندگان نسل بعدی شعرا ، هـ.شیراز ، ب ، سواک ، (۱۹۷۱ــ۱۹۲۴) ، هـ . ساهیان ، هراچیا هوانیسیان ، س.کاپوتیکیان ، گ .امین و داوتیان‌وسایرین موفقیتهای چشمگیری بدست آوردند .

در نثر نویسی ، استپان زوریان (۱۹۶۷ــ۱۸۹۰) ، هراچیاـ کوچار (۱۹۶۵ــ۱۹۰۹)وسروخانزادیلن آثار مهمی نوشتند . در سالهای‌دهه ۶۰ نثر نویسان جوانی‌وارد ادبیات شدند . دراین سالها گ .بوریان (۱۹۷۱ــ۱۹۱۵) ،گ . درـگریگوریان و نویسندگان دیگر به‌نمایشنامه نویسی پرداختند .



مارتیروس ساریان
نقاش مردمی اتحاد شوروی

ادبیات ارمنی همچون تمام فرهنگ شوروی‌نقش بزرگی در کار تربیت عقیدتی زحمتکشان ارمنستان شوروی بازی کرد .

هنر به قله‌های جدیدی دست یافت . مارتیروس ساریان (۱۹۷۲ ــ ۱۸۸۰) ــ که آثارش از شهرت جهانی برخورداراست- مکتب نقاشی ارمنی را رهبری نمود . م .ساریان خالق رنگهای پرتلعلع مام وطن است . تابلوهای او بانرمی رنگها و هماهنگی شگفتاور و عظمت محتوای هنری ، تحسین برانگیز می‌باشند . در سال ۱۹۶۱ ، مارتیروس ساریان بخاطر سری نقاشی‌های "میهن من" جایزه لنین را تصاحب نمود . او یکی از بزرگترین نقاشان عصرماست ، وی به عضویت آکادمی هنر اتحاد شوروی ، عضویت اصلی آکادمی علوم ارمنستان شوروی ، انتخاب شده و لقب قهرمان کارسوسیالیستی و نقاش مردمی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به او اعطاء شده است .

در سالهای پس از جنگ نقاشان م .آبغیان ، هـ.زارداریان ،گ .خانجیان و سایرین موفقیت‌های بزرگی بدست آوردند . آنها با خلق آثاری به سبکهای مختلف ، طبیعت ارمنستان ، گذشته تاریخی آن را منعکس نموده‌سری‌تابلوهای خود را خلق نموده‌اند . دراین دوره یک گروه کامل از نقاشان جوان بوجـو د آمد .

کنده کاریهای ارمنستان با تزئین شهرهای جمهوری توسط مجسمه‌ها و بناهای زیبای یادبود فعالیت پرثمری داشته‌اند . مجسمه‌یادبود داویـــــت ساسونی در ایروان قرار دارد که‌مجسمه‌ساز آن استاد مسلم و نامداری .کوچار می‌باشد . مجموعه بناهای یادبود شهدای قتل عام سال ۱۹۱۵ ارامنـه در ایروان و مجسمه یاد بود نبرد قهرمانانه سارداراباد در ناحیه هکتمبریان نیز اثرهای پرارزشی هستند که سازندگانشان یک گروه از مهندسین معمار جوان و پرقریحه می‌باشند .

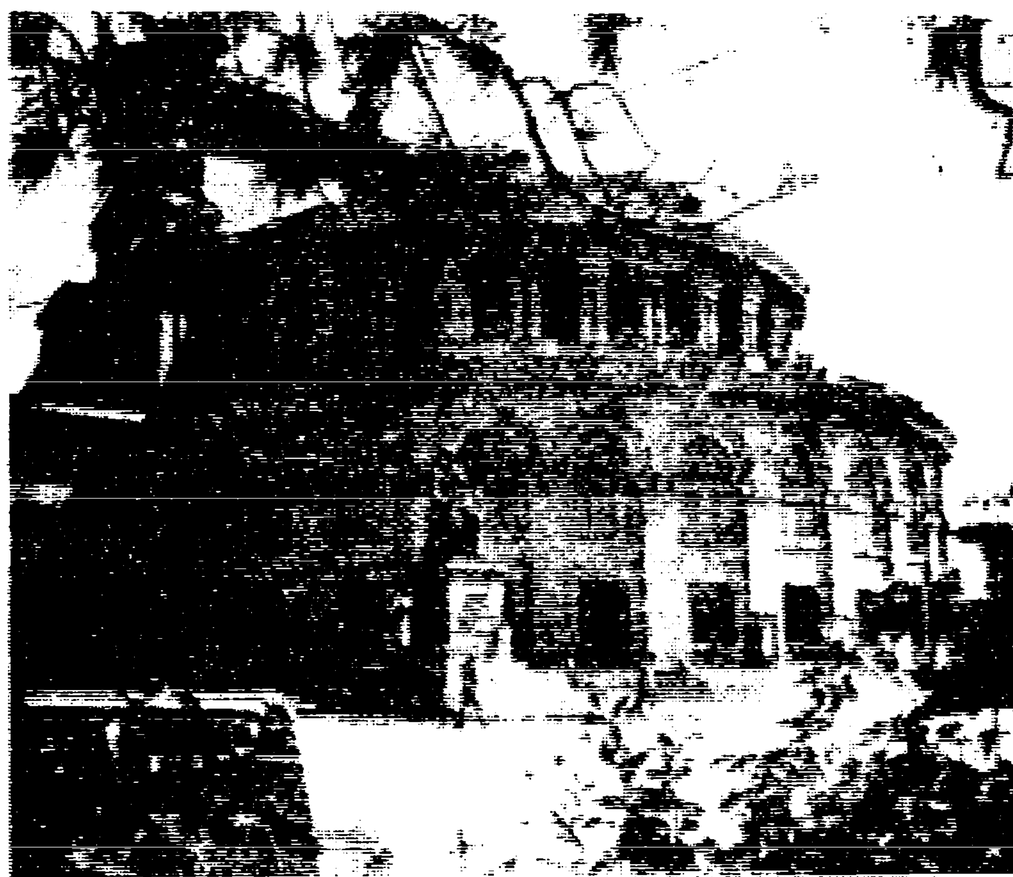

آرام خاچاتوریان موسیقیدان و هنرمند مردمی اتحاد شوروی

هنر موسیقی ارمنی با آثار حیرت انگیز موسیقی اپرایی ، مجلسی ، سازی و سمفونیک راه رابرای ترقی آتی‌هموارتر نمود . آثار عالی هنری توسـط آرام خاچاتوریان هنرمند مردمی اتحـــاد جماهیر شوروی سوسیالیستی‌وآکادمیسن آکادمی علوم ارمنستان ابـداع شـد . موسیقی او ــ که با نغمه‌های موسیقـــی ملی ارمنی عجین شده است ــ محبوبیت زیادی در سراسر گیتی کسب کرده‌است.

در نیمه دهه ۵۰ موسیقیدانـــان جوان پرقریحه ، آرنو باباجانیـــان ، آل .هاروتیونیان ظاهر گردیدند کـــه بخاطر خدمات ارزنده خود به کسب لقب عالی هنرمند مردمی اتحاد جماهیر

شوروی سوسیالیستی مفتخر ... و نیز ادوارد میرزویان، غ. ساریان، اد. هوانیسیان و سایرین.

هنراجرایی نیز به موفقیت‌های بزرگی دست یافت. استادان حیرت آور هنرآوازخوانی و برنده جایز لنین، زاروهی دولوخانیان و هنرمند مردمی اتحاد شوروی گوهار گاسباریان شهرت جهانی کسب کردند. اوهان دوریان، رهبر مشهور ارکستر، در بسیاری از صحنه‌های جهانی ظاهر شد. گروه رقص و آواز ارمنی (رهبر آن هنرمند مردمی اتحاد شوروی ت. آلتونیان)، گروه آواز خوانان ارمنی (رهبرآن ... ان) ... که در دهها کشور هنر خود را عرضه نموده‌اند ... محبوبیت وسیعی کسب کرده‌اند. در سالهای پس از جنگ فعالیت شدیدی در جهت تبلیغ آثار موسیقیدانان کلاسیک ارمنی، کومیتاس،



ساختمان اپرا ... در ایروان

کارامورزا ویکمالیان انجام گرفته است .

در صحنه تئاتر ارمنی استادان نامداری چون هنرمندان مردمی اتحاد شوروی واهرام پاپازیان (۱۹۶۸–۱۸۸۸) ، هراچیا نرسیسیان (۱۹۶۱–۱۸۹۵)، واغارش واغارشیان (۱۹۵۹–۱۸۹۴) ، آودآودیسیان (۱۹۷۱–۱۸۹۷) ، گورگن جانیبگیان ، هنرمند مردمی جمهوری الگا گولازیان (۱۹۷۰–۱۸۸۶) به هنر نمایی ادامه می‌دادند . تئاتر دراماتیک ارمنی با نیروی آنها توانست درجشن ده روزه هنر ارمنی در مسکو موفقیت بزرگی بدست آورد . در همین سالها بازیگران جوانی وارد کار تئاتر شدند که با روحیه تازه‌تر به تمهای معاصر و زمان پرداختند . در سالهای ۱۹۶۹ تئاتر جدید دراماتیک در ایروان تاسیس شد ، که فعالیت مجتمع نوبنیاد را کارگردان و هنرمند مردمی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هـ. غاپلانیان رهبری می‌کند .

در اواسط دهه ۵۰ ، هنر سینما پیشرفت زیادی کرد . فیلمهای سینمائی " شخصا" می‌شناسم " ، " مثلث " ، " سلام ، منم " ، " رنگ انار " ، " برادران سارویان" و یک سری فیلمهای مستند ساخته شد .

فعالیتهای زیادی در امر شهرسازی‌صورت گرفت . با طرحهای آرشیتکهای نامدار ک .هالابیان (۱۹۵۹–۱۸۹۷) ، س. سارافیان (۱۹۶۹–۱۹۰۲) هـ . مارکاریان (۱۹۶۳–۱۹۰۱)، م . مازمانیان (۱۹۷۱–۱۸۹۹) م .گریگوریان و سایرین ، ساختمان‌های متعدد مونومنتال بنا گردیدند که پایتخت جمهوری را تزئین می‌نمایند .

در دهه‌های اخیر روابط فرهنگی ارمنستان توسعه یافته است . ادبیات ترجمه‌ای به نحو چشمگیری فزونی یافت ، جشنواره‌های ده روزه و هفته‌ای به مناسبت هنر ادبی جمهوری‌های متحده ، جلسه‌های ارائه آثار نویسندگان . موسیقیدانان و نقاشان ، جشنواره‌های پنجاهمین سال فعالیت چهره‌های‌برجسته فرهنگی ، همکاری‌های علمی فزونی یافتند . درعین‌حال‌جشنواره‌های‌ده‌روزه به مناسبت ادبیات و هنر ارمنی در پایتخت کشور ، مسکو (سال ۱۹۵۶) ، استونیا (۱۹۵۶) ، قزاقستان (۱۹۶۶) روزهای فرهنگی در مسکو (۱۹۶۷) به مناسبت

جشنهای پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر، روزهای جشن علمی لنین درمسکو در ۱۹۷۰ و غیره برگزار شدند. اقداماتی ازاین قبیل فرهنگ کل شوروی وملی را غنی می‌کنند.



ساختمان تئاتر دراماتیک گ.سوندوکیان در ایروان

هفته‌هایی به مناسبت هنر ارمنی شوروی در چکسلواکی، بلغارستان (۱۹۶۶) و لهستان (۱۹۶۷) برگزار شدند. نمایشگاه "هنر ارمنی از اورارتو تا عصرما" ـ که در سال ۱۹۷۰ در پاریس ترتیب داده شده بود ـ باعث تحیر و شگفتی همگان گردید. جمهوری در نمایشگاههای بین المللی بروکسل (۱۹۵۸)، مونرال (۱۹۶۷)، اوزاکا (۱۹۷۰) شرکت نموده است.

جشنهای یادبود نویسندگان کلاسیک ارمنی ـ که تبدیل به جشن فرهنگ شوروی شدند ـ به نزدیکی فرهنگهای ملی کمک زیادی کردند.

در سال ۱۹۶۲، ۲۵۰ـامین سال تولد سایات نووا، سراینده دوستی

ملل ماوراء قفقاز و شاعر بزرگ ارمنی جشن گرفته شد . در سال ۱۹۶۳ ، ۱۶۰۰- امین سالگرد تولد مسروپ ماشتوتس مخترع حروف ارمنی با شکوه هرچه‌تمامتر جشن گرفته شد .

در سال ۱۹۶۹ ، جشن صدمین سالگرد تولد هوانس تومانیان شاعرکبیر ارمنی برگزار گردید . هوانس تومانیان با تمام آثار و وجودش به ملت خود تعلق داشت . او هراثر خود را از زندگی مردم برمی‌چید ، آنرا تنظیم ومرتب کرده و به یک یادگار جاویدان و بی‌همتای ادبی تبدیل نموده دگربار به مردم پس می‌داد . آثار شاعر و متفکر نابغه ، منظومه‌ها ، حکایت‌ها ، اشعار و رباعیات او بصورت میراث فرهنگی مردم درآمده‌اند .

در همان سال ۱۹۶۹ ، صدمین سال تولد موسیقیدان نابغه ارمنی ، کومتیاس نیز برگزار شد . زندگی و آثار کومتیاس که مملو از مبارزات و پیکار بود اعجاز واقعی برای ملتش و برای شکوفایی زندگی معنوی آن‌بود .گوهرهای جاودانی موسیقی او حتی امروز هم بصورت آوازهای جوشیده از اعماق قلوب مردم دارای محبوبیت بی‌نظیر هستند و آثار کلاسیک موسیقی او در سراسر جهان اجرا می‌شوند .

فرهنگ سوسیالیستی ملت ارمنی ، فرهنگ متنوع و غنی شوروی با روحی آکنده با عقاید عالی و کمونیستی به تربیت زحمتکشان پرداخته به ترقی معنوی و همه‌جانبه و هماهنگ افراد و شهروندان می‌پردازد .

تحولات ریشه‌ای اجتماعی واقتصادی در ارمنستان ، پیروزی‌های‌فرهنگی خلق ارمنی ، در ساختمان جمعیتی جمهوری تغییرات جدی بوجود آورد .

در دوران قبل از انقلاب جمعیت ارمنی ماوراء قفقاز شکل زیر راداشت : بورژوازی تجاری و صنعتی ۷/۳ درصد ، اشراف و زمینداران ۰/۸ درصد ، کارگران ۱۶/۲ درصد ، روستائیان ۷۰ درصد ، صنعتگران کارکنان خانگی ، تجارت خرد و غیره ۷/۶ درصد .

ساختمان اجتماعی ارمنی شوروی اکنون به شکل زیر می‌باشد : طبقه

کارگر ۴۸ درصد ، روستائیان کلخوزها ۲۸ درصد ، متفکرین ۲۴ درصد ، براساس داده‌های سرشماری ۱۹۷۰ ، جمعیت شهری جمهوری بالغ بر ۵۹/۵ درصد است (۱۰/۴ درصد در ۱۹۱۳ ، ۲۸/۶ درصد در ۱۹۳۹) .

رشد جمعیت ارمنستان در سالهای حکومت شوروی حاکی از رفاه کلی و مداوم مردم می‌باشد . براساس داده‌های آمار سال ۱۹۷۰ جمعیت ارمنستان بالغ بر ۲۴۹۱/۹ هزار نفر بوده است (منجمله ۲۲۰۸/۳ هزار ارمنی یعنی ۸۸/۶ درصد کل جمعیت) . باید بخاطر آورد که در سال ۱۸۹۷ ، ۷۹۷/۹هزار، در ۱۹۱۳ ، ۱۰۰۰/۱ هزار، در ۱۹۲۶ ، ۸۸۱/۳ هزار، در ۱۹۳۹ ، ۱۲۸۲/۳ هزار و در سال ۱۹۵۹ ، ۱۷۶۲۰/۰ هزار نفر در ارمنستان زندگی می‌کردند . جمعیت ایروان ، پایتخت جمهوری در سال ۱۹۷۰ در مقایسه با ۱۹۵۹ ، ۱۵۵/۴ درصد افزایش یافته بالغ بر ۷۶۶ ۶۰۵ نفر گردید[۴] .

۴ـ دورنماهای نو

۲۴ ـ امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ـ که در مارس ۱۹۷۱ تشکیل گردید ـ طرحهای وسیعی برای ترقی آتی فرهنگی و اجتماعی ـ اقتصادی کشور پیش بینی نمود . کنگره در مورد برنامه پنجساله نهم برای ترقی اقتصادی مردمی اتحاد شوروی تصمیم گرفت .

نهمین برنامه پنجساله با عظمت خود و بزرگی مسایل پیش بینی شده ، و مشمول برتمام زمینه‌های مهم زندگی اجتماعی شوروی چشمگیر می‌باشد . این برنامه به موازات توسعه فعالیتها در جهت ایجاد پایه‌و اساس مادی ـ تکنیکی کمونیسم ، توجه به حل مسایل اجتماعی ، ضرورت تسریع روند علمی و فنی ، افزایش تولیدات اجتماعی و بالا بردن مداوم بازدهی آن را نیز پیش بینی می‌کند .

۴ـ طبق آخرین سرشماری جمعیت ارمنستان بیش از ۳ میلیون وجمعیت ایروان یک میلیون نفر است ـ م .

باتوجه به اینکه دوران فعلی توسعه سوسیالیسم امکانات بیشتری درمقایسه با گذشته ایجاد می‌کند و نیز نزدیکی به اهداف اصلی تولیدات اجتماعی یعنی ارضاء کامل نیازهای درحال رشد مردم ، ۲۴ــ امین کنگره‌حزب‌کمونیست اتحاد شوروی مسئله‌عمده برنامه نهم پنجساله را چنین مطرح نمود : " حفظ ترقی سطح فرهنگی و مادی زندگی مردم براساس توسعه سریع روند تولیدی سوسیالیستی ، بالا بردن بازدهی آن ، پیشرفت علمی و فنی ، تسریع رشد بازدهی " .

سومین جلسه‌هشتمین مجمع عمومی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ــ که پس از ۲۴ــ امین کنگره حزب بوقوع پیوست ــ قانونی برای برنامه پنجساله توسعه اقتصاد مردمی تصویب نمود . مردم شوروی به اجرای مفاد برنامه پنجساله جدید اقدام نموده‌اند .

در نهمین برنامه پنجساله روند صعودی رشد اقتصادی محفوظ مانده است . مقیاس توسعه اجتماعی ــ فرهنگی ، تولیدی و سازندگی ، مصرف مردم به اندازه قابل توجهی افزایش می‌یابد . در طول برنامه پنجساله درآمد ملی اتحاد شوروی بطور کلی ۴۰ــ۳۷ درصد ، تولیدات صنعتی ۴۶ــ۴۲ درصد ، محصولات کشاورزی ۲۲ــ۲۰ درصد ، سرمایه‌گذاری اقتصادی ۴۰ــ۳۶ درصد افزایش خواهند یافت . در پایان برنامه نهم پنجساله یعنی سال ۱۹۷۵ در مقایسه با سال ۱۹۴۰ درآمد ملی کشور ۱۲ مرتبه افزایش می‌یابد ، تولیدات صنعتی ۱۷ برابر ، محصولات کشاورزی ۲/۶ مرتبه افزون می‌شود . عملی شدن برنامه نهم پنجساله قدم بسیار بزرگی در جهت ساختمان کمونیسم محسوب شده ، قدرت اقتصادی و دفاعی اتحاد شوروی به سطح بالاتری ارتقاءمی‌یابد .

برنامه پنجساله دورنمای توسعه و ترقی وسیع تمام جمهوری‌ها منجمله جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان را پیش بینی می‌کند . برای ارمنستان ، در رابطه با یک رشته معیارها ، روند بالاتر توسعه و ترقی نسبت به روند متوسط پیش بینی شده برای اتحاد شوروی ، پیش بینی گردیده است .

در طول پنجساله جدید مقیاس تولیدات جمهوری ۶۳ــ۶۰ درصدافزایش

خواهد یافت. چنین روند صعودی منوط به برخی عوامل اقتصادی و در درجه اول وجود منابع خام اولیه و رشد جمعیت می‌باشد. تولید نیروی برق، ماشین سازی، ساختن دستگاه‌های صنعتی و سایر رشته‌های مهم صنایع ارمنستان شوروی با روندهای سریعتری افزایش خواهند یافت.

ایجاد اساس مستحکم تولید نیروی برق در جمهوری محتاج کار و کوشش زیادی خواهد بود. ساختمان نیروگاه حرارتی هرازدان بایستی به‌اتمام رسد که دو مجموعه آن هریک با قدرت ۲۰۰ هزار کیلووات اکنون مورد بهره برداری قرار می‌گیرند. پیش بینی می‌شود در سال ۱۹۷۴ اولین نیروگاه اتمی درحال احداث ماوراء قفقاز مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بجز آن، کارهای ساختمانی مجموعه نیروگاههای برق در مسیر رود وروتان ادامه‌خواهد یافت که‌البته شامبین به نیروگاه برق هیدرولیکی تاتو ــ که هم‌اکنون مورد استفاده قرار می‌گیرد ــ ملحق می‌شود و اما نیروگاه برق هیدرولیکی اسپانداریان مرحله نهایی احداث را پشت سرخواهد نهاد.

به لطف تمام این اقدامات در طول برنامه نهم پنجساله اساس قدرت انرژتیک جمهوری در مقایسه با سال ۱۹۷۰، ۷۰ درصد افزایش خواهدداشت.

در اولین سال برنامه پنجساله جدید، فعالیتهای ساختمانی تونل آبی آرپا ــ سوان بشدت ادامه داشت. در بقیه سالهای برنامه پنجساله برای این طرح بایستی که سالهای منحصر بفرد باشند. در شرایط سخت کوهستانی اجتماع چندهزارنفری سازندگان تونل با پشت سرنهادن دشواری‌ها و موانع، راه را برای رساندن ضروری آب به دریاچه سوان هموار می‌کنند.

در طول سالهای پنجساله نهم، ماشین سازی و مخصوصا" ماشین های دقیق، صنایع افزارسازی و رادیوتکنیک پیشرفت چشمگیری خواهند داشت. مقیاس تولیدات ماشین‌سازی تقریبا" دوبرابر خواهد شد اما در جمع تولید ناخالص، شاخص این تولیدات در سال ۱۹۷۵ به ۲۸ درصد خواهد رسید و از تمام رشته‌های اقتصادی پیشی می‌گیرد. توسعه ماشین سازی توسط ایجاد یک رشته موسسات جدید، بازسازی کارگاههای تولیدی و اتوماتیک نمودن

تولید امکان‌پذیر خواهد بود.

در طول دهه‌های اخیر، بخش تولیدی ذوب فلز نسبت به سطح کل تولیدات صنعتی جمهوری مداوماً توسعه می‌یابد. در سالهای برنامه‌پنجساله، سطح تولیدات صنعتی بایستی ۵۵ درصد افزایش یابد. پیش بینی می‌شود که ظرفیت کارخانه مولیبدن کاجاران فزونی یافته، احداث یک‌رشته کارخانجات غنی‌سازی به پایان رسد.

ترقی آتی صنایع شیمیایی‌جمهوری پیش بینی می‌گردد. تولیدات آن در آخر برنامه پنجساله ۴۵ درصد افزایش خواهد داشت. توسعه صنایع شیمیائی براساس مواد خام منطقه یعنی پرلیت‌ها، نمک طعام، سنگ آهک و نیز براساس گاز وارداتی از خارج خواهد بود.

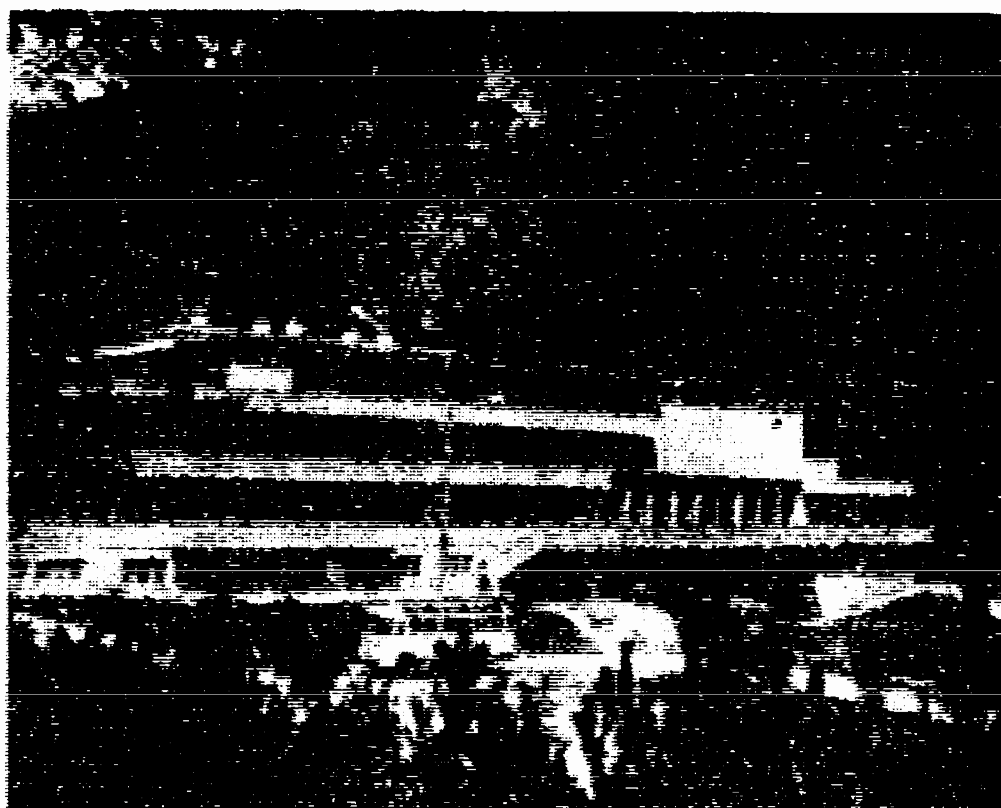
در سالهای برنامه پنجساله جدید خط مشی کلی ترقی شدید تولید کالاهای مصرفی، انعکاس خود را در طرح توسعه اقتصادی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان یافته است. بدین ترتیب که، در طول برنامه‌پنجساله سطح تولیدات صنایع سبک جمهوری ۵۰ درصد اما صنایع غذایی ۳۵ درصد افزایش خواهد یافت. پیش بینی می‌شود یک رشته موسسات تولید موادغذایی کارخانه تزئینات و کالاهای ظریف پوستی در ایروان، کارخانه چینی سازی در لوساگرد، کارخانه دستکش در چارنتساوان، کارخانه کنسروسازی در آختالا، کارخانه جدید شراب سازی در برخی نواحی و غیره ساخته شوند.

۲۵ـ امین کنگره حزب کمونیست ارمنستان که در فوریه ۱۹۷۱ تشکیل شد و در آن خط مشی‌های برنامه پنجساله ۱۹۷۵ـ۱۹۷۱ مورد بررسی قرار گرفت، بویژه ضرورت ایجاد صنایع در مناطق مسکونی روستایی و شهرهای کوچک، نزدیکی صنایع با مواد اولیه موجود، ترقی همه‌جانبه اقتصادی‌مناطق جمهوری را مورد تاکید قرار داد. براساس آن ضرورت توجه خاص به اقتصاد مناطق مرزی آماسیا، غوکاسیان، کالینینو، آنی، مغری، شامشادین و سایر نواحی مورد تائید قرار گرفت.

در برابرزحمتکشان روستایی جمهوری مسایل جدی قرار دارد. بادرنظر

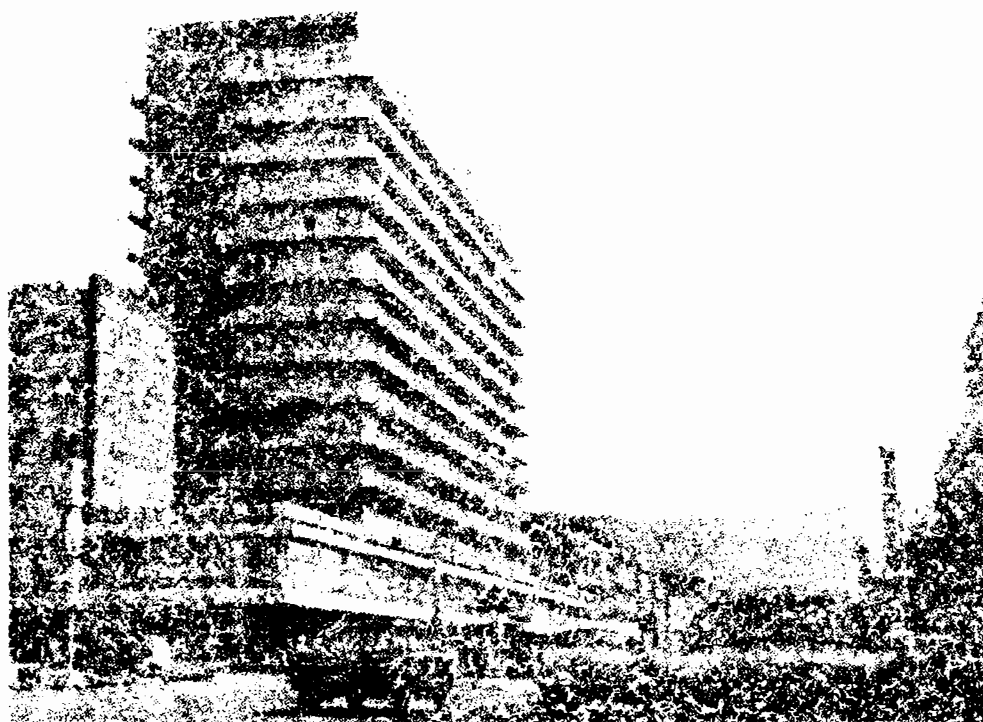
گرفتن اینکه اکنون کشاورزی با روندهای رشد خود از رشد جمعیت عقب مانده است، پیش بینی می‌شود که در مقایسه با برنامه پنجساله قبلی، سطح محصولات کشاورزی بطور متوسط، سالانه ۳۰ درصد افزایش یابد. در شرایط قلت زمینهای جمهوری، برای حفظ چنین رشدی، توجه حدی باید بر ماشینیزه کردن کارهای کشاورزی، فعالیتهای آبیاری و ترقی آتی دامپروری و زراعت مبذول داشت. در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۱ در ساوخوزها و کلخوزها ۸ هزار هکتار برسطح باغهای میوه و تاکستان‌ها اضافه خواهد گردید. برای تامین گوشت مورد نیاز جمعیت شهری پیش بینی می‌شود که یک رشته مجتمع های وسیع دامپروری و نیز پرورش ماکیان تاسیس گردد.

همچون سراسر کشور، در ارمنستان نیز در طول سالهای برنامه نهم



آسایشگاهی در آغوران

توجه فراوانی نسبت به حل مسایل اجتماعی ـ فرهنگی مبذول خواهدگردید. ساختمان سریع مجتمعهای مسکونی پیش بینی شده است، فقط در طـــول سالهای برنامه پنجساله توسط سرمایه‌های دولتی، با سطح زیربنای بیش از ۴ میلیون متر مربع خانه‌سازی خواهد شد. بطور چشمگیری سازندگی خانه‌هـای تعاونی وسعت خواهد داشت. لوله‌های گاز لنیناکان ـ آماسیا ـ غوکاسیان، هراردان ـ هانکاوان، وارد نیس ـ حرموک و غیره مورد بهره برداری قـرار خواهند گرفت، بخش عظیمی از مناطق مسکونی روستایی از تسهیلات گـاز استفاده خواهند نمود. توجه زیادی به بهبود وضع شهرها و دهات جمهوری، خدمات رفاهی، توسعه خرید و فروش و غیره مبذول خواهد گردید.



هتل "آنی" در ایروان

درزمینه فرهنگی، اقدامات مهمی در کار اجباری نمودن دوره متوسطه درجمهوری انجام خواهد شد ـ به این وسیله یکی از مسایل مهم اجتماعی نیز

حل خواهد گردید . در سال ۱۹۷۵ در مدارس جمهوری بیش از ۶۸۰ هزار دانش آموز مشغول تحصیل خواهد بود . مسئله احداث مدارس جدید ـ که امکان اجرای برنامه یک نوبتی را فراهم می‌سازد ـ مطرح می‌گردد . شبکه تحصیلات حرفه‌ای ـ فنی گسترش می‌یابد ، که ۲۰ آموزشگاه فنی ـ حرفه‌ای به مدارس حرفه‌ای ـ فنی متوسطه تبدیل خواهند شد و اینها درجهت تخصصهای گوناگون ، کارگران ماهر تربیت خواهند نمود در عین حال اینهاازتحصیلات دبیرستانی نیز برخوردار خواهند شد .

سیستم بهداری بطور چشمگیری ترقی خواهد نمود . در بسیاری‌ازشهرها و مناطق مسکونی بیمارستانهای تا هزار تخت خوابی احداث می‌شوند . مجتمعهای جدید آسایشگاهها در جرموک ، دیلیجان ، هانکاوان ، آرزنی ، استراحتگاههایی در زاغکازور ، سوان ، مارتونی ، ایجوان و سایر نواحی‌ایجاد خواهد شد .

هدف تمام اقدامات پیش بینی شده در زمینه ترقی اقتصاد مردمی و مسایل فرهنگی ـ اجتماعی ، بالا بردن سطح رفاه عمومی است . در سالهای برنامه پنجساله درآمد واقعی جمعیت جمهوری ۳۷ـ۳۵ درصد افزایش خواهد داشت .

زحمتکشان جمهوری و تمام مردم شوروی با رضایت کامل تصمیمات ۲۴ـ امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و برنامه نهم پنجساله را پذیرفتند . در اولین سال برنامه پنجساله جدید اجرای برنامه‌های مربوطه قبل از موعد معین به اتمام رسید . در مجتمعهای بزرگ کشور و تمام رشته‌های اقتصاد و در کلیه زمینه‌های سازندگی کمونیستی ، فعالیتهای چشمگیری جریان دارد . خانواده برادرانه و کثیرالملت اتحاد شوروی به موفقیت‌های جدیدتری نایل می‌گردد .

و.ای .لنین را جشن گرفت .

نوامبر ــ ۵۰ ــ امین سال برقراری حکومت شوروی در ارمنستان و تشکیل حزب کمونیست ارمنستان . در این رابطه به جمهوری نشان انقلاب اکتبر اعطاء شد . این نشان افتخار ارزنده را ل .ای .برژنف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که برای شرکت در جشن‌وارد ایروان شده بود ، به جمهوری اعطاء نمود .

۱۹۷۱ ــ مارس ــ ۲۴ ــ امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو تشکیل شد .

پایان

جدول وقایع مهم به ترتیب تاریخ وقوع

۱۸۰۱ ـ الحاق گرجستان به روسیه.

۱۸۱۳ــ۱۸۰۴ ـ جنگ ایران و روس.

۱۸۰۹ ـ چهره برجسته نهضت آزادی بخش ارمنی، هوسپ امین در شهر کلکته هندوستان بدور حیات گفت.

۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ ـ قرار داد صلح گلستان میان روسیه و ایران.

۱۸۱۵ ـ تاسیس مدرسه عالی لازاریان در مسکو.

۱۸۲۴ ـ تاسیس مدرسه نرسیسیان در تفلیس.

۱۸۲۵ ـ نمایشنامه‌نویس مشهور ارمنی، گابریل سوندوکیان (وفات ۱۹۱۲)، متولد شد.

۱۸۲۸ــ۱۸۲۶ ـ جنگ ایران و روس.

اول اکتبر ۱۸۲۷ ـ قشون روس ایروان را تصرف کردند.

دهم فوریه ۱۸۲۸ ـ عهدنامه ترکمنچای منعقد شد.

مارس ۱۸۲۸ ــ تاسیس " استان ارمنی " .

۱۸۲۸ــ۱۸۲۹ ــ جنگ ترکیه و روسیه .

۲۷ ژوئن ۱۸۲۹ ــ قشون روس ارض روم (کارین) را تصرف کردند .

۲ سپتامبر ۱۸۲۹ ــ در شهرآدریاناپول عهدنامه صلح میان روسیه و ترکیه منعقد گردید .

۱۸۲۹ ــ در شهر نخجوان نو ، دمکرات انقلابی و برجسته ارمنی ، شاعر و منتقد میکایل نالباندیان متولد گردید . (وفاتش در ۱۸۶۶ درتبعید)

۱۸۳۰ ــ در شهر نخجوان نو ، شاعر بزرگ ارمنی راپایل پالکانیان (گامار ــ کاتیپا) متولد شد . وفاتش در ۱۸۹۲ .

۱۸۳۲ ــ تاسیس مدرسه محلی ایروان . در فاصله سالهای ۱۸۴۸ ــ ۱۸۴۳ ، خاچاتور آبوویان مدیر مدرسه بود .

۱۸۳۵ ــ رافی رمان نویس برجسته ارمنی متولد شد (وفات ۱۸۸۸) .

۱۸۳۸ ــ قیامهای دهقانی برعلیه مقامات تزاری در نواحی پامباک‌وبایزیدنو .

۳ نوامبر ۱۸۳۹ ــ اعلام " تنظیمات " (رفرم‌ها) در ترکیه .

۱۸۴۳ ــ نشریه ادواری " بازماوِب " ــ که تا امروز به انتشار خود ادامه‌می‌دهد ــ در ونیز منتشر گردید .

۱۸۴۳ ــ طنز نویسته برجسته ارمنی ، هاکوپ بارونیان متولد شد (وفات ۱۸۹۱) .

۱۸۴۴ ــ نیابت سلطنت قفقاز بوجود آمد . شاهزاده م .س .ورنسف اولین نایب‌السلطنه گردید .

۱۸۴۵ ــ منتقد مشهور گریگور آرزرونی در مسکو تولد یافت (وفات ۱۸۹۲) .

۲ آوریل ۱۸۴۸ ــ روشنگر برجسته و بنیانگذار ادبیات جدید ارمنی ،خاچاتور در ایروان مفقودالاثر گردید (تولدش در۱۸۰۵ یا ۱۸۰۹) .

۱۸۴۹ ــ استان ایروان تشکیل شد که ایروان ، بازیدنو ، آلکساندراپول ،نخجوان و اردوباد جزو آن بودند .

۱۸۵۳ــ۱۸۵۶ ــ نبرد کریمه .

۱۸۵۸–۱۸۶۴ ـ نشریه معروف " هیوسیساپایل " به سردبیری استپانـــوس نازاریان در مسکو انتشار یافت .

۱۸۶۲ ـ قیام اهالی زیتون برعلیه دولت سلطانی و دفاع قهرمانانه آنها .

۱۸۶۳ ـ قیام دهقانی ، ضد فئودالی و ضدسلطانی در ناحیه موش .

۱۸۶۹ ـ شاعر بزرگ ، هوانس تومانیان تولید یافت (وفات ۱۹۲۳) . موسیقی دان و کومپوزیتور نابغه ، کومتیاس (سوغومون سوغومونیان) متولـــد شد . وفاتش در ۱۹۳۵ .

مه ۱۸۷۰ ـ قانوني برای انجام اصلاحات در ارمنستان وضع شد .

۳۰ آوریل ۱۸۷۱ ـ در تفلیس ، برای اولین بار " پِپو " اثر گابریل‌سوندوکیان به‌روی صحنه رفت .

ژانویه ۱۸۷۲ ـ جریده " مشاک " در تفلیس آغاز به‌انتشار نمود (سردبیرش ، گریگور آرزرونی) .

۱۸۷۲ ـ به منظور عملی ساختن مبارزه رهایی‌بخش برعلیه سلطه سلطان ، در وان سازمان مخفی " اتحادیه رستگاری " تشکیل شد .

۱۸۷۴ ـ مدرسه عالی گورکیان دراجمیادزین تاسیس گردید .

۱۸۷۵ ـ شاعر بزرگ ارمنی ، آوتیک ایساهاکیان تولد یافت ، (وفـاتـش در ۱۹۵۷) .

۱۸۷۷–۱۸۷۸ ـ جنگ ترکیه ـ روس .

۱۹ فوریه ۱۸۷۸ ـ عهدنامه اولیه سان ـ استفانو میان‌روسیه‌وترکیه‌منعقدگردید.

اول ژوئیه ۱۸۷۸ ـ عهدنامه برلین انعقاد یافت .

۱۸۷۸ ـ انقلابی و مارکسیست لنینیست بزرگ ، استپان شاهومیان متولد شـد (پس از نابودی کمون باکو ، وی و ۲۵ نفر از دوستانش را در ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۸ در شن‌زار ترکمنستان تیرباران کردند) .

۱۸۸۱ ـ در کارین (ارض روم) سازمان مخفی "حامیان وطن" ، بوجود آمـد که هدفش قیام برعلیه سلطه سلطان بود .

۱۸۸۵ ـ دولت تزار چندصد مدرسه ارمنی را در قفقاز تعطیل کرد .

۱۸۸۷ ــ حزب هونچاک در ژنو تاسیس شد .
۱۸۹۰ ــ حزب داشناکسوتیون در تفلیس بنیان نهاده شد .
۱۸۹۰ـ۱۸۹۱ ــ سلطان عبدالحمید قشون مجزای کرد را تحت عنوان حمیدیه تشکیل داد که ماموریت عمده آنها انجام کشتارهای ارمنی بود .
۱۸۹۴ ــ کشتار روستائیان ارمنی ساسون توسط قشون ترک .
نوامبر ــ دسامبر ۱۸۹۵ ــ دفاع قهرمانانه اهالی زیتون در برابر قشون ترک .
۱۸۹۵ـ۱۸۹۶ ــ کشتارهای جمعی ارامنه در نواحی متعدد ارمنستان غربی و ترکیه .
۱۸۹۹ ــ خط آهن تفلیس ــ آلکساندراپول ــ قارص مورد بهره‌برداری قرار گرفت .
۱۹۰۲ ــ اولین دستجات سوسیال دمکرات در ایروان ، آلکساندراپول ، قارص ، آلاوردی و یک رشته دهات لوری تشکیل گردید . " اتحادیه سوسیال ــ دمکراتهای ارمنی " در تفلیس ایجاد شد .
۱۲ ژوئن ۱۹۰۳ ــ قانون دولت تزاری در مورد مصادره اموال کلیسای ارمنی .
ژوئیه ــ سپتامبر ۱۹۰۳ ــ قیام توده‌ای اهالی ارمنی ماوراء قفقاز برعلیه سیاست ضدارمنی تزار .
بهار ۱۹۰۴ ــ قیام مسلحانه روستائیان ارمنی ساسون برعلیه سلطه سلطان .
۹ ژانویه ۱۹۰۵ ــ " یکشنبه خونین " در پتربورگ . اولین طلیعه انقلاب روسیه .
اول اوت ۱۹۰۵ ــ دولت تزار تحت فشار توده‌های خلق ارمنی قانون ۱۲ ژوئن در مورد مصادره دارایی‌های کلیسای ارمنی را ملغی اعلام نمود .
اکتبر ۱۹۰۵ ــ اعتصاب عمومی کارگران راه آهن ارمنستان .
اوت ۱۹۰۶ ــ اعتصاب کارگران آلاوردی .
مارس ۱۹۰۷ ــ اعتصاب کارگران معادن و کارخانجات غاپان .
ژوئیه ۱۹۰۸ ــ تحولات حکومتی در ترکیه . حکومت بدست حزب ترکهای جوان افتاد .

آوریل ۱۹۰۹ ــ کشتار اهالی ارمنی شهر آدانا در کیلیکیه.

۲۶ ژانویه ۱۹۱۴ ــ بین روسیه و ترکیه موافقت نامه‌ای در مورد انجام اصلاحات در ارمنستان غربی منعقد گردید.

اول اوت ۱۹۱۴ ــ آغاز جنگ جهانی اول.

۲ نوامبر ۱۹۱۴ ــ شروع عملیات جنگی در جبهه قفقاز.

دسامبر ۱۹۱۴ ــ ژانویه ۱۹۱۵ ــ عملیات جنگی ساریغامیش، شکست بزرگ ارتش ترکیه.

۷ آوریل ــ ۶ مه ۱۹۱۵ ــ دفاع قهرمانانه اهالی ارمنی وان.

۲۴ آوریل ۱۹۱۵ ــ تبعید و قتل متفکرین ارمنی استامبول توسط حکومت ترکیه.

۱۹۱۶ ــ ۱۹۱۵ ــ کشتارهای جمعی ارامنه در ترکیه.

اوایل فوریه ۱۹۱۶ ــ عملیات جنگی ارض روم. شکست ارتش ترکیه.

۲۷ فوریه ۱۹۱۷ ــ پیروزی انقلاب بورژوا دمکراتیک فوریه در روسیه. برچیده شدن استبداد تزاری.

۲۵ دسامبر ۱۹۱۷ ــ انقلاب سوسیالیستی کبیر اکتبر. دومین کنگره شوراهای سراسری روسیه در پطروگراد، تصویبنامه‌هایی در مورد صلح و زمین صادر کرد. شورای کمیسرهای خلق، اولین دولت شوروی به رهبری و.ای.لنین تشکیل شد.

۱۶ دسامبر ۱۹۱۷ ــ براساس تصمیم شورای کمیسرهای خلق روسیه شوروی، استپان شاهومیان به سمت کمیسر فوق‌العاده موقت درامور قفقاز تعیین می‌گردد.

۲۹ دسامبر ۱۹۱۷ ــ شورای کمیسرهای خلق روسیه شوروی تصویبنامهٔ "درباره ارمنستان ترکیه" را صادر نمود.

ژانویه ۱۹۱۸ ــ رخنه قوای ترک به ماوراء قفقاز.

۱۲ مارس ۱۹۱۸ ــ ارتش ترکیه ارض‌روم را تصرف کرد.

۱۵ مه ۱۹۱۸ ــ قشون ترکیه آلکساندراپول را تصرف کرد.

۲۶ــ۲۲ مه ۱۹۱۸ ــ نبرد قهرمانانه سارداراباد.

۲۸ـ۲۵ مه ۱۹۱۸ ـ نبرد قهرمانانه قره‌کلیسا .

۲۶ مه ۱۹۱۸ ـ سیم ماوراء قفقاز ازهم پاشید .

۲۸ مه ۱۹۱۸ ـ شورای ملی ارمنی در تفلیس در مورد اعلام " جمهوری‌مستقل" ارمنستان تصمیم گرفت .

۴ ژوئن ۱۹۱۸ ـ قرارداد صلح میان ترکیه و ارمنستان در باطوم معقدمی‌گردد که براساس آن ترکیه بخش عظیمی‌ازارمنستان‌راتصرف می‌کند.

۳۱ ژوئیه ۱۹۱۸ ـ سقوط کمون باکو .

آوریل ۱۹۱۹ ـ سازمان جوانان کمونیست " اسپارتاک " در ارمنستان تشکیل گردید .

ژانویه ۱۹۲۰ ـ اولین کنگره غیررسمی سازمانهای کمونیستی ارمنستان در ایروان تشکیل شد .

۲۸ آوریل ۱۹۲۰ ـ پیروزی حکومت شوروی در آذربایجان .

۱ مه ۱۹۲۰ ـ تظاهرات شدید زحمتکشان برعلیه دولت در ایروان ، آلکساندراپول ، کارس و سایر نواحی ارمنستان برگزار گردید .

۲۱ـ۱۰ مه ۱۹۲۰ ـ قیام مسلحانه در آلکساندراپول ، کارس ، ساری غامیش ، بایزیدنو ، شامشادین ، زانگزور ـ کاروانسرا ، دلیجان برعلیه دولت داشناکها .

ژوئن ۱۹۲۰ ـ سازمانهای بلشویکی ارمنستان بصورت حزب کمونیست (بلشویک) ارمنستان متشکل می‌گردند .

۱۰ اوت ۱۹۲۰ ـ عقد عهدنامه سور .

۲۲ سپتامبر ۱۹۲۰ ـ حمله ارتش ترکیه به ارمنستان .

نوامبر ۱۹۲۰ ـ قیام انقلابی زحمتکشان در ایجوان ، دیلیجان ، شامشادین .

۲۹ نوامبر ۱۹۲۰ ـ کمیته انقلاب ارمنستان در ایجوان اعلامیه تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان را منتشر ساخت .

۳۰ نوامبر ۱۹۲۰ ـ کمیته نظامی ـ انقلابی ارمنستان تلگرامی برای لنین فرستاده پیروزی حکومت شوروی در ارمنستان را به آگاهی

رساند .

۲ دسامبر ۱۹۲۰ ــ لنین برای رئیس کمیته نظامی ــ انقلابی ارمنستان ، س . کاسیان تلگرامی فرستاده پیروزی حکومت شوروی را در ارمنستان تبریک گفت .

۱۳ دسامبر ۱۹۲۰ ــ شورای کمیسرهای خلق روسیه شوروی در مورد کمک مالی به ارمنستان تصمیم می‌گیرد .

۱۷ دسامبر ۱۹۲۰ ــ فرمان کمیسرهای خلق جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان در امور آموزش و علوم درباره تاسیس دانشگاه مردمی ایروان .

دسامبر ۱۹۲۰ ــ با تصویبنامه‌های کمیته انقلاب ارمنستان اولین اقدامات سوسیالیستی در جمهوری ، ملی شدن موسسات صنعتی ، بانکها ، زمین ، ثروتهای طبیعی ، دولتی شدن موسسات آموزشی و فرهنگی ، لغو نظام حکومتی و دادگاه‌های قدیم ، لغو قوانین قدیم و غیره عملی شدند .

۱۹۲۱ ــ ۱۳ فوریه ــ آغاز بلوای ضدشوروی داشناکها (ماجراجویی فوریه) .

۱۴ فوریه ــ آزاد سازی " منطقه بیطرف " لوری از یوغ منشویکهای گرجی .

۲۵ فوریه ــ پیروزی حکومت شوروی در گرجستان .

۲ آوریل ــ آزادی ایروان از دست بلواچی‌های داشناک .

۱۴ آوریل ــ نامه تاریخی و . ای . لنین به کمونیستهای جمهوری آذربایجان ، گرجستان ، ارمنستان ، داغستان و کوهنشینان .

۲۲ آوریل ــ آزادی آلکساندراپول از دست اشغالگران ترک .

۲۱ مه ــ کمیته انقلاب ارمنستان بصورت شورای کمیسرهای خلق جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان تجدید سازمان یافت . آ . میاسنیکیان بعنوان رئیس شورای کمیسرهای

خلق تعیین شد .

۲۴ ژوئن ــ اعلامیه دولت ارمنستان شوروی در مورد مالیات خواربار .

ژوئیه ــ آزادی زانگزور از دست ضد انقلابیون .

۲۱ سپتامبر ــ اعلامیه دولت ارمنستان در مورد محو بیسوادی در جمهوری .

دسامبر ــ اولین مهاجرت ارامنه خارج به ارمنستان شوروی آغاز گردید .

۱۹۲۲ ــ ژانویه ــ اولین کنگره حزب کمونیست (بلشویک) ارمنستان تشکیل شد .

۳۰ ژانویه ــ ۴ فوریه ــ اولین کنگره شوراهای نمایندگان کارگران دهقانان و ارتش سرخی‌ها تشکیل شد که اولین قانون اساسی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان را تصویب نمود .

ژانویه ــ اولین تئاتر دراماتیک دولتی در ایروان افتتاح گردید .

مارس ــ تاسیس فدراسیون ماوراء قفقاز . در ۱۰ دسامبر همان سال در اولین کنگره شوراهای ماوراء قفقاز در باکو ، بالاخره جمهوری سوسیالیستی فدراتیو ماوراء قفقاز تشکیل شد .

۳۰ دسامبر ــ در کنگره بین اتحادیه‌ای شوراها ، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکیل شد .

۱۹۲۲ ــ ژانویه ــ اولین بانفاک در ایروان افتتاح گردید .

دسامبر ــ کنسرواتوار دولتی در ایروان افتتاح شد .

۱۹۲۴ــ ۲۱ ژانویه ــ وفات و . ای . لنین .

۲۶ فوریه ــ به تصمیم کمیته مرکزی اجرایی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، شهر آلکساندراپول به نام لنیناکان نامگذاری گردید .

نوامبر ــ ذوب مس مجدداً" در غاپان آغاز شد .

۱۹۲۵ــ **آوریل** ــ افتتاح انستیتوی علوم و هنر ارمنستان شوروی در ایروان .

۱۹۲۶ ــ **مه** ــ اولین نیروگاه هیدرولیکی برق ایروان مورد بهره‌برداری قرار گرفت .

۱۹۳۲ ــ **آوریل** ــ اتحادیه نویسندگان ارمنستان شوروی تشکیل شد .

۱۹۳۳ ــ **ژانویه** ــ تئاتر دولتی باله و اپرا در ایروان افتتاح گردید .

۱۹۳۵ ــ **ژوئن** ــ شعبه ارمنی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایروان تاسیس شد .

۱۹۳۶ ــ **۵ دسامبر** ــ کنگره فوق‌العاده هشتم شوراهای اتحاد شوروی قانون اساسی جدید را تصویب نمود . براساس قانون اساسی جدید ، فدراسیون ماوراء قفقاز منحل گردید ، جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان بصورت جمهوری متحده درآمد .

۱۹۳۷ ــ **۲۳ مارس** ــ نهمین کنگره فوق‌العاده شوراهای جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان قانون اساسی جدید ارمنستان را تصویب نمود .

۱۹۳۹ ــ **سپتامبر** ــ برگزاری جشن هزارمین سالگرد " داویت ساسونی " .

۱۹۴۱ ــ **۲۲ ژوئن** ــ جنگ کبیر میهنی آغاز شد .

۱۹۴۳ ــ **۲۷ فوریه** ــ نامه خلق ارمنی به فرزندان مبارز خود در جبهه جنگ در روزنامه " پراودا " انتشار یافت .

۱۴ مارس ــ نامه جوابیه رزمندگان ارمنی به خلق ارمنی در نشریات منتشر شد .

۲۹ نوامبر ــ آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان تاسیس شد .

۱۹۴۵ ــ **۹ مه** ــ تارومار کامل آلمان هیتلری ، جنگ کبیر میهنی پایان یافت .

۲۱ نوامبر ــ دولت اتحاد شوروی در مورد مهاجرت ارامنه خارج به میهن تصمیم گرفت .

۱۹۴۶ ــ ژوئیه ــ اولین کاروان ارامنه مهاجر وارد ارمنستان شوروی گردید .

۱۹۵۶ ــ فوریه ــ بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو تشکیل شد .

۱۹۵۸ ــ ۲۹ دسامبر ــ بفرمان ریاست شورای عالی اتحاد شوروی به ارمنستان شوروی نشان افتخار لنین اعطاء گردید .

۱۹۶۱ ــ ۶ مه ــ جشن چهلمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست و دولت شوروی ارمنستان .

اوت ــ دولت اتحاد شوروی در مورد احداث تونل آبی آرپا ــ سوان تصمیم گرفت .

۱۹۶۲ ــ مه ــ ۱۶۰۰ ــ امین سال تولد مسروپ ماشتوتس خالق حروف ارمنی در ارمنستان شوروی و بین ارامنه خارج جشن گرفته شد .

۱۹۶۳ ــ اکتبر ــ ۲۵۰ ــ امین سالگرد تولد سایات نووا شاعر بزرگ ارمنی .

۱۹۶۵ ــ آوریل ــ برگزاری ۵۰ ــ امین سالگرد قتل عام ارامنه در ارمنستان شوروی و مهاجرنشینهای ارمنی .

۱۹۶۷ ــ نوامبر ــ ۵۰ ــ امین سالگرد انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر .

۱۹۶۸ ــ مه ــ ۵۰ ــ امین سالگرد نبرد قهرمانانه سارداراباد در ارمنستان شوروی برگزار شد .

۱۶ اکتبر ــ ارمنستان شوروی به دریافت دومین نشان افتخار لنین نایل گردید .

۱۹۶۹ ــ سپتامبر ــ صدمین سالگرد تولد شاعر بزرگ ارمنی هوانس تومانیان برگزار شد .

دسامبر ــ برگزاری جشن صدمین سالگرد تولد کومیتاس موسیقیدان بزرگ ارمنی .

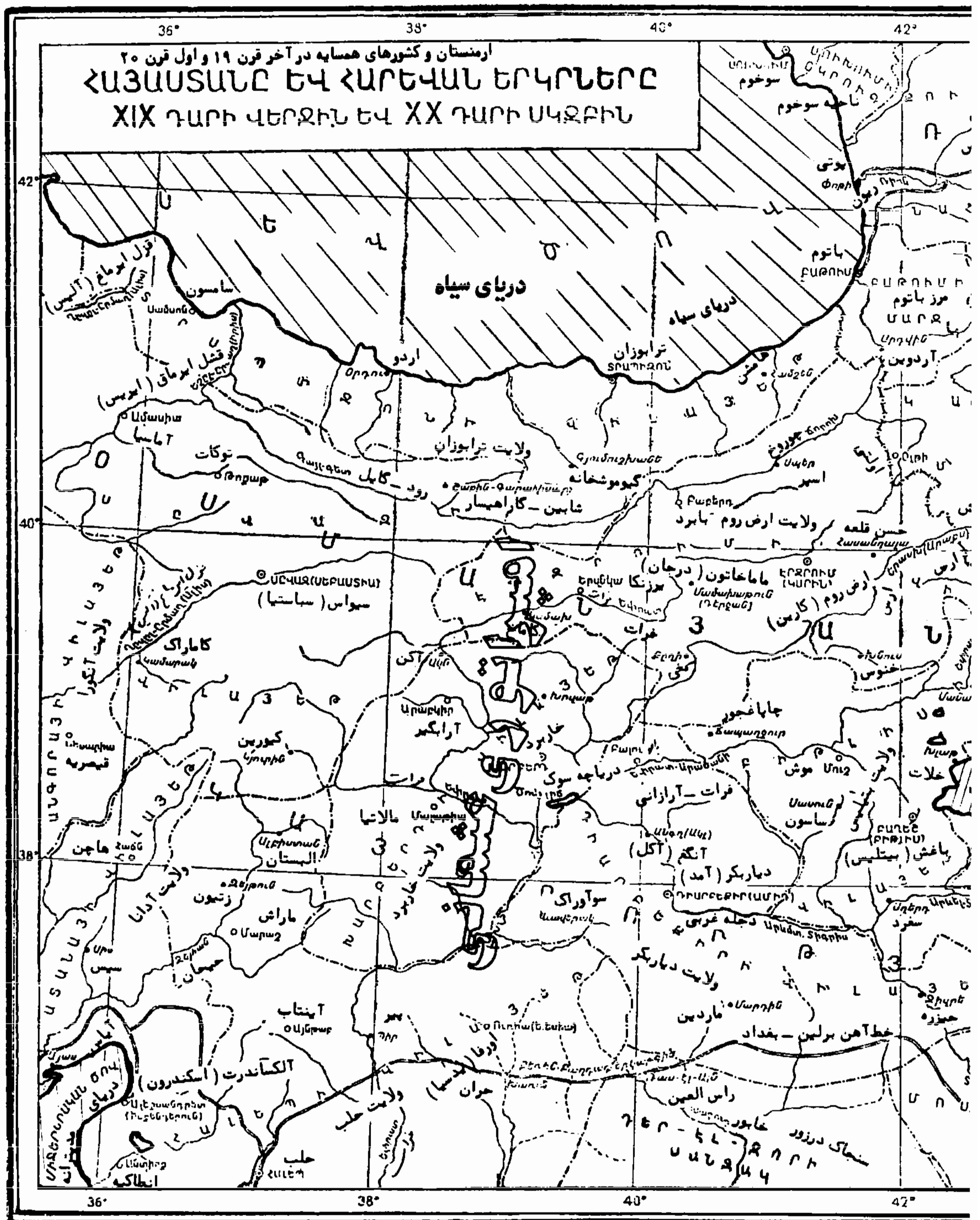
۱۹۷۰ ــ آوریل ــ خلق ارمنی به همراه تمام بشریت مترقی صدمین سال تولد

و.ای.لنین را جشن گرفت.

نوامبر – ۵۰ – امین سال برقراری حکومت شوروی در ارمنستان و تشکیل حزب کمونیست ارمنستان. در این رابطه به جمهوری نشان انقلاب اکتبر اعطاء شد. این نشان افتخار ارزنده را ل.ای.برژنف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که برای شرکت در جشن‌وارد ایروان شده بود، به جمهوری اعطاء نمود.

۱۹۷۱ – مارس – ۲۴ – امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو تشکیل شد.

پایان



Քարտեզի հեղինակ՝ Բ.Հ.ՀԱՐՈՒԹՅՈՒՆՅԱՆ نقشه از: ب.هاروتیونیان



44°
46°
48°
50°
ایران
دریای خزر
استان باکو
مرز داغستان
دربند
گونیب
تفلیس
آخالکالاک
الاوردی
قره کلیسا
الیزابت پل (گنجه)
شامکور
ولایت الیزابت پل
شاماخی
زاوات
باکو
جرابرد
تارتار
گانزاسار
شوشی
گوریس
قاپان
سالیانی
لنکوران
پل خداپرین
اردوباد
جلفا
نخجوان
ماکو
باش نوراشن
ایروان
کاغزوان
ایگدیر
بایزید
برکری
وان
واراگ
آغتامار
باش قلعه
شاتاخ
دجله
جلمار (جولامرک)
خوی (هر)
قطور
سلماس
ارومیه
اهر
تبریز
اردبیل
انزلی
رشت
ولایت موصل
موصل
مرزهای دولتی
مرزهای استان‌ها و ولایات
راه‌آهن
راه‌آهن درحال احداث یا طرح ریزی شده
مراکز استان‌ها،ناحیه‌ها و ولایات
شهرها
سایر مناطق مسکونی



Ք.Խ. ՀԱԿՈԲՅԱՆ نقشه از: ت.خ.هاکوپیان

ԵՐԵՎԱՆԻ ՊԵՏԱԿԱՆ ՀԱՄԱԼՍԱՐԱՆ

ՀԱՅ ԺՈՂՈՎՐԴԻ ՊԱՏՄՈՒԹՅՈՒՆ

ՀԱՏՈՐ II

19-ՐԴ ԴԱՐԻՑ ՄԻՆՉԵՎ 1971

Հատորը գրել են. *պրոֆեսորներ* Գ. Խ. Սարգսյանը
Բ. Խ. Հակոբյանը
Ա. Գ. Աբրահամյանը
Հայկ. ՍՍՀ ԳԱ ակադեմիկոս պրոֆ. Մ. Գ. Ներսիսյանը
Հայկ. ՍՍՀ ԳԱ ակադեմիկոս պրոֆ. Ս. Տ. Երեմյանը
և *պատմ. գիտ. դոկտոր* Կ. Ս. Խուդավերդյանը

ԽՄԲԱԳՐՈՒԹՅԱՄԲ
ՊՐՈՖ. Մ. Գ. ՆԵՐՍԻՍՅԱՆԻ

Թարգմանեց. Է. Գերմանիկ

ԹԵՀՐԱՆ 1981

۵۰۰ ریال

اول آبان ۱۳۶۰